



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پژوهشنامه

تربیت دینی فرزندان

(جلد دوم)

- نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز
- نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن
- نقش پدر در تربیت دینی پسران
- داستان‌های پندآموز تربیت دینی فرزندان
- خیرگویی و اذیت‌های خوب من
- معرفی کتاب

گروه آفریننده:

سید مجتبی حسینی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش نامه تربیت دینی فرزندان

نویسنده:

کامیلا دو لا بدویر

ناشر چاپی:

رهنمای اندیشمند

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	پژوهش نامه تربیت دینی فرزندان جلد ۲
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۱	فهرست مطالب
۳۷	سخن اول
۳۹	نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز
۳۹	چکیده
۴۰	مقدمه
۴۱	مفهوم شناسی
۴۱	اشاره
۴۲	- مفهوم نماز
۴۳	گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز
۴۳	مقدمه
۴۳	- فطرت
۴۴	- نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز
۴۵	- تأثیر دوستان و همسالان
۴۶	- نقش مدارس
۴۷	- اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه
۴۸	- نقش رسانه ملی
۴۹	- نقش مسجد
۵۱	- داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان
۵۲	- توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان
۵۳	گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز

۵۳	مقدمه
۵۳	- علل مربوط به خانواده
۵۴	- تعارض ها و اختلافات والدین
۵۵	- سایر عوامل خانوادگی
۵۹	- رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی
۵۹	- نقش رسانه ملی
۶۰	- شیطان بزرگترین بازدارنده از نماز
۶۱	گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز
۶۱	مقدمه
۶۱	- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف
۶۲	- روش عاطفی، همچون محبت و احسان
۶۳	- روش جلب، مانند احترام و تکریم
۶۴	- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت
۶۶	- روش اقتناعی، همچون برهان و حجت
۶۷	- روش برانگیزاننده، مانند تشویق
۶۷	- انواع تشویق
۶۹	- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است
۷۰	- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت
۷۲	- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان
۷۵	- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن
۷۶	- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی
۷۸	- روش فعال بجای روش انفعالی
۸۰	گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند
۸۰	مقدمه
۸۲	- گفتن اذان و اقامه در خانه
۸۲	- تنظیم برنامه خواب بچه ها

- ۸۳ - صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز
- ۸۴ - آسان گیری در عبادت فرزندان
- ۸۶ - گرفتن جشن تکلیف
- ۸۷ - همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز
- ۸۸ - گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز
- ۸۸ - مقدمه
- ۸۸ - اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام)
- ۸۹ - سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز
- ۹۰ - اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)
- ۹۰ - مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز
- ۹۱ - نتیجه گیری
- ۹۲ - فهرست منابع
- ۹۷ - نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن
- ۹۷ - اشاره
- ۹۷ - چکیده
- ۱۰۰ - این حق چگونه ادا می شود؟
- ۱۰۰ - مقدمه
- ۱۰۱ - اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان
- ۱۰۱ - آموزش قرآن به فرزند
- ۱۰۳ - العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر
- ۱۰۴ - تعلیم قرآن و نقش مادر
- ۱۰۵ - فواید خواندن قرآن در بارداری
- ۱۰۵ - تاثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار
- ۱۰۵ - تاثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزند
- ۱۰۶ - خوردن (میوه ها و غذاها)
- ۱۰۷ - از نظر روانی و عاطفه

۱۰۸	نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند
۱۰۹	اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند
۱۰۹	سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری
۱۱۰	دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی
۱۱۰	نقش قرآن در زیبا شدن کودک
۱۱۰	نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند
۱۱۱	نورانیت فرزند با تلاوت قرآن کریم
۱۱۱	تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک
۱۱۱	نقش قرآن در صالح شدن فرزند
۱۱۲	تعلیم قرآن و نقش پدر
۱۱۳	شیوه های آموزش قرآن به کودکان
۱۱۵	آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است
۱۱۵	روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن
۱۱۷	نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن
۱۱۸	شیوه های آموزش قرآن به کودکان
۱۲۰	آموزش مسائل دینی به کودکان
۱۲۰	حقی فرزند بر پدر
۱۲۲	نتیجه گیری
۱۲۴	فهرست منابع
۱۲۷	نقش پدر در غیرت دینی پسران
۱۲۷	اشاره
۱۲۷	چکیده
۱۲۸	مقدمه
۱۳۱	ریشه غیرت دینی
۱۳۱	مفهوم شناسی
۱۳۱	اشاره

۱۳۲	۱- نقش
۱۳۲	۲. پدر
۱۳۳	۳. غیرت
۱۳۳	اشاره
۱۳۶	منشأ غیرت
۱۳۷	فلسفه غیرت
۱۳۷	نمونه هایی از غیرت مندی
۱۳۹	۴. پسران
۱۳۹	نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت
۱۳۹	اشاره
۱۴۰	۱- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید
۱۴۰	۲- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید
۱۴۱	۳- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید
۱۴۲	۱- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید
۱۴۳	۲- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید
۱۴۴	۳- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید
۱۴۵	۴- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید
۱۴۶	۵- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید
۱۴۷	۶- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید
۱۴۷	۷- لباس هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید
۱۴۹	تربیت دینی فرزند
۱۴۹	تربیت اعتقادی
۱۵۰	تربیت عبادی
۱۵۱	تربیت اخلاقی
۱۵۲	نتیجه گیری
۱۵۳	فهرست منابع

۱۵۷	داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	چکیده
۱۵۸	مقدمه
۱۵۹	قصه در لغت
۱۶۰	قصه در اصطلاح
۱۶۲	اهمیت قصه و قصه گویی
۱۶۲	اشاره
۱۶۳	انواع قصه ها
۱۶۵	ویژگی قصه چیست؟
۱۶۵	معیارهای انتخاب قصه
۱۶۶	ارزش های تربیتی قصه و قصه گویی در تعلیم و تربیت کودک
۱۶۶	اشاره
۱۶۸	اهمیت قصه در تربیت کودک
۱۸۵	قصه در قرآن
۱۸۵	اشاره
۱۸۶	اهمیت قصه در قرآن
۱۸۷	ویژگی های قصه در قرآن
۱۸۷	اشاره
۱۸۹	شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن
۱۹۲	داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان
۱۹۲	نمونه داستان های پندآموز
۱۹۲	حکایت آن درخت
۱۹۳	نتیجه گیری
۱۹۶	فهرست منابع
۲۰۰	خبرگو ای زادگاه خوب من

۲۰۰	اشاره
۲۰۰	جمعیت
۲۰۰	موقعیت
۲۰۰	وجه تسمیه
۲۰۱	چکیده
۲۰۱	مقدمه
۲۰۳	شناسایی کلی شهر
۲۰۳	الف- شناسایی محیط جغرافیایی
۲۰۷	ب- تاریخچه شهر
۲۰۹	سیمای شهر
۲۰۹	۱- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده
۲۱۰	۲- محله های شهر و مشخصات آن ها
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	قوم سادات
۲۱۲	۳- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر
۲۱۲	۴- مسکن و تسهیلات زندگی
۲۱۲	اشاره
۲۱۲	دورنمایی از مسکن قدیمی
۲۱۳	جمعیت شناسی
۲۱۳	تعریف جمعیت شناسی
۲۱۳	اشاره
۲۱۴	الف- ساخت جمعیت
۲۲۶	ب- حرکت جمعیت
۲۳۰	ترکیب جامعه
۲۳۰	اشاره
۲۳۰	۱- توزیع شغلی

- ۲- روابط میان قشرها ۲۳۲
- ۳- روابط سالخوردگان و جوانان ۲۳۳
- ۴- روابط با روستاهای اطراف ۲۳۳
- آداب و رسوم و اعتقادات ۲۳۴
- اشاره ۲۳۴
- الف- اعتقادات ۲۳۴
- ۱- اعتقادات خرافی ۲۳۴
- ۲- اعتقادات پراکنده ۲۳۶
- ۳- اعتقادات پزشکی ۲۳۸
- ۴- اعتقادات مذهبی ۲۴۰
- ب- ضرب المثل ها ۲۴۱
- ج- آداب و رسوم ازدواج ۲۴۶
- د- تولد نوزاد ۲۵۲
- ه- ختنه سوران ۲۵۴
- و- مراسم حج و زیارت خانه خدا ۲۵۵
- ز- مراسم عید فطر ۲۵۶
- ح- جشن پیروزی انقلاب اسلامی ۲۵۶
- ط- عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان ۲۵۷
- ی- مرگ و مراسم آن ۲۵۹
- ک- زبان و لهجه ۲۶۱
- اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها) ۲۶۱
- اشاره ۲۶۱
- سازمان ها و تأسیسات روستا ۲۶۸
- تعاون، همکاری و نوع معیشت ۲۷۶
- نوع معیشت ۲۷۸
- نتیجه گیری ۲۸۰

۲۸۱	پیشنهادات
۲۸۲	محدودیت های تحقیق
۲۸۳	فهرست منابع
۲۸۶	معرفی کتاب
۲۹۱	درباره مرکز

پژوهش نامه تربیت دینی فرزندان جلد 2

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی نژاد، سیدمجتبی، 1359-

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز... / گردآورنده سیدمجتبی حسینی نژاد.

مشخصات نشر: قم: اثر قلم، 140 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج. 3-07-5450-622-2978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد دوم؛ 1401.

یادداشت: کتاب حاضر جلد دوم کتاب "پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش مادر در عفت دختران، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان..." در نظر گرفته شده است که در سال 1400 به صورت مستقل منتشر شده است.

عنوان دیگر: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز...

عنوان دیگر: پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش مادر در عفت دختران، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان...

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام* Domestic education -- Religious aspects -- Islam تربیت

اخلاقی -- جنبه های مذهبی -- اسلام Moral education -- Religious aspects -- Islam خانواده ها -- جنبه های مذهبی --

اسلام Families -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: BP253/4

رده بندی دیویی: 297/644

شماره کتابشناسی ملی: 9111875

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان (جلد دوم)

▪ نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز

▪ نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

▪ نقش پدر در غیرت دینی پسران

▪ داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان

▪ خیرگوای زادگاه خوب من

▪ معرفی کتاب

گردآورنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

ص: 3

امام خمینی (ره):

با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفت‌هایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است.

(صحیفه امام خمینی (ره)، جلد 21، ص 138)

عکس

□

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی):

هدف پژوهش دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری، دوم حلّ مسائل کنونی و آینده‌ی کشور.

(<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4209>)

ص: 5

سخن اول. 15

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز / 17

چکیده 17

مقدمه. 18

مفهوم شناسی.. 19

- مفهوم نماز. 20

گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز. 21

مقدمه. 21

- فطرت... 21

- نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز. 22

- تأثیر دوستان و همسالان. 23

- نقش مدارس.... 24

- اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه. 25

- نقش رسانه ملی.. 26

- نقش مسجد. 27

- داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان. 29

- توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان. 30

گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز. 31

مقدمه. 31

- علل مربوط به خانواده 31

- تعارضها واختلافات الدين .. 32

ص: 7

- سایر عوامل خانوادگی.. 33

- رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی.. 37

- نقش رسانه ملی.. 37

- شیطان بزرگترین بازدارنده از نماز. 38

گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز. 39

مقدمه. 39

- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف... 39

- روش عاطفی، همچون محبت و احسان. 40

- روش جلب، مانند احترام و تکریم. 41

- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت... 42

- روش اقتناعی، همچون برهان و حجت... 44

- روش برانگیزاننده، مانند تشویق.. 45

- انواع تشویق.. 45

- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است... 47

- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت... 48

- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان. 50

- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن. 53

- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی.. 54

- روش فعال بجای روش انفعالی.. 56

گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند 58

مقدمه. 58

- گفتن اذان و اقامه در خانه. 60

- تنظیم برنامه خواب بچه ها 60

- صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز. 61

ص: 8

- آسان گیری در عبادت فرزندان. 62

- گرفتن جشن تکلیف.... 64

- همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز. 65

گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز. 66

مقدمه. 66

- اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) 66

- سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز. 67

- اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) 68

- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز. 68

نتیجه گیری.. 69

فهرست منابع. 70

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن / 75

چکیده 75

این حق چگونه ادا می شود؟. 78

مقدمه. 78

اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان. 79

آموزش قرآن به فرزند. 79

العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر. 81

تعلیم قرآن و نقش مادر. 82

فواید خواندن قرآن در بارداری.. 83

تاثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار. 83

تأثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزندان. 83

خوردن (میوه ها و غذاها) 84

از نظر روانی و عاطفه. 85

ص: 9

نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند. 86

اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند. 87

سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری.. 87

دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی.. 88

نقش قرآن در زیبا شدن کودک... 88

نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند. 88

نورانیت فرزند با تلاوت قرآن کریم. 89

تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک... 89

نقش قرآن در صالح شدن فرزند. 89

تعلیم قرآن و نقش پدر. 90

شیوه های آموزش قرآن به کودکان. 91

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است... 93

روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن. 93

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن. 95

شیوه های آموزش قرآن به کودکان. 96

آموزش مسائل دینی به کودکان. 98

حقی فرزند بر پدر. 98

نتیجه گیری.. 100

فهرست منابع. 102

نقش پدر در غیرت دینی پسران / 105

چکیده 105

مقدمه. 106

ریشه غیرت دینی.. 109

مفهوم شناسی.. 109

ص: 10

1- نقش.... 110

2. پدر. 110

3. غیرت... 111

منشأ غیرت... 114

فلسفه غیرت... 115

نمونه هایی از غیرت مندی.. 115

4. پسران. 117

نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت... 117

1- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید. 118

2- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید. 118

3- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید. 119

1- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید. 120

2- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید. 121

3- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید. 122

4- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید. 123

5- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید. 124

6- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید. 125

7- لباس هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید. 125

تربیت دینی فرزند. 127

تربیت اعتقادی.. 127

تربیت عبادی.. 128

تربیت اخلاقی .. 129

نتیجه گیری .. 130

فهرست منابع. 131

ص: 11

چکیده 135

مقدمه. 136

قصه در لغت... 137

قصه در اصطلاح.. 138

اهمیت قصه و قصه گویی.. 140

انواع قصه ها 141

ویژگی قصه چیست؟. 143

معیارهای انتخاب قصه. 143

ارزش های تربیتی قصه و قصه گویی در تعلیم و تربیت کودک... 144

اهمیت قصه در تربیت کودک... 145

قصه در قرآن. 162

اهمیت قصه در قرآن. 163

ویژگی های قصه در قرآن. 164

شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن. 166

داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان. 169

نمونه داستان های پندآموز. 169

حکایت آن درخت... 169

نتیجه گیری.. 170

فهرست منابع. 173

خیرگوی زادگاه خوب من / 177

جمعیت... 177

موقعیت... 177

وجه تسمیہ. 177

ص: 12

چکیده 178

مقدمه. 178

شناسایی کلی شهر. 180

الف- شناسایی محیط جغرافیایی.. 180

ب- تاریخچه شهر. 184

سیمای شهر. 186

1- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده 186

2- محله های شهر و مشخصات آن ها 187

قوم سادات... 187

3- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر. 189

4- مسکن و تسهیلات زندگی.. 189

دورنمایی از مساکن قدیمی.. 189

جمعیت شناسی.. 190

تعریف جمعیت شناسی.. 190

الف- ساخت جمعیت... 191

ب- حرکت جمعیت... 203

ترکیب جامعه. 207

1- توزیع شغلی.. 207

2- روابط میان قشرها 209

3- روابط سالخوردگان و جوانان. 210

4- روابط با روستاهای اطراف... 210

آداب و رسوم و اعتقادات... 211

الف- اعتقادات... 211

1- اعتقادات خرافی.. 211

2- اعتقادات پراکنده 213

ص: 13

- 3- اعتقادات پزشکی.. 215
- 4- اعتقادات مذهبی.. 217
- ب- ضرب المثل ها 218
- ج- آداب و رسوم ازدواج.. 223
- د- تولد نوزاد 229
- ه- ختنه سوران. 231
- و- مراسم حج و زیارت خانه خدا 232
- ز- مراسم عید فطر. 233
- ح- جشن پیروزی انقلاب اسلامی.. 233
- ط- عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان. 234
- ی- مرگ و مراسم آن. 236
- ک- زبان و لهجه. 238
- اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها) 238
- سازمان ها و تأسیسات روستا 245
- تعاون، همکاری و نوع معیشت... 253
- نوع معیشت... 255
- نتیجه گیری.. 257
- پیشنهادات... 258
- محدودیت های تحقیق.. 259
- فهرست منابع. 260
- معرفی کتاب / 263

یکی از اساسی ترین نیازها برای نیل به پیشرفت و توسعه همه جانبه یک کشور پژوهش است. و قدرت و استقلال هر کشوری بر پژوهش و تولید علم استوار است.

اگر پژوهشی صورت نگیرد، دانش بشری افزایش نخواهد یافت و دچار سکون و رکود خواهد شد. بدون انجام پژوهش، امور آموزشی نیز از پویایی و نشاط لازم برخوردار نخواهد بود. از این رو یکی از عوامل اساسی پیشرفت در کشورهای توسعه یافته، توجه خاص به امر پژوهش است. اصولاً پیشرفت و توسعه، ارتباط مستقیمی با تحقیقات علمی دارد و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته در نتیجه سرمایه گذاری در بخش پژوهش است. حجم وسیع پژوهش های علمی در کشورهای توسعه یافته صنعتی گویای این واقعیت است.

با توجه به پنج کتاب منتشره و دیدن پژوهشنامه موسسه دارالثقلین امام عصر روحی فداه ایده ذهنی برای جمع کردن این آثار به صورت مقاله و کتاب پژوهشنامه تداعی ذهن شد که بحمدالله جلد اول چاپ شد.

بعد از چاپ دیگر آثار هم اکنون مقاله این کتاب ها در قالب پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان جلد دوم پیش روی شماست.

قابل ذکر است مقاله کتاب خیرگو ای زادگاه خوب من نیز در ذیل مقالات مستقل در این پژوهشنامه گنجاندم.

از خداوند توفیق بیش از پیش در این راه خواهانم.

سیدمجتبی حسینی نژاد

تیرماه 1400

ص: 15

از آنجا که نماز، نخستین واجب الهی و سفارش معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین است، همواره دغدغه والدین، بویژه والدین مذهبی، این بوده که چه عواملی می تواند در گرایش فرزندان به این فریضة مقدس الهی، مؤثر باشد، تا بتوانند با شناخت و آگاهی از آنها، در جلب و جذب فرزندان به نماز کمک گیرند.

چکیده

برای انسان همواره این پرسش مطرح بوده است که چگونه می تواند به زندگی خویش معنا بخشد، و این معنا جویی و معنا خواهی یکی از نیازهای بنیادی انسان است که چنانچه بدرستی هدایت شود به دین باوری و خدا پرستی می انجامد. از اینرو جایگاه دین و تربیت دینی در عصر جدید با توجه به چالش های نهفته در درون آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و پرورش حس دینی در نسلی که توان مقابله و کنار آمدن با تضادها و چالش های عصر جدید را داشته باشد مستلزم دگرگونی در روشهای تربیتی و در عین حال دگرگونی در مبانی و منابع آسیب شناختی تربیت دینی است.

مراحل کمال انسان، و فراهم نمودن زمینه های مناسب برای رشد و تکامل، یکی از بحثهای مهم روانی، علمی و تربیتی است. در مسائل تربیت اسلام، اجداد و نیاکان، خانواده، جامعه، دوران قبل از ازدواج پدر و مادر، دوران بارداری مادر، دوران کودکی و نوجوانی، معلم و استاد، دوستان و انتخاب و اختیار انسان، از آن گذشته

ص: 17

های دور تا آینده ای بسیار مهم و سرنوشت ساز، همگی به عنوان مراحل کمال انسان مورد بررسی و دقت لازم قرار گرفته است.

باورهای مذهبی و گرایش عمیق تر به آموزه ها و تکالیف دینی، زمانی برای کودک معنی دار می شوند که با نیازهای واقعی و رویدادهای زندگی روزمره او پیوند طبیعی و عمیق داشته باشند. و این وظیفه والدین است که با روشهای فعال، در پیوند میان نیازها و تکالیف دینی، فرصتهای مناسب و رخدادهای سازنده را شناسایی کرده و در سنین مناسب، بکار گیرند.

خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری دارد. بنابراین یکی از رسالتهای ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندان، بیدار سازی نیازهای فطری آنها از همان دوران کودکی می باشد، تا آنها انجام تکالیف مذهبی از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند.

علاوه بر خانواده عوامل بسیار دیگری نیز در گرایشهای مذهبی فرزندان مؤثرند که از آن جمله می توان به دوستان، جامعه، رسانه و... اشاره کرد، که هر یک به طور اجمال در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

والدین اگر می خواهند فرزندان نمونه، پر نشاط، معنوی و عاری از گناه داشته باشند، باید شوق به اقامه نماز را در فرزندان نشان نهدینه نمایند. همچنین به راهکارها و روشهای صحیح و اصولی تشویق فرزندان به نماز، که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) و سیره ایشان و بزرگان و علمای بزرگ است پرداخته و آنها را سرلوحه خویش قرار دهند.

مقدمه

آدمی در دنیای امروز در جلوه نمایی آزمندیها و مطامع، محتاج فرصتی است که از برون خسته و افسرده اندکی گریخته و سری به درون متعالی خویش بزند. پرده های غفلت و عصیان را کنار زده چشمی به روشنایی باز کند، و واسطه این کار جز

نماز نیست.

نماز عالی ترین و مؤثرترین ابزار تربیت و هدایت در انسان است که توجه به آن، سالم سازی فکری و روحی فرزندان را بدنبال دارد. نماز فریضه ای است که اساس فلسفه آن تربیت است و تأکید بر اقامه آن به صورت جماعت، نشان دهنده ی اجتماعی بودن این فریضه است. نماز از ملزومات تربیتی و هدایتی است که نقش مؤثری در سالم سازی فکری و روحی فرزندان دارد و رشد و اعتلای معنوی آن در محیط های مختلف بویژه در خانه و توسط والدین با توجه به تأثیر اقامه نماز محقق می شود.

براساس کتب نوشته شده، برخی از عوامل عدم گرایش فرزندان به نماز چنین است: بیان نامعقول از برخی مفاهیم دینی، عملی نشدن توصیه های والدین (تعارض بین گفتار و کردار والدین)، نبود برنامه ریزی درست فرهنگی برای تشویق فرزندان به نماز، رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی و... .

موفقیت در تأثیر تشویق فرزندان به نماز توسط والدین و جذب آنان به این امر مهم، توجه به روشهای مناسب، جذاب و اصولی تبلیغ و تشویق نماز، عدم اصرار بر تنبیه های سخت و ارایه ی الگوهای عملی در این خصوص است که این عوامل باید مورد توجه والدین گرامی قرار گیرد.

مفهوم شناسی

اشاره

- مفهوم تأثیر: اثر گذاشتن در چیزی؛ اثر کردن؛ نفوذ؛ قدرت تأثیرگذاری. (1)

- مفهوم تشویق: به شوق آوردن؛ آرزومند ساختن؛ راغب ساختن؛ (2) کار کسی را ستودن و او را دلگرم کردن. (3)

ص: 19

1- فرهنگ فارسی عمید؛ حسن عمید؛ ج 1.

2- فرهنگ معین؛ محمد معین؛ ج 1؛ فرهنگ عمید؛ ج 1.

3- همان.

- مفهوم والدین: پدر و مادر؛(1)

آدم(علیه السلام)؛(2) حامل و کسی که بچه ها را آشکار می کند؛(3)

- مفهوم گرایش: قصد و آهنگ؛ تمایل و میل؛ خواهش؛ سرپیچی و نافرمانی.(4)

- مفهوم فرزند: پسر یا دختر هر مرد یا زنی نسبت به خود او؛ کودکان؛(5)

زاده، چیزی که از دیگری تولید شده باشد؛(6) نسل، بچه هنگام تولد؛ بر دختر و پسر هر دو دلالت می کند.(7)

- مفهوم نماز

نماز در لغت: خدمت و بندگی؛ فرمانبرداری؛ رکوع و سجود؛ سر فرود آوردن برای تعظیم؛(8) نماز از طرف خدا رحمت است و از طرف ملائکه دعا و استغفار؛(9) عبادت مخصوص و واجب مسلمانان که به طور وجوب پنج بار در شبانه روز ادا می کنند.(10)

نماز در اصطلاح: عملی است عبادی که با کیفیت و آداب خاصی در مواقع معین برگزار می شود، که روح آن ارتباط با خدا و یاد و تسبیح اوست. نیایش و ستایشی

ص: 20

1- . فرهنگ معین؛ ج4؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

2- . مجمع البحرین؛ شیخ فخرالدین طریحی؛ ج3؛ ص164.

3- . لسان العرب؛ محمد بن مکرم ابن منظور؛ ج 2، ص 469؛ العین؛ محمد بن احمد فراهیدی؛ ج18؛ ص71.

4- . فرهنگ معین؛ ج3؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

5- . همان؛ ج2.

6- . فرهنگ معین؛ ج 2.

7- . لسان العرب؛ ج 3؛ ص 467؛ لغت نامه دهخدا؛ علی اکبر دهخدا؛ ج 11.

8- . لغت نامه دهخدا؛ ج 14.

9- . لسان العرب؛ ج 14؛ ص464.

10- . فرهنگ معین؛ ج4؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

است با کیفیت و حالاتی خاص، از روی خضوع و خشوع که در ادیان مختلف به صورتهای متفاوتی انجام می شود. این عبادت در اسلام بر اساس تقسیم بندی به رکعتهاست و در هر رکعت به صورت یک واحد و در آن ذکر و عمل و آداب است. در شبانه روز پنج بار و در مجموع هفده رکعت است که دارای جنبه الزام و وجوب می باشد. محتوای نماز، ذکر خدا، تسبیح خدا، استعانت از خدا و... است. (1)

گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز

مقدمه

از آنجا که نماز، نخستین واجب الهی و سفارش معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین است، همواره دغدغه والدین، بویژه والدین مذهبی، این بوده که چه عواملی می تواند در گرایش فرزندان به این فریضة مقدس الهی، مؤثر باشد، تا بتوانند با شناخت و آگاهی از آنها، در جلب و جذب فرزندان به نماز کمک گیرند.

بنابراین آنچه در این فصل به آن خواهیم پرداخت، عوامل مؤثر در گرایش فرزندان به نماز می باشد.

- فطرت

اقامة نماز و با نماز زندگی کردن، نیاز فطری انسان است. زیرا نماز تمام خواسته های فطری را تأمین می کند و به استعداد حقیقت یاب انسان توجه دارد و او را با خویش، با خدا و با کمال مطلق مربوط می کند. (2)

به همین دلیل کودکان تا زمانی که به دوره بزرگسالی منتقل نشده اند، بهترین و مساعدترین شرایط برای پرورش حس دینی، باورها و اعتقادات مذهبی از جمله گرایش به نماز را دارند؛

ص: 21

1- . نماز در سیمای خانواده؛ انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران؛ ص 240 و 241.

2- . نماز در قرآن؛ محمد اخوان؛ ص 97.

چون میثاق کودکان با فطرت خویش، تازه تر و شفاف تر از دوره بزرگسالی است. (1)

در واقع روح عبادت در فطرت انسان نهفته است، و اگر درست رهبری شود، در آینده جایگاه «عرش الرحمن» می شود و گرنه به عبادت طاغوت و بت می گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی وجود دارد، اما اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می خورد و از آن لذت هم می برد، بدون هدایت صحیح این گرایش فطری نیز، انسان به عشقهای زودگذر یا پرستش های بی محتوای انحرافی دچار می شود. (2)

- نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز

خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری دارد. بنابراین یکی از رسالتهای ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندان، بیدار سازی نیازهای فطری آنها از همان دوران کودکی می باشد، تا آنها انجام تکالیف مذهبی از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند. (3)

همانطور که گفته شد باید تربیت، بویژه آموزش نماز، از دوران کودکی و بتدریج آغاز گردد؛ همچنان که راه و رسم تربیتی خاندان پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) در مورد فرزندان نشان چنین بوده است. آن بزرگواران، نونهالان خویش را پیش از رسیدن به سن بلوغ، با نماز و آداب آن آشنا می کردند و با روشهای لطیف آموزش و تربیت، طعم شیرین عبادت و بندگی خدا را به آنان می چشانند. (4)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقش تربیتی خانواده در گرایش فرزند به نماز، به وضوح بیان شده است که فرموده اند:

ص: 22

- 1- . نکته های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 78.
- 2- . راز نماز؛ حجت الاسلام محسن قرائتی؛ ص 16.
- 3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 53.
- 4- . رسالت و جایگاه نماز جمعه؛ سید رضا نقوی؛ ص 49.

«هنگامی که کودک سه ساله شد جمله (لا اله الا الله) را به او بیاموزید و از او بخواهید آنرا بازگو کند. وقتی که سن او از سه سالگی گذشت، به او گفته شود جمله (محمداً رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)) را باز گو کند و هنگامی که چهار سالش گذشت به او گفتن (صلی الله علی محمد و آل محمد) گفته شود جمله (محمداً رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)) را باز گو کند و هنگامی که چهار سالش گذشت به او گفتن (صلی الله علی محمد و آل محمد) را یاد داده و در پنج سالگی از دست چپ و راست او سؤال نمایید. آنگاه رویه قبله نشستن را یادش بدهید و از او بخواهید سجده نماید و هنگامی که هفت سالش کامل شد به او بگویید دست و صورتت را بشوی و نماز بخوان» (1).

آری خانواده مهمترین پایگاه گرایش فرزندان به نماز است؛ البته اگر این خانواده لبریز از ذکر و یاد و محبت خدا باشد و کودک از همان لحظه میلادش در خانواده ای که مشحون از ذکر خداست پرورش یابد، این کودک نه تنها هرگز از خدای متعال نمی گریزد، بلکه انس با خدا را در ذکر با خدا پیدا می کند. (2)

- تأثیر دوستان و همسالان

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیر گذار در تربیت انسان، دوستان و معاشران هستند. در دنیای امروز نمی توان درب منزل را بست، اما باید دقت داشت فرزندان با چه کسانی ارتباط دارند؟

بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان بعد از اراده و تصمیم او، امور مختلفی است که از أهم آنها، همنشین، دوست و معاشر است. چراکه انسان خواه ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش یاد می گیرد. گاهی نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر

ص: 23

1- . بحار الانوار؛ ج 88؛ ص 131.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 103.

عاملی مهمتر می شود و او را تا سر حد فنا و نیستی می برد و گاه تا اوج افتخار می رساند. (1)

تأثیر پذیری از دوستان، در منطق دینی و اسلام امری پذیرفته شده می باشد، بطوریکه روایات فراوانی در امر انتخاب دوست مناسب از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است. از آن جمله روایتی است از امام صادق (علیه السلام) که می فرماید:

«خصلتان من کانتا فيه و آلا فأعزب، ثم أعزب، ثم أعزب. قيل و ما هما؟ قال الصلاة في مواقيتها و المحافظة عليها و المواساة؛ هر که دو خصلت در او بود، قابل معاشرت و دوستی است، وگرنه از او دوری کن، از او دوری کن، از او دوری کن. گفته شد آن دو خصلت چیست؟ فرمودند: یکی نماز را به وقتش خواندن و به آن مواظب بودن و دیگری همدردی». (2)

اینکه امام (علیه السلام) سه بار فرمودند دوری کنید، نشانه شدت تأثیر گذاری صفات اخلاقی افراد در یکدیگر است. در واقع مفهوم این کلام نورانی آن است که اگر با غیر دوستانی که بی توجه به نماز و عبادتند نشست و برخاست داشته باشید، آنان شما را از مسیر سعادت منحرف می سازند و اخلاقشان را در شما تسری می بخشند. (3)

- نقش مدارس

مدرسه مهمترین کانون تربیتی بعد از خانواده است. مدرسه پلی است که فرزندان را با جامعه مرتبط می کند و از آنها فردی مؤثر، فعال و مفید به حال جامعه می سازد.

نقش تربیتی مدرسه را می توان به عوامل متعددی تقسیم کرد که القای

ص: 24

1- آثار تربیتی نماز؛ ص 138 و 139.

2- بحار الانوار؛ ج 71؛ ص 391.

3- نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 85.

ارزشهای معنوی و بیان امور عبادی از جمله نماز، می تواند از زمرة آنها باشد. با برگزاری فریضة الهی نماز به شکل جماعت در مدارس، زمینه ای فراهم می شود که فرزندان می توانند در یک فضای معنوی در کنار هم سن و سالن وهم کلاسی های خود، مشغول خواندن نماز شوند و این احساس نشاط بیشتری به آنها می دهد. (1)

اگر مدارس شرایط را برای نماز خواندن مساعد کنند و به همراه اجرای برنامه های آموزشی نماز، برنامه تشویق نماز خوانها را هم داشته باشند، تأثیر مدارس در گرایش فرزندان به نماز دو چندان خواهد شد. وقتی حضور در برنامه نماز، عملی مهم بشمار آید، و از این مسأله چنان با عظمت یاد شود، بچه ها خود اصرار خواهند داشت که در صف نماز خوانان حاضر شوند. (2)

- اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ اگر در روی زمین به آنان تمکین دهیم، نماز را بپا داشته و زکات داده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها به دست خداست». (3)

این آیه کریمه سرلوحه برخی کارهای مهم است، و وظایف اصلی زمامداران و حاکمان را بیان می کند، و اولین عملی که به عنوان وظیفه حاکمان اسلامی گوشزد می نماید، اقامه نماز است. جمله «اقاموا الصلاة» به معنای خواندن نماز نیست، زیرا مسلمان در هر شرایطی باید نمازش را بخواند، چه تمکُن داشته باشد چه نداشته باشد؛ بلکه معنا این است که حاکم اسلامی باید در برپایی و ترویج نماز بکوشد و

ص: 25

1- آثار تربیتی نماز؛ ص 149 و 150.

2- نماز در سیمای خانواده؛ ص 172 و 173.

3- حج؛ آیه 41.

آنرا تبلیغ کند. (1) همانند پیشوایمان امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، آنجا که در فرمان الهی - سیاسی شان به مالک اشتر می فرمایند:

«از مسائلی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است. پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به خدا اختصاص ده... هنگامی که نماز به جماعت می خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را پراکنده ساز و نه آنکه آنرا تباه ساز». (2)

این سفارش امام علی (علیه السلام) اشاره به جایگاه مسؤولان حکومت دینی در قبال تشویق و ترغیب به اقامه نماز در جامعه دارد، و اینکه نظام اسلامی و حاکمان آن موظفند علماً و عملاً راهها و فرآیندهای مربوط به اقامه نماز را در جامعه اسلامی، در هر عصری بیابند و در جهت توفیق روز افزون و ترغیب به اقامه نماز قدم بردارند. تنها در جامعه ای که به سفارشات پیشوایان دین و قرآن عمل شود، ما شاهد فرزندانی تربیت یافته و تعلیم دیده دینی خواهیم بود. (3)

- نقش رسانه ملی

بعد از خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان عوامل تأثیر گذار در تربیت ذکر شده اند، اما نباید تصور شود که رسانه ملی نقش کمتری از آنها دارد؛ بلکه شاید بتوان گفت نقش آن بیشتر و پررنگ تر است. از جمله رسانه های ملی، صدا و سیما است که به عنوان بازوی قدرتمند و رسانه ای پرطرفدار، می تواند نقش بسیار سازنده ای در گرایش فرزندان به نماز داشته باشد.

مُسَدِّ لَمَّا ساختن برنامه هایی که مفاهیم نماز و تأثیرات آن بر زندگی انسان را نشان می دهد، در این زمینه ها بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود. پخش اذان با

ص: 26

1- . نماز در آینه وحی؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ ص 92.

2- . نهج البلاغه؛ نامه 53.

3- . آثار تربیتی نماز؛ ص 142.

صدایی گیرا و جذاب، ساختن سرودهای زیبا برای نماز و اذان و پخش آنها لحظاتی قبل از اذان، در جذب فرزندان به نماز مؤثر است. قطع برنامه های صدا و سیما موقع پخش اذان، فعالیت دیگری است در یادآوری وقت نماز و گرایش به آن.

برخی صاحب نظران معتقدند، امروزه پس از گسترش این ابزار، تلویزیون بصورت عضوی بدیل جامعه و حتی خانواده ها در آمده است، به همین دلیل درباره کارکرد این وسیله دیدگاههای متفاوتی داشته و تعریف واحدی از آن ندارند. اما با وجود همه این تفاوتها در تعریف، نمی توان نقش مهم و مؤثر رسانه ها را در شکل دادن ابعاد تربیتی جامعه، بخصوص مسائل مذهبی نادیده گرفت؛ زیرا اثر آن بسیار زیاد و فراگیر است. (1)

- نقش مسجد

- مسجد به عنوان کانون تربیت و ترغیب فرزندان به نماز: یکی از عوامل مؤثر در گرایش فرزندان به نماز، بدون شک مسجد است. مسجد عهده دار نقش مهمی در عرصه های عبادی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است. از چهره های شاخص و تأثیر گذار مسجد، امام جماعت است که به عنوان یک راهنما نقش حساسی در هدایت فرزندان یک ملت ایفا می کند. وی به عنوان پرچمدار اسلام و مبلغ و ترویج دهنده احکام آن، همواره نقش بسزایی در گرایش و جذب همه اقشار و مخصوصاً نوجوانان و جوانان به نماز و دین دارد. (2)

- همراه بردن بچه ها به مسجد: قرآن کریم می فرماید:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ زینتهایتان را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید» (3)

ص: 27

1- . همان؛ ص 153 و 154.

2- . همان؛ ص 156 و 157.

3- . اعراف؛ آیه 31.

«المال و البنون زينة الحياة الدنيا؛ مال و فرزند زینت زندگی دنیایی است».(1)

با توجه به این دو آیه شریفه، شاید بتوان گفت: که هرگاه به مسجد می روید فرزندان خود را به مسجد ببرید تا با محیط عبادت خوبگیرند و مقداری از مال خود را ببرید تا محرومان بهره ببرند.(2) در واقع وقتی والدین کودک را به مسجد می برند، او را با اجتماعی آشنا می سازند که آنان را هدفی مقدس جمع داشته است(نه مال و شهوت)؛ و همه برای سالم بودن و بهتر شدن و بندگی حق و کار خیر در آنجا گرد آمده اند. نظام نماز جماعت، احترام به بزرگتر به صورت علمی و عملی، و انضباطی است که در عمل دارند، همه آموزنده و تأثیر گذار در وجود فرزند خواهند بود. بنا به قولی مسجد روح دینی را از فردی که متدین و مؤمن است به فردی که می خواهد متدین شود منتقل می نماید.(3)

- نقش جذابیت و پاکیزگی فضای مساجد: برای اینکه مسجد در گرایش نوجوان و جوان به نماز مؤثر باشد، باید از همان سردر، تا درون مسجد، آراسته و پیراسته باشد. اگر جاذبه های هنری و علمی و تابلوها و نوشته های زیبا و جذاب در مسجد استفاده شود، تأثیر گذاری آن در جذب به نماز بیشتر خواهد بود.(4)

مسجد به عنوان یک سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام، خود باید نمونه ای از به کارگیری علمی آموزشهای اسلامی باشد. پاکیزگی سنگر خداپرستان، موجب پاکیزگی جسم و روح نماز گزاران می شود و نوجوانان و جوانان را بسوی هدایت رهنمون می شود. چون ذات جوان و نوجوان، پاکیزگی را دوست دارد. وقتی کسانی که به مسجد

ص: 28

1- . کشف؛ آیه 46.

2- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ جمشید احمدی؛ ص 87.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 210.

4- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 88.

می آیند، لباس تمیز و سفید و معطر را برای نماز خواندن انتخاب می کنند، از یک سو خوب خود را آماده ملاقات با خدا کرده اند، و از سوی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می دهند و در آنها رغبت آمدن به مسجد و گرایش به نماز خواندن را زیاد می کنند. (1)

- داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان

روزی از سهل شوشتری که اهل کرامت بود پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ ایشان پاسخ دادند: من در کودکی نزد دایی ام زندگی می کردم، وقتی هفت ساله بودم، یک نیمه شبی از خواب بیدار شدم برای قضای حاجت. وقتی که برگشتم بخوابم، دایی ام را دیدم که روبه قبله نشسته و عبایی به دوش کشیده، عمامه ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آنگاه از من پرسید: پسر چرا نشسته ای؟ برو بخواب. گفتم از کار شما خوشم آمده و می خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایی ام به من گفت: برو بخواب. گفتم دوست دارم هرآنچه شما می گوئید من هم تکرار کنم. دایی ام مرا روبه قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو یا حاضر و یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر و یا ناظر را چند بار تکرار می کردم. کم کم وضو گرفتن را هم آموختم و پس از آنکه وضو می گرفتم، هفت مرتبه می گفتم: یا حاضر و یا ناظر. بالاخره کار به جایی رسید که من بدون اینکه نزد دایی ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می شدم و پس از نماز تسبیح بدست می گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می کردم و از اینکار بی نهایت لذت می بردم. اکنون این رسیدن به این مقام را از لطف رفتار

ص: 29

دقیق و منصفانه دایی ام در آن دوران حساس زندگی می دانم.

این داستان حقیقی به ما می فهماند که طرز رفتار مناسب با فرزندان در هر دوره ای، بهترین عامل مؤثری است، برای آنکه فرزندانمان در آینده، شب زنده داران واقعی به حساب آیند و ذخیره معنوی برای ما باشند. (1)

- توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رابطه با شیوه های رفتار با جوانان، توصیه های مهم فراوانی را بیان نموده اند که در قسمت پایانی این فصل، یک نمونه از آن توصیه ها را بیان می کنیم، به امید آنکه مسئولان و بویژه والدین به این توصیه حیات بخش جامه عمل بپوشانند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، بخصوص در چند سال اخیر، دشمنان اسلام و انقلاب، جوانان را مورد هجوم و شبهات قرار دادند و سعی کردند با شبهه افکنی اذهان پاک جوانان را نسبت به اسلام مخدوش نمایند، و این وظیفه ماست که باید آنان را نجات دهیم و آنها را با چشمه سار زلال و پاک اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) آشنا کنیم. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بخشی از توصیه های ارزشمندشان در مورد حفظ جوانان در برابر شبهات می فرمایند:

«من یک بار عرض کردم که ما در برابر شبهات نباید همیشه به صورت تدافعی عمل کنیم؛ بنشینیم تا شبهه ای بیاید، خوب جاگیر بشود و اذهان را پر کند، بعد مردم زبان باز کنند و به ما بگویند که این شبهه وجود دارد، بعد ما تازه به فکر بیافتیم این شبهه را برطرف کنیم. اینکه درست نیست، باید زمینه های ایجاد شبهه را شناخت.

امروز، جوانهای ما احتیاج دارند که از لحاظ فکری دستگیری شوند، هم آن کسانی که در حال شبهه هستند، هم آن کسانی که شبهه در آنها کار گر شده و از حیطة اعتقاد صحیح خارج شده اند، می شود. هم کسانی که جزو معتقدان و متعبدانند، که

ص: 30

در اینها باید فکر را عمق داد و شبهه را از آنها زدود. امروز حرفهای غلط نسبت به مبانی اسلامی و علمی دینی به صورت عامیانه اما در قالبهای آرایش شده و در قالب فکر نو ادا می شود که باید با آن برخورد علمی شود. امروز باید با شبهات ذهنی جوانان، برخوردی متفکرانه و کارشناسانه بشود، زیرا دشمن درصدد شبهه پراکنی است و در نقطه مقابل برای مجاهدت علیه دشمن اسلام لازم است، کارشناسان دین و مبلغان اسلامی با بیان حجت و منطق درست و محکم به تشریح افکار اسلامی و تبیین مواضع اسلامی بپردازند و این کار را به عنوان وظیفه ای بسیار مهم و خطیر در نظر بگیرند» (1).

گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز

مقدمه

چرا در میان فرزندانمان برخی از آنان بویژه جوانان، آنچنان که باید به نماز اهمیت نمی دهند و یا اینکه چرا بعضی از آنها ارتباط چندانی با نماز ندارند و یا عده ای در حالیکه از خانواده های مذهبی و مسلمان هستند نماز نمی خوانند.

اینها سؤالاتی است که همواره ذهن اکثر والدین متعبد و دیندار را به خود مشغول می کند و ما بنا داریم در این فصل، علل و عوامل آنرا تا حد امکان.

- علل مربوط به خانواده

- بی توجهی والدین نسبت به نماز فرزندان: بی توجه بودن یا کم توجهی والدین نسبت به فرزندان در محیط خانه، و سطحی نگری آنان و یا احياناً بی مبالاتی اعضای خانواده نسبت به مسائل شرعی و دینی، خصوصاً نماز، تأثیر بسزایی در تربیت فرزندان بجای می گذارد. به عنوان مثال: فرزند اگر در خانه ای رشد نماید که در آن خانه کسی به نماز اهمیت ندهد و یا در قبال مسائل دینی خود را مسئول

ص: 31

ندانند، و یا خود اهل نماز باشند ولی فرزند را تشویق به نماز ننمایند، قطعاً فرزند آن خانواده، اهل نماز نخواهد شد؛ البته شاید در آینده بر اثر عوامل دیگر به نماز روی آورد که این احتمال ضعیفی است.

برخی والدین هستند که اصلاً به نماز اهمیت نمی دهند و طبعاً فرزندانشان از آنان تقلید می کنند. گروهی دیگر از والدین هم هستند که خود دیندار و اهل عبادتند ولیکن نسبت به فرزندان خود در این امر هیچ ارزشی نمی نهند؛ نماز خود را می خوانند و روزه شان را می گیرند، اما اینکه فرزندان به مسائل دینی پای بند باشند یا نه برای آنها یکسان است. (1) رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره چنین سرپرستانی فرموده اند:

«وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان؛ عرض شد یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، بلکه مسلمانشان که هیچ چیز از فرائض دینی را به آنها نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسائل دینی را فرا گیرند، آنها را از این وظیفه باز می دارند و تنها به درآمد کم آنها قانع اند. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند» (2).

- تعارض ها و اختلافات والدین

الف) تعارض دینی والدین: وجود تعارض در بین والدین، بویژه تعارض در باورها و عملکرد آنها، مانع استحکام ارزشها و هویت دینی در فرزندان می شود. (3) تفاوت مراتب ایمانی و برداشتها از دین، که گاهی در اثر شناخت ناکافی زن و شوهر در ابتدای زندگی زناشویی دیده می شود، پس از مدتی با درک تفاوت های عقیدتی،

ص: 32

1- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 52 و 53.

2- . مستدرک الوسائل؛ محدث نوری؛ ج 15؛ ص 164.

3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 80.

باعث ناسازگاری و کشمکش های رفتاری بین والدین می شود(1)،

که در نتیجه موجب اختلاف والدین در تشویق فرزندان به مسائل دینی می گردد، چراکه هر یک می خواهند اعتقادات خود را به فرزند تحمیل کنند و این منجر به تزلزل اعتقادی کودک و گریز او از دین و مسائل دینی از جمله نماز می گردد.

ب) تعارض میان گفتار و کردار والدین: ما همواره به کودک و نوجوان می گوئیم نماز بازرنده انسان از زشتی و گناه است. در حالی که او در حاشیه زندگی خویش، بسیاری از نماز گزاران گناهکار را می بیند، رفتار بد والدین را می بیند، در وقت نماز والدین را می بیند که نمازشان از خضوع ظاهری نیز بی بهره است. این تعارض و دوگانگی، شعله تردید را در جان کودک می افروزد که نماز قربانی بی تردید آن است.(2)

توصیه های اخلاقی و دینی والدین در فرزند مؤثر واقع نمی شود، اگر بین آنچه قصد می شود با آنچه که در عمل از خود نشان می دهند، یگانگی و یکپارچگی حاکم نباشد. زیرا عمل همان نصیحت است و پند و اندرز همان کردار، بنابراین اگر گفتار و کردار والدین با یکدیگر وحدت نداشته باشد، مرز میان نصیحت و عمل، وسیع می شود و دیگر در چنین خانواده ای تکالیف دینی از جمله نماز به سهولت از جانب فرزندان انجام نمی گیرد.(3)

- سایر عوامل خانوادگی

علاوه بر عوامل خانوادگی که در مباحث قبلی بیان شد، عوامل متعدد دیگری را که مربوط به خانواده و تأثیر آن در عدم گرایش فرزندان می باشد، در این نوشتار به صورت اجمالی بیان می کنیم، که عبارتند از:

ص: 33

1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 226.

2- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 73.

3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 86.

- عدم ایجاد عادت به نماز خواندن در فرزندان، از دوران خردسالی، به این حساب که هنوز وقت نماز او نشده است.
- عدم دعوت او به نماز، و کار و برنامه او را در اختیار خود او قرار دادن.
- دعوت کودک به نماز از روی خشونت و قهر و عقده سازی و آزردن او.
- سلب اعتماد او از افراد مذهبی خانواده، و احساس ریاکاری در والدین و یا تقدس خشک و تحجّر در آنان.
- آلودگی در غذای خانواده از نظر طیب بودن، که رابطه ای مستقیم بین غذای پاک و عبادت وجود دارد.
- احساس این مسئله که والدین او ستمکارند و عبادتشان بی حاصل است. (1)
- ترجیح دادن خواب شیرین صبح، به شیرینی نماز صبح توسط والدین.
- انتظار والدین از فرزندان خود در خردسالی برای بجا آوردن نماز صحیح و کامل.
- بی توجهی والدین به زمان و لباس نماز فرزندان.
- محروم کردن فرزندان از نماز جماعت و مسجد.
- مشغول شدن والدین به کارهای جانبی، در هنگام اول وقت نماز. (2)
- علل مربوط به خود فرزندان: در این زمینه نیز عوامل مؤثر بسیاری در عدم گرایش فرزندان به نماز وجود دارد، که شناخته ترین آنها عبارتند از:
- جهل از اهمیت مسأله: عدم درک تعلیم مذهبی و ارزش آن، ناآشنایی به وظیفه و تکلیف، از مهمترین عوامل گرایش به نماز می باشد.
- غرور و تکبر: اثبات وجود، و نشان دادن اینکه کسی است و میتواند یاغی و

ص: 34

1- . هدایت نوجوان به سوی نماز؛ ص 26 و 27.

2- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 348.

عاصی باشد. (1) این صفت، ناشی از غرور جوانی، تکبر و بزرگ منشی برخی افراد است؛ و هرگاه این صفت در کسی پا بگیرد او را به مهلکه های بزرگی می کشاند و فرد چنین می پندارد که اگر در مقابل خدای خود سجده کند کوچک می گردد.

- تنبلی و سستی: غالباً این خصالت در نوجوانان و جوانان وجود دارد که به آسانی تن به فعالیت نمی دهند مگر در اموری که بیشتر جنبه احساسی و هیجانی داشته باشد و یا در اموری که با انگیزه و شناخت قبلی همراه باشد. فردی که چند سال است به سن تکلیف رسیده ولی تا آن زمان نماز نخوانده، برایش سخت است که در هوای سرد زمستان، آستین بالا بزند و با آب خنک وضو بگیرد، به همین دلیل گاهی از نماز خواندن طفره می رود.

- مزاحم دانستن نماز برای کارهای شخصی: برخی افراد چون در وقت نماز مشغول به کار هستند، فرصت خواندن نماز در اول وقت را از دست می دهند، و تدریجاً بعد از استراحت، چون دوباره مشغول کار می شوند، اقامه نماز را مانعی برای انجام کارهای خود می دانند.

- تسویف (واگذاری امور به آینده): برخی فرزندان وقتی به سن تکلیف می رسند، با اینکه عمل به احکام دینی بر آنها واجب شده، اما با این توجیها که ما هنوز جوانیم و اول عمر ما است و بهانه هایی از این قبیل، اعمال دینی را ترک می کنند و می گویند بعداً قضای آنرا بجا می آورم، غافل از اینکه عمر در دست خداست. (2)

- عدم آگاهی و بینش کافی از فلسفه و معانی نماز: نماز تجسم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین انجام این فریضه، مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه آن است. وقتی فرزند ما از جایگاه نماز در زندگی اش آگاهی کافی نداشته

ص: 35

1- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 26.

2- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 55-59.

باشد، طبعاً نسبت به این عبادت، بی انگیزه خواهد بود؛ چون نمی داند چرا باید نماز بخواند و این گفتگوهای مکرر در او چه تأثیری می گذارد.

- گناه آلودگی: فساد اخلاقی، دنیا زدگی و گناه آلودگی اگر در کسی باشد، در چنان تاریکی به سر می برد که زیباییها و لذتهای معنوی عبادت از ذائقه او رخت بر می بندد. (1) تأثیر این عوامل را می توان در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به خوبی درک کرد که فرموده اند:

«کیف یجد لذة العباد من لا یصوم عن الهوی؛ چگونه ممکن است لذت عبادت را درک کند، آن کس که از هواها خودداری نمی کند». (2)

- نقش دوستان و همسالان: همانطور که در فصل پیش اشاره شد، دوستان نقش بسیار مهمی در شکل دهی شخصیت انسانی دارند. به همان اندازه که دوستان خوب و شایسته در سوق دادن انسان بسوی سعادت و کمال مؤثرند، همان اندازه نیز دوستان ناشایست در انحراف آدمی به سمت ناهنجاریهای اخلاقی مؤثرند. چه بسا نوجوانان و جوانانی که در مسائل دینی علاقمند و به دینداری خود راغبند ولیکن در محیط های مختلف از قبیل محله ای که در آن زندگی می کنند، یا محیط کار و تحصیل که در آن ساعاتی از عمر را سپری می کنند، با افرادی آشنا می شوند که بتدریج او را در دام بی دینی و لابلالی گری گرفتار می سازند. (3) نقش دوست به حدی است که گاهی می تواند اندیشه ای را واژگون سازد و در دین و اعتقاد فرد رخنه کند، چراکه اکثر افراد، دوست خود را الگو و سرمشق خود قرار می دهند. (4)

ص: 36

1- . پرستش آگاهانه؛ محمد رضا رضوانطلب؛ ص 205 و 206.

2- . غررالحکم و دررالکلم؛ ص 562.

3- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 56.

4- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 28.

- رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی

گاهی جوانان و نوجوانان به خاطر دوستی و صمیمیت و ارتباط نزدیکی که با طلاب و روحانیون پیدا می کنند، از آن روحانی رفتاری را مشاهده می کنند و یا سخنانی می شنوند که موجب سستی آنها در دین می شود. به عنوان مثال: اگر جوانی مشاهده نماید که یک روحانی در محفلی نشسته و مشغول صحبت کردن است و توجهی به نماز اول وقت ندارد و یا در رفتار با کسی تندی می کند، این اعمال تأثیر منفی اش را بر روحیه او باقی می گذارد و با خود می گوید: اگر واقعاً نماز در اول وقت آن همه فضیلت دارد پس چرا یک روحانی به عنوان مبلغ دین به آن توجه ندارد. (1)

بنابراین مبلغین باید در رفتار خود با دیگران خصوصاً جوانان و نوجوانان، ظرافت و دقت بیشتری را بکار گیرند.

- نقش رسانه ملی

وسایل ارتباط جمعی علاوه بر محاسنی که دارد، می تواند معایب بسیاری هم داشته باشد، چراکه با یک هجوم پر قدرت و فراوان، والدین را از فرزندان جدا کرده؛ یعنی در حین اینکه والدین در خانه اند و فرزندان هم در خانه، اما انسی با هم ندارند. اگر فرض کنیم که برنامه تلویزیونی صد درصد هم مفید باشد، اما انس با پدر و مادر و مهمان و بزرگترها را بکلی از میان می برد و روز جمعه ای هم که پدر در منزل است و می تواند یک لبخند و صمیمیت با بچه اش داشته باشد، مانع این انس می شود. وقتی والدین تا دیروقت بیدارند، و فرزند هم بیدار می ماند، بنابراین او دیگر نمی تواند سحر برخیزد و نماز صبح بخواند و باید او را با سختی بیدار کنند، و شاید خود والدین هم دیر بیدار شوند و گاهی هم خواب بمانند. (2)

ص: 37

1- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 61.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 99 و 100.

مبارزه شیطان با نماز با اشکال و روشهای مختلفی می باشد، که از جمله آنها شراب و قمار است، بطوری که در قرآن کریم نیز این مطلب آمده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» شیطان قصد دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما دوری می کنید؟» (1)

طبق این آیه شریفه، شیطان علاوه بر اینکه به واسطه شراب و قمار، دشمنی، خشم و کینه را در جامعه ایجاد می نماید، اثر مخرب تری هم دارد و آن بازداری از یاد خدا و نماز است. آن نمازی که به عنوان نیاز فرد و جامعه مطرح است و بدون آن انسان به سعادت نمی رسد، شراب و قمار مانع آن می گردد. زیرا کسی که با پیمانانه پیمان بست، با خدا نمی تواند پیمانی داشته باشد. (2)

اما آنچه روشن است، منظور از شیطان در این آیه، تنها آن موجودی که بر آدم (علیه السلام) سجده نکرد، نمی باشد؛ بلکه شامل همه قدرتهایی که انسان را از مسیر حق منحرف می کند می شود، و این شیاطین همواره با هر کار اساسی که انسان در مسیر حق انجام می دهد متناسب آن با سلاح خاصی به مقابله بر می خیزند.

از آنجا که ابزار اصلاح گاهی همیشگی و گاهی موقت است، ابزار فساد نیز گاهی دائمی و گاهی موقت است، و چون نماز از ابزارهای همیشگی صلاح و رستگاری است، شیطان برای مقابله با یاد خدا و نماز، از سلاحهایی که همیشه

ص: 38

1- . مائده؛ آیه 91.

2- . نماز زیباترین الگوی پرستش؛ 86 و 87.

کاربرد دارند، یعنی میگساری و قمار استفاده می کند. (1)

گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز

مقدمه

اقامة نماز و احکام و آثار گوناگون آن، فراوان در قرآن کریم ذکر شده است، و منظور از تعبیر «اقامه» در تمامی آیات این است که، تنها خودتان نماز خوان نباشید، بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود.

از آنجا که والدین، نقش اول مربی تربیتی فرزند را دارا هستند، لازم است روشهایی را برای ترغیب فرزندان به نماز بکار گیرند که نه تنها عبادت آنها از روی تقلید نباشد، بلکه عبادتی همراه با تفکر و آگاهی و عشق باشد. یعنی همان عبادتی که انسان را از منکر باز می دارد. والدین باید توجه داشته باشند که تنها با روشهای سازنده و برخورداری از اطلاعات فراوان دینی است که می توانند انگیزه عبادت را در فرزندان به وجود آورند تا آنها خود در پی عبادت بروند. بنابراین آنچه در این فصل ارائه می گردد، روشهای تشویق فرزندان به نماز، توسط والدین گرامی است که حداقل امکان آنها را بیان می نماییم، به امید آنکه مفید و مثمر ثمر واقع گردد.

- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف

احیای فرهنگ نماز در خانواده در قالب امر به معروف، امری است که در چند آیه قرآن به آن اشاره شده است؛ از جمله آیه شریفه ای که خداوند متعال در آن حضرت اسماعیل (علیه السلام) را معرفی می کند و می فرماید:

«وكان يأمر أهله بالصلوة و الزكوة و كان عند ربّه مرضياً؛ او (حضرت اسماعیل) خانواده اش را به نماز و زکات دستور می داد و خدایش از او راضی بود». (2)

ص: 39

1- . نماز در آینه وحی؛ ص 74.

2- . مریم؛ آیه 55.

از سخن قرآن کریم و ماهیت امر به معروف آشکار می شود که محور و سرپرست خانواده این حق و ولایت را از سوی خداوند دارد تا افراد خانواده را به نمازگزارى وادارد، و این نشان از اهمیت فوق العاده نماز دارد. (1)

از جمله «کان یأمر» نیز استنباط می شود که حضرت اسماعیل (علیه السلام) در فرمان دادن خانواده اش به نماز استمرار داشته است. این روش یک روش اساسی در تشویق و ترغیب فرزندان به نماز است چراکه خداوند متعال در همین آیه شریفه آنرا به عنوان یک رفتار پسندیده برای حضرت اسماعیل (علیه السلام) نقل می فرماید. همچنین از جمله «و کان عند ربه مرضیا» استفاده می شود که، امر کردن فرزندان به نماز توسط حضرت اسماعیل (علیه السلام)، با روش پسندیده و مناسب روحیه آنان انجام می شده، نه آنطوری که برخی والدین با روشهای غلط و تذکرات ناپسند و با عصبانیت و توهین و تحقیر انجام می دهند. (2)

- روش عاطفی، همچون محبت و احسان

ایجاد انگیزه نماز خواندن باید از همان دوران کودکی با کلمات محبت آمیز آغاز شود. این روش نیز به زیبایی در قرآن مجید بیان شده است؛ آنجا که لقمان حکیم به فرزندش می فرماید:

«یا بُنَّیَّ اقم الصلوة؛ پسر من نماز را برپا دار». (3)

در این آیه شریفه لقمان حکیم صریحاً فرزندش را سفارش به نماز نموده است، اما نکته حائز اهمیت در این آیه، بکار بردن لفظ «یا بُنَّیَّ» است که به صورت اسم تصغیر آمده و حکایت از محبت و دلسوزی دارد، نه تحقیر و کوچک شمردن. (4)

ص: 40

-
- 1- . نماز در قرآن؛ سید ابراهیم سید علوی؛ ص 72.
 - 2- . آثار تربیتی نماز؛ ص 98 و 99.
 - 3- . لقمان؛ آیه 17.
 - 4- . تفسیر مجمع البیان؛ فضل بن حسن طبرسی؛ ص 319.

محبت از مهمترین نیازهای فرزندان است. از قدیم گفته اند: از محبت خارها گل می شوند؛ والدین باید هر انتظار و توقعی که از فرزند خود دارند، از طریق اظهار محبت بدست آورند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این رابطه می فرمایند:

«امروز بچه های شما به یک کوره محبت احتیاج دارند و آن کانون خانواده است... بهترین پدرها آنهایی هستند که با پسر و دختر خود رفیقند، هم بزرگتری، ارشاد، راهنمایی و محبت کارگشای پدری را دارند هم همدلی یک رفیق»⁽¹⁾.

در حقیقت، سفارش و نصیحت به فرزندان اگر همراه با محبت و مهربانی و دلسوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه با اطاعت خواهد بود. اما اگر با سرزنش و تحکم یا زور همراه باشد، فرزندان را به جبهه گیری و مقاومت و اخواید داشت و نتیجه مطلوب نیز حاصل نخواهد شد.⁽²⁾

- روش جلب، مانند احترام و تکریم

فرزندان ما در هر سنی که باشند برای شخصیت خود احترام قائلند. دوست دارند به شخصیت آنان توجه شود و مورد احترام قرار گیرند. از اینرو سزاوار است پدر و مادر به این گرایش فطری، توجه نمایند و روحیه کودکان را با عزت نفس و اعتماد به نفس تربیت و تحکیم کنند. روح کودک چون گل، بسیار ظریف و حساس است و ممکن است با کوچکترین حرکت ناهنجار پژمرده شود. برخی از والدین به غلط تصور می کنند که چون پدر و مادر شده اند پس حق هرگونه اعمال نظر جابرانه و سلطه جویانه را بر فرزندان خود دارند و می توانند با آنها به هرگونه ای که بخواهند رفتار کنند، در صورتی که در این میان، حد و مرزهای باریکی نهفته است و موازین شرعی و تربیتی و اخلاقی دقیقی وجود دارد.

ص: 41

1- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

2- آثار تربیتی نماز؛ ص 100 و 101.

یک نمونه از جاهایی که باید به شخصیت کودک احترام گذاشت و نقش بسیار مهمی در تشویق و جلب او به نماز دارد، زمان برگزاری نماز جماعت است. اگر هنگام حضور کودک در صف نماز جماعت، والدین یا هر کس دیگر با عصبانیت با آنان رفتار کنند، و کودکان را از صف جماعت خارج نمایند، این برخورد غلط که از سر ناآگاهی است، روحیه مذهبی کودک را تضعیف می کند و در نتیجه او را نسبت به اعمال مذهبی و مراکز عبادی از جمله نماز بی رغبت می سازد. (1) اهمیت این مسأله به حدی است که وقتی جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر (علیه السلام) درباره کودکی که در نماز جماعت شرکت می کردند پرسید، آن حضرت فرمودند:

«آنان را در نماز به صفهای آخر واپس نرانید، بلکه با ایستادن بزرگترها در میانشان جدایی افکنید». (2)

- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت

روشن است آخرین سخن انسان- که از آن به وصیتنامه تعبیر می شود- بسیار مورد توجه و اهمیت است و غالباً عموم مردم نسبت به وصیتنامه و محتضری که در حال وصیت کردن است عنایشات داشته و اهمیت می دهند. در سفارشهای دینی تأکید شده که انسان در وصیتنامه خود به مطالب با اهمیت، بویژه مطالبی که مربوط به آخرت انسان است توصیه نمایند. (3)

نماز هم یکی از مسائلی است که هم به دنیا و هم به آخرت انسان مربوط است، بطوریکه در قرآن کریم چهار بار امر و وصیت به نماز شده است؛ از جمله آیه:

«وَجَعَلَنِي مَبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وَ مَرَّ

ص: 42

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 105-107.

2- . اصول کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ ج 3؛ ص 409.

3- . نماز در آینه وحی؛ ص 62 و 63.

کجا باشم برکت داده، و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است»⁽¹⁾.

نکته مورد نظر ما در این آیه کریمه این است که، اولین برنامه عملی که حضرت عیسی (علیه السلام) در گهواره برای کسانی که سخن او را می شنوند بیان می کند، وصیت الهی نسبت به نماز است، که نشان از اهمیت این روش می دهد. و در ادامه میفرماید «مادمت حیا»، یعنی این سفارش و وصیت، دوام داشته و همیشگی باشد.⁽²⁾

وصیت به نماز خواندن، در سیره معصومین (علیهم السلام) از مهمترین مسائل بوده و همواره در سفارشهای آن عزیزان به چشم می خورد. به عنوان نمونه، امام علی (علیه السلام) در یکی از مشهورترین وصیتنامه های خویش به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

«والله والله في الصلاة فإنها عمود دينكم؛ خدا را درباره نماز سفارش می کنم، زیرا نماز ستون دین شماست»⁽³⁾

و یا آنجا که در روایات متواتر آمده است که آخرین جمله امام صادق (علیه السلام) در لحظات پایانی عمر شریفشان، توصیه به نماز بوده است که فرموده اند:

«إن شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلوة؛ همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد»⁽⁴⁾.

بنابراین، والدین عزیز باید به این روش که طریق قرآن و سنت است، توجه کاملی داشته و آنرا بکار گیرند. برآستی چرا باید تمامی دلهره و نگرانی های آنها برای مسائل مادی باشد؟ آیا بهتر نیست در وصیتنامه های خود نیز بنویسند: دخترم،

ص: 43

1- . مریم؛ آیه 31.

2- . نماز در آینه وحی؛ ص 44.

3- . نهج البلاغه؛ نامه 47.

4- . بحار الانوار؛ ج 47؛ ص 2.

پسرم، من آنچه دارم از برکت مسجد و نماز است، اگر می خواهید از شما راضی باشم و روحم شاد باشد، سعی کنید نمازتان را در اول وقت بخوانید. (1)

- روش اقناعی، همچون برهان و حجت

این روش بیشتر در سن یازده سالگی و شانزده سالگی که مصادف با دوره نوجوانی است و نوجوان احکام دینی را از روی الگو برداری و برهان عقلانی می پذیرد، کاربرد دارد. در این دوره، نوجوان مفاهیم دین و اعمال مذهبی از جمله نماز را با استدلال شخصی و از روی عقلانیت می پذیرد. (2)

نوجوانی سن مباحث بی پایان فلسفی، دینی، سیاسی و ادبی است. نوجوان در این دوره آمرانه استدلال و اثبات می کند. آراء و همه نو هستند و به آن آراء چنان دلبستگی دارد که کاشفی به کشف خود. با این حال، نوجوان در عین جدیدین بودن، نپخته و خام است و از استحکام خوبی برخوردار نیست، اما این تحول درونی، آغازی برای سازندگی و رشد اوست. (3)

نوجوان در این دوره تمایل بیشتری به مذهب پیدا می کند بویژه اگر در خانواده ای متدین باشد این احساس در او شدیدتر می شود. (4) از اینرو این دوره، از نظر تربیت دینی و رعایت اصول اقناع سازی، بسیار مهم است. و اگر زمینه های مساعد تربیتی فراهم باشد و از آن مهمتر، عوامل آسیب زای تربیت دینی از صحنه و محیط خانوادگی و اجتماعی حذف شود، با سهولت و تمامیت شاهد شکوفایی حس دینی به زیباترین وجه خواهیم بود. (5)

ص: 44

- 1- . نماز زیباترین الگوی پرستش؛ ص 100.
- 2- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 46 و 47.
- 3- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 14 و 15.
- 4- . آثار تربیتی نماز؛ ص 41.
- 5- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 47.

- روش برانگیزاننده، مانند تشویق

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه های تربیت کودک بشمار می آید. فرزندان از تحسین و تشویق لذت می برند و این از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه برای گرایش دادن آنها به فعالیتهای ارزشمند استفاده کرد. (1)

فرزندان در مقابل هر عمل نیکی که انجام می دهند انتظار پاداشی را دارند، و والدین باید این انتظار آنها را به بهترین شکل پاسخ دهند. (2) با توجه به اهمیت روش تشویق، در این قسمت از نوشتار با بیان نکاتی درباره تشویق، انواع تشویق و شرایط مشوق، این بحث را بطور مفصل تری بررسی می نماییم.

- انواع تشویق

تشویق فرزندان به سه صورت انجام می گیرد:

1- توجه عاطفی؛ نگاه محبت آمیز، لبخند و هرگونه احساس تأیید و ملاحظت از طرف والدین در تشویق کودک در او نقش مؤثری دارند. این امور جنبه غیر کلامی دارند و نوعی رابطه واقعی و حقیقی بین کودک و والدین ایجاد می کنند و در این حالت است که کودک به تکرار رفتار مورد نظر تمایل پیدا می کند.

2- تشویق زبانی؛ تعریف و تمجید، تشکر و قدر دانی زبانی، ابزار ساده و کم هزینه ای است که می تواند کودک را به رفتارهای مناسب سوق دهد.

3- تشویق عملی؛ دادن جایزه، هدیه و مانند آن، بردن به گردش و تفریح، اجازه بازی یا بیرون رفتن با دوستان، از موارد تشویق عملی است که به مقتضای سن کودک می توان آنها را بکار بست.

- نکاتی که درباره تشویق باید در نظر گرفت: والدین گرامی باید در نظر داشته

ص: 45

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 131.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 231.

باشند، برای آنکه تشویق‌های آنها مفید واقع شود، یکسری نکات را رعایت نمایند؛ از جمله اینکه:

- 1- تشویق برای برانگیختن و تقویت است و نباید خودش بصورت هدف درآمد و همه فکر و همت کودک را مشغول کند.
- 2- تشویق نباید حالت رشوه پیدا کند، به این صورت که چیزی را به کودک بدهیم تا کار مورد نظر را انجام دهد، بلکه پس از انجام عمل او را تشویق کنیم و علت تشویق را نیز برای کودک روشن نماییم. مثلاً: نگوئیم اگر نماز بخوانی، فلان مبلغ پول به تو می‌دهم، بلکه اولاً: کودک باید خواندن نماز را مانند دیگران وظیفه خود بداند و ثانياً: تشویق ما از او به عنوان ابراز رضایت از انجام وظیفه اش باشد. (1)
- 3- تشویق‌ها نباید مکرر باشند، زیرا ارزش واقعی خود را از دست می‌دهند. همچنین تشویق نباید بی اندازه زیاد باشد، بگونه ای که اگر کودک عملی مهمتر و ارزنده تر انجام داد دیگر لغتی برای وصف رضایت بسیار خود از آن عمل نداشته باشیم.
- 4- تشویق باید تأیید درونی طفل را در پی داشته باشد، بگونه ای که خود را واقعاً مستحق آن بداند، نه اینکه وسیله ای برای دلخوش کردن لحظه ای او نباشد.
- 5- موقعیت مناسب تشویق نیز اهمیت بسزایی دارد، بخصوص اگر بخواهیم از این طریق عمل و رفتار نیکی به کودک بیاموزیم.
- 6- تشویق باید واجد ضوابط و حدود باشد، یعنی اینکه نباید فرد برای هر عملی تشویق شود، بلکه شایسته است که رفتارهای خاص و برجسته او مورد ستایش قرار گیرد.
- 7- باید توجه داشت که زمینه ای برای طفل به وجود آورد که از آن احساس

ص: 46

1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 137 و 138.

غرور کند و به ادامه عملش پردازد، نه به گونهای که اتکای طفل به تشویق باشد، یعنی هرگاه که تأییدش کردند فعالیتش را ادامه دهد و هرگاه از تشویق خودداری نمودند، او هم عمل را ترک کند. (1)

- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است

کسی که کودکان را به خواندن نماز تشویق می کند، پدر باشد یا مادر یا هر کسی که می خواهد متولی امر دین و اجرای نماز فرزندان باشد، باید واجد صفات و شرایطی باشد که اهم آنها عبارتند از:

1- آگاهی و معرفت؛ دامنه آگاهی یک مربی در این زمینه، وسیع و گسترده است و شامل: آگاهی درباره مذهب و مبدأ، آگاهی درباره کودک و شرایط ذهنی، روانی، علائق او و...، آگاهی درباره وظایف انسان نسبت به خود، خدا و...، آگاهی درباره شرایط و جو جامعه ای که در آن زندگی می کند و کلاً هر آگاهی دیگری که برای گذراندن زندگی متعارف در این سرا و سعادت فرزند در آن سرا ضروری است.

2- ایمان و باور داشت؛ مربی باید مؤمن به آن چیزی باشد که دیگران را بدان دعوت می کند و دل او به آنچه می گوید باید آرام باشد. دعوت و تشویق هنگامی مؤثر است که نشأت گرفته از درون باشد و این نیاز به باوری راستین و عمیق دارد و نیز ایمانی لازم است که آدمی را به تقوا بکشاند.

آری هنگامی که ایمان در اعضا و جوارح نفوذ کند می تواند پرتوافکن و نور دهنده باشد و کودک و بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد.

3- عمل و کار؛ از عمل سخن است نه از فعل، چراکه فعل بر کار آسان و دشوار هر دو اطلاق می شود، ولی عمل عبارت است از آن فعلی که در آن سختی و

ص: 47

دشواری باشد. و اسلام هم دین عمل است. در اغلب آیات قرآن، پس از کلمه ایمان، لغت عمل را می بینیم، آنچنان که ایمان بدون عمل، و دعوت بدون عمل را کاری بیهوده و بی حاصل می داند.

کودک پیش از آنکه مطلبی را از راه سخن بیاموزد، از راه عمل خواهد آموخت و الگو و اسوه برای او کارسازتر است. به عنوان مثال: والدینی که می خواهند فرزندانشان را به نماز خواندن تشویق کنند، خود ایشان باید به هنگام نماز، همه کارهای خود را تعطیل کنند و با شنیدن اذان، آماده نماز خواندن شوند. اینگونه رفتار عبادی اگر مکرر گردد زمینه ساز آموزش عملی دین خواهد شد و در جان و فکر کودک چنان رسوخ کند که بیرون رفتنی نباشد.

4- اخلاق و انس؛ برای اینکه د کودک نفوذ کنیم، اخلاق خوش، مانوس شدن با او و رفتاری جلب کننده شرط لازم است. برای آنکه کودک از عمل کسی درس بگیرد، لازم است آن شخص بگونه ای عمل کند که طفل وی را دوست بدارد و از مصاحبت با او احساس غرور و لذت کند. زبان خوش، برخورد خوب، در برگرفتن کودک و کشیدن دست بر سر او به هنگام بیدار کردنش برای نماز صبح در این راه فوق العاده مؤثر است. مجموعه این شرایط است که زمینه را برای مذهبی کردن و نماز خوان ساختن کودک فراهم می آورد. (1)

- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت

در مورد این روش، ابتدا به قرآن کریم که راهگشای تمامی انسانهاست رجوع می کنیم، تا ببینیم این کتاب عزیز چه تعلیماتی را فراروی ما قرار داده است؛ یکی از صدها آیه ای که به شخص نمازگزار وعده می دهد و ما می توانیم آنرا فرا گرفته و برای فرزندانمان تبیین کنیم، آیه شریفه:

ص: 48

«أتل ما أحي إليك من الكتاب وأقم الصلوة إن الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله أكبر والله يعلم ما يصنعون؛ ای رسول ما، آنچه را که از کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن و نماز را بجای آر، که همانا نماز از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هر چه انجام می دهد آگاه است» (1).

آنچه در این آیه مهم است، وعده به این دو مطلب است: یکی اینکه نماز مهمترین وسیله یاد خداست و دوم اینکه از آثار مهم نماز جلوگیری از فحشا و منکر است؛ و این از دقت در فرازهای اذان روشن می شود، آنجا که چندین بار دعوت به فلاح و نیز بهترین اعمال می کند. (2) حقیقت امر هم همین است، نماز آیتی امید بخش است و برترین چهره های قیامت هم نمازگزاران حقیقی اند. (3)

با توجه به مطالب فوق، و دانستن اینکه انسان موجودی است که با این دنیای مادی و ظاهری سیراب و اقناع نمی شود و به هر چیزی رو می کند چراکه خود را غریب و تنها احساس می کند، و تا وقتی که به آن چیز نرسیده گمان می کند که او آرزوهایش را برآورده می کند، اما وقتی به آن رسید دچار یأس می شود. والدین باید تصویر سراب گونه جهان را برای فرزندانشان ترسیم کنند و به آنها بگویند در این دنیا مادام که دل شما متوجه خدا نشد به هر چیزی که روی آورید ناکام می مانید. (4)

با توجه به روایات می توان فهمید، یکی از روشهای ائمه (علیه السلام) در تشویق مردم به نماز، استفاده از روش وعده و بشارت بوده است، بطوریکه در روایتی آمده است: روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از یاران و حاضران در

ص: 49

1- . عنكبوت؛ آیه 45.

2- . نماز در آئینه وحی؛ ص 110.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 257.

4- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 33.

مجلس پرسیدند: به نظر شما کدام آیه از قرآن امیدوار کننده تر است؟ هر کدام از حاضرین آیه ای را ذکر کردند، اما امام در پایان نظرات همه افراد فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که امیدوار کننده ترین آیات این آیه است (1):

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ لِذِكْرِي لِذَكَرْتَنِي؛ و نماز را در اول و آخر روز بپادارید و هم در تاریکی شب، که حسنات و نیکوکاریهای شما، سیئات و بدیهایتان را محو می کند و این یادی است برای یادآورندگان» (2).

این روایت یکی از هزاران روایاتی است که به نمازگزاران امید و بشارت زندگی سعادت‌مند را در سایه نماز خواندن می دهد، و والدین می توانند با نقل چنین روایاتی فرزندان را به نماز ترغیب نمایند.

- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان

یکی از آسان ترین روشهای تشویق فرزندان به نماز توسط والدین، بیان داستانهای نماز بزرگان دین و انسانهای الهی است. داستان گویی از زمانهای دور، همیشه مورد توجه کودکان و حتی بزرگسالان بوده و هست؛ و اگر داستان پرمغز، غنی و مطابق با حقیقت باشد، بیشترین تأثیر را در روح و روان انسان می گذارد؛ چون با بازگویی جایگاه و اهمیت نماز در زندگی صالحان، فرزندان می فهمند که انسانهای وارسته و نامی جهان اسلام، چقدر به این امر الهی اهتمام داشته اند و تا چه حدی نماز در زندگی دنیویشان تجلی داشته است.

یکی از مؤثرترین داستانهای حقیقی در روح و جان هر مسلمان و بلکه هر انسان آزاده ای، داستان کربلا و قیام عاشورا است. از آنجا که کربلا و روز عاشورا، قرآنی است به تصویر کشیده شده، بنا داریم در این قسمت از نوشتار، داستان نماز

ص: 50

1- . تفسیر نمونه؛ آیه الله مکارم شیرازی؛ ج 9؛ ص 235.

2- . هود؛ آیه 114.

روز عاشورا را به عنوان پیشکش بیان کنیم، به امید آنکه خواندن آن، به پدران و مادران متعهد، در تشویق فرزندانشان بسوی فریضة جانبخش نماز کمک نماید.

«آفتاب، راست ایستاده بود که راست ترین قامت ها به نماز شکسته ایستادند. خورشید اذان می گفت. آسمان قامت می بست. غبار برخاسته سر خضوع داشت. شمشیرها شیهه نمی زدند و اسبان شیهه زن، گوش افراشته و خاموش به دستهای افراشته برای تکبیر، چشم دوخته بودند. خشکیده ترین لبها دلنشین ترین ترنم را به گوش تشنه ریگزاران تفتیده می بخشید. هیچکس خودش نبود، در سرزمین بی خویشی، سرزمین خویشاوندی با دوست، سرزمین نیاز و سرزمین نماز، فرشتگان گردن کشیده بودند تا خوب ترین انسان، زیباترین نماز و برگزیده ترین نمازگزاران را ببینند. نسیم داغ بوی تازه خون می آورد، سکوت آنقدر به گوشها فرصت می داد تا سیلی موج را بر ساحل فرات احساس کنند؛ تشنه کامان اما در التهاب و عطش دیگری می سوختند، حریق بزرگ عشق، دامن دلها را گرفته بود و تا لبها بالا می آمد؛ و اگر جز این، زمزمه های سوزناک و آتشگون در این لحظه ها چه تفسیری؟

امام عاشورا تکبیر نماز را گفت و دستهایی که دمی پیش نوازشگر شمشیر بود در رهاترین حالت از سفر آسمان برگشت و در آرامش داغ صحرا قرار گرفت. اینک رکوع فرصت کم کردن فاصله با دوست، قنوت، فرصت در دست نهادن هستی و به دست تقدیم کردن؛ سجود، تمرین بر خاک افتادن بود و سلام آمادگی برای ورود به دار سلام، دار سلام محبوب.

در خیمه تب و تاب دیگری بود، اشک برگونه سوخته کودکان سجده می کرد. پیشانی سینه ها در جستجوی خنکای خاک و کاهش عطش، بر خاک نهاده می شد و مادر در جزر و مد گهواره، زمزمه نافرجام خویش را به امید آرامش کودک تشنه، با آه و اشک همساز می کرد.

میدان گُر گرفته بود. دو شعله تا کرانه هایی دور دامن می کشید؛ شعله آفتاب و

شعله عشقی متبلور در زمزمه های آخرین صحابه نماز. پیش روی صف نماز گروهی به پاسداری جان نمازگزاران صف کشیده بودند، چشم در چشم دشمن، با سینه هایی که به پیشواز تیر و نیزه و شمشیر می رفت. هنوز جزر و مد قامت ها به پایان نرسیده بود که صفیر تیرها، موج در هوا افکنده و پاسداران پشتتاز چونان مرغکان خونین پر، با پر و بالی از تیر بر خاک داغ و خارستان تفتیده به سجده افتادند.

سعید و هانی دو یار پاکباز و هم پرواز، مسیر تیرها را پی می گرفتند و مگر مقصد نخستین همه تیراندازها امام نبود؟ اگر مقصد، تیر چشم امام بود، چشم می گشودند و اگر قلب امام، قلب خویش را هم تپش با نبض لرزان هوا در تیررس قرار می دادند. نماز به پایان رسید و قربانیان نماز در لحظه شکوهمند پرواز، چشم بر امام عاشورا داشتند تا به نوازش، سرهایشان را بر دامن گیرد، را دامن گیرد و در آخرین لحظه ها از دامن او به فراخنای بی مرز ملکوت پر گشایند.

اینک سعید سر بردامان امام داشت با بدنی که چوبه تیرهای نشسته بر آن، میان بدن و زمین فاصله انداخته بود. دست مهربان امام میان موی خیس و خون آلود سعید دوید. سعید آرام و نرم، تمام توان خویش را به لبها رسانی و در پرسشی شکوهمند از امام خویش پرسید: آیا به عهد خویش وفا کرده ام؟ تبسمی دلپذیر بر لبان امام نشست و سپس امتزاج دو لبخند و پرواز روحی دو نمازگزار که وسعت بهشت را پوشاند و هفت آسمان را از هیاهوی بالهایش لبریز کرد.

سیمای نمازگزاران گل انداخته بود. شوق لطیفی در آوندها می دوید. پرواز ساده تر شد بود، عشق با قلبها همسایه تر و بهشت در همین نزدیکی، بی تاب وصل یاران. صدایی عجیب کربلا را پر کرده بود. اینک جبرئیل میان زمین و آسمان پر می زد و در صف حسین (علیه السلام) و صحابه اش می سرود: «أشهد أنك قد أقم الصلاة...» همه گواهند که تو نماز را بپا داشتی و خویش را برای پاسداری نماز به

ای روح نماز، ای تمامیت نیایش و نیاز، بی تو هیچ پیشانی، آشنای خاک نمی شد، هیچ لبی به زمزمه عاشقانه نمی ایستاد و هیچ قامتی اقامه راستی و درستی نمی کرد. اگر نماز تو در اذان تیر باران نبود. امروز طنین اذان، آسمان دلها را صیقل نمی داد و آغوش باز محراب، میان و ملکوت پل نمی بست. ای برپا کننده عاشقانه ترین نماز در عطش و آتش و شرارت و شماتت، نگاه مهربانیت را دمی دلهايمان بخش تا نمازی از آنگونه که خواندی آشنای زندگیمان شود». (1)

- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن

والدین باید بدانند که طرح درست و به موقع مفاهیم دینی از جمله نماز، و فرصت دادن به کودک برای درک آن، بیش از انتقال مستقیم اطلاعات، موجب پرورش حس دینی و گرایش و جذب فرزند آنها به امور مذهبی می شود. (2) چراکه فرزندان ما در دوران کودکی، بسیاری از حالات و رفتار و معنی عبارات ما را نمی فهمند. بنابراین والدین هنگامی که به همراه خردسالان نماز می خوانند باید بگونه ای عمل کنند که کودک احساس جبر و خستگی و دلزدگی نداشته باشد.

کودک مکن در سنین خردسالی در وسط نماز به دنبال شیء جاذبی بدود، یا پرنده ای و حیوانی نظر او را جلب کند و او به دنبالش روان شود. طبیعی است که در چنین صورتی نماز او باطل می شود، اما والدین نباید پس از نماز، وی را مورد بازخواست قرار دهند، بلکه بعدها در فرصتی مناسب به صورت دوستانه و حتی با خنده و شادی به او تفهیم کنند که اشتباه کرده و نمازش باطل شده است. (3)

والدین برای تشویق فرزندان به نماز وظیفه دارند از اقدام به جریحه دار کردن

ص: 53

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 136-139.

2- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 87.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 165.

عواطف، مثل افشاگری، رسوا کردن، تحقیر و تخطئه و نیشخندها بخصوص در مقابل دیگران پرهیزند. (1)

- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی

روشهای تنبیهی باید زمانی بکار برده شوند که کودک بخواهد تنها مجری نظرهای خود باشد، که در اینصورت والدین باید اعمال قدرت کنند- ابتدا بطور مستقیم و پس از آن بصورت غیر مستقیم نقش پند گویی و تذکر و تسلط و اقتدار خود را حفظ نمایند- در روایات اسلامی برای کودکان متمرد از دستورات والدین سخن از تنبیه به میان آمده است، اما اغلب به معنای لغوی آن، یعنی آگاه کردن. تنبیه لازم نیست همیشه زبانی و بدنی باشد، بلکه گاهی یک نگاه ملامت بار، بی اعتنایی و... می تواند برای طفل سازنده باشد. (2)

تنبیه به صورتهای گوناگون انجام می گیرد و منحصر به کتک زدن نیست. یکی از روشهای مناسب تنبیهی، که از درسهای تربیت اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) است، قهر کردن با کودک می باشد. این عمل در روحیه کودک تأثیر بسزایی دارد و کودک احساس می کند با قهر کردن مادر یا پدر از او، گویی تمام درها به رویش بسته می شود، در نتیجه هیچ راهی جز اطاعت از والدین نمی بیند. (3)

از روشهای دیگر تنبیه، جریمه کردن، توبیخ و بی اعتنایی است که هریک روش مناسبی برای تشویق فرزند به عمل نیک به حساب می آیند. مثلاً در جریمه، نگذاریم کودک برنامه تلویزیونی مورد علاقه اش را تماشا کند، یا با دوستان بازی کند. البته محروم کردن یا قهر، باید به گونه ای باشد که کودک تصور نکند پدر و مادر بکلی او را طرد کرده یا دوستش ندارند. از اینرو باید در مدت زمان مناسبی اعمال شوند، تا کودک آسیب

ص: 54

1- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 53.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 233 و 234.

3- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 143.

جدی نبیند، هر چند از لحاظ عاطفی تحت فشار قرار گیرد. (1)

اما تنبیه بدنی، آخرین مرحله ای است که در روایات در رابطه با نماز به چشم می خورد، که آن هم بخاطر سستی کودک در امر نماز است. اما باید دید تنبیه بدنی در چه مواردی جایز و در چه مواردی ممنوع است؛ و این امر در توصیه های رهبران الهی به وضوح آمده است و هر پدر و مادر مسلمانی وظیفه دارد قبل از اقدام به تنبیه فرزند خود، این توصیه های ارزشمند را مطالعه کند.

اما آنچه مربوط به استفاده از روش تنبیه بدنی برای تشویق فرزند به نماز است و در روایات نیز آمده، این است که: نباید فرزند را قبل از ده سالگی برای نماز کتک زد. از جمله روایتی که می توان به آن اشاره کرد روایتی است از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرموده اند:

«أدب صغار اهل بیتک بلسانک علی الصلاة و الطهور، فإذا بلغوا عشر سنین فأضرب و لا تجاوز ثلاثاً؛ فرزندان خردسالان را با زبان بر نماز و وضو انس و عادت دهید، و آنگاه که به ده سالگی رسیدند آنها را بخاطر سستی و سهل انگاری در نماز بزیند ولی از سه ضربه فراتر نرود». (2)

همانطور که از این روایت فهمیده می شود، در واداشتن کودکان به نماز خواندن، که از تأدیب زبانی آغاز می شود و در نهایت به تنبیه عملی می انجامد، والدین گرامی باید به این نکته توجه داشته باشند، که در سنین پایین تنها باید تشویق، نرمی و مهربانی، فرزندان خود را به نماز وادارند، و بر آنان سخت نگیرند که یکباره از نماز بریده و از آن منزجر شوند، اما هرچه سن آنها بالاتر می رود، قدری لحن آمرانه بخود بگیرند و بطور کلی در زدن فرزندان بدلیل کوتاهی در نماز - بویژه در سنین کمتر از ده سالگی - با احتیاط و دوراندیشی بیشتر عمل کنند و یقین داشته باشند که

ص: 55

1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 141.

2- . مجموعه ورام؛ ورام بن ابی فارس؛ ج 2؛ ص 155.

راههای تربیتی بهتر و مؤثرتری هم هست که می توانند با کسب آگاهی بیشتر و مطالعه کتابهای تربیتی و گفتگو با فرزندان و مشاوره با مربیان و آگاهان در امر تربیت و همچنین تأمل و تفکر شایسته به آنها پی ببرند. والدین باید به یاد داشته باشند که، استمداد از خدای متعال در این میان نقش بسزایی دارد. (1)

- روش فعال بجای روش انفعالی

یکی از روشهای مؤثر برای اینکه والدین بتوانند از همان ابتدا فرزندان خود را با آداب صحیح نماز خواندن آشنا کنند این است که، والدین روشهای آموزش نماز و شیوه های برخورد را با فرزندان بگونه ای انتخاب کنند که آنها به طرز فعال و از روی میل و اختیار خود، به فلسفه، شرایط و آداب نماز پی ببرند. بهترین شیوه در این مورد، بکارگیری روش اکتشافی و فعال است که به کودکان و نوجوانان فرصت می دهد تا آنها خود شخصاً در بنا کردن مفاهیم و تکوین تدریجی ارزشهای دینی مشارکت نمایند.

در این روش بجای برخورد مستقیم و تحمیل توصیه ها و اندرزهای تربیتی، سعی می شود با طرح موضوع به شکل سؤالی، پاسخ مناسب از طرف مخاطب داده شود. مدل زیر یک مثال عملی برای استفاده از روش فعال بجای روش انفعالی در برخورد فرزندان، در ارتباط با اقامه نماز می باشد:

بجای گفتن: می توان گفت:

- این طرز نماز خواندن غلط است. - طرز درست نماز خواندن چگونه است؟

- زود باش وقت نماز دیر شد. - فکر می کنی الان وقت چیست؟

- صد بار گفته ام که نمازت را به موقع بخوان. - من در مورد چه چیزی بارها به تو تذکر داده ام؟

ص: 56

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام) ؛ ص 222-224.

- یادت باشد صبح زود بیدار شوی که نمازت - فردا صبح باید چه ساعتی بیدار شوی؟ یا: اولین کاری که صبح قضا نشود زود باید انجام دهی چیست؟

- اینقدر نمازت را با سرعت نخوان. - چگونه می توانی نمازت را با آرامش بخوانی؟

- ثواب خواندن نماز در مسجد خیلی بیشتر است. - خواندن نماز در کجا ثواب بیشتری دارد؟

- این طرز نماز خواندن را خدا قبول نمی کند. - فکر می کنی خداوند کدام نوع نماز را بیشتر قبول می کند؟

- این وضویی که گرفتی باطل است، زود باش - طرز صحیح وضو گرفتن چگونه است؟ می توانی یکبار برای من دوباره وضو بگیر. انجام دهی؟

- اگر نمازت را به موقع بخوانی جایزه می گیری. - هرگاه نمازت را به موقع می خوانی چه احساسی داری؟

- اگر نمازت را ترک کنی خداوند نیز از تو قهر - اگر نمازت را ترک کنی چه اتفاقی می افتد؟

- کسی نماز می خواند نباید گناهی انجام دهد، یا - کسی که اهل نماز است باید از چه کارهایی دوری کند؟

کارهای زشت انجام دهد.

در واقع روش فعال در تربیت دینی چگونه ای است که:

1- قدرت انتخاب به مخاطب می دهد تا با موضوع یادگیری و آموزش مورد نظر درگیر شود.

2- فرصت کشف و یادگیری شخصی بجای تحمیل و انتقال یک سویه به فرد داده می شود.

3- «چگونه» یادگیری مفاهیم دینی بیش از «چه چیز» یادگرفتن و یا چه اندازه

یادگرفتن مهم است.

4- «تعامل» و ارتباط دو جانبه بجای «تحکم» و ارتباط یک طرفه انجام می گیرد.

5- درک متقابل، احترام متقابل و ارتباط دو سویه از جانب والدین بویژه برای فرزندان نوجوان در فرآیند تربیت دینی مورد توجه قرار می گیرد. (1)

گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند

مقدمه

خانه و خانواده، اولین مکان تربیتی فرزندان هستند و بیشترین تأثیر را در امر تربیت ایفا می کنند؛ چراکه فرزندان بیشتر عمر خود را در آن به سر می برند. بنابراین لازم است این محیط دارای شرایطی باشد که در جذب فرزندان به نماز، بیشترین تأثیر را می گذارند، و این شرایط را باید والدین عزیز فراهم نمایند. مهمترین اموری که والدین باید در خانه بکار گیرند، عبارتند از:

- آماده سازی جوّ خانه: در مورد آماده سازی جوّ خانه برای واداشتن کودک به نماز، اموری را که باید رعایت کرد از این قبیل هستند:

1- دقایقی قبل از نماز، والدین آماده تطهیر شوند و وضو بگیرند؛

2- با شنیدن صدای اذان، والدین، رو به قبله بنشینند و ذکر اذان را زمزمه کنند، حتی از فرزندانشان بخواهند او هم اذان بگوید؛

3- دعوت از فرزندان برای نماز با خوشرویی، که وقت نماز است، زمان سخن گفتن با خداست، بیایید آماده شوید که نماز بخوانیم؛

4- تهیه کردن مهری قشنگ، تسبیحی زیبا و جانماز برای فرزندان؛

5- تهیه لباس زیبا برای پسران و چادر نمازی قشنگ برای دختران؛

ص: 58

1- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 95-99.

6- تسریع در آمادگی برای نماز، بگونه ای که کودک احساس مسئولیت والدین را در مورد آن دریابد و ببیند که آنها چگونه همه کارهای خود را بخاطر نماز رها کرده و آماده انجام فریضه شده اند.

7- بیدار کردن کودک هنگام صبح برای اجرای برنامه نماز، که بر طبق دستور صریح اسلام بر عهده پدر است. او باید خود زودتر از اعضای خانواده بیدار شود و فرزندان خود را با صدای خوب، گرم و دلپذیر بیدار کند، به این صورت: علی جان من، فاطمه جان من، برخیز وقت نماز است... و آنقدر صدا کند تا آنها هشیار شوند و پس از هشیار شدن، آنان را به خود رها کند و خود بدنبال وضو و تطهیر برود. پس از بازگشت اگر بچه ها را در حال خواب دید، مجدداً با همان صدا و نوازش، آنها را صدا کند تا هشیار شوند. و وقتی که جواب دادند آنها را به خود رها کند و خود بالای سر آنها با صدای بلند نماز را شروع کند؛ پس از نماز اگر باز هم آنها در خواب بودند، به سر وقتشان برود، با صدای دلپذیر، با کشیدن دست بر سر و روی آنها، با نوازش بدنی، گاهی هم تحت شوخی با بچه ها به صورت بغل کردن و وایستادن آنها بیدارشان کند، به دستشویی راهنماییشان نماید و حتی صورتشان را بشوید تا کاملاً هشیار و آماده نماز شوند.

در همه حال باید سعی کرد خاطره بیدار کردن برای نماز را برای بچه ها دلپذیر ساخت، بگونه ای که از آن صحنه ها خاطره تلخی در ذهن نداشته باشند. اگر این کار تنها به مدت یک هفته بطور منظم تعقیب شود، بصورت عاداتی مناسب در آنان باقی خواهد ماند و یا از آن احساس سنگینی نخواهند داشت. (1)

ص: 59

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 167 و 168.

- گفتن اذان و اقامه در خانه

اذان سرودی است آسمانی و شعاری موزون، کوتاه، پر محتوا و سازنده که در بردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است؛ اذان صدایی است که به آسمانیان می رسد و شیطانها را به فرار و میدارد. در احادیث اشاره شده در خانه هایتان اذان بگوئید تا شیطان طرد شود و فرزندانان با این نغمه ملکوتی آشنا شوند. والدین باید سعی کنند بچه ها را به اذان گفتن تشویق کنند و روحیه حق گوئی را در آنان پرورش دهند؛ (1)

و در این مورد باید به مولا و سرورمان امام حسین (علیه السلام) اقتدا نمایند، آنجا که ایشان در نیمروز گرم عاشورا و در بحبوحه جنگ، به فرزند جوان خود فرمودند:

«اذان و اقامه بگو، پس اذان و اقامه گفتند و آن حضرت قیام فرمودند و نماز را در میدان نبرد اقامه کردند». و این اهمیت و ضرورت تکرار اذان و اقامه را از بدو تولد تا واپسین لحظه های نشان می دهد. (2)

البته کسی که اذان را می گوید باید دارای صفات خاصی باشد. در متن اسلام آمده است که مستحب است مؤذن «صیّت» یعنی خوش صدا باشد، زیرا طبع آدمی اینطور است که وقتی اذان را از یک خوش صدا می شنود، جملات آن، جور دیگری بر قلبش اثر می گذارد و اثر پذیری سریع تر است. (3)

- تنظیم برنامه خواب بچه ها

در روایات آمده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر آیه:

« فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ؛ پس از آنان،

ص: 60

1- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 62.

2- . نماز شناسی؛ حسن راشدی؛ ج 1؛ ص 149.

3- . پرستش آگاهانه؛ ص 96.

جانشینانی بجای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند». (1)

فرمودند:

« بعد از من مردمانی می آیند که اسیر شهواتند، نماز جماعت را ترک می کنند، شبها دیر می خوابند و نماز صبحشان از دست می رود». (2)

با توجه به فرموده رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، پی می بریم که والدینی که در اندیشه روح و روان و آینده فرزند خویش هستند، باید زمان خواب بچه ها را طوری تنظیم کنند که با شادابی بتوانند نماز و مراسم دینی را انجام دهند. (3)

- صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز

بسیاری از خانواده ها می گویند از بس بچه ها را به نماز سفارش کردیم خسته شدیم. در پاسخ به آنها باید گفت: مسائل حیاتی را باید مستمراً و با زبانهای گوناگون و متنوع و شیوه های مختلف مطرح کرد. چطور ما از توصیه در مورد غذا هیچگاه خسته نمی شویم و حیات بچه ها را با غذا و هوا مرتبط می دانیم؟ باید باور کنیم غذای روحی بچه ها و اکسیژن جان آنان و خوشبختی دنیا و آخرتشان به رابطه آنها با آفریدگار مهربان بستگی دارد، چس با دلسوزی بدنبال راههای جدید، بیانهای جذاب و ابتکار در طرح مسئله باشیم. (4)

خداوند متعال در قرآن عزیز می فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ ای پیامبر 7 خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر انجام آن شکیبا باش...». (5)

ص: 61

1- . مریم؛ آیه 59.

2- . وسایل الشیعه؛ شیخ محمد بن حسن حر عاملی؛ ج 15؛ ص 343.

3- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 66.

4- . همان؛ ص 64 و 65.

5- . طه؛ آیه 132.

و ما اگر به عنوان مسلمان حقیقی، پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بهترین الگوی خویش می دانیم، پس باید با صبوری زیبا در برابر نافرمانی و ناسازگاری های اولیه فرزندان در تن ندادن آنها به تکالیف دینی، و با تفکر و تأمل برای کشف راههای مناسب و شیوه های مؤثر در برخورد با اینگونه مشکلات، راه را در هموار کردن پیدایش حس دینی آنها باز کنیم. (1)

روایات در رابطه با صبر و حوصله بسیار است که از آن جمله روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که شنیدنی و بسیار آموزنده است. آن حضرت می فرماید:

«روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حال نماز خواندن بود و امام حسین (علیه السلام) (که هنوز بخوبی زبانش باز نشده بود) در کنار حضرتش ایستاده بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شروع نماز، تکبیر الاحرام گفتند، امام حسین (علیه السلام) نیز سعی کردند که الله اکبر بگویند اما نتوانستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره تکبیر گفتند و امام تلاش می کردند که الله اکبر بگویند اما باز نتوانستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا هفت بار گفتن تکبیر الاحرام را تکرار کردند، تا اینکه در تکبیر هفتم زبان امام حسین (علیه السلام) باز شد و تکبیر الاحرام درست ادا کردند. امام صادق (علیه السلام) در پایان فرمودند: از این رو بود که هفت تکبیر سنت شد». (2)

- آسان گیری در عبادت فرزندان

یکی از نکات مهم در تشویق فرزندان به نماز، آسان گیری و سهولت در برنامه عبادی آنان است، و اگر این موضوع رعایت نشود، برنامه تربیتی موفق نخواهد بود.

ص: 62

1- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 70.

2- . وسایل الشیعه؛ ج 6؛ ص 20.

سیره ائمه (علیهم السلام) ائمه (علیهم السلام) هم ابتدا بر آسان گیری بوده است. به عنوان نمونه آنان به فرزندانشان دستور می دادند نماز مغرب و عشاء و نیز ظهر و عصر را با هم بخوانند، با اینکه بزرگسالان این نمازها را در چهار وقت جداگانه می خواندند. (1) بین شیعه و اهل سنت در جمع کردن نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء، اختلاف نظر است. اما فقهای شیعه متفقاً جمع بین این نمازها را جایز می دانند، هر چند برای اقامه نماز در پنج وقت، فضیلت بیشتر قائلند.

ائمه (علیهم السلام) برای اینکه کودکان نسبت به نماز علاقه بیشتری نشان دهند و از سوی دیگر فشار نیز بر آنها وارد نشود، فرمودند:

«کودکان را مقید به پنج وقت نکنید و اگر خواستند نمازهای مغرب و عشاء را یکباره نخوانند، بگذارید چنین کنند، چون امکان دارد در فاصله بین نماز مغرب و عشاء خوابشان برده ناچار باشید که آنها را از خواب بیدار کنید تا مجدداً نماز بخوانند و این امر برای کودکان سخت است. لذا جمع خواندن دو نماز برای آنها بهتر است تا اینکه بخوابند و نماز عشاء را نخوانند.» (2)

بنابراین این نکته ای مهم است که در سالهای اول و مخصوصاً در دوران خردسالی، در نماز بگونه ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز را برای او امری سنگین و کسل کننده نسازیم. به مصلحت اوست که نمازها با ذکرهای طولانی و رکوع و سجود خسته کننده نباشد. حتی مستحب است بخاطر چند کودکی که با ما به نماز ایستاده اند آن را سریع تر بخوانیم و از برخی کارهای مستحبی صرف نظر کنیم. والدینی که اصرار دارند حتی از روی جبر و اکراه، بدون توجه به حال و روحیه کودک، او را نماز خوان بار آورند، ناخودآگاه لامذهب های آینده و افرادی عقده ای را می پروراندند. چنین افرادی در نخستین فرصتی که به

ص: 63

1- . آثار تربیتی نماز؛ ص 131.

2- . نماز در آینه وحی؛ ص 59.

قدرت و استقلالی دست یابند ترک دین و عبادت خواهند گفت، و شاهد . نمونه در این زمینه کم نیست. (1)

- گرفتن جشن تکلیف

از بهترین و شیرین ترین دورانی که بر فرزندان می گذرد، دوران بالغ شدن آنهاست. بچه ها در این مرحله احساس می کنند که شور و نشاط عظیمی در روحشان دمیده می شود و گویی به جهان تازه ای گام می نهند. آنان با تحولاتی که در روح و جسم خود می یابند به خدا توجه می کنند که بر آنان منت نهاده و آنان را در آستانه شکوفایی و رشد و بالندگی و حرکت بسوی کمال لایتناهی و تقرب به درگاه مقدس خود دعوت کرده است.

مراسم جشن تکلیف، پاسخ مثبت و مؤثری است به حالات و عواطف درونی نوجوانان. این مراسم بر شخصیت پاک و پر انرژی نوجوانان صحنه می گذارد و آنان را در قبول مسئولیتهای دینی و انسانی، مستعد و پر توانتر می سازد. بنابراین والدین گرامی باید خدا را بر این عطیه و احسان بی منت شکر نموده آن روز را جشن بگیرند. شایسته است که این جشن بخوبی برگزار گردد و مجالس عمومی و خصوصی برای آن تشکیل شود و پدر یا بزرگ خاندان، درباره عظمت تکلیف و مکلف شدن و مسائل مربوط به آن سخن بگویند.

چه نیکوست آن هدیه ها و دسته گلها که در مراسم جشن تولد آورده می شود، برای جشن تکلیف باشد و چه خوب است که هدیه ها، کتاب و نوارهای سودمند باشد. اگر به نوجوانی که به سن تکلیف رسیده بیان شود که از این لحظه خداوند به تو توجه و لطف ویژه ای دارد، و بر اثر لیاقتی که در وجود تو نهفته است این مسئولیت سنگین را بر دوش نهاده و درهای کمال و ترقی و در نتیجه شاهراه

ص: 64

بهشت جاودان را به رویت باز کرده است، او متحول خواهد شد. (1)

در گذشته نیز برخی از علمای بزرگ بر این روش اهتمام داشته و دوران بلوغ و تکلیف را برای نوجوانان خود جشن می گرفتند و در این جشن بزرگان را نیز دعوت می نمودند. به عنوان نمونه، سید بن طاووس (رضی الله عنه) که یکی از برجسته ترین علمای قرن ششم هجری می باشد و توفیق تشرف به خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) را داشته، درباره دوران بلوغ فرزندش خطاب به وی چنین می فرماید:

«اگر من با عنایاتی که خداوند مرحمت فرموده زنده بمانم، روز تشرف تو به سن تکلیف را عید قرار می دهم و صد و پنجاه دینار صدقه خواهم داد». (2)

- همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز

یکی از مسائل مهم در ترغیب فرزندان به نماز این است که والدین هنگام اقامه نماز با کودکان، آموزش نماز را با القآت سازنده و جهت دهنده همراه کنند، تا تأثیر بیشتری در ذهن و روح کودک داشته باشد؛ این القآت در دو جنبه مورد توجه قرار می گیرد:

1- جنبه اثباتی؛ بطوریکه باید به همراه نماز، دائماً به کودک القاء شود، مانند:

- چون بچه نماز خوانی هستی، خدا تو را بیشتر دوست دارد؛

- من که پدر یا مادر تو هستم تو را بخاطر نماز خیلی بیشتر از وقتی که نماز نمی خوانی دوست می دارم؛

- فرزندم نماز خوان است، و خدا نماز خوان را به بهشت می برد؛

- خدا از آدم نماز خوان راضی است، من هم از تو راضی هستم؛

- حتی اشکالی ندارد که در مواردی در حضور مهمانان از فرزندان خود تعریف

ص: 65

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 293 و 294.

2- . شیوه های رفتار با جوانان از منظر ولایت؛ ص 17.

کنیم، که: پسر الحمدلله بزرگ شده و نماز می خواند؛ دخترم، بزرگ و فهمیده شده به همین علت نماز می خواند.

2- جنبه نفی؛ که در القآت مربوط به نفی، مصداقهای گوناگون: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» را به او تفهیم می کنیم. مثلاً متذکر می شویم که:

- تو آدم نماز خوانی هستی، دروغ گفتن از تو بعید است؛

- از تو که آدم نماز خوانی هستی انتظار ندارم که پدر یا مادرت را اذیت کنی؛

- آدم نماز خوان که تنبل نمی شود؛

- آدم نماز خوان که حرف بد نمی زند، کار بد نمی کند و... .

والدین باید توجه داشته باشند که این القآت، بصورت مکرر و مداوم و برای موارد خاص، بیشتر مورد اتکا باشد. البته ذکر فضایل نماز، یاد آوری نقش آن در سازندگیها و رشد جنبه های اخلاقی و انسانی بر اثر آن، خود در این راه مؤثر است و والدین و مربیان این مسأله را همه گاه باید متذکر شوند. (1)

گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز

مقدمه

از آن جهت که نماز ستون دین و معراج مؤمنین است، و حتی در ادیان قبل از اسلام هم وجود داشته، از دیر باز سفارشهای زیادی در مورد آن شده است. به همین جهت بنا داریم در این فصل از بخش پایانی تحقیق، به برخی از این سفارشات وارده از بزرگان بپردازیم. به امید آنکه همگی، این سفارشات راهگشا را فراگرفته و در تمامی عرصه های زندگی به آنها عمل نماییم.

- اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

«مردم، خواندن و اقامه نماز را برعهده گیرید، و آن را حفظ کنید؛ زیاد نماز

ص: 66

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 174 و 175.

بخوانید و با نماز، خود را به خدا نزدیک کنید، چراکه خداوند متعال فرموده اند: (نماز دستوری است که در وقتیهای خاص بر مؤمنان واجب گردیده است) (1) آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرامی دهید. آن هنگام که از آنها پرسیدند: (چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: ما از نماز گزاران نبودیم). (2)

همانا نماز، گناهان را چونان برگهای پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردنهای می گشاید. همانا کسانی از مؤمنان، حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنایی چشمشان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود.

خدای سبحان می فرماید: (مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد) (3) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: (خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش). (4)

پس پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام آن شکیا بود). (5)

- سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز

لقمان حکیم در سفارش هایش درباره نماز به فرزندش می گوید:

«فرزندم. نماز بسیار بخوان. هرگز نماز را از اول وقت به تأخیر مینداز و دین خدا را نسبت به اول وقت نماز، فوراً ادا کن. نماز را با جماعت بخوان، هر چند

ص: 67

1- . نساء؛ آیه 103.

2- . مدثر؛ آیه 42.

3- . نور؛ آیه 37.

4- . طه؛ آیه 132.

5- . نهج البلاغه؛ خطبة 199؛ ص 299.

در سخت ترین حالات و شرایط باشی»⁽¹⁾.

- اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله عليه)

امام خمینی (رحمة الله عليه) آن معمار کبیر انقلاب اسلامی و عارف فرزانه، در مورد جایگاه نماز می فرماید:

«نگویید که ما انقلاب کردیم، حالا باید هی فریاد بزنیم. خیر، نماز بخوانید، (نماز) از همه فریادها بالاتر است.» و در جای دیگر فرموده اند: «خدای تعالی دوست دارد که وقت ذکر او، بنده منقطع بسوی او باشد و متضرع و خالص باشد؛ پس سزاوار است نمازگزار، کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد»؛ ایشان فرموده اند: «نماز جمعه در رأس همه امور است، و از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. یکی از برکات این نهضت و انقلاب، همین اقامه نماز جمعه هاست»⁽²⁾.

- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز

«هیچ وسیله ای مستحکم تر و دائمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست؛ مبتدی ترین انسانها رابطه خود با خدا را به وسیله نماز آغاز می کنند و برجسته ترین اولیاء خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می جوید. این گنجینه ذکر و راز را هرگز پایانی نیست و هرکه با او بیشتر آشنا شود، جلوه و درخشش بیشتری می یابد؛ نماز در همه حالات، حتی در میدان نبرد و در سخت ترین آزمایشهای زندگی، اولویت خود را از دست نمی دهد.

انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر، محتاج تر»⁽³⁾.

ص: 68

1- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 416.

2- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 182.

3- . <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2499>.

نتیجه ای که از مباحث این فصل می توان گرفت این است که، برای گرایش و عدم گرایش فرزندان به نماز عوامل متعددی مؤثر است؛ خانواده، عالم نبودن به محتوای نماز، آشنا نبودن به اسرار و فلسفه نماز، عوامل اجتماعی همچون دوستان، رسانه ها و عوامل بسیار دیگری که هر یک به سهم خود می توانند فرزندان را به انجام این فریضة الهی ترغیب و یا بی میل نمایند. اما اگر هر یک از مسئولان تربیتی فرزند، از والدین گرفته تا معلمان، دوستان و مبلغان، محیط سالم و معنوی را برای او فراهم نمایند، قطعاً فرزندان در مسیر درست هدایت خواهند یافت، و نه تنها از عبادت گریزان نمی شوند بلکه با تمام وجود خود خالق هستی را ستایش می کنند.

برای آنکه تشویقهای والدین در گرایش فرزندان به نماز، مؤثر واقع گردد، لازم است که والدین گرامی از روشهای مناسب دعوت و جذب بهره گیرند، و علاوه بر آن، شرایط جذب را نیز در منزل فراهم نمایند. چراکه بکاربردن روشها به تنهایی و بدون همکاری اعضای خانواده و بویژه والدین باهم و بدون کمک گرفتن از معارف اسلامی و سفارشهای بزرگان دین، تأثیر چندانی نخواهد گذاشت.

از این رو به والدین و مشوقین نماز توصیه می شود تمامی جوانب ترغیب و جذب را رعایت نموده و عالماً و عملاً به آنها پردازند.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

عربی

1. اصول کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران؛ چاپ چهارم؛ سال 1365.

2. العین؛ محمد بن احمد فراهیدی؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ قم؛ سال 1372.

3. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمدرغب اصفهانی، ناشر: دفتر نشر کتاب، قم، 1404 ق.

4. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ناشر اسماعیلیان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1375.

5. انوار التنزیل بیضاوی، عبدالله بن عمر بیضاوی، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، 1418 ق یا 1998 م.

6. بحار الانوار؛ محمد تقی مجلسی؛ انتشارات اسلامیه؛ تهران؛ بی جا؛ بی تا.

7. تفسیر البرهان، سید هاشم الحسینی البحرانی، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، قم، 1415 ق.

8. تفسیر علی بن ابراهیم القمی [چاپ سنگی]، علی بن ابراهیم قمی ' مصحح: محمد رضا المستوفی ' محمد کاظم الرشتی ؛ کاتب: احمد التفرشی .، مؤسسه دارالکتاب، قم ' 1313 ق.

9. تفسیر مجمع البیان؛ فضل بن حسن طبرسی؛ انتشارات نورهی؛ قم؛ چاپ اول؛ سال 1388.

10. علل الشرايع و الاحكام، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق، ناشر مكتبه الحيدريه، قم، 1383، = 1425ق
11. غررالحكم و دررالكلم؛ عبدالواحد الأمرى التميمي؛ دارالكتب الاسلاميه؛ چاپ دوم؛ سال 1427(ه.ق).
12. فروع كافي، محمد بن يعقوب كليني، ناشر قدس، قم، 1388.
13. كنزالدقائق، محمد بن محمدرضا قمي مشهدي، ناشر وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مؤسسة الطبع و النشر، تهران، 1367 ش يا 1990 م.
14. لسان العرب؛ محمد بن مكرم ابن منظور؛ دار الإحياء ترث عربى؛ بيروت؛ سال 1413(ه.ق)
15. مجموعة ورام؛ ورام ابن ابى فارس؛ انتشارات مكتب الفقيه؛ بى چا؛ بى تا.
16. مجمع البيان؛ شيخ فخر الدين طريحي؛ مكتب نشر الثقافة الاسلاميه؛ سال 1376.
17. مستدرک الوسائل؛ محدث نورى؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)؛ قم؛ چاپ اول؛ سال 1408(ه.ق).
18. محجة البيضاء، محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى، ناشر: جماعة المدرسين بقم، موسسه النشر الاسلامى، قم، 1417 ق.
19. مستدرک الوسائل، حسين بن محمد تقى نورى، ناشر موسسه آل البيت (عليه السلام)، الاحياء التراث، قم، 1360 ق.
20. ميزان الحكمه ، محمد محمدى رى شهرى، ترجمه حميدرضا شىخى ؛ مقابله و تصحيح على حچيمى ... [و ديگران] ، موسسه علمى فرهنگى دارالحديث، قم، 1386.
19. وسايل الشيعه؛ شيخ محمد بن حسن حر عاملى؛ مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث؛ بيروت- لبنان؛ چاپ سوم؛ سال 1429(ه.ق).
20. وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، شيخ محمد بن حسن حر عاملى دار احياء التراث العربى، بيروت، 1367.

1. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، ناشرصدرا، تهران، 1358.
2. آثار تربیتی نماز؛ سید محمد زکی دوغان (حسینی)؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1390.
3. انسان کامل؛ شهید مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا؛ چاپ یازدهم؛ دی ماه 1373.
4. پرستش آگاهانه؛ محمد رضا رضوانطلب؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1375.
5. تفسیر نمونه؛ آیه الله مکارم شیرازی؛ دارالکتب الاسلامیه؛ چاپ بیست و هفتم؛ سال 1386.
6. تعلیم و تربیت در اسلام؛ شهید مرتضی مطهری؛ انتشارات الزهراء (سلام الله علیها) تهران؛ سال 1362.
7. تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاههای امام خمینی (ره)؛ محمد رضا شرفی؛ مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)؛ تهران؛ سال 1379.
8. توشه ای از خرمن نماز؛ اصغر محمدی همدانی؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت؛ چاپ اول؛ سال 1386.
9. جامع السعادات، محمد مهدی النراقی، ناشر نشر اسماعیلیان، تهران، 1428 هـ.
10. جوان در کلام نور؛ مرتضی روحانی؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)؛ چاپ اول؛ سال 1381.
11. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)؛ محمد جواد طبسی؛ دفتر تبلیغات اسلامی قم؛ چاپ اول؛ سال 1374.
12. در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ محمد رضا سالاری فر؛ نشر هاجر؛ چاپ سوم؛ سال 1388.
13. درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ جمشید احمدی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ چهارم؛ سال 1390.

14. راز نماز؛ محسن قرائتی؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ چاپ بیست و یکم؛ سال 1391.
15. رسالت و جایگاه نماز جمعه؛ سید رضا تقوی؛ نور الائمة (علیهم السلام)؛ تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1385.
16. شیوه‌های رفتار با جوانان از منظر ولایت؛ احمد طهماسبی؛ انتشارات یاقوت؛ چاپ هشتم؛ سال 1385.
17. صحیفه نور؛ مجموعه سخنرانیهای امام خمینی (ره)؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1370.
18. فرهنگ فارسی عمید؛ حسن عمید؛ انتشارات اشجع؛ چاپ دوم؛ سال 1390.
19. فرهنگ فارسی معین؛ محمد معین؛ انتشارات امیر کبیر؛ چاپ چهارم؛ سال 1360.
20. لغت نامه دهخدا؛ علی اکبر دهخدا؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1377.
21. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی، ناشر فراهانی، تهران، 1352.
22. مفاتیح الجنان؛ حاج شیخ عباس قمی؛ ناشر فیض کاشانی؛ چاپ بیست و نهم؛ سال 1386.
23. مسئولیت تربیت؛ محمد دشتی؛ نشر امام علی (علیه السلام)؛ چاپ اول؛ سال 1364.
24. نماز شناسی؛ حسن راشدی ستاد اقامه نماز؛ چاپ یازدهم؛ سال 1385.
25. نماز در سیمای خانواده؛ انجمن اولیاء و مربیان؛ جمهوری اسلامی ایران؛ تهران چاپ اول؛ سال 1376.
26. نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ عبد العظیم کریمی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ هفتم؛ سال 1390.

27. نقش نماز در شخصیت جوانان؛ مصطفی خلیلی؛ نشر زائر؛ قم؛ چاپ پنجم؛ سال 1387.
28. نماز در آینه وحی؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ چاپ دوم؛ سال 1378.
29. نماز زیباترین الگوی پرستش؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1379.
30. نماز در قرآن؛ سید ابراهیم سید علوی؛ طلوع آزادی؛ چاپ اول؛ سال 1377.
31. نظام خانواده در اسلام؛ حسین انصاریان؛ نشر ام ابیها (سلام الله علیها)؛ قم؛ سال 1377.
32. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ناشر سازمان انتشارات جاویدان، تهران، 1324 ش.
33. هدایت نوجوان بسوی نماز؛ علی قائمی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ ششم؛ سال 1373.

چکیده

خانواده یکی از ارکان اساسی رشد و تعالی به شعار می‌رود. اهمیت خانواده در اسلام بسیار بالاست و نقش آن در هدایت و سازماندهی افراد خانواده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. پایه‌های این کانون بر بالندگی و سلامتی پدر و مادر استوار بوده و هر دو به منزله ناخدایی برای هدایت این کشتی به حساب می‌آیند. پدر و مادر اصلی‌ترین تشکیل‌دهنده خانواده بوده و ستون خانه بر شانه‌های آنها استوار می‌باشد.

آموزش دادن قرآن کریم و احکام اسلامی به فرزندان توسط والدین و بزرگ‌ترهای خانواده به اندازه‌ای اهمیت دارد که در روایات و احادیث به عنوان یکی از حقوق فرزندان بر والدین از آن یاد شده است. به عبارت دیگر یکی از وظایف پدرها و مادرها در قبال فرزندان خود این است که آن‌ها را با قرآن کریم آشنا کنند و آداب اسلامی را به آن‌ها آموزش بدهند؛ آموزشی که نه تنها در دنیا موجب سعادت فرزندان و سرفرازی والدین خواهد شد، بلکه در آخرت و زندگی باقی که نیاز انسان به خیرات بیشتر از هر زمانی است، با پاداش فراوان و خیر بسیار برای فرزند و والدین همراه خواهد بود.

اهمیت آموزش خواندن قرآن به فرزندان به قدری است که حتی نقل شده که شخصی به نام عبدالرحمن سلمی، روزی خواندن سوره حمد را به یکی از فرزندان

ص: 75

امام حسین علیه السلام آموزش داد. وقتی آن کودک به نزد پدر بزرگوار خود رفت و سوره حمد را برای ایشان خواند، امام حسین % هزار دینار و هزار خلعت به عبدالرحمن به عنوان پاداش دادند و دهان او را پر از مروارید کردند. گروهی از مردمی که شاهد پاداش عبدالرحمن بودند، به این کار امام حسین % خرده گرفته و اعتراض کردند که چرا امام این اندازه به او پاداش داده اند. اما ایشان فرمودند: «این پاداش کجا و پاداش او برای تعلیم دادن سوره حمد کجا؟» (1) این حدیث مهم نشان می دهد که والدین هر اندازه که برای یادگیری قرآن و احکام اسلامی فرزند خود هزینه کنند، برای آن ها مفید خواهد بود و نباید در این زمینه دریغی داشته باشند. چون با این کار، فرزند آن ها به خیری دست پیدا می کند و باقیات صالحات برای خود آن ها هم خواهد بود.

تأکید و تصریح و وصیت حضرت امیرالمؤمنین % به قرآن در کتاب شریف نهج البلاغه بیانگر آن است که پدرها و مادرهای مسلمان با هیچ عنوان و هیچ بهانه ای نباید از آموزش قرآن کریم و همچنین احکام و امور اسلامی به فرزندان خود، غفلت کنند. این موضوع مطلبی است که حتی رسول خدا 7 هم به آن اشاره و تأکید داشته اند.

نمونه آن مطلبی است که در کتاب حلیه الاولیاء نوشته شده، چنانکه شخصی به نام ابورافع که یکی از یاران و اصحاب پیغمبر اسلام 7 بوده، تعریف کرده که روزی آن حضرت به من فرمودند: «برای روز قیامت چه کاری کرده ای؟» من در جواب عرض کردم: «آیا برای آن روز باید پس انداز کنم؟» ایشان فرمودند: «بله، چقدر پول داری؟» گفتم: «40 هزار دینار دارم و همه را برای خداوند متعال می دهم.» نبی مکرم اسلام 7 فرمودند: «مقداری را ببخش و مقداری را نگه دار و به فرزندان

ص: 76

سؤال کردم: «آیا همان طور که ما بر فرزندان خود حق داریم، آن ها هم بر ما حق دارند؟» آن حضرت در جواب فرمودند: «بله. حق فرزند بر پدر این است که قرآن را به او آموزش بدهد.»⁽¹⁾

اجر و پاداش بسیار زیادی که اتفاقاً بخش هایی از آن از سوی همان فرزندی به پدر و مادر داده می شود که به او قرآن را آموزش داده اند. باقیات صالحات نمونه ای از این پاداش است. یعنی زمانی که والدین از دنیا بروند و به رسیدن خیری از سوی دنیا امیدوار و محتاج باشند، قرآن خواندن همان فرزند و یا انجام کارهای خیر از سوی او، به عنوان پاداشی برای آن ها خواهد بود.

اهمیت آموزش خواندن قرآن به فرزندان به قدری است که حتی نقل شده که شخصی به نام عبدالرحمن سلمی، روزی خواندن سوره حمد را به یکی از فرزندان امام حسین % آموزش داد. وقتی آن کودک به نزد پدر بزرگوار خود رفت و سوره حمد را برای ایشان خواند، امام حسین % هزار دینار و هزار خلعت به عبدالرحمن به عنوان پاداش دادند و دهان او را پر از مروارید کردند.

گروهی از مردمی که شاهد پاداش عبدالرحمن بودند، به این کار امام حسین خرده گرفته و اعتراض کردند که چرا امام این اندازه به او پاداش داده اند. اما ایشان فرمودند: «این پاداش کجا و پاداش او برای تعلیم دادن سوره حمد کجا؟»

این حدیث مهم نشان می دهد که والدین هر اندازه که برای یادگیری قرآن و احکام اسلامی فرزند خود هزینه کنند، برای آن ها مفید خواهد بود و نباید در این زمینه دریغی داشته باشند. چون با این کار، فرزند آن ها به خیری دست پیدا می کند و باقیات صالحات برای خود آن ها هم خواهد بود.⁽²⁾

ص: 77

1- . میزان الحکمه، ج 13، ص 505.

2- . المناقب، جلد 4، صفحه 66.

در همین زمینه در کتاب الکافی نوشته شده است که امام صادق% در پاسخ به سؤال فضل بن ابی قره در خصوص اینکه بعضی از مردم می گویند درآمد معلم قرآن حرام است، فرمودند: «دروغ می گویند. آن ها دشمن خدا هستند و با این بهانه ها می خواهند قرآن تعلیم داده نشود. اگر کسی مبلغی هم اندازه دیه فرزندش به معلم قرآن بدهد، برای معلم حلال است.»⁽¹⁾

سؤالی که شاید برای عده ای ایجاد شود، این است که آیا والدین می توانند به جای اینکه خودشان به فرزند خود قرآن را آموزش بدهند، آن ها را به مراکز آموزش قرآن بفرستند؟ آیا با این کار، حق خود را نسبت به فرزندشان ادا کرده اند؟

این حق چگونه ادا می شود؟

در هر حال ائمه اطهار(، پدران و مادران را برای انجام این وظیفه بسیار مهم تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خدا را در برابر این عمل یادآور شده اند. تا اندازه ای که امام حسن عسکری% فرموده اند: «خداوند پاداش زیادی به پدر و مادر عنایت می کند، اما آن ها با شگفتی سؤال می کنند پروردگارا! این همه لطف و تفضل درباره ما به چه دلیل است؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده! در جواب به آن ها گفته می شود: این همه عنایت و نعمت پاداش شماس است که به فرزند خود کتاب خدا (قرآن) آموخته اید و او را در آئین اسلام بصیر و بینا تربیت کرده اید.»

مقدمه

قرآن کریم، قانون الهی و هدیه ای آسمانی به جهانیان است. تنها کتاب حقیقی هدایت، برای تمام مردم، در همه ی زمان ها است. مرور زمان، جز بر تازگی و طراوتش نمی افزاید.

ص: 78

1- . الکافی (ط - الإسلامية)، ج 5، ص 121.

اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان

یکی از نعمت های خدای سبحان فرزندان پاک و معصوم هستند که خداوند به پسر عنایت کرده است. کودکان زمینه تربیتی بالایی دارند و هر آنچه به آنها آموزش دهیم فرا می گیرند.

یکی از راه های سپاسگزاری و شکرگزاری از خداوند برای این نعمت های با صفا تربیت درست ایشان است. یکی از مواردی که در مورد فرزندان به ما توصیه شده است آموزش قرآن کریم به آنها است.

آموزش قرآن به فرزند

بیان دین به زبان روز برای عموم مردم یکی از مشکلات جامعه امروزی است، تا همه برداشت صحیح و جامعی از مسائل دینی داشته باشند. تشویق والدین بر آموزش و یادگیری کودکان به مسایل دینی و قرآن می تواند تاثیر شگرفی بر زندگی آنها داشته باشد.

تلاوت قرآن در خانه بر سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تاثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تاثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است.

پرداختن به موضوع تحقیق با وجود گستردگی علوم و معارف، یکی از کارهای دشوار علمی به حساب می آید. ولی با این همه نگرشی بنیادین به آنچه در جامعه می گذرد، ما را با واقعیت هایی آشنا می سازد که پرداختن به آنها لازم و ضروری است شاید در نگاه اول، این بینش اساسی نبوده ولی غور و تفحص در این مبانی، دریچه های فراوانی از مجهولات و گاهی غفلت ها را یادآوری می سازد که بازگشایی بابتی در این موضوع می تواند روش های دینی و عملی فراوانی را پیش روی خوانندگان

ممکن است موضوع تحقیقی در بسیاری از موارد به علت پدید آمدن عوامل و حوادث اجتماعی و یا با شنیدن اخبار وحشتناک در مورد فرزندان ما صورت گیرد. و بعضاً جرعه ذهنی در موضوعی خاص به خاطر شدت علاقه به آن مدتی آدمی را با کتاب و قلم مشغول سازد آنچه در این بحث بیشتر دنبال آن خواهیم بود پرداختن به تشویق والدین و نقش متقابل پدر و مادر در خصوص تعلیم و آموزش فرآن این کتاب آسمانی بشریت خواهد بود. همانگونه که می دانیم بشر امروزی در آستانه شروع هزاره سوم درگیر بزرگترین بحرانها شده است او در بحران به دنیا آمده، و زندگی می کند تجزیه و پراکنده می شود و بحرانی به بحران دیگر نقل مکان می کند.

بسیاری از جوامع نیز بحران های خود را به کشورهای دیگر صادر می کنند.

گاهی مراجعات مردم برای بیان دردهای زندگی، نویسنده را در تنگنای فکری قرار می دهد و او را دنبال پیدا کردن راه حل علمی برای این موضوع رهنمون مطالعه و تحقیق می نماید تا با جمع آوری معلومات و یافته های خویش، بتواند گره های تربیتی را که به دلیل ریشه دار بودن آنها وقت و زمان زیادی را معطوف خویش می نمایند باز کند و والدین سردرگم در مسائل تربیتی فرزندان را از پيله های ندانم کاری که به دور خویش تنیده اند رها سازد.

البته والدین در هر کجای این کره خاکی که بوده هرگونه بینش و ایدئولوژی مکتبی که باشند، خواستار تربیت کودکانی صالح و نیکو هستند. و بی شک اولین هدف و آرمان آنها تربیت اصولی و دینی فرزندان است که با چارچوب فرهنگ خانواده و اجتماع سازگار بوده و پاسخگوی نیازهای والدین و فرزندان باشد.

اهمیت مسئله تعلیم و تربیت در ارتباط تنگاتنگ با خوشبختی و شقاوت اخروی انسان است بنابراین دانستن روش های صحیح تعلیم و تربیت از نیازهای اساسی والدین شمار می آید تربیت صحیح و سالم و بخش تا حد زیادی در اختیار

پدر و مادر می‌باشد و باید از همان ابتدای کودکی حتی قبل از تولد به این مهم توجه داشته و نهایت کوشش و تلاش خویش را در جهت تربیت اولاد صالح معطوف دارند.

اما مطلبی که یادآوری آن لازم به نظر می‌رسد، ناآگاهی و ندانستن راه‌های درست به کارگیری آداب تعلیم و تربیت در میان بسیاری از والدین می‌باشد اگر با اصول کلیدی تربیت آشنا باشیم، بی‌شک در بن‌بست‌های تربیتی گرفتار نخواهیم شد. ولی با این همه عدم آشنایی پدر و مادر در مواقعی بسیار سبب پدید آمدن حوادثی می‌گردد که روحیه لطیف فرزندان و آرامش ذهنی و روحی آنها را در اثر آب و نگرانی فرو برده و بی‌مهری و کمبود محبت را در آسمان آبی دل‌های پاک و پرامید آنان، آوار می‌سازد و درخت باصفای زندگانی آنها را با طوفانهای خشم و کینه می‌لرزاند و در این صورت است که دیگر اجازه روشن شدن ارتباط با خانواده را سلب می‌کند و این همه ناشی از برخورد غیرمنطقی در پیشامدهای بوجود آمده‌نماند که عواقب این برخوردها می‌تواند آبیاری کننده ریشه‌های درخت کینه و ناسازگاری فرزندان باشد.

هرگز گمان نکنید که مسئولیت شما اداره زندگی مادی و مراقبت‌های جسمی کودک است. بلکه مهم‌تر و بالاتر از مسئله جسم، تربیت و تامین نیازهای روحی و روانی کودک بوده که اساس شخصیت و حقیقت انسانی نیز در همین روح نهفته است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

العلم فی الصغیر كالنقش فی الحجر

العلم فی الصغیر كالنقش فی الحجر (1)

آنچه در کودکی آموخته می‌شود همانند نقشی است که بر روی سنگ، حک و ترسیم شود این کتاب شامل موارد تربیتی والدین و تشویق فرزندان به سمت آموزش و تعلیم قرآن می‌باشد و سعی بر آن گردیده تا با قلمی شیوا در صفحه کتاب

ص: 81

به رقص در آوریم و با آهنگ صفا و صمیمیت خاطرات تلخ گذشته را سوزانده و سرود شادی و نشاط را دوباره زمزمه نماییم. حق آموزش و تعلیم قرآن به فرزندان به عنوان حقی از طرف فرزند بر عهده والدین مطرح است. این حق به ویژه در مورد پدران مصداق دارد و در احادیث به طور ویژه از پدران یاد شده که در قبال فرزندان خود وظیفه دارند به آن ها قرآن و احکام اسلامی را آموزش بدهند.

یکی از احادیث معتبر و مهمی که به این حق فرزند که بر عهده پدرش قرار داده شده اشاره می کند، حدیثی به نقل از حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام است که فرموده اند: «حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر او بگذارد، نیکو تربیتش کند و به او قرآن را بیاموزد.» (1) حتی آن حضرت در وصیت نامه ای که خطاب به فرزند ارشد خود، امام حسن مجتبی علیه السلام، نوشته و ثبت کرده اند، به این نکته اشاره دقیقی دارند. این مطلب در کتاب شریف نهج البلاغه هم درج شده است، مبنی بر اینکه آن حضرت فرموده اند: «چنین دیدم که قبل از هر چیز، کتاب خداوند عزوجل و تفسیر و تأویل آن و شرایع و احکام اسلامی و حلال و حرام آن را به تو آموزش دهم و جز این به چیزی نپردازم.» (2)

تعلیم قرآن و نقش مادر

قرآن، معجزه پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و آخرین کتاب آسمانی است که از طرف خدای متعال برای هدایت بشر نازل شده است.

پر واضح است که هدف از نزول قرآن، عمل به دستورات آن است اما در عین حال، خواندن و تلاوت قرآن هم اثرات خاصی دارد و حتی نگاه کردن به آیات قرآن هم دارای فایده است.

ص: 82

1- . نهج البلاغه، حکمت 399.

2- . نهج البلاغه، کتاب 31.

از این رو نقش پررنگ مادر در خصوص انس با قرآن و انتقال این حس به فرزند یا فرزندان نباید غفلت شود.

فواید خواندن قرآن در بارداری

بینیم اثرات، خواص و فواید تلاوت قرآن در دوران بارداری بر مادر و جنین چیست؟

خواندن قرآن در تمام طول دوران زندگی امری شایسته است و به خصوص آن که به دستورات و رهنمودهای این کتاب آسمانی هم عمل شود.

یکی از مراحل زندگی، مرحله بارداری در خانم ها می باشد.

تاثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار

یکی از مسائل بسیار مهم در طی دوران بارداری، آرامش مادر باردار می باشد.

آرامش مادر باردار نه تنها برای خود مادر مهم است بلکه تاثیر مستقیمی بر آرامش و سلامتی جنین هم دارد.

تلاوت قرآن در بارداری نقش موثری بر آرامش مادر باردار دارد و خدای متعال هم در قرآن کریم بر آرامش قلب ها با یاد خدا اشاره نموده و می فرمایند: بدانید که قلب ها فقط با یاد خدا آرامش می یابند. (1)

تاثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزند

شاید شما هم در اطراف خود کودکانی را دیده باشید که از یک آرامش خاصی برخوردار هستند.

البته آرامش در کودکان به هیچ وجه به معنای کسلی یا تبلی یا ناراحتی های جسمی و روحی نیست بلکه کودکان آرام در کنار تمام فعالیت های طبیعی خود از یک حس آرامش خاصی برخوردار هستند و حرکات ناخوشایند و ناموزون از آن ها

ص: 83

سر نمی زند. علل و عوامل مختلفی در طی دوران بارداری و آبستنی بر آرامش جنین تاثیر دارد و یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار بر آرامش روحی جنین، تلاوت قرآن در دوران بارداری است.

مادران باردار در صورتی که خودشان قادر به تلاوت قرآن باشند می توانند قرآن را بخوانند و اگر به دلایلی چنین امکانی برای خودشان وجود نداشته باشد می توانند نوار قرآن بگذارند یا در محیط هایی بروند که قرآن تلاوت می شود. با تلاوت قرآن در بارداری، شما مادر محترم، یک حس آرامش معنوی و خدایی به فرزند خود هدیه داده اید.

خوردن (میوه ها و غذاها)

اما از نظر تغذیه به مواردی در روایات ما به آن اشاره شده است که به برخی از آنها فهرست وار اشاره می کنیم که می توانید مفصل تر آن را در کتابهایی که در این رابطه نوشته شده است ملاحظه فرمائید.

فی روایه: عن الحسن بن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):

اطعموا حبالکم اللبان فان الصبی اذا غدّی فی بطن امر باللبان اشتد قلبه و زید فی عقله، فان یک ذکراً کان شجاعاً و ان ولدت أنثی عظمت عجیزتها بذلک عند زوجها.

در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود:

زن حامله «به» بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزند صافتر باشد. یا خوردن گلابی سفارش شده است.

در روایتی آمده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

زنی که تازه وضع حمل کرده خرما بخورد تا فرزندش بردبار شود.

خوردن ماهی، کرفس، لوبیا در تقویت نور چشم بچه و جنین تأثیر زیادی دارد.

که حتی خوردن ماهی، در رنگ فرزند تأثیر مستقیم دارد، خوردن میوه ها

مخصوصاً سیب درختی هم بسیار مفید می باشد.

اما آنچه «خواندنی» است و تأثیر مثبت بر جنین دارد قرآن خواندن تأثیر فراوانی در روحيات فرزند می گذارد.

لازم به ذکر است که مداومت بر خواندن ادعیه ای هم که مأثور از اهل بیت (علیه السلام) می باشد همچنان که در روح و جان انسان و مادر تأثیر دارد. بر جنین و فرزند هم تأثیر دارد.

از نظر روانی و عاطفه

اگر مادر در دوران بارداری از آرامش روحی و روانی برخوردار باشد و بتواند در همه مراحل بارداری خود را در شرایط مثبت روحی قرار دهد به گونه ای که هیجاناتی و استرسهایی که موجب افسردگی و ملال آوری می شود پرهیزد یقیناً فرزند او هم از نظر روحی و روانی دچار مشکل و ناملايمات نخواهد شد.

اما بالعکس مادرانی که در دوران بارداری نتوانند در شرایط مطلوب روحی باشند فرزندان آن ها هم از این مشکل بی نصیب نخواهند ماند. پس در نتیجه فاکتورهای متعددی وجود دارد که اگر در کنار هم قرار گیرند و هم راه هم باشند و به آنها در عرض هم نگاه شود فرزند انسان در خیلی از موارد آنگونه که انسان انتظار دارد خواهد بود.

در پایان چند کتاب را به عنوان کمک برای بالا بردن اطلاعات شما معرفی می نمائیم:

در کتاب ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، توصیه های عبادی و خوراکی را در ایام بارداری به طور مفصل ذکر کرده است که برای نمونه یک مورد را ذکر می کنم.

در ماه اول: در روزهای پنج شنبه و جمعه خواندن سوره یس و الصافات سفارش شده که آنها را به بخواند و به بدهد، صبح ها کمی سیب شیرین بخورد، روزهای جمعه قبل از صبحانه انار شیرین بخورد، قبل از طلوع کمی از تربت

سیدالشهداء بخورد، در نمازهای یومیه قبل از نماز حتماً اذان و اقامه را بگویند و دست روی شکم خود بکشند، هر روز دو عدد خرما را سوره قدر بر آنها بخواند و ناشتا بخورد.

برای هر ماه اعمال و مطالبی را ذکر کرده است که برای اطلاعات بیشتر به آن کتاب مراجعه نمایید.

البته عمده روایات این مبحث را مرحوم مجلسی در بحارالانوار ج 101 ص 77، ابواب اولاد و احکام آنها آورده است. اما خوردنی ها هم مانند گلابی سیب، خرما، کاسنی، خربزه، انار، انجیر، کندور توصیه شده است.

امام حسن (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کنند که حضرت فرمودند:

غذای زنان باردار شیر باشد چون بچه اگر در شکم مادر از شیر تغذیه کند قلبش محکم و عقلش زیاد می شود و اگر بچه پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد زنانه آن به گونه ای می شود که نزد شوهر خود عزیز می شود.

نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند

صبر یکی از خصلت های خوب و پسندیده انسانی است که خدای متعال هم آن را دوست دارد و در قرآن کریم می فرماید که خدا با صبرکنندگان (صابران) است.

صبر یکی از خصلت های انسانی است که در موفقیت مادی و معنوی انسان نقش اساسی دارد.

خواندن قرآن در دوران بارداری توسط مادر باردار تاثیر زیادی در صبور شدن فرزند دارد.

یکی از سوره های قرآن که تلاوت آن برای صبور و بردبار شدن فرزند بسیار موثر است، سوره والعصر می باشد. مادران باردار می توانند این سوره را به دفعات زیاد در دوران بارداری بخوانند و نیز بر شکم بدمند. ضمناً می توانند هنگام تلاوت

این سوره، دست خود را بر روی شکم خود قرار دهند.

اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند

هوش و ذکاوت یکی از سرمایه های ارزشمندی است که خدای متعال در وجود ما انسان ها قرار داده است.

انسان به وسیله هوش و ذکاوت خویش است که می تواند در زندگی مادی و معنوی خود موفق باشد.

یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در هوش و فراست کودکان ، خواندن قرآن در دوران جنینی آنان در زمان بارداری مادر است.

در واقع تلاوت قرآن نقش بسیار ارزشمندی در عاقل شدن فرزند دارد و در قرآن کریم هم بر مساله تعقل در آفرینش و کارهای خدای متعال تاکید فراوان شده است.

اگر خواهان فرزند باهوش و با فراست و عاقل هستیم ، تلاوت قرآن در دوران بارداری را فراموش نکنیم.

سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری

جنین موجود در شکم مادر در طی دوران بارداری ممکن است به علل مختلفی دچار آسیب شود.

از آن جایی که همه چیز دوران بارداری نمی تواند تحت کنترل و اختیار ما باشد به همین سبب توکل بر خدای قادر متعال و کسب رضایت او می تواند از ایجاد یا تاثیر بسیاری از عوامل مضر سلامتی جنین در دوران بارداری جلوگیری نماید.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: او کسی است که شما را هر طور که بخواهد در رحم های مادران صورت گری می کند. وقتی که ما در جهت کسب رضا و خشنودی خدای متعال قدم برداریم مطمئنا خدای متعال هم فرزندی سالم به

ما امانت خواهد داد و کمک خواهد کرد تا عوامل مخمل سلامتی جنین کمتر شده یا از بین بروند.

یکی از مصادیق اطاعت از خدا و کسب خشنودی او همین تلاوت قرآن کریم است.

علاوه بر آن، هر سوره از قرآن خاصیتی دارد که مطمئناً از این جهت هم خواندن قرآن بر سلامتی جنین مؤثر است.

دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی

اغوائت شیطانی یکی از مسائلی است که از نظر روحی می تواند موجب ناراحتی کودک شود یا حتی بعدها در زمان بزرگسالی ممکن است سبب بروز برخی مشکلات روحی در شخص گردد. قرآن کلام خداست و کلام خدا نور است و هر جا که نور وارد شود تاریکی از بین می رود. با تلاوت قرآن در دوران بارداری، فرزند خود را در تحت تشعشعات نورانی کلام خدا قرار دهیم تا شیاطین نتوانند در روح او نفوذ کرده و موجب ناراحتی شوند. کودکی که از همان ایام جنینی با آیات الهی انس بگیرد مطمئناً تا حد خیلی زیادی از تاریکی های شیطانی در امان خواهد بود.

نقش قرآن در زیبا شدن کودک

اگر خواهان فرزند زیبا هستید یکی از راه های آن تلاوت سوره یوسف بر سیب سرخ و خوردن آن توسط مادر باردار در ماه هشتم بارداری می باشد.

نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند

تلاوت قرآن اثر بسیار زیادی بر شادی روح انسان دارد و شادی روح انسان بر شادابی شخص مؤثر است. اگر می خواهیم فرزندانمان شاداب شوند قرائت قرآن در دوران حاملگی را فراموش نکنیم.

نورانیت فرزند با تلاوت قرآن کریم

آیات قرآن، کلام خدا و کلام خدا هم نور است و تلاوت قرآن در زمان بارداری خانم، بر نورانیت قلب و چهره کودک تاثیر فوق العاده ای دارد.

تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک

مادر و جنین موجود در شکم او در طی دوران بارداری ممکن است با انواع بلاها و گرفتاری ها مواجه شوند که خواندن قرآن در دوران حاملگی می تواند تاثیر به سزائی در دفع یا کاهش این بلاها داشته باشد زیرا برخی از سوره های قرآن خاصیت دفع بلا را دارند. مثلا اتفاق افتاده است که مادری به دلیل ترس از رعد و برق، جنین خود را سقط کرده است و یا مسائل دیگری که ممکن است پیش بیاید. تلاوت قرآن در زمان حاملگی می تواند در دفع بلا از مادر و جنین موثر باشد.

نقش قرآن در صالح شدن فرزند

اگر می خواهیم فرزندانمان صالح شوند یکی از عوامل صالح شدن فرزندان، قرائت قرآن در دوران بارداری است تا طفل از همان ایام جنینی با آیات الهی خو گرفته و کلام الهی در روح و جان او قرار بگیرد تا انشاء... انوار نورانی کلام خدا سبب شود فرزندانمان راه صلاح و رستگاری در پیش گیرند و از بندگان صالح خدا گردند.

این ها از جمله تاثیرات خواندن و تلاوت قرآن در دوران بارداری و حاملگی می باشد که مطمئنا ما از بیان همه تاثیرات خواندن قرآن در این دوران عاجز هستیم و این چند نمونه ذکر شد تا آشنایی باشد و راهی باشد برای رسیدن به خدای متعال و دانستن قطره ای از اسرار کتاب خدا، قرآن مجید. امیدواریم انشاء... خدای متعال به حرمت قرآن مجید، فرزندان سالم، صالح، شاداب و عاقل و دانا را نصیب همه بفرماید.

فرزندان ما بر گردن ما حقوقی دارند که برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را «بلند» در حضورشان بخوانیم.

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندان را نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر علی الخصوص پدر است.

اما آنچه در حیطه به عنوان وظیفه پدر است:

نخست: پدر باید نامی برای فرزندش برگزیند که در جامعه ی اسلامی زینت او باشد و فرزندش بدان نام مفتخر باشد.

نامی که نشان از بندگی خدا داشته باشد؛ مانند: عبدالله و نام های برگزیدگان الهی علیهم السلام که عابدترین بندگان خداوندند.

دوم: چگونگی برقراری ارتباط او را با خدا و امام زمانش و خلق خدا بر پایه ی آموزش های دینی تعلیم دهد.

به عبارت دیگر او را مؤدب به آداب الهی پرورش داده و پیامبر گرانقدر اسلام را در بندگی خدا اسوه ی نیکوی او معرفی کند.

پیامبری که حضرت باقر علیه السلام در معرفی اش فرمودند:

«انّ الله اَدَبَ نَبِيَّهٖ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ لِهٖ عَلٰى مَحَبَّتِهٖ فَقَالَ : اِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيْمٍ... خداوند پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر محبت و دوستی خود ادب آموخت. سپس فرمود: همانا تو خُلُقِ عَظِيْمِي - دین بزرگی - را دارا هستی...» (1)

سوم: اگر بپذیریم که باید قرآن را به او بیاموزد، ناگزیر باید همان قرآنی را که از

ص: 90

خاندان رسالت علیهم السلام آموخته است به فرزندش تعلیم دهد: خواندنش را، ترجمه اش را و تفسیرش را. (1)

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی، حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در هر چیز جز نافرمانی خدای سبحان او را فرمان برد و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکو تربیت کند و قرآنش تعلیم دهد. (2)

این تعلیم قرآن می تواند توسط خود پدر به طور مستقیم صورت گیرد و یا اینکه برای فرزندش معلم قرآن بگیرد که در این رابطه اکثر مسلمین غافل بوده و پدران به این حق عمل نمی کنند.

در روایتی است که اگر معلمی به کودکی «بسم الله الرحمن الرحيم» یاد دهد خداوند آن کودک و آن معلم و پدر و مادر کودک را از دوزخ نجات می دهد. (3)

پدر و مادری که در خانه با صدای بلند قرآن می خوانند اثر تربیتی در روح و جان فرزندانشان می گذارد و آنان را به قرآن علاقمند می کنند.

شیوه های آموزش قرآن به کودکان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند. (4)

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

ص: 91

1- . تفسیر القمی، ج 1، ص 30

2- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 138.

3- . تفسیر منهج الصادقین ذیل یه اول حمد

4- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 825

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبرتان، محبت اهل بیت و قرآن. (1)

برای این که فرزندتان با قرآن آشنا شود:

1. از شیوه همانند سازی استفاده کنید، یعنی در عمل به قرآن اهمیت قائل شوید و تلاوت قرآن را در برنامه خود قرار دهید و با آهنگ آن را بخوانید. اگر ممکن است آهنگ دلنشین و جذاب قرآن را در منزل طنین اندازید تا گوش فرزندتان با آهنگ قرآن انس پیدا کند و فضای خانه از بوی عطر قرآن، معطر گردد.

2. نوارهای ترتیل و تکرار آیات قرآن را که به صورت سی دی ارائه است، تهیه نمایید.

3. ایشان را پس از رسیدن به سنین بالاتر به مراکز آموزش قرآن معرفی نمایید تا با روش صحیح و منطقی فرزندتان را تعلیم دهند. در مراحل مختلف از تشویق دریغ نوزید. (2)

4. کتاب هایی را که در رابطه با روش آموزش قرآن و حفظ آن چاپ شده مطالعه فرمایید که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

- کتاب جرعه ملکوت

- حفظ قرآن در پنج مرحله

- بهترین روش حفظ قرآن

- حافظان نور (که جامعه القرآن الکریم آن ها را منتشر نموده است)

یکی دیگر از نکاتی که در آموزش قرآن در دوران کودکی باید مورد تامل قرار گیرد توجه به ویژگی های کودک و استفاده از قالب های مورد علاقه کودک نظیر

ص: 92

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456

2- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 140

بازی، کاردستی، شعر و قصه و در آموزش است.

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است (1)

حضرت علی (علیه السلام) در جایی به پدر فرزدق، شاعر معروف که فرزند خود را جهت تشویق به خاطر فراگیری شعر و کلام عرب به خدمت حضرت آورده بود فرمودند: "اگر به او قرآن یاد می دادی برایش بهتر بود."

در جای دیگر خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: در اولین قدم برای تربیت تو، از تعلیم کتاب خدا و تأویل آن شروع کردم ..

ائمه معصومین (علیه السلام) پدران و مادران را برای انجام این مهم، فراوان تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خداوند را در قبال این عمل یادآور شده اند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می کند. آنان با شگفتی سؤال می کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است!

در جواب آنها گفته می شود: هذ بتعلیم کما ولد کما القرآن و تبصیر کما آیه بدین الاسلام. " این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن را آموختید و او را در دین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید. (2)

روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن

دیگران را در اطلاعاتی که از قرآن به دست می آورید، سهیم کنید.

شما از مطالبی که درباره قرآن میخوانید، چیزهایی را میآموزید. پس چرا آن را با خانواده خود در میان نگذارید؟ نکته ای کوتاه از یک آیه، داستانی قرآنی که خیلی به آن علاقه مندید یا خبر یا مطلبی جدید از قرآن که اخیراً مطرح شده است، میتواند

ص: 93

1- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 141

2- . جمعی از استادان، ص 182

جرقه یک گفت وگویی دوست داشتنی درباره قرآن باشد. (1)

بعضی از بچه ها بیشتر به هدف جلب توجه بزرگترها و اطرافیان، قرآن میخوانند و گاهی از اینکه میتوان با هدف کسب معنویت، اخلاق و ... نیز تلاوت کرد، بی خبرند. گرچه از قرآن در کلاسها اطلاعاتی به دست میآورند، اما اگر آنها را به حال خود بگذاریم، قرآن را انتخاب نمی کنند.

بزرگسالان بیشتر به هدف کسب ثواب، تلاوت میکنند. هر چند این کار فی نفسه مطلوب است اما شایسته است به نیت آموختن پیامی اخلاقی یا ... از نامه خداوند، به مطالعه آن پردازند و تدبر نمایند.

اگر پیام هایی و مطالبی را که از مطالعه قرآن به دست می آورید با فرزندان در میان بگذارید، میتوانید آنها را برای خواندن قرآن به قصد درک پیامهای خداوند آماده کنید. با این کار به بچه می فهمانید که به پیامهای قرآن علاقه دارید و دوست دارید آنها نیز به آن علاقه مند شوند. وقتی بچه ها میبینند که چگونه از پیامهای قرآنی که به دست آورده اید، لذت می برید و استفاده میکنید، دیگر کمتر از تلاوت به قصد درک پیام خدا می گریزند.

حتی میتوانید فرزندان را تشویق کنید پیامهایی که از تلاوت قرآن به دست میآورند را با شما در میان بگذارند. میتوانید پرسید: در فلان آیه یا فلان سوره چه چیزی نوشته شده است؟ اما جالبتر از آن است که پرسید: امروز در کلاس قرآن چه چیزی یاد گرفتی؟ (2)

ص: 94

1- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 143

2- . مجله نسیم وحی دی 1386، شماره 10

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

فرزندان ما بر گردن ما حقوقی دارند که برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را «بلند» در حضورشان بخوانیم.

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندانشان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است.

به این داستان بنگرید تا ببینید نخستین معلم «محمد حسین طباطبایی» پدیده قرنی عصر حاضر کیست؟

«مادر سید محمد حسین (علم الهدی) معمولاً او را با خود به جلسات حفظی که اداره برگزار می کرد می برد، در سن 2/5 سالگی پدرش دریافت که علم الهدی با خود آیاتی از قرآن را زمزمه می کند، لذا با فراست دریافت که او استعداد و آمادگی لازم برای حفظ قرآن را دارد و زمزمه آیاتی از جزء 30 به خاطر حضور او در جلسات حفظ قرآن به همراه مادرش بوده، آیاتی را که شاگردان حفظ کرده و در جلسه تحویل می دادند شنیده و حفظ کرده است.

پس به صورت منسجم حفظ قرآن را با او شروع کرد و نتیجه ای بسیار عالی از موقع شناسی خود در استعدادیابی کودکش به دست آورد که اکنون اثرات آن در داخل و خارج کشور باعث رونق بخشیدن به محافل حفظ قرآن شده است، بنابراین محیط را برای کودک قرآنی کنید و منتظر باشید او پیشقدم شود».

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی، حق پدر

بر فرزند آن است که فرزند در هر چیز جز نافرمانی خدای سبحان او را فرمان برد و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکو تربیت کند و قرآنش تعلیم دهد.

این تعلیم قرآن می تواند توسط خود پدر به طور مستقیم صورت گیرد و یا اینکه برای فرزندش معلم قرآن بگیرد که در این رابطه اکثر مسلمین غافل بوده و پدران به این حق عمل نمی کنند.

در روایتی است که اگر معلمی به کودکی بسم الله الرحمن الرحیم یاد دهد خداوند آن کودک و آن معلم و پدر و مادر کودک را از دوزخ نجات می دهد. (1)

پدر و مادری که در خانه با صدای بلند قرآن می خوانند اثر تربیتی در روح و جان فرزندانشان می گذارد و آنان را به قرآن علاقمند می کنند.

شیوه های آموزش قرآن به کودکان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: "هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند" (2).

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: "فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبرتان، محبت اهل بیت و قرآن" (3).

برای این که فرزندان با قرآن آشنا شود:

1) از شیوه همانند سازی استفاده کنید، یعنی در عمل به قرآن اهمیت قائل شوید و تلاوت قرآن را در برنامه خود قرار دهید و با آهنگ آن را بخوانید. اگر

ص: 96

1- . تفسیر منهج الصادقین ذیل یه اول حمد

2- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 825

3- . کنز العمال، ج 16، ص 456

ممکن است آهنگ دلنشین و جذاب قرآن را در منزل طنین اندازید تا گوش فرزندتان با آهنگ قرآن انس پیدا کند و فضای خانه از بوی عطر قرآن، معطر گردد.

(2) نوارهای ترتیل و تکرار آیات قرآن را که به صورت سی دی ارائه است، تهیه نمایید.

(3) ایشان را پس از رسیدن به سنین بالاتر به مراکز آموزش قرآن معرفی نمایید تا با روش صحیح و منطقی فرزندتان را تعلیم دهند. در مراحل مختلف از تشویق دریغ نوزید.

(4) کتاب هایی را که در رابطه با روش آموزش قرآن و حفظ آن چاپ شده مطالعه فرمایید که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

- کتاب جرعه ملکوت

- حفظ قرآن در پنج مرحله

- بهترین روش حفظ قرآن

حافظان نور (که جامعه القرآن الکریم آن ها را منتشر نموده است)

یکی دیگر از نکاتی که در آموزش قرآن در دوران کودکی باید مورد تامل قرار گیرد توجه به ویژگی های کودک و استفاده از قالب های مورد علاقه کودک نظیر بازی، کاردستی، شعر و قصه و در آموزش است.

ص: 97

آموزش مسائل دینی به کودکان

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست.

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است

حضرت علی (علیه السلام) در جایی به پدر فرزدق، شاعر معروف که فرزند خود را جهت تشویق به خاطر فراگیری شعر و کلام عرب به خدمت حضرت آورده بود فرمودند: “اگر به او قرآن یاد می دادی برایش بهتر بود.” (1)

در جای دیگر خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: در اولین قدم برای تربیت تو، از تعلیم کتاب خدا و تأویل آن شروع کردم ..

ائمه معصومین (علیه السلام) پدران و مادران را برای انجام این مهم، فراوان تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خداوند را در قبال این عمل یادآور شده اند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می کند. آنان با شگفتی سؤال می کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است!

در جواب آنها گفته می شود: هذ بتعلیم کما ولد کما القرآن و تبصیر کما آیه بدین الاسلام. ” این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن را آموختید و او را در دین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید. (2)

حقّ فرزند بر پدر

ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

نخست: پدر باید نامی برای فرزندش برگزیند که در جامعه ی اسلامی زینت او باشد و فرزندش بدان نام مفتخر باشد.

نامی که نشان از بندگی خدا داشته باشد؛ مانند: عبدالله و نام های برگزیدگان

ص: 98

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456

2- . جمعی از استادان، ص 182

الهی علیهم السلام که عابدترین بندگان خداوندند.

دوم: چگونگی برقراری ارتباط او را با خدا و امام زمانش و خلق خدا بر پایه ی آموزش های دینی تعلیم دهد.

به عبارت دیگر او را مؤدب به آداب الهی پرورش داده و پیامبر گرانقدر اسلام را در بندگی خدا اسوه ی نیکوی او معرفی کند.

پیامبری که حضرت باقر علیه السلام در معرفی اش فرمودند: «انّ الله أدب نبيّه صلى الله عليه و له على محبته فقال: إنك لعلی خلق عظیم... - خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را بر محبت و دوستی خود ادب آموخت. سپس فرمود: همانا تو خلق عظیمی - دین بزرگی - را دارا هستی...» (1).

سوم: اگر بپذیریم که باید قرآن را به او بیاموزد، ناگزیر باید همان قرآنی را که از خاندان رسالت علیهم السلام آموخته است به فرزندش تعلیم دهد: خواندنش را، ترجمه اش را و تفسیرش را.

ص: 99

1- . "الاختصاص"، "شیخ مفید"، ص 330

امید است موارد ساده‌ی زیر بتواند به حل مشکل و تقویت مهارت های دانش آموزان در تلاوت قرآن کمک کند:

1- فرزند خود را به مطالعه‌ی روزانه‌ی قرآن عادت دهید. شاید این امکان صبح هنگام به عُلّت خواب آلودگی بچه‌ها فراهم نباشد؛ اما می‌توانید موقع اذان مغرب فرزند خود را ترغیب نمایید که به همراه شما وضو گرفته، نماز بخواند و پس از ادای نماز، از روی عبارت های قرآنی کتاب خود، به عنوان فریضه‌ای که موجب خشنودی خدای مهربان است، بخواند.

به فرزندانتان اجازه دهید که شاهد عبادت های شما باشند و سعی کنید الگوی مناسبی برای فرزندانتان باشید؛ زیرا بچه‌ها بیش از اینکه از کلام ما تأثیر بپذیرند، از رفتار ما می‌آموزند.

تمرین با این شیوه در ابتدای امر ممکن است برای والدین و فرزندان با مشکلاتی به همراه می‌باشد و حتی شاید با مقاومت فرزندتان روبه‌رو شوید؛ اما پس از گذشت مدتی کوتاه باعث پیشرفت های چشمگیری در فرزند شما خواهد شد و این توانایی را در آنان ایجاد می‌کند تا آیات جدید قرآنی را نیز به سهولت قرائت کنند.

فراموش نکنید که:

2- معانی آیات را برای فرزند خود بیان کنید تا فرزند شما بتواند با آیات الهی ارتباط روحی برقرار کند. یکی از دلایل بی‌میلی کودکان نسبت به تلاوت قرآن این است که کودکان ما به دلیل بیگانه بودن زبان عربی، آیات نورانی را جملاتی بی‌معنا تلقی کرده، نمی‌توانند از معنی، بهره‌کافی برخوردار گردند و این وظیفه‌ی ماست که با بیان معانی بلند آیات، آنان را از این چشمه‌ی جوشان سیراب نماییم.

3- به جنبه های التذادی استماع صوت خوش قرآن توجه کنید. سعی کنید حتی الامکان عبارت ها را با صوت و آهنگ دلنشین تلاوت کنید تا فرزندتان از شنیدن آیات قرآن لذت ببرد.

4- سعی کنید برای کودکان خود از داستان های قرآنی تعریف کنید. تعریف داستان های قرآنی - قبل از خواب - برای شما و کودکان خوابی آرام و احساسی شیرین و خاطراتی به یاد ماندنی به همراه خواهد داشت .

5- کودکان را با آداب قرائت قرآن مانند پاکی و پاکیزگی، با وضو بودن، آداب نشستن، گوش دادن به هنگام شنیدن آیات قرآن و... آشنا سازید و آنان را نسبت به رعایت این آداب ترغیب نمایید.

6- به هنگام تمرین آیات در منزل، از خواندن آیات توسط شما و تکرار توسط دانش آموز اجتناب کنید. شیوه ی کار باید به گونه ای باشد که دانش آموز خود سعی در اکتشاف شکل صحیح قرائت داشته باشد و شما به عنوان راهنما فقط توجه فرزند خود را به حرکت حرفی که اشتباه تلفظ کرده معطوف نمایید تا در تلاش های بعدی به شکل تلفظ صحیح کلمه برسد.

تمرین با این شیوه در ابتدای امر ممکن است برای والدین و فرزندان با مشکلاتی همراه باشد و حتی شاید با مقاومت فرزندتان روبه رو شوید؛ اما پس از گذشت مدتی کوتاه باعث پیشرفت های چشمگیری در فرزند شما خواهد شد و این توانایی را در آنان ایجاد می کند تا آیات جدید قرآنی را نیز به سهولت قرائت کنند.

7- رفع برخی از اشکالات به تمرین بیشتر و مرور زمان نیاز دارد. از این رو، نباید انتظار داشته باشید که همه ی اشکالات بلافاصله برطرف شود. (1)

ص: 101

1- . مجلات رشد معلم، فاطمه خاج، آموزگار پایه سوم دبستان خاکره یک، آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز.

قرآن کریم

نهج البلاغه

عربی

1. التذكار في افضل الذكار، محمد بن احمد قرطبي، ناشر محمد امين الخانجي، مصر، 1315 = ق. 1355 .
2. الاختصاص، شيخ مفيد، ناشر جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، قم، 1416ق.= 1374.
3. الميزان في تفسير القرآن، الميزان في تفسير القرآن.
4. امالي، شيخ صدوق، ناشر مؤسسة الاعلمى، قم، بي تا.
5. بحار الانوار، محمد باقر المجلسي، ناشر دار الكتب الاسلاميه، تهران، 1362-1374.
6. تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، ناشر مؤسسه دار الكتاب، قم، 1313ق.
7. سنن، احمد بن علي نسائي، ناشر بيت الأفكار الدولية، عربستان، بي تا.
8. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ابي جعفر محمد بن جرير الطبري، ناشر دار الاعلام، عمان، 2002م
9. صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، ناشر لجنة إحياء كتب السنة، مصر، 1410 قيا 1990 م
10. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، ناشر دار الطباعة العامره، تركيه، 1329-1334ق
11. كنز العمال، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي، ناشر مؤسسه الرساله، بيروت، 1413ق.= 1993م.= 1372.

12. کافی، ثقة الاسلام آبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، بهار 1367

13. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ناشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، 1408ق.

14. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ناشر در الحدیث، قم، 1384ش

15. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ناشر آل البيت، بیروت، سال 1414ق

فارسی

1. ارزش والدین و تربیت فرزند، مهدی دانشمند، ناشر یاس نبی، تبریز، 1380

2. تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشی، با مقدمه و پاورقی ابوالحسن شعرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، 1378ش.

3. جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، (نه مقاله) / 179-182، مشهد، آستان قدس رضوی، خرداد 1364 هـ-ش.

4. زبان شناسی و آموزش زبان های بیگانه، ترجمه حسین مریدی، (هفت مقاله) / 74-76.

5. فصلنامه مشکوة، مدیر مسوول سید محمود مرویان حسینی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ش 87/46 - 47.

6. قرآن از دیدگاه 114 دانشمند، محمد مهدی علیقلی، ناشر سینا، قم، 1375

7. مبانی روانشناسی تربیت، سید احمد هاشمیان، ناشر کتابسرای تندیس، تهران، 1384

8. مجله نسیم وحی، سید محمد مهدی طباطبایی، جامعه القرآن الکریم، دی 1386، شماره 10.

9. مجلات رشد معلم، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، تهران جمع آوری مطالب مرتبط با محتوا توسط فاطمه خاج، آموزگار پایه سوم دبستان خاکره یک، آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز.

ص: 103

10. معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، ناشر آرایه، تهران، 1385

11. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ناشر انصاریان، قم، 1383.

12. نگاهی دوباره به سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، نگاهی دوباره به سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

13. نقش پدر در تربیت دینی فرزندان، سیدمجتبی حسینی نژاد، ناشر اثر قلم، قم، 1399

سایت

1. سایت پرسمان، <https://www.porseman.com>

2. سایت نی نی سرا، <http://ninisara.com>

3. وبلاگ روانشناسی بزنگان، bazangansycho.blogfa.com.

ص: 104

سید مجتبی حسینی نژاد(1)

چکیده

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرموده اند: ... فرزندم؛ از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم پیش از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگون، عقلت را اشغال نماید.

در سال های اخیر همزمان با دغدغه هایی که برای حجاب دختران به وجود آمده است، نگرانی هایی مبنی بر کم رنگ شدن غیرت مردان در جامعه اسلامی مان به وجود آمده است. وجود غیرت دینی در پسران، عاملی اساسی برای عقیف بودن و تشکیل زندگی مشترک است که در سعادت دنیا و آخرت آنان می تواند بسیار اثرگذار باشد. در حدیثی از رسول خدا صلوات الله علیه می خوانیم: هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد به ازای هر قدمی که بر می دارد خانه ای در آتش برای شوهرش بنا می شود.(2)

بدیهی است که ضعیف شدن حیا در زنان با سست شدن غیرت در مردان رابطه مستقیم دارد، از این رو توجه به تربیت پسران بر مبنای غیرت و مردانگی

ص: 105

1- . استاد و محقق حوزه علمیه، سطح 3 حوزه علمیه valayat@gmail.com

2- . بحار الانوار، ج 153، ص 249/ جامع الاخبار، ص 108

در کنار تربیت دختران با حیا، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این نوشتار سعی شده است نکات و راهکارهای عملی برای تربیت پسران بر مبنای غیرت مردانگی، به والدین ارائه شود.

با پیشرفت تکنولوژی باید آموزش، بصیرت و آگاهی از وسایل ارتباط جمعی نیز انجام گیرد و این مهم با همراهی و دوستی خانواده‌ها با فرزندان را لازم دارد.

پدران و مادران می‌توانند با آموزش درست ارزشهای اخلاقی را به فرزندان انتقال دهند. تعلیم غیرت به پسران و عفت به دختران از بزرگ‌ترین وظایف خانواده‌ها در بحث تربیت و اخلاق است.

بنابراین اگر پدری می‌خواهد فرزندان با غیرت تربیت کند باید بداند که چگونه می‌تواند نقش غیرت را در آنها درونی کند. به عبارت دیگر باید به ابعاد غیرت واقف باشد که چگونه و با چه روش‌هایی می‌تواند به فرزندان خود اثرات مثبت غیرت و خطرات بی‌غیرتی که ضرر زننده بنیاد خانواده است را آموزش دهد و این گهر گرانبها را در وجودشان به ودیعه گذارد. آنچه به نظر می‌رسد و می‌تواند تا حدودی به این سوالات پاسخ دهد از قبیل: غیرت پدر، کنترل شهوت، تاصیر دوستان و همکلاسی‌ها، الگوبرداری از شخصیت مهم در اسلام، آگاهی در روابط آنان و بسیاری موارد دیگر.

هدف اصلی این مقاله، آگاهی از غیرت دینی و نقش پدر از دیدگاه اسلام، روان‌شناسی و علوم تربیتی است و اینکه پدران تا چه اندازه می‌توانند در تربیت پسران به ویژه در باب غیرت دینی موثر باشند.

مقدمه

همه‌ی کارشناسان خانواده بر این باورند که رفتارهای والدین اثر مستقیم بر تربیت کودک می‌گذارد. کودک عیناً همه‌ی رفتارهای والدین و اطرافیان نزدیک

را یاد می‌گیرد و به همان شکل انجام می‌دهد. به دلیل این ویژگی فطری که در کودکان وجود دارد، یک روش مؤثر برای آموزش دادن به کودک این است که پدر و مادر برای کودک خود تأثیر بازی کنند، بدین معنی که برای آموزش دادن یک رفتار خاص به او، بدون اینکه مستقیم و بصورت زبانی به او آموزش بدهند، با هماهنگی یکدیگر آن رفتار را طوری انجام دهند که کودک شاهد آن باشد و در قالب گفتگوهایی که با هم دارند، آموزش‌های لازم را به او بدهند.

غیرت از جمله صفات مردانه محسوب می‌شود، لذا ارتباط‌های بیشتر پدر با پسر سبب می‌شود ناخودآگاه پسر صفات مردانه را از پدر یاد بگیرد.

پدر خانواده می‌تواند گاهی به کودک پسر مسئولیت‌هایی بدهد که او را نسبت به داشتن صفات مردانه ترغیب نماید، برای مثال در موقعیت‌هایی خاص به او بگوید که “وقتی من نیستم شما باید مراقب خواهر کوچکتر خود و یا مادر خود باشی.” همچنین گاهی پدر در مقابل کودک خود، حجاب مادر را ستایش کند و از روی محبت نشان دهد که حجاب مادر چقدر برایش مهم است.

یک پدر می‌تواند با کمی دقت و مطالعه در این خصوص، غیرت مردانه را به دور از افراط و تفریط و مناسب با درک و فهم کودک، در او پرورش دهد. در عین حال اجازه دهد تا کودک بچگی کرده و دوران کودکی خود را با آرامش و لذت سپری نماید.

امروزه شاهدیم که بسیاری از والدین از اینکه فرزند پسر یا دخترشان رفتارهای نامتعارف و دور از اخلاق از خود بروز می‌دهد، رنج می‌برند. در واقع ریشه بسیاری از این ناهنجاری‌ها در تربیت نادرست خود والدین وجود دارد، که در آموزش نکات مربوط به حیا، عفاف، غیرت و مردانگی سهل‌انگاری کرده‌اند. امید است والدین با یک بازنگری مجدد و دلسوزانه در روش‌های تربیتی خود و از آن مهم‌تر با رعایت دقیق‌تر حریم محرم و نامحرم توسط خود، بتوانند

دخترانی با حیا و پسرانی با غیرت تربیت نمایند.

برای پرورش فرزندان صالح و شایسته به خصوص پسر در درجه اول، پرورش دهنده و مربی او، باید از خصوصیات ویژه ای برخوردار باشد تا از آغوش پاک و از محیط سالم زندگی برخوردار باشند و این گلهای قشنگ و آراسته و امیدبخش (فرزندان) برای جامعه پرورنده شوند.

هدف اصلی این کتاب، آگاهی از نقش غیرت در تربیت پسر، از دیدگاه اسلام، روان شناسی و علوم تربیتی است و این که پدران تا چه اندازه در تربیت پسران اثر گذارند و چگونه می توانند از پسران خود، پدرانی شایسته را پرورش و تحویل جامعه دهند.

بی تردید، اگر پدران به نقش مهم خود در تربیت فرزندان به ویژه پسران آگاه باشند و از شیوه های سازنده در این زمینه بهره گیرند می توانند افرادی شایسته و مفید را تعلیم و تربیت کنند.

طبیعی است با تحقق بخشیدن به غیرت پسران، بسیاری از مشکلات اجتماعی که امروزه تا حد زیادی وبال جوامع شده است، رفع خواهد شد؛ زیرا بیشتر ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی در جهان کنونی ناشی از بی توجهی پسران به وظایف خود و آشنا نبودن آنان با روش درست تربیت فرزندان است. لذا از مهم ترین ضروریاتی که در این کتاب به آنها می پردازد عبارتند از:

1- شناخت پدران نسبت به مسئله غیرت :

2- آگاهی پدران از تفاوت بین غیرت و تعصب

3- پرداختن به موضوع غیرت به طور مستقل

4- پی بردن به ابعاد غیرت

موارد یاد شده از ضرورت های این کتاب است.

ص: 108

حساسیت افراد به عقیده و مکتب مورد علاقه خود امری اجتناب ناپذیر است و هر چه اعتقاد افراد به دین و مکتب خود بیشتر و عمیق تر باشد، حساسیت دینی آنان نیز بیشتر خواهد بود و کسانی که اهل تساهل و مداهنه هستند، به لحاظ این که وابستگی چندانی به فکر و اعتقاد خود ندارند، حساسیتی از خود در برابر دشمنان دین نشان نمی دهند و نیز آنان که بصیرت دینی ندارند، نمی توانند برای همیشه غیرت دینی داشته باشند؛ چنین افرادی با اولین شبهه، انگیزه جانبداری خود را از دست می دهند. از این رو، در قرآن و روایات اسلامی اهمیت ویژه ای به شناخت و بینش مؤمنان داده شده است.

اگر پدری می خواهد صدقه جاریه و باقیات صالحات برای خود تدارک ببیند، باید به تربیت دینی فرزندش اقدام کند تا هم در دنیا و آخرت از برکات فرزند صالح بهره مند شود و هم به دستور خداوند و تکلیف الهی اش عمل کرده باشد.

مفهوم شناسی

اشاره

برای اینکه دید خواننده نسبت به واژه ها و کلمات موضوع روشن تر و وسیع تر گردد باید هر واژه را در معنای لغوی و اصطلاحی تعریف و توضیح و تفسیر کرد در معنای لغوی، واژه هایی که می توانند به جای کلمه مورد نظر بکار روند، می آید و در معنای اصطلاحی به توضیح و تفسیر بیشتر واژه ی مورد نظر پرداخته می شود در این گفتار، واژه های کلیدی موجود در موضوع بررسی می شود که به ترتیب عبارتند از:

«نقش، پدر، غیرت، فرزند»

لغوی:

واژه «نقش» در معنای متعدد و زیادی به کار رفته است از جمله «رنگ آمیزی کردن (1)».

تصویر، نگارش، خلقت، لیاقت (2) و...»

اصطلاحی:

واژه «نقش» توضیح و تفسیر آن در مواقع مختلفی استفاده می شود مثل «شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن» اما مهمترین و اصلی ترین زمانی که این واژه به کار می رود هنگامی است که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.

جمع این کلمه نیز «نقوش است» (3) در تحقیق مورد نظر مراد از «نقش» معنای اخیر است یعنی «اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.»

2. پدر

لغوی:

(پَ یا پِ دَ) (ا. 1) - جاندار نر (به ویژه انسان) که دارای فرزند است. 2- مجازاً بنیانگذار، پدید آورنده چیزی تازه، مثل پدر شعر نو. 3- عنوان احترام آمیز و مهر آمیز برای مردان سالخورده. 4- بابا، باب، واله. ؛ -صلواتی نوعی تحسین و تمجید که غالباً برای طعنه زدن به کار برند؛ - سوختگی موزی گری، زیرکی و پنهان کاری توأم با بدجنسی. ؛ - کشتگی داشتن: کنایه از: دشمنی

ص: 110

-
- 1- . عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384، ج دوم، ص 1915
 - 2- . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، 1352، شماره مسلسل 134، حرف (ن)، ج 46، صص 696 الی 698
 - 3- . عمید، حسن، همان

دیرینه و سخت داشتن . ؛ ~ سگ الف - دشنامی است برای کسان که پدرش را تا حد سگ پایین می آورند و حقیر نشان می دهند. ب - چیز بسیار بد. (1)

اصطلاحی:

پدر یا بابا یکی از نسبت های خانوادگی است و به والد طبیعی یا اجتماعی مرد گفته می شود و از دید زیست شناختی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی می تواند تعریف های گوناگونی داشته باشد. از دید اجتماعی پدر به مردی که نقش اجتماعی پدری را انجام دهد نیز گفته می شود. امروزه پژوهش های بسیاری درباره اهمیت نقش پدری در رشد روانی و اجتماعی فرزندان انجام شده است. همچنین در گذشته به مرشدانی که می توانستند مریدی را تا مقام حقیقت برسانند بابا می گفتند. (2)

3. غیرت

اشاره

غیرت در لغت و اصطلاح اخلاق عبارت است از حالت دگرگونی نفسانی یک مرد از اینکه ببیند یا متوجه شود که نوامیس خانوادگی او مثل مادر؛ خواهر؛ همسر و دختر او یا نوامیس دیگران در معرض بهره وری حرام قرار گیرد. این دگرگونی نفسانی یا جنبه پیشگیری دارد یا جنبه رفعی و نتیجه آن اقدامات پیشگیرانه یا رفعی است مثل جلوگیری از نشست و برخاست و رفت آمد با افراد نامحرم خصوصاً افراد بیتقوا و لاابالی. این امر در روایات در خصوص غیرت به همسر بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. بعضی تعصب دفاع از دین و مال و تربیت اولاد را نیز از موارد و انواع غیرت شمرده اند. در حالی که در اصطلاح و کاربرد مردم و دین غیرت در مورد تعصب و دفاع از ناموس بکار رفته است. از سوی دیگر غیرتی که مورد سفارش قرار گرفته برای مرد است اما غیرت

ص: 111

1- فرهنگ فارسی معین، <https://www.vajehyab.com/moein>

2- ویکی پدیا

زن مذموم است. زیرا اکثر غیرت زن حسادت در مورد حلال است و آن وجود همسر دیگری برای شوهر میباشد. و حال آنکه غیرت در مورد بهره بری ناموسی از راه حرام است نه از راه حلال ولی زن برای حرام بودن غیرت نشان نمی دهد بلکه از وجود زن دیگر چه حلال و چه حرام برای شوهر ناراحت است. و چه بسا از تماس حرام شوهرش با زن دیگر ناراحت نمی شود بر خلاف زمانی که شوهرش بخواهد یک همسر دیگر اختیار کند. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند «غیرت جز برای مردان نیست اما زنها پس همانا غیرت از ناحیه آنها حسادت است و غیرت برای مردان است و برای همین (که غیرت برای مرد است نه زن) خداوند برای زنها جز شوهرانشان را حرام کرده و برای مردان چهار همسر را حلال کرده و در کنار آنها سه زن دیگر را برای مرد» (1)

حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند «غیرت زن کفر آور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست» (2)

زن مؤمن از خود غیرت نشان نمی دهد بلکه زنها کافر و منکر از خود غیرت نشان می دهند. از این رو امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده اند «انما تغار المنكرات منهن فاما المؤمنات فلا» (3)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرموده اند: غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است زیرا زنها هنگامی که غیرت بورزند خشمگین می شوند و هنگامی که خشمگین شدند کافر می شوند مگر آنها که زنها مسلمه باشند» (4)

روایت شده که یک روز زنی عریان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و در جلوی ایشان ایستاد و گفت یا رسول خدا من کار بد کرده ام پس من را (از گناه با مجازات) پاک کن و بدنبال او مردی آمد که لباسی بدستش بود که آن را بر روی

ص: 112

1- . وسایل الشیعه ، ج 14 ص 107

2- . نهج البلاغه ، حکمت ، ص 124

3- . وسایل الشیعه ، ج 14 ، ص 108

4- . همان ، ص 110

زن انداخت؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند جریان چیست؟ گفت این همسر من است ای رسول خدا من با کنیز خود خلوت کرده بودم پس ساخت زخم آنچه میبینی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: او را نزد خودت بگیر؛ سپس فرمودند: همانا زنی که غیرت می ورزد نمی بیند بالای وادی را از پایین وادی. (1)

این نوع حساسیت در بین بعضی حیوانات نیز وجود دارد. عمار می گوید در خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه نشسته بودم هیچ کس آنجا حضور نداشت جز من ناگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: راست می گوید راست می گوید من متوجه چپ و راست شدم کسی را ندیدم؛ در شگفت شدم که مولایم با که حرف می زند امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: تعجب کردی من با که حرف می زخم؟ گفتم آری فرمودند: سرت را بلند کن سربلند کردم چشمم به دو کبوتر افتاد که با هم به زبان خود گفتگو می کردند. فرمودند: عمار می دانی این دو با هم چه می گویند؟ گفتم نه به جان شما، فرمودند کبوتر ماده به نر می گوید تو با دیگری پیوسته ای و از من کناره گرفته ای. کبوتر نر قسم می خورد نه من چنین کاری را نکرده ام، ولی ماده باور نمی کند کبوتر نر به او گفت قسم به جان این آقا که در مسجد نشسته، من با دیگری پیوسته ام و دیگری را به جای تو بر نگزیده ام. باز ماده می خواست قبول نکند، من به او گفتم راست می گوید تصدیقش بکن. عمار می گوید: گفتم آقا من خیال می کردم جز سلیمان کس دیگری زبان حیوانات را نمی داند. فرمودند عمار: به خدا قسم سلیمان بن داوود از خدا به وسیله اهل بیت خواست تا زبان پرندگان را به او آموختند. (2)

بله اگر زن بخطر تماس شوهر با نامحرم از خود غیرت نشان دهد پسندیده است. و این نوع غیرت ناشی از حب و عشق است همانطور که گاهی در مورد ازدواج حلال از روی

ص: 113

1- . همان

2- . بحار الانوار، ج 42، ص 56 به نقل آداب زندگی، ج 1

حسادت نیست بلکه از روی حب است. در روایتی نقل شده که به امام گفته شد: گاهی زن بر مرد غیرت می ورزد و او را اذیت می کند فرمودند: «این ناشی از حب است».(1)

منشأ غیرت

غیرت از صفات فطری و ذاتی است و بطور شدید یا ضعیف در انسان و حیوان وجود دارد.

بعضی حیوانات بر غیرتمندی بر حیوانات دیگر برترند و بعضی در بی غیرتی مشهورند. مطابق روایات پنج خصلت ارخصلت های خوب انسان که در خروس سفید موجود است عبارتند از: «شناخت و قتهای نماز، سخاوت، شجاعت، کثرت و ...» در میان حیوانات خوک ها در بی غیرتی مشهورند و هیچگونه حیاء و ادب زناشویی ندارد.(2)

صفت غیرت به صورت اکتسابی نیز قابل تشدید یا تضعیف است. هر چه انسان بیشتر با تمایلات نفسانی و خواسته های شهوانی وریشه های حرص و آز و ... را در وجودش بخشکاند و به تمام انسان درست گردد غیورتر می شود و حتی به ناموس دیگران چون ناموس خود می نگرد و در مورد آنها هم حساسیت به خرج می دهد. اما بی تقوی کسی است که پا در مسیر انحراف گذارد، بی غیرت نیز می گردد و از بی عفتی خود و نوامیس خود رنجی نمی برد.(3)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «الغیره من الیمان، غیرت از ایمن است»(4) یعنی جزئی از ایمان است. پس انسان برای مؤمن بودن باید غیرت

ص: 114

- 1- . وسایل الشیعه ، ج 14 ، ص 11
- 2- . سفینه البحار، باب غیر به نقل آنچه باید یک زن بداند_ ص 320
- 3- . آنچه یک زن باید بداند ، ص 320
- 4- . سفینه البحار، باب غیر به نقل آنچه باید یک زن بداند_ ص 315

بورزد. گوش کردن موسیقی در ضعف غیرت بسیر مؤثر است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: « شیطانی است به نام ققندر که هر گاه در منزل مردی چهل روز عود (و دیگر وسایل ساز و آواز) نواخته شود و مردم به آنجا رفت و آمد کنند آن شیطان هر یک از اعضای خود را روی عضو مشابه صاحبخانه قرار داده و سپس در آن عضو به نوعی می دمدم که بعد از آن غیرتش از بین رفته و حتی اگر در مقابلش با همسرش زن کنند ناراحت نمی شود، فلا یغار بعدها حتی توتی نساؤه فلا یغار»⁽¹⁾

فلسفه غیرت

حس غیرت در انسان به مانند پاسبانی است که باعث می شود نسلهای با هم مختلط نشوند و نظام خانواده از هم نگسلد، احساس غیرت چون حس علاقه به فرزند است که اگر این علاقه نمی بود کسی به تناسل و حفظ نسل دست نمی زد و اگر غیرت هم نبود هرج و مرج در روابط بین زنان و مردان پیش می آمد و نسبت هیچکس مشخص نمی شد.⁽²⁾

نمونه هایی از غیرت مندی

در اینجا برای نمونه بعضی از موارد غیرتمندی که در روایات دینی آمده است را مورد توجه قرار می دهیم. جلوگیری از رفتن مکرر آنها به بازار برای خرید های که مرد نیز می تواند انجام دهد یا آنکه می توانند با هم برای خرید بروند. از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: «ای اهل عراق خبر شده ام که همانا زنان شما در راه (بازار) به مردان می خورند چرا حیا نمی کنید خدا لعنت کند کسی که غیرت از خود نشان ندهد... اما تستحون لعن الله من لا یغار»⁽³⁾

ص: 115

1- . وسایل الشیعه، ج 12، ص 232

2- . آنچه یک زن باید بداند، ص 313

3- . وسایل الشیعه، ج 14، ص 174

و در جای دیگر فرموده اند: « اما تستحون ولا تغارون... چرا حیا نمی کنید و غیرت از خود نشان نمی دهید زنان شما به سوی بازارها خارج می شوند و مزاحم می شوند با انسان های بی بند و بار». (1)

مواظبت از حجاب و آرایش زن در مقابل نامحرم از اهم اموری است که در مورد آن مرد باید از خود غیرت نشان دهد. از حضرت امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرموده اند: « زن دلبر است هر که او را گرفت باید بپوشاندش» (2) از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: کسی که اطاعت کند زنش را خداوند او را واژگون از جانب صورت وارد دوزخ گرداند. شخصی پرسید این چه نوع اطاعتی است؟ فرمودند: زن از او می خواهد که با لباس نازک به مراکز پر جمعیت مانند حمامها و عروسیها و مجالس ترحیم برود و شوهرش تقاضای او را اجابت می کند و از سخن او اطاعت می کند. (3)

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرموده اند: « هر زنی که آرایش کرده و عطر زده از در خانه خارج شود و شوهرش هم به آن راضی باشد خدا در مقابل هر قدمی که زن بر می دارد برای شوهرش خانه ای در آتش دوزخ بنا خواهد کرد». (4) از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: هرکس در چهار چیز از زن خود اطاعت کند خداوند او را با بینی در آتش دوزخ می افکند یک از آن چهار چیز پوشیدن لباس نازک بر تن زن است. (5)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: ای مردم سراویلات (شلوارهای پوشاننده پاها) بگیرید که پوشاننده ترین لباس شما است و بوسیله آن زنهای خود را هنگام بیرون آمدن از خانه حفظ کنید. (6)

حضرت

ص: 116

1- . همان

2- . مستدرک الوسائل ، ج 14 ، ص 255 ، به نقل اخلاق خانواده، ص 165

3- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 243 ، به نقل اصل اخلاقی اشتهاردی ، ص 112

4- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 249 ، به نقل احکام خانواده موگهی ، ص 156

5- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 242 ، به نقل احکام خانواده موگهی ، ص 157

6- . میزان الحکمه ، ج 2 ، ص 252 ، اصل اخلاقی ، ص 309

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا سخت گیری در پوشش عامل سلامت و استواری آنان است» (1) از آوردن نامحرم به خانه و رفت و آمد مردان نامحرم به منزل باید خودداری کرد از این رو ارتباط با مردان محرم زن سزاوارتر است البته در این مورد در خصوص افراد غیر اعتماد باید حساسیت بیشتری از خود نشان داد. حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند چنین کاری را انجام بده» (2) در جلوگیری از تهیج شهوت زن در جایگاه های عمومی باید اقدام نمود حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «زنها را بر زینهارسوار نکنید که غریزه جسی شان تهیج تحریک می شود» (3)

4. پسران

واژه پسر در برابر واژه دختر به کار می رود. به انسان مذکر در سنین پایین پسر گفته می شود. البته به مذکری که ازدواج نکرده باشد نیز پسر گفته می شود. همچنین به فرزند مذکر نیز پسر گفته می شود حتی اگر ازدواج کرده و متأهل باشد. (4) واژه پسران جمع پسر است.

نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت

اشاره

تربیت دینی یکی از گونه های تربیت است که در گونه های دیگر تربیت نیز نقش دارد. پدر به عنوان مدیر خانواده، نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد که این نقش در تربیت دینی پررنگ تر است. با ما همراه باشید تا با نقش پدر در

ص: 117

1- نهج البلاغه ، نامه 31 ، بند 16

2- همان ، بند 17

3- مکارم اخلاق ، ص 231 ، به نقل احکام خانواده موگوهی ، ص 156

4- ویکی پدیا

تربیت دینی فرزندان بیشتر آشنا شوید.

برخی به منظور تربیت دینی فرزندان، به گونه ای رفتار می کنند که دین در کام فرزندان شان تلخ می گردد.

1- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید

در مورد شروع زمان تربیت فرزند نظرهای مختلفی مطرح است، برخی سن 6 سالگی را برای شروع تربیت مناسب می دانند و برخی بیشتر، اما در این بین با توجه به روایات و آموزه های اسلام مبنی بر اثرپذیری جنین، برخی کارشناسان مذهبی بهترین زمان شروع تربیت فرزند را از دوران بارداری می دانند، زیرا معتقدند در این دوران و بعد از آن در دوره نوزادی و شیرخوارگی می توان طینت فرزند را با انجام یک سری اعمال و داشتن ملاحظاتی در اعمال خود، بخوبی و در مسیر بندگی پرورش داد. مواردی مانند شیر دادن به فرزند با وضو، شرکت نکردن در مجلس گناه، مراعات های اخلاقی والدین در خانواده و موارد دیگری که در مقاله ای با عنوان "نوزادانی که با حیا می شوند" ارائه شده است. بدیهی است برای تربیت پسری با غیرت لازم است ابتدا زمینه دل و ذهن او پذیرای مفاهیم دینی و اخلاقی باشد، چرا که "غیرت" چیزی جدا از ایمان و اخلاق نیست.

2- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید

آنچه که در دوران کودکی به فرزند خود آموزش می دهید، نسبت به آموزش های سال های بعد، در طول دوران زندگی او پایدارتر خواهد بود و این آموزه ها، کمتر دچار تزلزل و دگرگونی خواهد شد. متأسفانه برخی از والدین پسر خود را تا دوران نوجوانی رها می کنند و بعد از آن بدون آنکه در کودکی غیرت ورزیدن را به او آموزش داده باشند، توقع دارند که فرزندشان، پسری عقیف و با غیرت باشد.

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرموده اند: قلب کودک نورس مانند زمین خالی از بذر و گیاه است، هر تخمی که در آن افشاندن شود به خوبی می پذیرد و در خود می پرورد. فرزندم؛ از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم پیش از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگون، عقلت را اشغال نماید. (1)

بنابراین لازم است از دوران کودکی مفاهیم دینی و ارزشی را به کودک خود آموزش دهید تا بنیان های فکری او از ابتدا به درستی شکل بگیرد.

3- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید

بهرتر است از حدود 2 سالگی در نوع پوشش خود در خانه دقت کنید. مادران بهتر است لباس های خیلی باز استفاده نکنند، درست است که کودک دو ساله متوجه تفاوت های جنسیتی نمی شود اما از آنجا که پوشیده بودن را به عنوان یک ارزش باید درک کند، لازم است در محیط خانه و از طرف والدین حد معقولی از پوشش را ببیند. علاوه بر اینکه با رعایت پوشش مناسب توسط والدین، کودک خردسال زودتر از سن خود، متوجه جنبه های متفاوت جسمانی زن و مرد نخواهد شد.

همچنین والدین باید پیش از پیش مراقب رفتار زناشویی خود در مقابل فرزندان باشند و نیز در رفتار با محارم و نامحرمان در داخل و بیرون از منزل بیشتر مراعات کنند. حتی فیلم هایی که می بینند بصورت مستقیم بر حیا و غیرت کودک تأثیر می گذارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

ص: 119

1- . نهج البلاغه، نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن مجتبی (علیه السلام)

«اگر مردی با زنش بیامیزد و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن دو را ببیند و یا صدای نفس زدنشان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد.»⁽¹⁾

احادیثی از این دست نشان می دهد روابط همسران در خانواده تا چه حد بر سلامت اخلاقی کودکان تأثیرگذار است که متأسفانه برخی والدین با سهل انگاری در رعایت این حریم ها، آسیب های جبران ناپذیری را به فرزند خود وارد می کنند. بسیاری از مطالعات نیز نشان می دهد ریشه ی انحرافات جنسی افراد ناشی از عدم آگاهی والدین بوده است.

برای یک کودک هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست که والدین با او همبازی شوند. در چنین شرایطی آنچه که شما به کودکان آموزش می دهید بر جان و قلب او می نشیند و به راحتی از بین نمی رود.

در قسمت قبل به 7 مورد از نکاتی که می توان در تربیت پسران بر مبنای غیرت، به کار برد اشاره کردیم. در این مقاله در ادامه ی نکات قبلی به مواردی خواهیم پرداخت که در ارتباط با بازی های کودکان می توان بکار برد تا به تدریج صفت غیرت را در فرزندان پسر پرورش دهیم.

1- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید

با توجه به ورود موبایل های اندروید و تبلت ها به عرصه زندگی امروز، شاید کمتر پدر و مادری بتواند فرزند خود را از این ابزارها دور نگه دارد. بسیاری از والدین در سال های اولیه زندگی فرزند، موبایل و تبلت را از او دور نگه می دارند، اما در سال های بعد با رواج این وسیله در دست کودکان دیگر، به سختی می توان این گرایش کودک را کنترل کرد. حتی برخی کودکان 4ساله می توانند به تنهایی از اینترنت بازی های رایانه ای را دانلود کرده و بعد از نصب مشغول بازی شوند.

ص: 120

بنابراین به طور کامل نمی توان کودک را از تبلت و بازی های رایانه ای دور نگه داشت، لذا والدین باید راه های دیگری را برای مدیریت فرزند خود در استفاده از بازی ها بکار ببرند و بازی های مناسب را خود پیدا کرده و با زمان بندی مشخص که کودک نیز آن را درک کند، در اختیار او قرار دهند.

برای مثال در صورتی که فرزندتان را نمی توانید از بازی با تبلت دور نکه دارید، می توانید در طول روز یک ربع ساعت را برای او تعیین کنید و بازی مناسب با سن او را در اختیارش قرار دهید. سعی کنید از موضع خود کوتاه نیایید و بازی با تبلت را منوط به داشتن زمان بندی و برنامه ریزی نمایید. البته لازم به ذکر است که حتماً باید سرگرمی های دیگری را همیشه برای کودکتان آماده داشته باشید تا جایگزین زمان های استفاده از تبلت شود.

2- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید

واضح است که بازی های کودکان چه اندازه بر شکل گیری شخصیت آنان تأثیرگذار خواهد بود، نکته ای که دشمنان اسلام و انسانیت با علم به این موضوع تمام تلاش خود را برای به کنترل در آوردن ذهن نوجوانان و جوانان یک کشور، در قالب بازی های رایانه ای و اسباب بازی ها بکار گرفته اند. آنچه که ناخودآگاه در نتیجه این تولیدات غربی بر فکر و روح فرزندان ما سایه می افکند، این است که جنس قهرمان های کودک را بر مبنای سوپرمن های غربی قرار می دهد، هویتی که به شدت با مفهوم غیرت اسلامی و دینی در تضاد است.

علاوه بر داستان های این انیمیشن ها و بازی ها که فرهنگ غربی را به کودک القا می کنند، ظاهر شخصیت ها و قهرمان های آن ها نیز حائز اهمیت است. همیشه در کنار قهرمان داستان، یک زن با پوشش و ظاهر نامناسب وجود دارد، که علاوه بر آموزش های نادرست در ارتباط با جنس مخالف، غیرت را در پسران از بین می برد.

در مقابل این کارتون ها و بازی های کامپیوتری حتماً باید در قالب های مختلف از جمله اسباب بازی، کتاب، لوازم التحریر و محیط های مذهبی، دائماً قهرمان ها و اسطوره های اسلامی و ملی را به کودک ارائه کرد تا ذهن او از این شخصیت ها خالی نباشد. پدر و مادر می بایست در مورد این اسطوره ها و قهرمانان با زبانی کودکانه با پسر خود صحبت کنند و ویژگی های یک قهرمان واقعی که همان داشتن غیرت دینی و اخلاقی است را با کلماتی زیبا به پسر خود آموزش دهند.

اگر کودک بازی نامناسبی را در تبلت خود دارد، باید والدین طوری آن بازی را حذف کنند که برای کودک جلب توجه نکند، برای مثال بازی که در آن کاراکتر دختر پوشش مناسب ندارد را باید طوری حذف کنید که پسر شما متوجه نشود دلیل اصلی حذف بازی چیست، تا بر روی آن دقیق و حساس نشود. دیدن هر روزه تصاویر نامناسب به تدریج اثرات منفی خود را خواهد گذاشت و قبح رفتارهای خلاف شرع را در نظر کودک خواهد ریخت. (1)

3- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید

جنسیت همبازی خیلی مهم است. شاید در گذشته و زمان کودکی ما این مسئله چندان مهم به نظر نمی رسید و پسرها و دخترها تا 9 سالگی هم با یکدیگر بازی می کردند و مشکلی به وجود نمی آمد. اما امروزه همزمان با از بین رفتن بسیاری از حریم ها در روابط زن و مرد، کودکان نیز بسیار هشیارتر و حساس تر به تفاوت های جنسیتی زن و مرد شده اند. لذا مانند گذشته نمی توان نسبت به همبازی های فرزندان بی تفاوت بود.

لازم است در این مورد با توجه به حساسیت فرزند خود و حساسیت

ص: 122

همبازی او نسبت به مسائل جنسی تصمیم بگیرید. باید این مدیریت را بصورت نا محسوس انجام بدهید، برای مثال اگر می بینید کودکی در خانواده ای تربیت شده که حریم محرم و نامحرم را رعایت نمی کنند و کودک آن ها زودتر از سن خود درباره مسائل جنسی صحبت می کند، ضروری است که رفت و آمدهای خود را با این خانواده محدود کنید و بالعکس با خانواده هایی بیشتر رفت و آمد کنید که این حساسیت ها را در مورد فرزند خود رعایت می کنند.

4- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید

یکی از اثربخش ترین روش های تربیتی، قصه گوئی است. در این روش ذهن کودک کاملاً در اختیار قصه گو است، بنابراین با بیان نکات آموزنده در قالب قصه می توان کودک را به تفکر کردن در آن مورد وادار کرد و با هدایت ذهن او، نتیجه تربیتی مطلوب را به دست آورد. کار تربیت کودک با این عمل (که برای کودک بسیار شیرین است) بسیار آسان می شود.

برای انتقال مفهوم غیرت، که شامل غیرت دینی، ملی و ناموسی می شود، حتماً از داستان های اهل بیت علیهم السلام و داستان رشادت های امام حسین و حضرت عباس علیهم السلام و کودکان کربلا استفاده نمایید. (1)

همچنین داستان هایی از نوجوانی و جوانی رسول خدا صلوات الله علیه و دیگر پیامبران الهی می تواند بسیار اثرگذار و هدایت گر باشد. قرآن کریم نیز بسیاری از مفاهیم و ارزش ها را در قالب داستان هایی از پیامبران و اقوام گذشته که به "قصص قرآنی" معروفند، برای انسان بیان فرموده است.

ص: 123

5- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید

فرزندان راه حل های مسائل و مشکلات زندگی را ناخودآگاه در بازی ها یاد می گیرند، پس چه بهتر که والدین گاهی همبازی کودک خود شوند تا در خلال بازی آنچه برای تربیت فرزند نیاز است را به او آموزش دهند. همبازی شدن با کودک علاوه بر اینکه فرصتی مغتنم برای آموزش و انتقال مفاهیم تربیتی به کودک است، سبب می شود با روحیات و علاقمندی های فرزندتان آشنا شوید. شاید در خارج از فضای بازی تا مدت ها متوجه علاقمندی ها و گرایش های فرزندتان نشوید. می توانید از این شناختی که پیدا می کنید راه های جدیدی را برای انتقال ارزش هایی مثل غیرت ورزیدن، پیدا کنید.

پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) فرمودند: کسی که کودک دارد باید در پرورش وی، کودکانه رفتار کند. (وسائل الشیعه، ج 21، ص 486) پس در همبازی شدن با کودکان مهم ترین نکته این است که شما نیز یک کودک شوید، در اینصورت است که می توانید بسیاری مفاهیم را در حد فهم کودک در بازی به او انتقال دهید. برای مثال در بازی اجازه دهید او نقش پدر را بازی کند و شما نقش فرزند را بر عهده بگیرید و در این نقش سعی کنید ویژگی های یک فرزند خوب را به نمایش بگذارید.

همچنین در حال حاضر بازی های مذهبی هم در بازار وجود دارد که ممکن است برخی از آن ها که می توانند انتقال دهنده مفهوم غیرت به فرزندتان باشند به اندازه ی بازی های دیگر جذابیت نداشته باشند، در اینصورت شما با همبازی شدن با کودکان، این ضعف بازی را پر می کنید زیرا برای یک کودک هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست که والدین با او همبازی شوند. در چنین شرایطی آنچه که شما به کودکان آموزش می دهید بر جان و قلب او می نشیند و به راحتی از بین نمی رود.

6- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید

راهکارهایی عملی: شما می‌توانید از 2 سالگی علاوه بر سوره‌های کوچک قرآن، شعرهای کودکانه را نیز به پسران آموزش دهید، همواره تلاش کنید شعرها و سرودهایی که القاکننده صفات نیک اخلاقی و ارزشی هستند، بیابید و به کودکان آموزش بدهید. مفاهیمی مانند غیرت که شامل غیرت دینی و ملی نیز می‌شود را می‌توانید به راحتی به کمک اشعار و نقاشی‌های کودکانه به فرزندتان آموزش دهید. برای یادگیری این سرودها جوایزی ویژه در نظر بگیرید که محبوب پسران باشد.

7- لباس‌هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید

راهکارهایی عملی: هیچ‌گاه نسبت به طرح و آرم لباس‌های فرزندتان بی‌تفاوت نباشید. همانطور که هجمه‌های سنگینی برای تغییر فرهنگ و سبک زندگی اسلامی از طریق مد و لباس وجود دارد، این هجمه در مورد لباس‌های کودکان بسیار شدیدتر است، در حالی که گاهی از نظر والدین پنهان می‌ماند. شخصیت‌های کارتونی و متن‌های انگلیسی که بر روی لباس‌های کودکان به ویژه پسرها طراحی می‌شوند، اغلب شامل مفاهیمی بر خلاف دین و ملیت هستند. شاید چند جمله‌ی انگلیسی حتی درباره طبیعت بر روی لباس کودک چندان اهمیت نداشته باشد، اما کودکان خردسال در سنینی هستند که از کوچکترین نشانه‌ای در اطراف خود در حال یادگیری هستند، لذا با دیدن دائمی این علائم در کودکی، به تدریج در بزرگسالی حساسیت خود را نسبت به ارجحیت فرهنگ ایرانی به فرهنگ غربی از دست می‌دهند و حتی در مواردی می‌توان گفت فرهنگ غربی را با ارزش‌تر و غنی‌تر از فرهنگ خود می‌پندارند. لذا شایسته است والدین نسبت به طرح لباس‌های کودکان بی‌تفاوت نباشند زیرا لازمه‌ی غیور بودن این است که هر فردی نسبت به ملیت خود و

در پایان لازم به ذکر است والدین باید در تربیت فرزند به ویژه در آموزش مفاهیم دینی و ارزشی جانب اخلاق و مدارا را رعایت نمایند و همواره با صبر و حوصله با کودک خود رفتار نمایند. بدیهی است چنانچه پدر و مادر در تربیت دینی فرزند با تندی و بی حوصلگی رفتار نمایند، نه تنها کودکان از یادگیری سرباز می زنند بلکه در نوجوانی و جوانی از این مفاهیم دل زده خواهند شد. همچنین بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام محبت کردن کودکان نه تنها ضروری بلکه حیاتی است و حتی عامل سعادت و نجات خود والدین خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال به مردی که بیشتر به فرزندش محبت کند، رحم می کند. (2)

برای نهادینه کردن غیرت در پسران ناگزیریم از بیان مبحث تربیت دینی در این خصوص مواردی در ذیل می آید:

ص: 126

1- . سایت زن امروزی، <https://www.zanemroozi.com> به نقل از باحجاب

2- . تاریخ یعقوبی، ج 3، ص 53

تربیت دینی فرزند

اگر پدری می خواهد صدقه جاریه و باقیات صالحات برای خود تدارک ببیند، باید به تربیت دینی فرزندش اقدام کند تا هم در دنیا و آخرت از برکات فرزند صالح بهره مند شود و هم به دستور قرآن کریم و تکلیف الهی اش عمل کرده باشد؛ زیرا قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده تان را از آتش دوزخ نگاه دارید.» پابین آیه نورانی، مسئولیت سنگین تربیت دینی اعضای خانواده را بر دوش سرپرست خانواده می نهد. علامه مجلسی در شرح این آیه، به چهار وظیفه مهم اشاره می کند که به وسیله آن، حفظ خانواده از آتش دوزخ امکان پذیر می شود:

1. دعوت به فرمان برداری از دستوره‌های خداوند متعالی؛

2. آموزش واجبات الهی که بخشی از آن در رساله های عملیه و بخشی دیگر در کتاب های اخلاقی آمده است؛

3. بازداشتن از زشتی ها و گناهان، و برچیدن زمینه گناه از محیط خانه؛

4. تشویق و ترغیب خانواده به همه کارهای پسندیده. به کارگیری این چهار حقیقت، تحقق این آیه نورانی است.

با توجه به ساختار دین، که از سه بخش اعتقادی، احکام و اخلاق تشکیل شده، تربیت دینی در سه حوزه قابل پیگیری و برنامه ریزی است:

تربیت اعتقادی

تربیت اعتقادی از دو جنبه مهم و ضروری است: نخست اینکه دین داری انسان، به باورها و اعتقادهای او بستگی دارد و دوم اینکه باورهای اعتقادی، پایه و اساس در بخش دیگر است؛ چنان که در روایات آمده است: «ایمان، انسان را به کارهای نیکو هدایت می کند». تا زمانی که انسان به یگانگی خدا و رسالت پیامبر باور نداشته باشد، نمی تواند به دستوره‌های آنها عمل کند و تا زمانی که به

معاد، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد و برای خود، زندگی دیگری پس از زندگی چند روزه دنیا نشناسد، زندگی دنیایی خود را به گونه ای دیگر رسم خواهد کرد. بنابراین، تربیت اعتقادی، بسیار مهم و ضروری است؛ از این رو، در قرآن کریم می بینیم که لقمان به تربیت اعتقادی فرزندش مبادرت کرده، می فرماید: «فرزندم، به خدا شرک نوز که شرک، ظلم بزرگی (به خداوند) است».

بنابراین، یکی از وظیفه های مهم پدر این است که برای ایجاد و تقویت باورهای دینی صحیح در فرزندش، متناسب با سطح رشد عقلی و شناختی او برنامه داشته باشد و از سوی دیگر، با چشمانی تیز و دقیق از سنگرهای اعتقادی خانواده خود محافظت کند تا فاسدان، اندیشه و اعتقاد خانواده و فرزندانش را به تباهی نکشند. (1)

تربیت عبادی

همان گونه که عمل صالح بدون باور و ایمان تحقق نمی یابد، ایمان نیز بدون عمل صالح پذیرفته نیست؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ایمان بدون عمل پذیرفته نیست». عمل صالح، پیروی از دستورهای خدا، انجام واجبات و ترک محرمات است و این یعنی عبادت و بندگی در برابر خدا، پس بخش دیگر تربیت دینی آن است که انسان در عمل نیز زندگی خود را بر اساس دستورهای الهی تنظیم کند و عبودیت و بندگی را آن گونه که شایسته است، به جا آورد. پدر در این زمینه نقشی بسیار پررنگ و مهم دارد. اگر پدر، روح عبادت، بندگی و تسلیم در برابر دستورهای الهی را در خود تقویت کند و آن را در عرصه خانه و زندگی به نمایش گذارد، می تواند امید داشته باشد که خانواده و فرزندان مؤمن و باتقوا خواهد داشت. همان گونه که در ابتدای این

ص: 128

1- . سایت راسخون <https://rasekhoon.net> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)، عباس آینه چی

نوشتار گفته شد، نقش الگویی پدر آن چنان قوی است که فرزندان همان گونه خواهند شد که پدر رفتار می کند، نه آنگونه که می گوید.

تربیت اخلاقی

دین نورانی اسلام، دینی جامع است که برای تمام شئون زندگی انسان، برنامه و دستور دارد تا انسان با عمل بدانها، از یک زندگی سالم و سعادت‌مند دنیوی و اخروی بهره مند شود. یکی از جنبه های انسان، اخلاق است که اخلاق فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و... را دربر می گیرد. پدر در این زمینه نیز می تواند با رشد اخلاقی خود، به تربیت اخلاقی فرزندانش کمک کند.

پدر گرامی، با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت دینی، لازم است به کتاب های مفصل در این زمینه مراجعه کرده، آگاهی تان را ارتقا دهید تا با توجه به اصول تربیتی و بهره گیری از روش های مناسب و اثربخش، به این امر مهم اقدام کنید؛ زیرا گاهی، برخی به منظور تربیت دینی فرزندان، به گونه ای رفتار می کنند که دین را در کام فرزندانشان تلخ، و آنها را از دین گریزان می کنند. از این رو، حساسیت موضوع به اندازه ای است که هر پدر دلسوز و مهربانی را بر آن می دارد که با مطالعه و آگاهی لازم، به تربیت دینی فرزندش اقدام کند. (1)

ص: 129

1- . سایت راسخون، <https://rasekhoon.net/> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)»، عباس آینه چی

یکی از کمالات والای انسانی که اسباب آن را خدای متعال در وجود آدمی تعبیه کرده «غیرت» است. غیرت از خودپرستی ناشی نمی شود بلکه احساس خاصی است که خداوند برای حمایت از حریم زندگی خانوادگی ایجاد کرده است. در مرد، تمایل به عفاف و پاکی زن وجود دارد، همچنان که در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف وجود دارد. حسی که در مرد نسبت به هموعان وجود دارد غیرت نامیده می شود. حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوتاند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی است اما غیرت یک حس اجتماعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت در آموزه‌های ناب اسلامی از چنان اهمیت و ظرفیتی برخوردار است که همواره به عنوان شاخصه بارز اهل ایمان و سرمایه انسانی معرفی شده است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی مقوله غیرت و کارکردهای آن در آموزه های دینی که در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی تاثیر به سزایی دارد، بپردازد.

غیرت شامل مواردی همچون غیرت انسانی، غیرت دینی و غیرت ناموسی است و کارکردهای گوناگونی دارد که می توان به کارکردهای اخلاقی غیرت (عزت نفس، ترویج مروت و جوانمردی) و کارکردهای اجتماعی غیرت (حفظ خانواده، ترویج عفاف و جلوگیری از بی بندوباری) و نیز کارکردهای سیاسی غیرت (حفظ ارزشهای انقلاب، ترویج فرهنگ مبارزه با استکبار، ترویج فرهنگ ظلم ستیزی و یاری مظلوم) اشاره نمود.

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین، 1378

عربی

1. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الحدیث، قم، 1430 هـ-ق.
2. الأمالی، الشیخ الصدوق، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، تهران، بی تا
3. الأمالی، الشیخ المفید، کنگره شیخ مفید، قم، 1413ق
4. المحاسن، احمد بن محمد البرقی، ناشر دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1371
5. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، 1405 هـ.ق
6. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، واضح یعقوبی، نجف 1358
7. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی محدث شیعی، چاپ علی اکبر غفاری، قم، 1363 ش.
8. تحریر الوسیله، امام خمینی، دارالعلم، قم، 1379 ش
9. سفینه البحار، مرحوم شیخ عباس قمی، فراهانی، تهران، 1402 هـ.ق.
10. جامع السعادات، مهدی نراقی، ج 1، ص 301، اعلمی، بیروت، چاپ چهارم، بی تا.
11. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، دار الاسوه، قم، 1344 هـ
12. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، دار الکتب الاسلامی، قم، بی تا
13. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، با تصحیح محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، 1350 هـ ش

14. کنز العمال، المتقی الہندی، مؤسسة الرسالة، بیروت، 1401ھ-1981م
15. مستدرک الوسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسہ آل البیت، قم، آل البیت، 1404ھ. ق
16. مکارم اخلاق، حسن بن فضل طبرسی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا
17. مرآت العقول، العلامة المجلسی، دار الکتب الإسلامیة، مصر، 1404ھ. ق
18. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، درالحديث، قم، 1384ش
19. نفس المهموم، شیخ عباس قمی، دارالمحججه البيضاء، تهران، بی تا،
20. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1412ھ. ق.

فارسی

1. آداب زندگی، علی محمد عبداللہی، برکت کوثر، ہمدان، 1392
2. آنچه باید یک زن بداند، نویسنده اسداللہ محمدی نیا، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، 1371
3. احکام خانوادہ، عبدالرحیم موگھی، شفق، قم، 1376
3. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، مدرسہ الامام علی بن ابی طالب (علیہ السلام)، قم، 1377
ش، چاپ اول، ج 3، ص 433.
4. اصل اخلاقی، محمد محمدی اشتهاردی، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، مشهد، 1397.
5. ترجمہ تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبائی، مترجم محمدباقر موسوی، جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم،
1378ش
6. سیری در نہج البلاغہ، مرتضی مطہری، نشر صدرا، تهران، 1398
7. ترگل، عماد داوری، انتشارات اعتلای وطن، قم، 1399

ص: 132

8. روان شناسی تربیت نوجوان در سیره معصومین، اکبرشعبانی، مبین اندیشه، تهران، 1393

9. شرح غررالحکم، عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، شرح جمال الدین محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، 1346

10. مجموعه آثار؛ مطهری، نشر صدرا، تهران، 1398

11. مسئله حجاب، استاد مطهری رحمه الله، نشر صدرا، تهران، 1398

12. مردان مریخی، زنان ونوسی، جان گری، شیر محمدی، تهران، 1393

9. نهج الفصاحه، مجموع سخنان و خطبه های رسول اکرم، گردآورنده ابوالقاسم پاینده، تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدمامین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، 1383.

مقاله

1. اسلام و روان شناسی، مقاله

2. معارفی از کیهان، علی پوریا، مقاله

سایت

1. سایت پرسمان، <https://www.porseman.com>

2. سایت زن امروزی، <https://www.zanemroozi.com> به نقل از باحجاب

3. پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net>

4. سایت راسخون <https://rasekhoon.net> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)، عباس آینه چی

5. فرهنگ فارسی معین، <https://www.vajehyab.com/moein>

6. ویکی پدیا

7. ویکی فقه، بحث غیرت.

ص: 133

سیدمجتبی حسینی نژاد(1)

چکیده

داستان و قصه، در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلام با ذهن بشر است. از همین روی دامنه مخاطبانش وسیع تر و قدرت نفوذش بیشتر است. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما این کتاب آسمانی در کامل ترین وجه خود از شیوه داستان سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است.

در مباحث تربیتی، پرداختن به حکایات و داستان گیرایی بیشتری دارد.

خانواده و والدین عزیز باید بدانند که دشمن بر روی نوجوان و جوان ما کار می کند، زیرا ریشه و خمیر مایه اجتماع را، این گروه سنی از اجتماع تشکیل می دهند.

لذا با این هدف کتاب داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان تالیف شد.

بدون تردید طبع انسان، به شنیدن و خواندن سرگذشت ها و داستان ها، رغبت و میل فراوان دارد و مقصود اصلی ما از فراهم نمودن این داستان ها، بیان مطالب گوناگون دینی، تربیتی، اخلاقی، حکیمانه، پندآموز و پرمایه در قالب داستان بوده، تا با این روش، عبرت های دینی تربیتی را، برای دل های آماده و به خصوص بر دل های پر دغدغه والدین در جهت تربیت فرزندان عرضه نماییم.

ص: 135

از آنجایی که مقاله در آوردن کتاب داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان به ذکر داستان و حکایات متعدد پرداخته به چرایی پرداختن داستان با استفاده از مقاله و ویرایشی چند از مقالاتی در این زمینه کمک گرفته شد.

آفرینش داستان و قصه پاسخ به یکی از نیازهای روحی انسان است و تا انسان، این موجود پیچیده به حیات خود ادامه دهد، هنر دیرپای داستان و قصه گویی نیز زنده خواهد بود و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی بشر جریان خواهد داشت. قرآن که معجزه پیامبر اسلام و آخرین و درعین حال کامل ترین کتاب آسمانی است سرشار از قصه است که از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و به زبان داستان و قصه برای مسلمانان نقل شده است. در این مقاله سعی بر آن است تا ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی قصه، اهمیت، انواع، ویژگی ها و ارزش های تربیتی قصه مورد بررسی قرار گیرد، سپس جایگاه، اهمیت و ویژگی های داستان و قصه در مباحث تربیتی از جمله قرآن مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت به شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی پرداخته می شود. در خانواده فرزندان به اقتضای نزدیکی به فطرت پاک الهی، از شنیدن قصه لذت می برند و به طور غیرمستقیم، جوهر وجودی اشان شکل می گیرد. از آنجاکه قرآن «احسن القصص» است، و در مباحث دینی چنانچه قصه های آن به نحو مقتضی و متناسب با سن کودک بیان شود، موجب علاقه مندی نسل جدید به قرآن و مباحث دینی و تربیتی خواهد شد، چراکه در دل قصه های قرآنی و مباحث تربیتی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی که از سرچشمه وحی الهام گرفته، گنجینه ای منحصر به فرد و در میان همه کتب الهی بی رقیب است. با توجه به اینکه عامه مردم، کمتر می توانند از قرآن کریم و مفاهیم آموزنده آن مستقیماً استفاده

کنند، قرآن کریم با عباراتی ساده و قابل فهم برای عموم مردم به بیان سرگذشت پیشینیان پرداخته و با اشاره به علت هلاکت یا سعادت آنان، نیل به هدف مقدّس، یعنی عبرت گرفتن از سرگذشت گذشتگان را آسان تر نموده است.

قصّه و داستان گویی مهم ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت ها و قصّه ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان های و سرگذشت های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره برداری کرده است. (1)

قرآن کریم همواره به عنوان چراغ روشنایی بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه های مختلف همچون: انذار، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصّه، در پی این بوده است که قاطبه انسان ها را به سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آنها و ذکر علت گرفتاری ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آنها، تأثیر به سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است.

قصه در لغت

واژه «قصه» مصدر عربی از ماده قَصَصَ صَ، يُقَصِّصُ صُ و به معنی دنبال کردن اثر و ردپای کسی یا حیوانی آمده است. معانی ثانوی دیگری چون: بیان کردن، گفتن، داستان سرایی، نقل کردن نیز در فرهنگ ها یاد شده است.

از میان معانی واژه قصه، شاید بهترین معنی که با اصل کار قصه گویی مطابقت دارد و با نظریه های قصه شناسان نیز هماهنگ است، همان معنی دنبال

ص: 137

کردن است. دنبال کردن در معنای مجازی، نه به طور حقیقی، مثل دنبال کردن رد پای یک آهو یا یک دزد، بلکه دنبال کردن مجازی حوادث و ماجراهایی است که برای یک شخصیت یا شخصیت های داستان رخ می دهد. (1)

شنونده به هنگام توجه به وقایع قصه در هر شرایط سنی و علمی - فرهنگی که باشد، آنچه او را برمی انگیزاند تا حوادث قصه را دنبال کند، همانا حس کنجکاوی و ولع به این است تا بداند که سرانجام قهرمان داستان و نتیجه ماجراها به کجا خواهد کشید؛ یعنی شنونده دائماً از خود یا از راوی می پرسد: بعد چه؟ (and then)، در زبان عربی قَصَّصَ دَقِيقًا با این اصطلاح لاتین تناسب معنایی و کاربردی دارد. (2) قصه، به طور اجمال، پیگیری و ردیابی آثار گذشته و گذشتگان است. همان گونه که چند جای قرآن، گذشته از بحث قصه، از خود واژه قصه به معنای « پیگیری و ردیابی آثار گذشته استفاده شده است. (3)

قصه در اصطلاح

در زمان حال، اصطلاح قصه به معنای عام در بیشتر متون ادبی بر آنچه در ادبیات قدیم آمده است، مانند افسانه، حکایت و سرگذشت اطلاق می شود. (4) قصه قالبی از انواع ادب شفاهی (عامیانه، فرهنگ مردم) است که ساختاری ساده و ابتدایی دارد و حوادث آن حول یک ماجرای ساده دور می زند، اصل قصه روایت ساده آن ماجراست. وجه تمایز قصه با حکایت در دو نکته است: حکایت در زمان و روزگاری مشخص اتفاق افتاده است، ولی قصه مقید به برش زمان نیست، دیگر آنکه حکایت حتماً متضمن یک پیام اخلاقی یا نکته ای اجتماعی است که

ص: 138

1- . پشت دار، 1390.

2- . رهبر، 1389

3- . حسینی و محدثی، 1381

4- . میر صادقی، 1377

قصه ممکن است حامل چنین پیامی باشد و ممکن است صرفاً به قصد سرگرمی گفته می شود. (1) معنای اصطلاحی دیگر قصه این است که در آن تأکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین آدم ها و شخصیت ها است.

قصه و قصه گویی امروزه علاوه بر روشی برای سرگرمی و تفریح، شیوه ای برای آموزش و یادگیری کودکان است و از آن در کلاس های آموزشی و اتاق های بازی و خواب کودکان استفاده می شود. (2)

قصه گویی، عبارت است از: هنر یا حرفه نقل داستان به صورت شعر یا نثر که شخص قصه گو آن را در برابر شنونده زنده اجرا می کند. داستان هایی که نقل می شود، می تواند به صورت گفت و گو، ترانه، آواز با موسیقی یا بدون آن، با تصویر و سایر ابزارها همراه باشد. ممکن است از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی استفاده شود و یکی از اهداف آن بایستی سرگرمی باشد. در روزگاران کهن، تاریخ سنت ها، مذهب، آداب قهرمانی ها و غرور قومی به وسیله قصه گوها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. (3)

قصه گویی در کشور ما سابقه ای بس دیرینه و قدیمی دارد، اما نفوذ عوامل و وسایل ارتباط جمعی و علاوه بر آن مسائل خاص حوزه های شهرنشینی، موجب شده تا نقش قصه گویی در طول دوران و به ویژه در نظام های آموزشی کم رنگ شود. همچنین به قصه گویی هنوز به عنوان یک فن نگاه نمی شود و در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته ای برای قصه گویی به چشم نمی خورد. بسیاری از علاقه مندان به این فن، به تجارب خود متکی هستند و کمتر با روش های علمی و اصول قابل قبول این فن آشنایی دارند.

ص: 139

1- . پشت دار، 1390

2- . ندافی قلعه شیری، 1388

3- . حجازی، 1384

قصه و قصه گویی، خود قصه آشنای همه انسان ها در همه روزگاران و جامعه هاست. انسان ها در سفر، غم و شادی، تنهایی و خلوت و در جمع و حتی در گیرودار جنگ و بحر آنها ی زندگی با قصه همراه و مانوس بوده اند، همین است که قصه را همزاد انسان دانسته اند و نخستین قصه ها را به نخستین روزهای زندگی انسان در زمین بازگردانده اند.

قصه تنها، فاتح دنیای کودکان نیست، بلکه بزرگ سالان نیز لحظه شنیدن قصه، درست مثل کودکان، با قصه جاری و همراه می شوند و صمیمیت و صفای کودکانه می یابند. نوشته اند که مصریان قدیم همراه با بزرگان و به ویژه فرعونیان، قصه گویی دفن می کردند تا برای او قصه بگویند و غم تنهایی و غربت را در قبر فراموش کنند. پادشاهان ایرانی، قصه گویانی داشته اند. شهرزاد قصه گو در هزار و یک شب نمونه ای از این قصه گوینان است. در هفت پیکر نظامی دختران افسانه گو، بهرام گور را به قصه های خویش میهمان می کنند. نقش قصه در تربیت انسان تا بدان جا است که کتاب های آسمانی با شیوه ای خاص داستان هایی را برای تذکر، هدایت و ارشاد مطرح کرده اند. تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستان های انبیاء، اقوام و تمدن هایی است که آمده اند و رفته اند و زندگی آنها چراغ راه دیگر انسان ها شده است.

شاید نخستین قصه، قصه آدم و حوا باشد که با فریب شیطان، از بهشت خدا رانده شدند. شاید حضرت آدم ژ (علیه السلام) به عنوان اولین قصه گو، بارها قصه رانده شدن خویش از بهشت را برای فرزندانش تعریف کرده باشد تا عبرت بگیرند و فریب نخورند. (1)

آفرینش قصه پاسخ به کی از نیازهای روحی انسان است و تا

ص: 140

انسان، این موجود پیچیده به حیات خود ادامه دهد، هنر دیرپای قصه گویی نیز زنده خواهد بود و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی بشر جریان خواهد داشت (1) مسلماً علاقه به قصه را خداوند مهربان در نهاد انسان نهاده است، زیرا خداوند از زیر و بم آفریده خود دقیقاً آگاه است و در تمام کتاب های آسمانی به زبان قصه با انسان سخن گفته است.

قرآن آخرین کتاب آسمانی مملو از قصه ها و تمثیل هایی است که لباس سخن حق پوشیده اند و ماجرای اقوام و مردم گذشته را برای مسلمانان و مخاطبانش نقل می کند تا عبرت حاصل آید و تجربه تلخ گذشتگان طغیان گر و عاصی، دوباره تکرار نشود.

انواع قصه ها

در مورد انواع قصه ها، شش گونه قابل تصور است: تاریخی، واقعی، تمثیلی، اسطوره ای، نمادین و غیبی.

1. قصه تاریخی؛ قصه ای است که محتوا و ماجرای آن در یکی از هنگامه های تاریخ محقق شده باشد. قصه تاریخی، بیانی تاریخی و دقیق دارد و به ذکر جزئیات می پردازد.

2. قصه واقعی؛ قصه ای است که در وقتی از اوقات روزگار محقق شده، اما دارای بیان ریز جزئیات نیست و ماجرای تحقق یافته در ظرف زمانی را بازگو می کند (که ما معتقدیم قصه های قرآن از این نوع هستند).

3. قصه تمثیلی؛ برای آوردن ضرب المثل از قصه تمثیلی می توان یاد کرد که تخیلات یک نویسنده، به آن افزوده می شود و رنگ و لعاب به خود می گیرد تا مثل خود را عرضه کند و مخاطب نتیجه اخلاقی بگیرد.

ص: 141

4. قصه اسطوره ای؛ فرق قصه اسطوره ای با تمثیلی این است که اسطوره ای یک دروغ محض و یک تخیل کاملاً ناب است. باید توجه داشت که این اسطوره با اسطوره ای مثل شخصیت اسطوره ای - که در کتب جدید نوشته شده، مثل فلان نماد و فلان پهلوان - فرق دارد و نباید در اینجا مشتبه شود.

اگر بخواهیم مثالی برای قصه اسطوره ای بیاوریم، می توانیم به شاهنامه فردوسی اشاره کنیم که قهرمانان قصه اش واقعیت خارجی نداشته و به معنی مطلق، تخیل بوده اند. اسطوره بر سبیل تمثیل نیست و تحققش بسیار دور از ذهن است.

5. قصه نمادین و سمبلیک؛ قصه رمزی و سمبلیک به قصه ای گفته می شود که مبتنی بر عناصر نمادی باشد مثل فلان رنگ و فلان حیوان که در فرهنگ های مختلف، نمادی از مظاهر مختلف است؛ و قصه ای که مبتنی بر چنین عناصری باشد، قصه نمادین نامیده می شود.

6. قصه غیبی؛ به قصه ای گفته می شود که محتوا و ماجرایش در جهان شهود تحقق پیدا نکرده است و مربوط به عالم غیب است. در مباحث مختلف و مفصلی که شده، برخی خواسته اند تمام این انواع شش گانه را به قصه های قرآن نسبت دهند.

با اندک تأملی در قصه های قرآن در می یابیم که این دسته بندی ها برای قصه های قرآن باطل است و در قرآن فقط قصه های واقعی داریم و لاغیر! حتی قصه تاریخی هم در قرآن نیست از گونه های قصه فقط می توان قصه واقعی را برای قرآن تصور نمود. (1)

ص: 142

قصه اگر به مثابه یک اثر هنری تلقی شود (که چنین است) باید مانند هر اثر هنری دیگر سه ویژگی زیر را دارا باشد:

الف) باید نوآوری داشته باشد. در قصه باید نسبت به نوع معمول و پیش پا افتاده، بدعت و نوآوری وجود داشته باشد که همگان قادر به آن نباشند (و همان گونه که می دانید تحدی در همه جای قرآن و حتی قصه هایش وجود دارد).

ب) زیبایی ساختاری داشته باشد؛ یعنی از حیث جمالی باید زیبا باشد.

ج) از لحاظ نحوه بیان، قدرتمند باشد، یعنی قدرت تعبیر و نحوه بیانش به گونه ای باشد که بتواند از دیگر تعبیرهای هنری ممتاز شود.

این سخن که در قصه های قرآن هر سه ویژگی فوق وجود دارد، ادعای درستی است، چراکه از نوآوری و زیبایی ساختاری و قدرت تعبیر برخوردار است. (1)

معیارهای انتخاب قصه

داستان، محور یک تجربه اصیل قصه گویی است، چراکه بدون داستان، قصه گویی وجود ندارد؛ همچنین آماده کردن داستان نیز مقوله دیگری است که قصه گو باید به آن توجه خاصی داشته باشد. منبعی که قصه گو برای انتخاب کردن داستان در اختیار دارد، پهنه ادبیات شفاهی و مکتوب جهان است. او باید به جمع آوری قصه هایی متناسب با شخصیت و سبک خاص خود پردازد و برای انتخاب قصه به سؤالات زیر جواب دهد:

1. آیا داستان، قصه گور را برمی انگیزاند؟

2. آیا دوست دارد دیگران را در آن سهیم کند؟

ص: 143

3. آیا او می تواند از عهده گفتن این داستان برآید؟
4. فضا و محتوای داستان با شخصیت قصه گو متناسب است؟
5. آیا این قصه برای گفتن مناسب است یا خواندن آن برای بچه ها بهتر است؟
6. آیا این قصه با گروه سنی شنوندگان متناسب است؟
7. آیا طول قصه برای شنوندگان مناسب است؟
8. آیا برای خردسالان طولانی و یا برای بزرگ سالان کوتاه نیست؟(1)

ارزش های تربیتی قصه و قصه گوئی در تعلیم و تربیت کودک

اشاره

ارزش های تربیتی قصه گوئی را می توان چنین خلاصه کرد:

1. پرورش قدرت بیان و تکلم؛
2. سرگرمی؛
3. افزایش تجارب کودک؛
4. پرورش ذوق هنری؛
5. آشنایی با مشکلات و حل آنها؛
6. افزایش معلومات و توسعه اطلاعات عمومی؛
7. پرورش عزت نفس، جرئت ورزی و شهامت؛
8. انتقال فرهنگ (آشنایی با فرهنگ بومی و پایبندی به آن)؛
9. ایجاد روحیه دوستی (جعفری مفرد طاهری، 1387)؛
10. پرورش تخیل و تفکر کودک (صباغیان، 1386)؛
11. تلطیف عواطف و احساسات؛
12. شناخت بیشتر محیط؛

13. گسترش گنجینه لغات؛

14. تعلیم ارزش های اخلاقی (حنیف، 1383)؛

15. تحریک قوه ابتکار و ابداع در کودکان؛

16. ایجاد عشق و علاقه به ادبیات در کودکان؛

17. رشد اعتماد به نفس کودک و علاقه مند ساختن او به آزادی و عدالت اجتماعی؛

18. برآوردن نیازهای عاطفی کودک و آماده ساختن او برای دریافت پیام های اخلاقی و انسانی و شهروندی خوب بودن؛

19. آشنایی با صفات پسندیده و بیزاری از کارهای ناپسند (پشت دار، 1376)

اهمیت قصه در تربیت کودک

افلاطون در کتاب جمهوریت این چنین به بیان اهمیت قصه برای کودکان می پردازد:

باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایت هایی را که پذیرفته ایم، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می کند. (1)

قصه و قصه گویی پدیده ای است که قدمت آن به قدمت پیدایش زبان و گویایی آدمیزاد است. آن چنان که تقریباً هیچ قوم و ملت کهنی را نمی توان یافت که دارای قصه ها و حکایت های مذهبی، حماسی، اجتماعی و امثال آن نباشد. در همه قرون گذشته قصه ک نوع وسیله برای ارضای نیازهای روانی کودکان، نوجوانان و حتی بزرگ سالان بوده است. به طور کلی قصه بیش از سایر وسایل

ص: 145

تربیتی در رفتار کودک مؤثر است، به شرط آنکه درست و دقیق انتخاب شود. قصه می تواند ریشه بسیاری از انحرافات را در کودکان و نوجوانان بخشکند و تأثیرات عمده تربیتی بر آنها داشته باشد. بچه ها می توانند با خواندن و شنیدن قصه ها به سرمایه های تمدن و میراث فرهنگی خود دست یابند، با آداب و سنن جامعه خویش و جامعه جهانی آشنا شوند و خود را برای زندگی آینده آماده تر سازند.

قصه ها از دیرباز در انتقال ارزش ها و مفاهیم تربیتی به کودکان و نوجوانان مؤثر بوده است؛ به این دلیل که قصه هیچ گاه تاریخ مصرفی ندارد و تاریخ انقضایی را در بر نمی گیرد. از قید زمان ها رهاست و حتی در شرایط بد اقتصادی جوامع؛ قصه ها فراموش نشده اند.

درست است که وقتی قصه می گوئیم بچه ها در سکوتی کامل گوش فرا می دهند؛ اما این سکوت، فریاد هم ذات پنداری است. کودک با شروع قصه شروع در درون خودش بازیگری به تمام عیار می شود که همراه با شخصیت های قصه رفتار می کند. در تمام حوادث جریان دارد، خود را جای قهرمان می گذارد، گریه می کند، می جنگد، می خندد، دنبال آرمانها و اهدافش می شود؛ کودک به مثابه کارگردان قهاری می شود که تنه حوادث و شخصیت ها را می سازد و در واقع تجسم و تصور خلاق قصه را کارگردانی می کند. کودک در جریان قصه همراه با شخصیت ها و قهرمان قصه تصمیم می گیرد. از کوچک ترین فرصتی که برایش پیش آمده دریغ نمی کند؛ ارزش وقت را می شناسد. به همراه قهرمان قصه تلاش می کند و برای رسیدن به هدفی که مطرح است پا به پای او حرکت می کند و سر همه صحنه ها حاضر می شود و از اینجاست که همه تجارب قصه را در گنجینه ذهنش می ریزد و در زمان های مناسب از این ذخیره ذهنی استفاده می کند و این همان تأثیر جادوی قصه است.

در تمام طول قصه؛ کودک و نوجوان تماشاگر دنیای زیبایی است که قصه گو

برایش به تصویر می کشد. کودک قصه را می شنود نه حسرت قهرمان را می خورد و نه حسادت برایش اتفاق می افتد؛ بلکه یک رابطه صمیمی بین قصه و مخاطب ایجاد می شود. کودک همه چیز را درک می کند؛ و پا به پای قهرمان قصه می تواند بر مشکلات فائق آید. کودکان با هم ذات پنداری در قصه ها می توانند تمام چیزهای نداشته خود اعم از عروسک و خوردنی یا لباس گرم و یا شخصیت های نداشته شان، مثل مادر، پدر یا مادر بزرگ و... را تجربه کنند و با آنها انس بگیرند. یا حتی حقوقی که متعلق به کودک بوده ولی از او دریغ شده است را می تواند در قصه بیابد. قصه به کودک فرصت می دهد که تمام امیال و محتویات ناخودآگاه خود را تعبیر نماید و محیط زندگی را بشناسد، در واقع دوره کودکی زیربنای محکمی است که اگر در بنای آن دقت نشود تا ثریا می رود دیوار کج.

قصه به کودک می آموزد که چه طور به تنهایی می تواند شخصیتش رشد کند و به کمال برسد و در واقع بحر آنها بی مثل بحران عاطفی یا استقلال طلبی یا اجتماعی و حتی فرهنگی را پشت سر بگذراند و از لای گل ولای خود را بیرون بکشد و اضطراب های درونی اش را در قصه تخلیه کند و پایان خوش قصه خیال آسوده ای به او می بخشد. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که هر موقع کودکان ما از چیزی ترسیده اند و با خود کشمکش داشته اند، پدر و مادر آن را نادیده گرفته اند. ولی قصه ها به راحتی این ترس ها و اضطراب های کودکان و نوجوانان را جدی می گیرند و مستقیم درباره شان صحبت می کنند، ترس از مرگ، ترس از جدایی، ترس از سرزنش و... و وقتی قصه با این جمله پایان می یابد که آنها تا سالیان سال با هم به خوبی و خوشی زندگی کرده اند، این ترس از بین می رود و کودکان دیگر فریب نمی خورند.

قصه ها هر دو عنصر شکوفایی شخصیت کودک یعنی عقل و احساس را تحت تأثیر قرار می دهند. در درون قصه ها اگر به خاطر سرزمینی جنگیده شده،

احترام به مالکیت دیگران را بیان کرده و اگر شخصیت قصه از وسیله ای استفاده ای کرده، روح ابتکار و نوجویی را در کودک تقویت کرده است. قصه ها درست اندیشیدن و فکر کردن را یاد داده اند.

قصه ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از احکام اخلاقی، شکل دهی فعالانه به خویش و غایات اخلاقی را در ناخودآگاه کودک می ریزند و جهان بینی ارائه می کنند که در آن مخاطب کودک و نوجوان به سمت تعالی روح حرکت می کند و این حرکت در گرو ارزش های اخلاقی است که کودک از قصه برداشت می کند. به عنوان مثال اگر در قصه ای کودک اسباب بازی موردعلاقه اش را به کودک دیگری می بخشد که اسباب بازی ندارد، دیگر نیازی به معرفی ارزش بخشیدن نیست. همچنین ارزش آزادی را وقتی کودک می فهمد که ببیند حیوانی در قصه اسیر شده باشد. کودک در قصه بارها و بارها، شاهد همکاری و همدلی و مهربانی حیوانات بوده و این را به راحتی درک کرده است. از جمله ارزش های اخلاقی دیگری که کودک در میان قصه ها پیدا می کند، می توان به مسئولیت پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر و مادر و ائمه، عدالت و انصاف، روح انسان دوستی و نوع پروری، عزت نفس، انسانیت، حقیقت و فروتنی اشاره کرد. کودک همچنین پی به ارزش نادانی و دانایی می برد و یاد می گیرد شتاب زده عمل نکند. در مجموع، قصه خود به تنهایی دارای سلامت ذوق در قرون مختلف بوده و این سلامت ذوق، ارزش های اخلاقی، دینی و اجتماعی پربراری داشته که به سلامت جامعه کمک بسیار مؤثری کرده است.

مردم به کمک قصه ها، تاریخ خود را می آموزند و با اسطوره اقوام خود آشنا می شوند و به میراث ارزش ها و آداب و رسوم دست پیدا می کنند. به عنوان مثال، قصه های شاهنامه فردوسی، سراسر تاریخ دلاوری ها و جنگاوری های یک ملت و

دفاع از مام میهن بوده است. قصه‌ها انعکاسی از زندگی در کوه و دشت و مناطق جغرافیایی و دوره‌های مختلف بوده‌اند، دورانی که عوامل طبیعی جغرافیایی مثل سیل، زلزله و یا عوامل انسانی، مثل زورگویی پادشاهان و...، همراه بوده است، اگر این قصه‌ها نبودند از کجا ارزش و لیاقت حاکمان مختلف و سلسله‌های گوناگون و آنچه که بر مردم آن روزگار گذشته مشخص می‌شده است. باید گفت که قصه‌ها سرشار از تاریخ، سنت‌ها، مذهب، آداب و قهرمانی‌ها هستند. در قصه‌های مذهبی بچه‌ها با فرهنگ ملی و دینی کشور خود آشنا می‌شوند؛ مگر نه اینکه فلسفه عید قربان و غدیر، ليله المبيت و...، واقعیاتی بوده که به صورت قصه سینه به سینه نقل شده است. قصه‌های تولد و شهادت و زندگی ائمه، همه و همه باعث انتقال ارزش‌های اسلامی است.

باید توجه داشت که کودکان در دنیای قصه‌ها زندگی می‌کنند. آنها با قصه بازی می‌کنند، بیدار می‌شوند، می‌خوانند و حتی در عالم خواب نیز قصه‌ها را دنبال می‌کنند. این دل‌بستگی به حدی است که حتی شلوغ‌ترین بچه‌ها با آرامش به قصه گوش می‌سپارند؛ بچه‌ها همچنین از شنیدن قصه‌ها چیزهای بسیاری می‌آموزند(1) که شاید در شرایط دیگر، هرگز رغبتی به‌ادگیری آن نشان نمی‌دادند؛ علاوه بر این، قصه‌گویی، ساده‌ترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین ابزاری است که امکان اجرای آن برای همه، حتی خانواده‌ها وجود دارد؛ چراکه به هیچ‌گونه وسیله و مقدماتی نیاز ندارد.(2)

به این ترتیب، قصه‌گویی از یک سو نقش مهمی در زندگی کودک دارد و از سوی دیگر، ابزاری در دسترس و بدون هزینه است؛ از این رو استفاده از آن در رشد و تربیت کودکان در عین مؤثر بودن، ساده و مقرون به صرفه است. با این

ص: 149

1- . رحماندوست، 1377.

2- . پلويسكى، 1372.

وجود، واقعیت نشان می دهد که امروزه در اکثر موارد از این ابزار تربیتی غفلت شده است.

به ویژه در مدارس، بیشتر معلمان، قصه گویی را برای خود ننگ و حقارت و برای دانش آموزان اتلاف وقت می دانند و از فواید و ارزش های تربیتی فراوان آن غافل هستند(1)؛

از این رو به قصه گویی به عنوان يك شیوة و يك ابزار برای تحقق اهداف مدرسه نگریسته نمی شود؛ حتی در خانواده ها که احتمال استفاده از قصه گویی بیشتر است، در غالب موارد از آن تنها برای خواباندن کودکان کوچک تر استفاده می شود. در مورد کودکان بزرگ تر تصور بر آن است که چون خودشان قادر به مطالعه هستند، قصه گویی برای آنها ضرورتی ندارد؛ این در حالی است که شنیدن قصه از زبان قصه گو دارای تأثیراتی است که هرگز از طریق مطالعه به دست نمی آید.

در پایان باید گفت؛ علی رغم مسائل فوق، به نظر می آید علاقه فطری نوع بشر به شنیدن قصه و تجربه های موفق جهانی در استفاده تربیتی از قصه گویی(2)،

سرانجام بر کار مربیان، و همه کسانی که به نحوی با رشد و پرورش کودکان درگیرند، تأثیر بگذارد و قصه گویی به عنوان فعالیتی محوری در تعلیم و تربیت کودکان مورد استفاده قرار گیرند: از این رو به منظور کمک به تسریع این امر و علمی تر نمودن فعالیت های مبتنی بر قصه گویی، فراهم آوردن مبانی نظری قصه گویی امری ضروری به نظر می آید و اولین مبنای نظری، توجیه فلسفه قصه گویی برای کودکان است که می تواند در تشویق و ترغیب افراد به روی آوردن به این امر اثرگذار باشد.

بررسی فلسفه قصه گویی به معنای کشف خاستگاه های این امر در نهاد

ص: 150

1- . شعاری نژاد، 1384

2- . زاپس، 1380

بشری است؛ به عبارت دیگر، پرسش این است که چه ویژگی‌های در انسان (به ویژه كودك) وجود داشته و دارد که چرایی روی آوردن وی به قصه‌گویی را توجیه می‌کند. در پاسخ به این سؤال سه عامل اساسی قابل بررسی هستند که به شرح زیر است.

1. پیوند با فطرت بشری: اولین و مهم‌ترین عاملی که می‌توان از آن به عنوان فلسفه‌ی روی آوردن بشر به قصه‌گویی نام برد، ذاتی بودن گرایش به این امر در وجود نوع بشر است. از این رو در ابتدا، قصه‌گویی به عنوان پاسخی به نیاز روحی مشترك همه افراد بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این ارتباط، قدمت و استمرار قصه‌گویی دو مفهوم کلیدی هستند؛ از یک سو، قصه‌گویی به عنوان کهن‌ترین شکل ادبیات، قدمتی به درازی عمر کلام و پیشینه‌ای پیوسته به تاریخ پیدایش بشر دارد. حتی هزاران سال پیش که خواندن و نوشتن و صنعت چاپ هنوز رواج نیافته بود، قصه‌گویی در جوامع كوچك و بزرگ وجود داشت و جزئی از زندگی بشر به حساب می‌آمد که مورد علاقه همگان بود(1).

از سوی دیگر، قصه‌گویی تا زمانی که انسان به حیات خویش ادامه می‌دهد، استمرار خواهد داشت و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی به پیش خواهد رفت. حتی پیشرفت‌های تکنولوژیکی نه تنها نمی‌توانند مانعی در برابر جریان این رود باشند، بلکه خود عاملی در جهت تغییر و تنوع شیوه‌های قصه‌گویی هستند(2)؛ به عبارت دیگر، تکنولوژی به جای مقابله با قصه‌گویی، خود به صورت ابزاری در جهت خدمت به گسترش و رواج هر چه بیشتر آن درآمده است؛ به این ترتیب، امروزه با آنکه رسانه‌های جمعی تا دورافتاده‌ترین نقاط را تحت پوشش خود قرار داده‌اند، هنوز هم قصه‌گوها در همه جوامع کار خود را

ص: 151

1- . غنی، 1378 و زاپیس، 1380

2- . تاج آبادی و رنجبری، 1389

ادامه می دهند. حتی در جوامعی که از صنعت چاپ و شگفتی های عصر الکترونیک بهره می گیرند، این شکل کهن ادبیات شفاهی، به عنوان بخش مهمی از جامعه رواج دارد. (1)

قدمت و استمرار قصه گوئی، نشانگر پیوند آن با فطرت بشری است؛ از این رو می توان از قصه گوئی به عنوان تمایلی ذاتی (2) و پاسخی به نیازهای روحی (3)

و فطری مشترك در همه افراد سخن گفت که علاقه به آن از سوی خداوند در نهاد انسان ها نهاده شده است. (4)

نکته قابل توجه آنکه پیوند فطری انسان با قصه گوئی باعث می شود بسیاری از قصه گوینان توانا بتوانند مخاطبان سایر فرهنگ ها و زبانها را چنان تحت تأثیر قرار دهند که حتی اگر معانی واژگانی ترجمه نشود، روح و مفهوم قصه دریافت و مخاطبان حظ و لذت کافی ببرند. علت این امر آن است که وجوه مشترك احساس بشری در قصه ها و با قصه گوینان عجین شده و تنها پیرایه های زبانی و تفاوت های اقلیمی، زیستی و اندیشه ای بستر قصه متفاوت است. قصه، زبان مشترك انسان ها است که اگرچه با الفباهای مختلف بیان می شود، دریافت های حسی مشابهی را موجب می شود؛ (5) این دریافت ها بیش از هر چیز مرهون بیان قصه گو و انتقال حس قصه به مخاطب توسط قابلیت های نهفته در قصه گوئی است. وگرنه قصه تا وقتی بر زبان قصه گوئی ماهر جاری نشود، نمی تواند بر افرادی که با زبان دیگری تکلم می کنند، تأثیر بگذارد.

تا اینجا معلوم شد که قصه گوئی نیازی ذاتی و علاقه ای فطری در وجود بشر

ص: 152

1- . چمبرز، 1380.

2- . غنی، 1378

3- . تاج آبادی ورنجبری، 1389

4- . رحماندوست، 1377

5- . شکرانه، 1385 و میرشفیعی، 1385

است که هرگز از زندگی وی حذف نشده و همواره با او بوده است؛ از این رو فطری بودن گرایش به شنیدن قصه از زبان قصه گو مبنایی ترین فلسفه قصه گویی است. بر اساس همین فلسفه است که قصه گویی از قدیم به عنوان عاملی برای سرگرمی و کسب لذت مورد استفاده قرار می گرفته است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، یکی از هدف های قصه گویی حتماً باید سرگرمی باشد. (1)

این سرگرمی از طریق لذت طبیعی موجود در قصه که ناشی از تعقیب و کشف ماجراهای ناشناخته و مجهول است (2) و با بیان جذاب قصه گو ملموس تر می شود، به وجود می آید.

حال باید دید پیوند فطری انسان با قصه گویی، چگونه فلسفه قصه گویی برای کودکان را توجیه می کند. در این زمینه باید گفت: چون کودکان به فطرت نزدیک ترند و روحیه انعطاف پذیرتر و ضمیر بی آرایش تری دارند، بیش از بزرگ ترها به قصه گویی علاقه مندند، از آن لذت می برند و تأثیر می پذیرند؛ از این رو گفتن قصه های خوب برای آنها می تواند تأثیرات تربیتی مثبتی بر منش و کنش شان بگذارد (3) و عاملی برای رشد فکری و تعالی روحی آنان باشد. (4)

2. کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود: انسان همیشه به دنبال آن بوده و هست که معنای جهانی را که در آن زندگی می کند بیابد و در پناه آن به هویتش تعین بخشد. این امر، یکی از مهم ترین عوامل جذب وی به قصه گویی است؛ از این رو کشف مفهوم جهان و شکل گیری هویت دومین فلسفه قصه گویی است که در ادامه بدان پرداخته می شود.

ص: 153

1- . پلووسکی، 1364

2- . رحماندوست، 1377

3- . رحمان دوست، 1377

4- . غنی، 1378

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران قصه گویی در طی قرن های طولانی، بهترین راه بیان آرزوها، تشریح اشارات و معانی، انتقال ارزش های اخلاقی و معنوی به نسل آتی، انتقال سینه به سینه سنت ها و آداب و رسوم بوده است و می تواند با نمایش خلق و خو و ارزش های معنوی متفاوت دیگران، قدرت تحمل آراء مخالف را افزایش دهد؛(1)

از این رو قصه گویی، بهترین راه برای بیان چگونگی زیستن در این جهان و فرصتی برای ایجاد تغییر در دیدگاه افراد نسبت به واقعیت است که با استفاده از آن می توان مخاطبان را در شناخت حقیقت، شیوه های درست زندگی، اخلاقیات و روش های دستیابی به کمال و موفقیت یاری کرد(2) تا از این طریق موفق به کشف معنا و مفهوم جهان خویش شوند. این امر به ویژه در مورد کودکان که تازه به گسترش روابط با جهان هستی پرداخته اند و طالب شناخت هر چه بیشتر آن هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از سوی دیگر، بخش عمده ای از هویت افراد در سنین کودکی شکل می گیرد. این امر با کشف مفهوم صحیح از جهان، که در پناه قصه گویی به دست می آید تا حدود زیادی تسهیل می شود. علاوه بر آن، الگوگیری از شخصیت های قصه ای که از زبان قصه گو بیان می شود نیز می تواند در شکل گرفتن هویت کودک مؤثر باشد.

توضیح آنکه در هر قصه، حرکات و گفتار شخصیت ها، نمودار موضع و موقعیت آنها است(3)

و قصه گو با حالات و بیان خاص خود به این حرکات و گفتارها زندگی و پویایی می بخشد. به نحوی که کودکان تحت تأثیر او می توانند روح زندگی را در کالبد شخصیت ها احساس کنند. همین امر باعث می شود منش

ص: 154

1- . پلویسکی، 1372

2- . یوسفی یوله و دلاور و یوسفی یوله، 1387

3- . رحماندوست، 1377

و کردارهای مثبتشان را فرا گیرند و هویت خویش را با الگوپذیری از آنها پایه ریزی نمایند.

به طور کلی، اسرار نظام آفرینش، ارزش ها و باورهای هر ملت در هنر آن ملت تجلی می یابد و قصه گویی نیز یکی از نمودهای آن است. قصه گو با هوشیار و متنبه ساختن افراد به آنها کمک می کند تا خود را بسازند و ابهامات و پیچیدگی های زندگی شان را حل کنند؛ بنابراین انتخاب به جا و درست قصه ها [و بیان پخته و صحیح آنها] می تواند تأثیرات تربیتی مثبتی بر منش و کشش کودکان که روحیه انعطاف پذیرتر و ضمیر بی آرایش تری دارند، بگذارد(1)

این امر از طریق کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خویش تسهیل می شود.

بر اساس فلسفه اخیر، می توان از طریق قصه گویی به تسهیل رشد کودک و آموزش عمیق و پایدار ارزش ها به او پرداخت. در مورد تسهیل رشد باید گفت: در هر برنامه قصه گویی، حتی اگر محتوای قصه فراموش شود، می توان از طریق درگیر ساختن تجارب و هیجان های کودک، به رشد و یادگیری وی کمک کرد.(2) به هر حال تا وقتی کودک به مفهومی از جهان و خویشتن دست نیابد، تربیت وی به طور کامل اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا این مفاهیم دارای نقشی مبنایی هستند و همه ابعاد رشد و تربیتی فرد در چهارچوب آن اتفاق می افتد.

همچنین قصه گو در صورت آشنا بودن با دنیای کودکان و پذیرش منطق آنها، بیش از هر معلم دیگری می تواند با بهره گیری از فنون قصه گویی، بذر همه ارزش های مذهبی، اخلاقی و انسانی را در ضمیر مخاطبان خود بکارد و مطمئن باشد آنچه با قلم مؤثر هنر بر صفحه حساس دل کودک حك شده است، در

ص: 155

1- . بیدمشکی، 1385 و الجفر و بازلی، 2004

2- . سلیمی، 1388

بزرگ سالی حتی با حربه عقل و علم و تجربه هم زدودنی نیست. (1)

به این ترتیب، قصه گویی به انسان فرصت می دهد ارزش مداری، دوستی مداری، خوبی مداری و خدمت مداری را به عنوان واژگان ثابت قصه ها درك کند و در هراس ها و حیرت هایش برای حفظ خویش به این مدارهای ثابت چنگ بزند. (2)

نتیجه آنکه کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خویش در لابه لای واژه های قصه گو، فلسفه دیگری برای قصه گویی است که بر مبنای آن می توان به تسهیل رشد و آموزش ارزش ها به کودک پرداخت.

نقش اساسی قصه گویی در مفهوم یابی جهان و خود، به علت غیرمستقیم و میانبر بودن تأثیر قصه بر کودکان، افزایش می یابد؛ از این رو در ادامه، به بررسی چگونگی این تأثیر به عنوان سومین فلسفه قصه گویی پرداخته خواهد شد.

3. تأثیر سریع و غیرمستقیم: یکی دیگر از عواملی که چرایی قصه گویی برای کودکان را توجیه می کند، این است که قصه گو به طور غیرمستقیم مخاطبان خورا تحت تأثیر قرار می دهد و از این رو به سرعت باعث ایجاد تغییراتی در آنها می شود. حال باید دید این امر چه دلایلی دارد. اولین دلیل همان است که به عنوان اولین و مبنایی ترین فلسفه قصه گویی بدان اشاره شد. ذهن انسان، آمادگی زیادی برای دریافت قصه دارد (3)

و قربت قصه گویی با طبیعت کودک، موضوع را برای او جالب و دوست داشتنی می کند و از طریق تحریک عواطف و امیال طبیعی اش باعث ایجاد رغبت در او می شود؛ (4)

این رغبت، سرعت یادگیری را افزایش می دهد.

ص: 156

1- . رحماندوست، 1369: 23-24

2- . شکرانه، 1385

3- . بنس، 2008

4- . غنی، 1378

دلیل دیگر در تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم قصه گویی، عامل تطابق یابی ناخودآگاه است. در هر قصه گویی دو ساختار (روساخت و ژرف ساخت) وجود دارد که در دو سطح متفاوت بر خواننده تأثیر می گذارد. روساخت همان جملات، صداها و توالی عبارات است که مخاطب هنگام قصه گویی می شنود؛ از این رو تنها در سطحی ظاهری، خودآگاه کودک را اشغال می کند. ژرف ساخت، فراهم کننده عناصری است که کودک را در سطحی ناخودآگاه اما ژرف، به درک معانی عمیق تر می رساند. (1)

این امر از طریق تأثیر لحن و بیان و سایر مهارت های قصه گو در جذب مخاطبان، انجام می گیرد. نکته مهم در این زمینه آن است که آنچه در سطح ظاهری اتفاق می افتد ممکن است به زودی فراموش شود؛ اما تطابق یابی ناخودآگاه، چون به طور غیرمستقیم انجام می گیرد، تأثیر بیشتر و پایدارتری به جا می گذارد.

سومین دلیل در موضوع مورد بحث، زبان خاص مورد استفاده در قصه گویی است. قصه گو از یک سوز عبارات خشک، جامد و غیرطبیعی پرهیز می کند (2) و از سوی دیگر عموماً در هاله ای از ابهام و با زبانی نمادین سخن می گوید، از این رو زبان او جذابیت زیادی دارد (3)

که به تأثیرگذاری غیرمستقیم و میانبر منجر می شود. این تأثیر سریع و غیرمستقیم، می تواند قصه گویی را به ابزاری تربیتی و آموزشی تبدیل کند. به این ترتیب، قصه گوها با بیان شیرین و جذاب خود اصول تربیتی را به طور غیرمستقیم به کودکان انتقال می دهند و از این راه ضمن پربار نمودن اوقات فراغت آنها، ذوق ادبی و زیبایی شناسختی و قوه تخیل و ابتکارشان را وسعت می دهند. تجربیات گران بهایی که کودکان از این راه کسب می کنند و در

ص: 157

1- . سلیمی، 1388

2- . شعاری نژاد، 1384

3- . بیدمشکی، 1385

زندگی عملی به کار می بندند، هرگز از راه آموزش مستقیم، به دست نخواهد آمد؛ (1)

از این رو تأثیر سریع و غیرمستقیم قصه، سومین عاملی است که انسان را به قصه گوئی، به ویژه برای کودکان وامی دارد.

تا اینجا معلوم شد که پیوند قصه گوئی با فطرت بشری، امکان کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود در پرتوی قصه گوئی و تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم آن مهم ترین فلسفه قصه گوئی برای کودکان است. حتی اگر بشر هرگز به این جنبه ها توجه نکرده باشد، باز هم تحت تأثیر آنها به قصه گوئی پرداخته است.

اما نکته دیگری که وجود دارد این است که هیچ يك از این موارد، صرفاً در قصه گوئی محدود نمی شوند. كودك ممكن است بر اساس گرایش ذاتی خویش، به «مطالعه» يك قصه (به جای گوش سپردن به آن) پردازد و تحت تأثیر غیرمستقیم و سریع آن، جهان و هویت خویش را معنا بخشد؛ از این رو ممكن است در نگاه اول چنین به نظر آید که موارد فوق به تنهایی و به طور كامل نمی توانند توجیه گر فلسفه قصه گوئی برای کودکان باشند؛ اما تعمق بیشتر بر این مسئله، نشان می دهد که از یک سو، موارد فوق بیشتر با قصه گوئی قرابت دارند تا مطالعه قصه توسط فرد و از این رو تلقی کردن آنها به عنوان فلسفه قصه گوئی به واقعیت نزدیک تر است. از سوی دیگر، در قصه گوئی نکات دیگری نیز وجود دارد که بحث پیرامون آن می تواند به افزایش درك فلسفه قصه گوئی (به جای مطالعه قصه) كمك کند.

در توضیح بیشتر باید گفت: اگر مطالعه قصه می توانست جایگزین شنیدن قصه از زبان قصه گو شود، پیدایش خط و صنعت چاپ، قصه گوئی را از سکه می انداخت؛ اما این امکانات، انسان را از شنیدن قصه و رودررو قرار گرفتن با

ص: 158

قصه گویی نیاز نکرد. (1) علت این امر، تأثیرگذاری بیشتر بازگویی قصه های قوی و هنرمندانه بر مخاطبین است. حالات و بیان هنرمندانه
قصه گو (2)

باعث می شود فرد نسبت به وقتی خود به مطالعه می پردازد اثرپذیری غنی تر و ماندگارتری داشته باشد. چراکه کلمات زنده می توانند
آفریننده باشند، بر روی احساسات تأثیر بگذارند، تصوراتی را خلق کنند و موجب شادی و سرور در شنوندگان شوند. (3)

به این ترتیب، نیمی از زیبایی و روایی قصه برای کودکان مرهون مهارت و طرز بیان قصه گو است. نفس گرم قصه گو و بیان شیرینش به
منزله روح قصه است و قصه بدون آن سرد و بی لطف به نظر می رسد. (4)

این جنبه از قصه گویی به ویژه برای گروه سنی کودک از چنان اهمیتی برخوردار است که می توان گفت: حتی وقتی خود کودک قادر به
خواندن باشد، قصه گویی برای او توصیه می شود؛ چراکه کودک از این طریق زیبایی تصاویر و کلمات و عبارات هنری را بهتر احساس می
کند و این درک و احساس هنری اهمیت زیادی در سازندگی و تکامل ذوق و سلیقه او دارد؛ (5)

علاوه بر این، وجود ارتباط دوسویه در برنامه قصه گویی فلسفه دیگری است که باعث رجحان شنیدن قصه بر مطالعه آن می شود. قصه
گویی، رویدادی انسانی و دوجانبه است که بزرگ سال (قصه گو) و کودک به طور یکسان در آن شرکت می کنند. (6) این امر از منفعل
بودن کودک در جریان قصه گویی جلوگیری می کند و به او امکان دخالت و اعتراض می دهد. به نحوی که کودک به خود اجازه می دهد در
بین قصه گویی،

ص: 159

- 1- . رحماندوست، 1377
- 2- . غنی، 1378
- 3- . چمبرز، 1380
- 4- . بیدمشکی، 1385
- 5- . شعاری نژاد، 1384
- 6- . بتلهایم، ترجمه بهروز نیا، 1384

با طرح خاطره و پرسش، خود را مطرح سازد و یا اطلاعاتش را کامل کند، از سر مجهولات نگذرد و ناپیدایی های قصه را بفهمد.

در نتیجه این امر، کودک با اشتیاق بیشتری در قصه گویی شرکت می کند، وجود «خویش» را بهتر درک می نماید، به پرورش استعدادها و قدرت تخیل و خلاقیت خویش می پردازد،(1)

مهارت های زبانی، اجتماعی، هوشی و علمی خویش را افزایش می دهد و از مزایای پیوند عاطفی نزدیک با افراد بزرگ سال برخوردار می شود.(2)

به این ترتیب، امکان معنایابی جهان و تعیین هویت خویش و تأثیرپذیری سریع و غیرمستقیم نیز بیشتر می شود. همه این موارد به علت وجود ارتباط دو سویه به دست می آید؛ از این رو مطالعه قصه توسط خود کودک نمی تواند فراهم کننده آن باشد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه گسترش میدان خیال کودک و پرورش ذهن و هوشیاری وی که کی از قابلیت های مهم قصه است(3) از طریق قصه گویی به نحو چشم گیری افزایش می یابد؛ چراکه قصه گو می تواند با خنثی کردن ضمیمه هوشیار شنونده، آن را آشفته و مختل ساخته در پیچه های خیال پروری اش را بگشاید و از این طریق به ناخودآگاه فرد راهابد.(4) اهمیت این امر با یادآوری این نکته بیشتر معلوم می شود که نفوذ به ناخودآگاه در تأثیرگذاری غیرمستقیم و سریع بر کودک نقش اساسی دارد.

در ضمن، قصه گویی علاوه بر نقشی که در پرورش خیال کودک دارد، به او جسارت و جرئت بیان آزادانه تخیل را نیز می بخشد. این کار به مرور زمان به ذهن

ص: 160

1- . افروز، خانبانی، جمشیدیان، 1385

2- . بیدمشکی، 1385

3- . غنی، 1378

4- . صدرزاده، 1389

او ساختار و نظم می دهد و موجب می شود در برخورد با مسائل، تفکری تحلیلی داشته باشد. (1)

در نتیجه می تواند به طور آگاهانه تر و علمی تر به معنایی برای خود و جهان اطرافش دست یابد.

گذشته از همه اینها، حتی اگر آنچه به عنوان فلسفه قصه گویی بررسی شد، بتواند توجیه گر فلسفه مطالعه قصه هم باشد، در سنین کودکی، قصه گویی بهترین و اثربخش ترین مسیر رسیدن به مرحله مطالعه است. در توضیح بیشتر این مطلب باید گفت قصه گویی محرکی قوی در افزایش سطح کتاب خوانی کودکان و گسترش حوزه مطالعه آنها است؛ چراکه قصه گویی فاصله میان قدرت خواندن کودک و قدرت درک او را از بین می برد، گنجینه لغاتش را افزایش می دهد، او را با قسمتی از ادبیات که با آن بیگانه و یا نسبت به آن بی علاقه بوده آشنا و مأنوس می سازد و مانع از آن می شود که کندخوانی، کودک را نسبت به کتاب بی علاقه کند. (2)

کودکان با شنیدن هر چه بیشتر قصه ها علاقه مندی شان به مطالعه بیشتر می شود؛ به نحوی که حتی تمایل دارند قصه هایی را که شنیده اند خود نیز بخوانند. (3) به این ترتیب، با وجود آنکه فلسفه قصه گویی برای کودک تا حدودی با فلسفه مطالعه قصه توسط خود او هم پوشی دارد، در یک بررسی عمیق تر می توان دریافت که قصه گویی برای کودکان دارای ویژگی ها و آثاری است که قرابت هر چه بیشتر آن با فلسفه مذکور را توجیه می کند؛ از این رو پیوند قصه گویی با فطرت بشری، امکان کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود در پرتو قصه گویی و تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم آن در درجه اول به عنوان فلسفه «قصه گویی» شناخته می شود. در کشور ما به رغم وجود گنجینه های علم و معرفت و

ص: 161

1- . تولایی، 1385

2- . رحماندوست، 1377

3- . غنی، 1378

داستان های و افسانه های زیبا و آموزنده، اولیا و مریمان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می دهند و دانش آموزان نیز در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری های غیر فعال کرده و از سختی، خشکی دروس، اضطراب امتحان و نمره رنج می برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مریمان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان های خلاق، مبتکر و کارآمد است، باز می مانند.

قصه در قرآن

اشاره

قرآن که معجزه پیامبر اسلام و آخرین و در عین حال کامل ترین کتاب آسمانی است، سرشار از داستان های و تمثیل هایی است که از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و به زبان قصه برای مسلمانان نقل شده و شاید یکی از دلایل گرایش اعراب به اسلام نیز نقل همین داستان های به صورت پندآموز بوده است. (1)

قصه در قرآن عبارت است از روایت و نقل وقایع و حوادث واقعی و تاریخی که از روی علم و با هدف و پیامی مشخص پیگیری می شود. قرآن هنری ترین کتاب است؛ تمام واژگانش سنجیده و حساب شده در کنار هم نهاده شده اند، تصویر در اوج است، نثر آهنگ ویژه خودش را دارد و قصه های قرآن نیز با شیوه ای تازه ارائه شده اند. مهم ترین نکته ای که هرگز نباید از نظر دور داشت، این است که قرآن، کتاب قصه نیست، قصه ابزاری جهت عینی کردن مفاهیم قرآنی است و کتاب آسمانی ما در عصری که ادبیات داستانی شفاهی بود، به این مهم پرداخت و در بهترین شکل و شیوه آن را ارائه داد.

قرآن، عناصری را در قصه به کار گرفته است که بشر در قرن حاضر با پیشرفت علوم و به ویژه داستان نویسی نوین به آنها دست یافته است و حتی

ص: 162

مسلمانان از آنها غفلت کردند و می‌کنند و هنوز داستان را ره آورد غرب می‌دانند و بعضی آن را سبک می‌شمارند، آنچه مسلم است، این است که قصه قرآنی شکل و محتوای زیبا و برازنده دارد. قرآن، از قصه به عنوان بهترین وسیله آموزشی استفاده کرده و به آن برتری بخشیده است.

شخصیت های داستان های قرآن، انسان هستند و موضوعات آنها نیز به زندگی انسان مرتبط است. قصه ها و تمثیل های دل نشین قرآن با مضمون های اخلاقی، انسانی و تاریخی، همگان را به عبرت گیری و یادگیری مسائل دعوت می‌کند. (1)

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: قرآن را یاد بگیرید که زیباترین گفتارهاست و در آن غور کنید که بهار دل هاست و از نورش شفا بگیرید که شفای قلب هاست و خوب بخوانید که پرفایده ترین قصه هاست. (2)

و قرآن قصه را ابزاری در خدمت اهداف خود می‌داند، قصه ظرف، پیمانه و شکل است و مهم تر از آن، محتوا و معنا و اندیشه است.

اهمیت قصه در قرآن

قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه های آشکار این امر به شمار می‌آید؛ چنان که پروردگار عالمیان قصه ها را برای جامعه انسانی نوعی عطیه الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت های پیشین نقش بسته است، به انسان آگاهی می‌بخشد، نشان از رستگاری بشر و دلایل روشن انبیاء در برابر جبهه باطل می‌دهد، آدمی را به اندیشه و تفکر فرامی‌خواند تا با تعمق در سرنوشت گذشتگان و پیشینیان با خردورزی عبرت

ص: 163

1- . سلطانی، 1385

2- . نهج البلاغه، خطبه 108

گیرد و آموزه های خود را در ترسیم راه صحیح زندگی به کار بندد. سرانجام نیز خداوند تأکید می ورزد که قصه ها راست و درست هستند و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قویدل و در راه خود راسخ و سخت می سازد؛ از این رو قصه ها در قرآن از مقام رفیعی برخوردارند. در حقیقت پروردگار بر این زبان، بیان و قالب مؤثر انتقال مقصود صحه گذارده و آن را برای طرح معارف زلال و حکمت های رسای آفرینش انتخاب نموده است؛ چنان که تاریخ بشر نیز نشان داده قصه در عرصه تمدن بشری نقش ویژه ای داشته است. داستان ها همواره زبان گویای آدمی در انتقال تجارب تمدن ها و امت ها، تبیین آرمان ها و اندیشه ها و طرح مفاهیم بلند ذهن کاوشگر و پویشگر انسانی بوده اند؛ بنابراین بدیهی است از این نقش و تأثیر در متن وحی بهره گرفته شود و در راستای اهداف والای آگاهی، هدایت و تربیت فرد و جامعه انسانی موردنظر قرار گیرد. (1)

ویژگی های قصه در قرآن

اشاره

قصه در قرآن با قصه به مفهوم عام آن در عرصه ادبیات و فرهنگ بشر متفاوت است؛ زیرا قرآن از فرهنگ ویژه ای سرچشمه می گیرد. جان مایه این فرهنگ، طرح معارف الهی و حقایق جهان آفرینش است. این ویژگی قرآن سبب شده که هرچه در آن یافت شود با فرهنگ و روح کلی حاکم بر این کتاب آسمانی سنجیده شود؛ از این رو اهل نظر و مفسرین قرآنی آگاهانه تأکید می ورزند که واژگان، اصطلاحات و موضوعات طرح شده در بطن وحی را بایست منطبق با فرهنگ قرآنی تفسیر و تأویل نمود. قصه نیز از این امر مستثنا نیست و شناخت و تبیین آن را باید در چهارچوب روح حاکم بر قرآن پیگیری نمود. بدیهی است در

ص: 164

این صورت بر دقت برداشت و تطبیق با حقیقت امر و اراده الهی افزوده خواهد شد.

با تکیه بر این نظر کاوش در وحی الهی به خوبی دریافت می شود که قصه از منظر قرآنی دارای ویژگی ها و معیارهای زیر است:

1. تکیه بر نقل سرگذشت ها، حوادث و رویدادهای گذشته؛

2. حق، واقع و صادق بودن محتوا؛

3. پیام روشن و تکیه بر اهداف محوری عبرت و برانگیختن تفکر؛

4. دربرداشتن عناصر قصه و قابلیت اطلاق بر مفهوم و معنای قصه.

همچنین قصه های قرآنی فاقد جنبه های زیر است؛

1. دربرنگرفتن افسانه ها و اساطیر؛

2. فقدان تخیل؛

3. غیرواقعی بودن.

ویژگی های فوق نشان می دهد که مفهوم و ماهیت قصه های قرآنی با قصه های رایج در ادبیات و فرهنگ بشری تفاوت های چشمگیری دارد. قصه در ادبیات انسانی دامنه گسترده ای دارد و شمول آن جنبه های گوناگونی چون خاطره، سرگذشت، شرح حال، مثل و تمثیل، اساطیر و افسانه ها، حکایت و انواع داستان های کوتاه و بلند را دربر می گیرد.

به این ترتیب ماهیت قصه قرآنی با قصه های متداول در ادبیات گذشته و حال متفاوت است و دامنه آن بخش هایی را دربر می گیرد. حال آنکه گستره قصه و داستان رایج در ادبیات محدود به رئالیسم در مفهوم قرآنی نیست، از عنصر تخیل بهره می برد و تخیل در صحنه پردازی، طرح و توطئه، توصیف، شخصیت، زمان و مکان داستان نقشی اساسی دارد؛ هرچند منشأ آن می تواند «واقع» باشد و از نوعی «رئالیسم» و «واقع گرایی» سرچشمه می گیرد.

ص: 165

این تفاوت در جنبه های شمول و دامنه مفهوم قصه و ماهیت آن وجود دارد. بر این اساس هرگونه تفسیر و تحلیل قصص قرآن بایست مبتنی بر این تفاوت باشد و در قالب فرهنگ و روح کلی قرآنی شکل گیرد.

نکته دیگری که ضرورت دارد به آن توجه شود این است که قرآن بیشتر در مقام «قصه گویی» است و نه «قصه نویسی». از آنجاکه قصه گویی با قصه نویسی تفاوت دارد، بایست در قضاوت نسبت به قصص از زاویه دید قصه گویی نگریست. مؤید این امر نظر مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی در باب «وجوه و نظائر» الفاظ قرآن است که الفاظی همچون «فاقصص» در «فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ» (1) را به معنی «افقراء» یعنی «بخوان» و «برگو» آورده اند و یا «یَقْصُونَ» در «يَقْصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي» (2) را به معنی «یقرؤون» یعنی «می خوانند و بازگو می کنند» گرفته اند. این موارد نشانگر قصه گویی در قرآن می باشند که در مقام بررسی روش شناسی قصه در قرآن باید به آن توجه نمود.

شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن

قصه های قرآن از دیدگاه ادبی «واقع گرا» یا «رنال» به شمار می آیند؛ زیرا خصیصه اصلی این قصص آن است که «حق» بوده اند و «واقع» شده اند.

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ؛ ما خبرشان را به راستی حکایت می کنیم...» (3)

«إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ؛ همانا این داستانی است راست و درست.» (4)

حقیقی بودن و واقعیت داشتن ویژگی آشکار قصه در قرآن است. مفهوم حقیقت و واقعیت در قصه قرآنی قرابت نزدیکی با مفهوم حقیقت و واقعیت در

ص: 166

1- . اعراف، 176.

2- . سوره اعراف، 35.

3- . سوره کهف، 62.

4- . سوره آل عمران، 62.

فلسفه اسلامی دارند. از دیدگاه فلسفه اسلامی «حقیقت» مفهومی است که در خارج مصداق واقعی دارد و «واقعیت» همان نفس الامر و واقع است. از این دیدگاه واقعیات دو گونه می باشند، واقعیات موقتی و واقعیات ثابت و دائمی. از این رو حقایق نیز دو گونه اند:

1. حقایقی که مربوط به علوم اعتباری و اعتباریات هستند. به طور نمونه می توان به قوانین اجتماعی اشاره کرد که مصداق عینی و خارجی ندارند و تابع اعتبار قانون گزاران و غیره است. این گونه قوانین برای مدتی محدود یک حقیقت اجتماعی شناخته می شوند و با تغییر شرایط، آن حقیقت هم از بین می رود؛ زیرا بر پایه واقعیاتی موقتی بنا شده اند. این حقایق احتمالی، نسبی و موقتی بوده و به نظر برخی از لحاظ فلسفی حقیقت به شمار نمی آیند.

2. حقایقی که مربوط به واقعیات ثابت و یقینی هستند. چنین حقایقی اختصاص به زمان معینی ندارد؛ زیرا در اینجا اگرچه حقایق مربوط به واقعیات متغیر باشند، ولی مطابقت حقیقت با واقعیت خود که مربوط به یک لحظه از زمان است، ابدی بوده و اختصاص به زمان خاصی ندارد، مثل اینکه بگوییم «پیامبر سال عام الفیل متولد شده است». با اینکه این حقیقت مربوط به سال عام الفیل و یک قطعه از زمان است، اما همیشه و به طور دائم صادق است و با واقع خود مطابقت دارد، یعنی در همه زمان ها صادق است که تولد پیامبر در سال عام الفیل بوده است.

این مفهوم از «حقیقت» و «واقعیت» بر حقایق و واقعیات قرآنی صادق است. بر مبنای این نگرش حقایقی چون ارسال پیامبران و انبیاء، وجود اقوام مختلفی چون عاد، ثمود و... و وقوع حوادث و رویدادهایی چون خلقت انسان، طوفان نوح، آتش و ابراهیم، یونس و ماهی، موسی و فرعون، تولد شگفت انگیز مسیح، ماجراهای قوم صالح و عذاب های واقع شده بر اقوام عصیانگر در دوره های پیشین

واقعیت داشته اند و قصص قرآن از این حقایق سخن می گویند. در دل قصه های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است. به نظر ما چون این حقایق بر پایه واقعیات قطعی و یقینی هستند، همواره صادق هستند و تابع برداشت یا تخیل و ذهنیت ناقل یا نویسنده نخواهد بود که در این صورت ماهیت قصه های قرآنی مخدوش می شود؛ بنابراین: رئالیسم در قصه های قرآن به معنای نقل و روایت واقعیات قطعی و یقینی و ترسیم برشی از یک مقطع زندگی انسان در بستر تاریخ و زمانی که اتفاق افتاده، است.

پس منظور از «واقع گرایی» و «رئالیسم» قرآنی، رئالیسم مصطلح در ادبیات داستانی نیست و این دو با یکدیگر تفاوت گوهری دارند. رئالیسم ادبی مکتبی است که در آن داستان نویس برای آفرینش قصه از شخصیت ها، فضاها، توصیف ها، گفت وگوها، حوادث، گره افکنی ها و سایر عناصر داستانی به شکلی استفاده می کند که بر اساس برداشت خارجی و به اتکای نمونه ای بیرونی و واقعی باشد؛ به عبارت دیگر داستان و قصه در تخیل او زاده می شوند، اما داستان یا اجزاء آن در خارج و جهان عینی یا زندگی واقعی نمونه دارد. در این سبک نویسنده از خارج عکس برداری نمی کند، بلکه داستان تابع شخصیت فکری و ذهنی نویسنده است و «خارج» و «واقع» نقشی قطعی در سیر و منطق داستان ندارند. ذهن نویسنده قصه پرداز طبق «خارج» و «زمینه های عینی و واقعی» صحنه ها و سایر عناصر داستانی را ترسیم نموده و به تصویر می کشد.

اما رئالیسم قرآنی بر پایه واقعیت های خارجی استوار است.

قرآن از واقع گزارش می نماید و داستان های قرآنی گزارش صدق و راست وقایع و رویدادهایی هستند که در زمان و روزگاری عیناً «واقع» شده اند. (1)

ص: 168

داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان

بعد از چاپ و انتشار چند تالیف در مباحث تربیت دینی فرزندان و والدین و دیدن و جستجوی منابع مختلف، داستان های نغز و پر ملات در این موضوع تصمیم بر آن گرفته شد تا قدمی کوچک در عرصه تربیت دینی به عموم جامعه، خاصه پدران و مادران برداشته باشیم.

نمونه داستان های پندآموز

حکایت آن درخت

در میان بنی اسرائیل عابدی بود. وی را گفتند: «فلان جا درختی است و قومی آن را می پرستند» عابد خشمگین شد، برخاست و تبر بر دوش نهاد تا آن درخت را برکند... ابلیس به صورت پیری ظاهر الصلاح، بر مسیر او مجسم شد، و گفت: «ای عابد، برگرد و به عبادت خود مشغول باش!» عابد گفت: «نه، بریدن درخت اولویت دارد» مشاجره بالا گرفت و درگیر شدند.

عابد بر ابلیس غالب آمد و وی را بر زمین کوفت و بر سینه اش نشست... ابلیس در این میان گفت: «دست بدار تا سخنی بگویم، تو که پیامبر نیستی و خدا بر این کار تو را مامور ننموده است، به خانه برگرد، تا هر روز دو دینار زیر بالش تو نهم؛ با یکی معاش کن و دیگری را انفاق نما و این بهتر و صوابتر از کندن آن درخت است»؛ عابد با خود گفت: «راست می گوید، یکی از آن به صدقه دهم و آن دیگر هم به معاش صرف کنم» و برگشت.

بامداد دیگر روز، دو دینار دید و بر گرفت. روز دوم دو دینار دید و برگرفت. روز سوم هیچ نبود. خشمگین شد و تبر برگرفت. باز در همان نقطه، ابلیس پیش آمد و گفت: «کجا؟» عابد گفت: «تا آن درخت برکنم»؛ گفت «دروغ است، به خدا هرگز نتوانی کند» در جنگ آمدند. ابلیس عابد را بیفکند چون گنجشکی در دست! عابد گفت: «دست بدار تا برگردم. اما بگو چرا بار اول بر تو

پیروز آمدم و اینک، در چنگ تو حقیر شدم؟»

ابلیس گفت: «آن وقت تو برای خدا خشمگین بودی و خدا مرا مسخر تو کرد، که هرکس کار برای خدا کند، مرا بر او غلبه نباشد؛ ولی این بار برای دنیا و دینار خشمگین شدی، پس مغلوب من گشتی» (1)

نتیجه گیری

قصه و داستان از برجسته ترین و پرجاذبه ترین انواع هنر، برای کودکان محسوب می شود. کودکان در دنیای قصه بازی می کنند، با قصه ها می خوابند، بیدار می شوند و زندگی می کنند. شلوغ ترین بچه ها با آرامش به قصه ها گوش می دهند، از قصه ها می آموزند و عبرت می گیرند و حتی در عالم خواب نیز قصه ها را دنبال می کنند. اگر قصه گو با دنیای بچه ها آشنا باشد و منطق آنها را بپذیرد، می تواند با بهره گیری از فنون قصه گویی، بذری تمام ارزش های بزرگ و کوچک اخلاقی و انسانی را در کودکان بکارد. چقدر خوب بود اگر در خانه و مدرسه برای پرورش نیکوتر، حتی آموزش بهتر درس ها به فن قصه گویی توجه بیشتری می شد و آموزش قصه گویی به مدرّسان و معلمان جزء برنامه های اصلی تربیت معلم قرار می گرفت. داستان و قصه همچنین نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه ها و داستان های خوب، کودک به بسیاری از ارزش های اخلاقی پی می برد. پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش هایی هستند که هسته مرکزی بسیاری از قصه ها و داستان های را تشکیل می دهند.

پرورش حس زیبایی شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیایی که

ص: 170

اطرافش را فرا گرفته، پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک، هدف های اصلی طرح قصه های خوب برای کودکان است. استفاده از این قالب هنری با انتشار کتاب ها و مجلات متنوع، قصه گویی و یا قصه خوانی برنامه ها و فیلم های داستانی تلویزیونی و یا برنامه های رادیویی انجام می پذیرد. قصه و داستان، نظر به نقش برجسته ای که دارد، بخش عمده ای از ادبیات کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده و از مباحث عمده آن به شمار می رود. (1)

انسان به گونه ای خلق شده است که به قصه و داستان علاقه ذاتی دارد؛ از این رو، آخرین کتاب الهی که برای بشریت تا روز قیامت بوده، مملو از قصص گذشتگان است. بزرگان تعلیم و تربیت به تقلید از «رب العالمین» حقایق زندگی را به صورت قصه و داستان به نسل آینده انتقال داده است. کودک به اقتضای نزدیکی به فطرت پاک الهی، از شنیدن قصه لذت می برد و به طور غیر مستقیم، جوهر وجودش شکل می گیرد. از آنجا که قرآن «احسن القصص» است، چنانچه قصه های آن به نحو مقتضی و متناسب با سن کودک بیان شود، موجب علاقه مندی او به قرآن خواهد شد. (2)

قرآن درباره هدف و اهمیت قصه های خود دو تعبیر جالب توجه دارد:

الف) «فاقصص القصص لعلهم یتفکرون؛ قصه ها را برایشان بازگو کن شاید بیندیشند.» (3)

ب) «لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الالباب ما کان حدیثاً یفتری ولكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدای و رحمة لقوم یؤمنون؛ یعنی

ص: 171

1- . دهستانی اردکانی، 1387.

2- . سرشور خراسانی، 1388.

3- . یوره اعراف، 176.

همانا در قصه های ایشان صاحبان خرد را عبرت و پندپذیری است. این سخنی که به دروغ بافته شده باشد، نیست، بلکه تصدیق آن معارفی است که پیش از آن (قرآن) بوده است و تفصیل هر چیز و هدایت و رحمت است برای گروه مؤمنان.»(1)

در قسم سوم داستان های می توان به داستان آدم، سجده ملائک و تمرد شیطان اشاره کرد که برخی از مفسران آن را بیان نمادین حقایق دانسته اند؛ البته روشن است که اینجا سخن از خیال پردازی نیست، بلکه منظور بیان هنرمندانه و سمبلیک معارف و حقایق هستی است.(2)

در نهایت اینکه قصه گویی به عنوان مهم ترین و در دسترس ترین ابزار آموزش غیرمستقیم کودکان محسوب می شود. اگر نوجوانها و جوانهای شایسته و وارسته می خواهیم، باید از همان کودکی برای رشد و تعالی آنها سرمایه گذاری کنیم و هیچ سرمایه ای بهتر و سودمندتر از انتقال مفاهیم صحیح تربیتی از طریق قصه های خوب و آموزنده نخواهد بود.(3)

ص: 172

1- .سوره یوسف، 111.

2- .مدنی بجستانی، 1388.

3- .روزنامه خراسان شمالی، 1389.

1. افروز، غلامعلی و خانبانی؛ مهدی و جمشیدیان، رسول، نقش قصه گویی در پرورش و تقویت فرهنگ ملی - مذهبی؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.
2. بتلهایم، برونو؛ کودکان به قصه نیاز دارند؛ ترجمه کمال بهروزنیا، تهران: افکار، 1384.
3. برزگر، راضیه، نقش قصه های قرآنی در تعلیم و تربیت نسل جدید، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی razieh.barzegar@gmail.com
4. بیدمشکی، مریم؛ نقش قصه و تأثیرات تربیتی آن بر کودکان؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.
5. پشت دار، علی محمد؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ تهران: دانشگاه پیام نور، 1376.
6. پشت دار، علی محمد؛ سنگری، محمدرضا؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ تهران: دانشگاه پیام نور، 1390.
7. پلووسکی، آن؛ دنیای قصه گویی؛ ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران: سروش، 1364.
8. پلویسکی، آنا؛ قصه گویی در خانه و خانواده؛ ترجمه مصطفی رحماندوست، چاپ اول، تهران: مدرسه، 1372.
9. تاج آبادی، رضا؛ رنجبری، صفرعلی؛ سیری در هنر قصه گویی و شیوه های روایت قصه؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1389.

10. جعفری مفرد طاهری، محمد مهدی؛ بررسی تأثیر قصه گویی بر آموزش مهارت های اجتماعی کودکان شش ساله پسر شهر کاشان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1387.
11. چمبرز، دیوئی؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ ترجمه ثریا قزل ایاغ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1380.
12. حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ چاپ هشتم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، 1384.
13. حسینی، سید ابوالقاسم، مهدی، محدثی؛ مبانی هنری قصه های قرآن؛ مجله گلستان قرآن، شماره 127، 1381، صص، 30
14. حسینی نژاد، سیدمجتبی، داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان، قم، انتشارات اثر قلم، 1400
15. حنیف، محمد؛ فایده های قصه گویی؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، 1383.
16. دهستانی اردکانی، نرگس؛ بررسی تأثیر آموزش مفاهیم علوم تجربی (سالم و قوی شوید، جانوان، گیاهان) با روش قصه گویی بر میزان یادگیری دانش آموزان دختر پایه اول ابتدایی منطقه 2 شهر تهران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1387.
17. رحمان دوست، مصطفی؛ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ کاردانی تربیت معلم، 1372.
18. رحماندوست، مصطفی؛ قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن؛ تهران: رشد، 1377.
19. روزنامه خراسان شمالی؛ قصه گویی در دسترس ترین ابزار آموزش کودک است؛ شماره 608، ص. 2، 1389.
20. رهبر، امیر؛ بررسی تأثیر برنامه درسی تلفیقی و غیر تلفیقی بر یادگیری

- دانش آموزان پایه سوم ابتدایی در درس علوم تجربی با روش قصه گویی تلفنی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1389.
21. زاپیس، جک؛ هنر قصه گویی خلاق؛ ترجمه مینو پرنیانی، تهران: رشد، 1380.
22. سرشور خراسانی، غلام عباس؛ کودک و داستان های؛ رشد آموزش پیش دبستانی، دوره اول، شماره 1، 1388.
23. سلطانی، مریم؛ اثربخشی روش قصه گویی به صورت گروهی در افزایش عزت نفس دانش آموزان دختر پایه دوم ابتدایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1385.
24. شعاری نژاد، علی اکبر؛ ادبیات کودکان؛ تهران: اطلاعات، 1384.
25. شکرانه، اسدالله؛ آدم های بی ساعت؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.
26. صباغیان، حمید؛ تأثیر قصه گویی بر میزان پرخاشگری کودکان دختر و پسر اول و دوم ابتدایی شهرستان مهریز؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1386.
27. صدر زاده، ماندانا؛ نقش قصه های تمثیلی در تعلیم و تربیت، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی؛ دوره اول، شماره اول، 1389.
28. غنی، رضا؛ اصول و قواعد قصه گویی؛ (جزوه)، اصفهان: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1387.
29. مدنی بجزستانی، محمود؛ قصه در قرآن؛ قابل دسترس در سایت تبیان به آدرس: <http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=102729> تاریخ دستیابی: 29/09/1390

30. مقاله علت پرداختن به قصه گویی در قرآن (1389) قابل دسترس در سایت شهر مجازی قرآن کریم به آدرس:

: <http://quranct.ir/index.aspx?siteid=41&pageid=6354>, تاریخ دستیابی: 29/09/1390

31. ملبویی، محمد تقی؛ روان شناسی قصه در قرآن؛ کتاب ماه مهر، شماره 12، صص. 24 - 29، 1378.

32. میر صادقی، جمال؛ واژه نامه هنر داستان نویسی؛ تهران: کتاب مهناز، 1377.

33. میر شفیعی، عالمه؛ نقش قصه ها در تبادل تجربیات بشری و انتقال فرهنگ ها؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.

34. ناظمی، یحیی؛ ادبیات کودکان؛ چاپ اول، تهران: چاپار، 1385.

35. ندافی قلعه شیر، احمد؛ بررسی تأثیر قصه گویی برخی مفاهیم شهروندی کودکان شش ساله پسر شهر مشهد؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1388.

36. یوسفی یوله، معصومه؛ دلاور، علی و یوسفی یوله؛ مجید؛ تأثیر قصه درمانی بر کاهش نشانه های اختلال های اضطراب دانش آموزان مضطرب پایه چهارم، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی؛ سال هشتم، شماره سوم، صص 281-294، 1387.

37. Al-Jafar. Ali and Buzzelli. Cary. A. (2004). The Art Of storytelling for Cross Cultural understanding. .
International Journal of Early Childhood, Volume 36, Number 1, Pages 35-48

38. Lndiana. A. (2008). Better Way To Educate Through storytelling. Available in: www.storyteller.net

اشاره

سید مجتبی حسینی نژاد(1)

خیرگو شهری در شهرستان لامرد استان فارس است.

جمعیت

جمعیت این شهر بر اساس آخرین آمار سرشماری سال 95 برابر 1,821 تن (523 خانوار) بوده است.

موقعیت

این شهر در فاصله 350 کیلومتری شهر شیراز، 33 کیلومتری شهرستان لامرد و 26/5 کیلومتری شهر علامرودشت قرار دارد.

وجه تسمیه

نام این شهر برگرفته از درختچه استبرق است که در زبان محلی به خرگ مشهور می باشد. در سال های اخیر به خیرگو تغییر نام داده شده است.

این شهر در 5315 طول جغرافیایی و 2730 عرض جغرافیایی واقع است و در 397 کیلومتری شیراز قرار دارد.(2)

ص: 177

1- . استاد و محقق حوزه علمیه، سطح 3 حوزه علمیه valayat@gmail.com

2- . ویکی پدیا؛ <https://fa.wikipedia.org>

راستی که گرامی ترین شما نزد خدا، با تقوا ترین شماست، همانا خداوند دانا و آگاه است»

اگر نیم نگاهی به مناطق مختلف کشور عزیزمان ببینیم و به صورت اجمالی در آن نظر بیفکنیم، در خواهیم یافت که همانطوری که خالق بی همتا، انسان ها را به یک شکل نیافریده، فرهنگ ها، عقاید و آداب و رسوم و... محل های مختلف، نیز با هم متفاوت است. زیبایی در آن است که، تصور نماییم همه فرهنگ ها ریشه در یک محفل دارند ولی گلبرگ ها و رنگ های متفاوت را نمایان می کنند و در یک جمله بگوییم، زیبایی هر چیزی به متنوع بودن آن است. پس بهتر آن است که، ریشه را، تا ابد محفوظ نگه داریم و در شکوفایی گلبرگ های آن بکوشیم.

آشنایی هر چند مختصر، از یک سرزمین و شناخت آداب و رسوم، آثار و عقاید و... آن محل و معرفی آن به نسل جوان، یکی از راه های حفظ و نگهداری آن و شناخت نقاط مثبت و بعضاً منفی و در حد لزوم، جهت صحیح دادن به آن است و راهی است برای، مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان.

از آنجایی که شهر خیرگو، به عنوان یکی از شهرهای نسبتاً محروم و تا حدی ناشناخته باقی مانده است، بر آنیم که با بررسی ویژگی های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی این شهر، گامی هر چند کوچک، در جهت حفظ، احیاء، اشاعه این میراث فرهنگی اصیل و معرفی آن به نسل جوان و توجه دادن برنامه ریزان اقتصادی، که برای رسیدن به عدالت اجتماعی، شهرهای محروم را در حلقه اول، وجهه همت خویش قرار دهند. چون شهرهای ما می توانند نقش سازندگی را، به صورت بهتری هویدا کنند.

الف - شناسایی محیط جغرافیایی

1- موقعیت جغرافیایی: شهر خیرگو از بخش خیرگو شهرستان لامرد از جنوبی ترین نقطه استان فارس، می باشد. این روستا در 5315 طول جغرافیایی و 2730 عرض جغرافیایی واقع است و در 397 کیلومتری شیراز قرار دارد.

2- حدود و وسعت: روستای خیرگو با مساحتی در حدود 3000 کیلومتر مربع، در شمال شهرستان لامرد، قرار دارد و از شمال به بخش خنج لارستان، از جنوب به وراوی از توابع لامرد، از شرق به چاه ورز از بخش مرکزی لامرد و از غرب به مرکز بخش، شهر علامرودشت محدود می شود. شهر خیرگو از بخش خیرگو و از شهرستان لامرد 33 کیلومتر، فاصله دارد و فاصله آن تا دریا، حدود 30 کیلومتر است.

«بر اساس تقسیمات کشوری سال 1399 دهستان خیرگو به عنوان بخش خیرگو، شناخته شده است و این بخش 24 روستا را شامل می شود که عبارتند از: اندر، کمالی، روگیر تاج امیری، حاج محمد تقی، روگیر قلعه حاجی، روگیر حسنی، گرازی، شاه بهرام (شاوران)، نورالدینی، تمرویه، برکه ملا، شرف آباد، علی محسنی، مرادا، قلعه محمدعلیا، چاه رمضان، خیرگو، قلعه سهراب، چهارطاق، کتک، مهرآباد است و دو دهستان کمالی به عنوان مرکز دهستان و خیرگو با محور مرکزیت چهارطاق (مرکز دهستان چهارطاق) تعیین می شود.

همچنین مزارع و مکان و امام زاده هایی همچون امامزاده شاه سیف اله، امامزاده شاه خراسان، قلعه محمد طاهری در تقسیمات در جلسه مورخ 1370.3.29 با توجه به اختیار تقویضی هیأت وزیران (موضوع تصویب نامه شماره 93808 ت 907 مورخ 1368.10.24)، بنا به پیشنهاد شماره 17549.1.4.42

مورخ 1369.12.20 وزارت کشور و به استناد ماده (13) قانون "تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری" مصوب 1362 تصویب نمودند.

3- ناهمواری ها: رشته کوههای زاگرس که از جنوب سیمینه رود آغاز می شود و تا نزدیکی تنگه هرمز ادامه می یابد، با جهت شمال غربی به جنوب شرقی، این منطقه را نیز در بر می گیرد.

«رشته کوه علامرودشت به صورت رشته ای موازی، به طول 124 کیلومتر و به عرض 4 تا 8 کیلومتر از روستای سلوان در غرب لامرد آغاز شده و به سوی جنوب شرقی تا روستای پاقلات (اشکنان) ادامه می یابد. ارتفاع آن در بلند ترین نقطه 1430 متر است. این رشته کوه، لامرد را به دو بخش جدا، تقسیم می کند. به این ترتیب، وضعیت طبیعی این آبادی، به صورت جلگه ای و کوهستانی می باشد.»

4- اقلیم آب و هوا: «از نظر اقلیمی، بر اساس اقلیم نمای کوپن، در گروه اقلیمی خشک قرار می گیرد. به علت کاهش ارتفاع و عرض جغرافیایی و نحوه توجیه کوهها، میزان بارندگی، کم است و جزء مناطق کم بارش، می باشد. در زمستان هوا معتدل، و در تابستان ها، هوا بسیار گرم است. اما معدل حداکثر دما، 2/42 درجه سانتی گراد در تیر ماه و معدل حداقل دما، 7/5 درجه سانتیگراد در دی ماه بوده است. میزان متوسط بارندگی نیز، در حدود 100-200 میلی لیتر، در سال می باشد.»

در فصول مختلف سال، بادهایی می وزد که اهالی، نام هایی به زبان محلی، بر آن گزارده اند که به شرح آنها می پردازیم.

1- باد گدُم: این باد از طرف شمال، در اواخر بهار و بیشتر در فصل تابستان می وزد و در آن فصل، باعث طوفانی شدن هوا (أَحْلُوکُ) و باران تابستانی

(حَمِينَه) می شود.

2- باد کُوش: این باد از طرف شرق و بیشتر در فصل زمستان و پاییز می وزد و نشانه بارندگی است.

3- باد شَمال: این باد از طرف غرب، در فصل زمستان و تابستان می وزد و در فصل زمستان نشانه پایان بارندگی است.

4- باد قِبَله: این باد از طرف جنوب، در فصل زمستان و تابستان می وزد و در فصل زمستان نشانه پایان بارندگی است.

5- جنس خاک: خاک این منطقه با توجه به آب و هوای آن، وضعیتی مخصوص به خود دارد. بدین صورت که خصوصاً در تابستان که دمای هوا، افزایش پیدا می کند این افزایش، به نسبت بر روی خاک نیز تأثیر دارد. خاکی که مقداری نمک در آن است. نمی تواند چندان استفاده ای داشته باشد. اما به هر صورت، نمی تواند از کشاورزی مردم در این منطقه، جلوگیری کند. نوع خاک به صورتی است که آبهای باران که در سالیان سال، در سفره های زیر زمینی تشکیل شده شور هستند اما شوری آنها زیاد نمی باشد.

6- منابع آب: آب در این منطقه به دو دسته، آب مشروب و آب غیر مشروب تقسیم می شود.

1. آب مشروب: این آب، از طریق آب انبارها تهیه می شود. بدین صورت که در فصل زمستان آبهای باران در محلی جمع شده (آب انبار) و مورد استفاده در فصول بعدی نیز می باشد.

افرادی در این روستا، آب را از آب انبارها به وسیله ماشین پمپ هایی، خارج کرده و با دریافت مبلغی (معمولاً 2000 تومان) به فروش می رسانند. البته این آبها، از آب انبارهای مناطق دورتر و پاکیزه تر، تهیه می شود. بعضی از افراد

این روستا، به ناچار از آب انبارهای نزدیک محل سکونت خود، استفاده می کنند. لازم به ذکر است که از طرف بهداشت هر از دو یا سه ماه، آب ها کلر زنی شده و مورد بررسی قرار می گیرد با این وجود چون این آب انبارها سر باز هستند، بسیاری از مواد زائد را در خود، جای می دهند.

2- آب غیر مشروب: برای مصارف ظرفشویی، حمام و... هر خانوار در حیاط منزل خود چاهی به عمق 20-12 متر حفر کرده و آب، به وسیله دینام به محل هایی که در سر در خانه ها، برای این کار ساخته شده یا به منبع آهنی که در دیگر نقاط ساختمان وجود دارد منتقل و سپس به لوله های آب منتقل شده و مورد استفاده قرار می گیرد. ناگفته نماند که این آب ها شور می باشد.

چشمه ای به نام گذاب (او کزو)، در جنوب شهر خیرگو می باشد که آب آن نیز، شور می باشد. در فصل زمستان، پرآب و در فصل تابستان، آب کمی دارد.

7- پوشش گیاهی: با توجه به نوع آب و هوای این منطقه، پوشش گیاهی بیشتر به صورت درختان گز، نخل گنار و استپ است. با این وجود، در کوه های اطراف این منطقه، گیاهان دارویی مانند آویشن، بابونه و همچین اسفند نیز مشاهده می شود.

8- حیوانات (اهلی و وحشی): در این منطقه نیز، مانند دیگر مناطق کشورمان حیواناتی مشاهده می شود که آنها را تقسیم بندی نموده و در زیر به آنها اشاره می کنیم:

1- حشرات: زنبور عسل، پشه، مگس، عنکبوت، مورچه و... ..

2- خزندگان: قورباغه، موش، مارمولک، مار، عقرب، هزارپا، رتیل.

3- پستانداران: گاو، گوسفند، اسب، شتر، الاغ، بز.

4- پرندگان: لک لک، کبوتر، گنجشک، تیهو، کبک، کلاغ، پرستو، هوبره،

مرغ، خروس.

5- جانوران: گربه، سگ، توره، روباه، گرگ، کفتار، گراز.

لازم به توضیح است که اهالی این شهر، در خانه های خود، تعدادی گوسفند، بز، مرغ، خروس، گاو نگهداری می کنند و برای این امر، قسمتی از خانه را به این مورد، اختصاص داده اند. این حیوانات نیاز اهالی را به مواد لبنی، گوشتی و... تأمین می کنند.

با این حال، از تعداد حیوانات اهلی روز به روز کاسته می شود و دلیل آن ماشینی شدن زندگی و رفاه نسبی نسل جوان است که این شهر را هم در بر گرفته است.

ب- تاریخچه شهر

1- گذشته شهر بر اساس اسناد و مدارک

«در فارسنامه ناصری آمده است که خَرگو 5 فرسخ میانه شمال و مغرب بیرم است»

«آن طوری که از شواهد بر می آید، تراکم (درخت خَرگ) در این منطقه، که اصطلاحی است ترکی، باعث نامیدن آن به خرگو، شده است. بعدها به دلیل آنکه خرگو، کلمه مناسبی نبوده است به خیر گوئی و سپس به خیرگو تغییر نام داده است.»

2- گذشته ده بر اساس گفته های مردم

گفته های مردم، حاکی از این است که در زمان های پیشین، فردی به نام محمد طاهر، بزرگ روستا بوده که آوازه آن تا چند روستای مجاور، هم پیچیده بوده است و همین شهرت، باعث نامیدن این روستا به نام محمد طاهری شده است. بعد از مدتی، افرادی از یکی از روستاهای نزدیک بندر کنگان (بوشهر) به این روستا می آیند و چون نام روستای آنها خرگو بوده است، پس از فوت محمد

ص: 184

طاهر، نام روستای خود را به این روستا، می‌نهند و بعد از گذشت زمانی، به دلایل مختلف که یکی از آنها نامناسب بودن این کلمه بوده، به خرگو و سپس خیرگو تغییر می‌کند.

از گفته‌های دیگر مردم روستا این است که چون در زمان‌های قدیم، در ارتباطات و مبادلات خود خَر استفاده می‌کردند، مخصوصاً در این منطقه، اصطلاح خرگور را برای آن انتخاب کرده‌اند و سپس خیرگو نامیده شده است. با توجه به موارد گفته شده، به طور یقین، نمی‌توان گفت که کدامیک از دلایل، صحیح‌تر و منطقی‌تر است. اما آن طوری که بخشداری علامرودشت اعلام نموده است، همان اصطلاح تراکم درخت خَرگُ به عنوان پیشینه تاریخی این سرزمین، در نظر گرفته شده است. با این وجود، هنوز مردم این منطقه، در محاوره‌های خود، لفظ خَرگور را به کار می‌برند.

3- اماکن و بناهای تاریخی

بناها، مقبره‌ها، خانه‌ها، زیارتگاه‌ها، و نقاط دیدنی از گذشته‌های دور به ما رسیده، که بنا به دلایلی از قدمت، سابقه و بیوگرافی آن، اطلاعاتی در دست نیست.

در غرب خیرگو، مقبره‌ای که به پیر فقیر معروف شده است، از قدمتی بیش از یک قرن برخوردار است. ولی کمتر کسی از وجود آن مطلع می‌باشد. اطلاعات راجع به آن، از قول گذشتگان نقل می‌شود، مستند به دلایل مذهبی، تاریخی نیست و در این رابطه اتفاق نظری وجود ندارد.

زیارتگاه پیر فقیر

از دیگر اماکن تاریخی زیارتگاه شاهزاده ابراهیم و شاهزاده عبدالله می‌باشد که از آنها تذکره‌ای به جای نمانده است و هم‌اکنون به عنوان دو قبرستان، به نام‌های بزرگوار ایشان، مبدل شده است. گفتنی است که عده‌ای از بزرگان

روستا آن ها را از نوادگان امام جعفر صادق (علیه السلام) و یا امام رضا (علیه السلام) می دانند که به صحت آن ها نمی توان اعتراف کرد.

سیمای شهر

1- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده

از لحاظ جغرافیایی، روستاها عموماً به دو صورت دیده می شوند: روستای متمرکز و پراکنده. روستای متمرکز، آن دسته از روستاها هستند که خانه های روستایی، به دور هسته اولیه روستا، که غالباً میدان، قنات، چشمه، چاه، مسجد، مدرسه و یک کلیسا می باشد ساخته شده اند. این روستاها ممکن است کوچک یا بزرگ باشند. زمین های کشاورزی، در اطراف این گونه روستاها قرار دارند و در برخی از موارد زمین ها، تا چند کیلومتر با خانه های روستایی، فاصله دارند. روستای پراکنده به روستایی گفته می شود که خانه های روستایی در بین زمین های کشاورزی، ساخته شده است، خانه ها با یکدیگر فاصله دارند و در فواصل آنها، زمین های کشاورزی، مرزبندی شده است.

با این توضیحات باید گفت که شهر و روستای خیرگو، از نوع متمرکز می باشد و خصوصیات آن که در بالا اشاره شد را داراست.

ناگفته نماند که در این شهر و روستا، مسکن با فاصله کمی از یکدیگر، قرار گرفته اند و حالت به هم چسبیده را ندارند. به برکت انقلاب اکثر کوچه های این شهر، آسفالت شده است.

تمام کوچه های این شهر، از نعمت روشنایی برق، برخوردار است. مراکز مسکونی هر... ..ار، محدوده نسبتاً وسیعی را اشغال نموده است و مساحت اغلب خانه ها در حدود 500 تا 700 متر مربع می باشد.

با توجه به این که در این منطقه، زمین های کشاورزی بسیار محدود می باشد، این مزارع هم در نزدیکی مسکن، می باشد. اماکن عمومی شهر مانند

مدرسه، مسجد، مخابرات و... در نزدیکی اماکن احداث شده اند و چندان فاصله ای از یکدیگر ندارند.

در این جا باید گفت که برای ایجاد محیط سالم تر و بهتری در این منطقه شهری، لازم است تدابیری اندیشه شود، از لحاظ آسفالت نمودن کوچه های باقیمانده، جمع آوری حیوانات مانند گاو... از بیابان ها و بهداشتی تر نگه داشتن این محیط زندگی.

2- محله های شهر و مشخصات آن ها

اشاره

این شهر از محله های مختلفی تشکیل شده است که عامل تقسیم آن، طایفه ها می باشد. که به 3 طایفه تقسیم می شوند.

1- طایفه سیدها: این طایفه، در حدود 150 سال قبل، از بحرین به کنگان و از آنجا به لامرد، سپس به خیرگو سفر کرده اند و در این جا ساکن شده اند، که جد بزرگ آنها سید عبدالحسین حسینی نژاد می باشند و فامیل های حسینی و حسینی نژاد را، شامل می شود.

قوم سادات

سادات خیرگو به طوایف و شاخه های متعددی تقسیم می شوند و در اینجا به صورت مختصر ذکری از آنها میکنیم.

1) سادت حسینی نژاد: که به دو شاخه تقسیم می شوند سادات حسینی نژاد و رضوی مشهور می باشند اکثریت میباشند و این قوم حدود 120 الی 130 سال پیش به خیرگو آمده اند این سادات شریف شامل خانواده های حسینی نژاد و رضوی می باشند

این سادات که از نسل عارف مجاهد عالم مرحوم سید عبدالحسین (عاشقو) میباشند.

ایشان از نسل سیدعلی بحرینی از بحرین به کنگان و از کنگان به خوزی و به ترمان و سپس به قلعه ملا- همان تراکمه قدیم رفتند و از آنجا سیدعبدالحسین عاشق و برادرانش به بیرم و از آنجا به شرف آباد و بعد به خیرگو آمدند آنچه در مورد پایان زندگانی مرحوم سیدعبدالحسین جد بزرگ سادات آمده چنین است: ایشان خلیلی پیش دختر یا خواهرش می رود و همانجا در خلیلی فوت می کند و هم اکنون محل قبرش در مسجد خلیلی است که آثاری باقی نمانده است.

2- طایفه عینوها: این طایفه، بنا به اطلاعات به دست آمده در حدود سیصد سال پیش، از شهرستان دشتی (استان بوشهر) به خیرگو آمده اند. این ها چهار برادر بودند که دوتای آنها، در همان جا باقی مانده و 2 برادر دیگر با هم اختلاف پیدا کرده و در این محل سکنی گزیدند. به دلیل آن که، نام پدر آنها عین اله (عینو) بوده است، این طایفه را عینوها خوانده اند. این طایفه، خود به دسته های باقری ها، هاشمی ها، محمدحسینی ها، حسین ملک ها، حسن محمدعلی ها، زار عباس ها، تقسیم می شود و فامیل های علی پور و هاشمی و... را شامل می شود.

3- طایفه قنبرها: این طایفه، نیز حدود 250 سال پیش، از استان هرمزگان، راهی این دیار شده اند. جد بزرگ آنها قنبر نام دارد و این طایفه به دسته های باقری ها، علی ها، جفاکش ها، رفیعی ها تقسیم شده و فامیل های بهادری، زالمن، خشت زر، رنجبر و... را در بر می گیرد.

باید گفت که افرادی که در این محله ها زندگی می کنند را با توجه به جد بزرگ آنها، می شناسند. یک نکته نباید فراموش شود و آن اینکه، تمام طایفه هایی که در بالا به آنها اشاره شده در واقع در یک محدوده جغرافیایی زندگی می کنند، اما مردم این روستا، آنها را با توجه به آباء و اجدادشان، به دسته های گوناگون تقسیم نموده و پس از آن نیز، به زیر مجموعه های دیگری تقسیم می نمایند.

3- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر

به طور کلی راه این آبادی، از نوع کوهستانی می باشد. می توان گفت که این شهر، به طور مستقیم دارای یک جاده آسفالتی می باشد، که تمام روستاهای مجاور نیز، در مسیر آن قرار گرفته اند و این جاده راه را، برای ارتباط با روستاها و شهرهای اطراف، هموار می سازد. می توان گفت، این شهر در مسیر رفت و آمد اتوبوس ها... است که جزء نقاط مثبت آن، به شمار می رود.

ارتباط با شهر و روستاهای اطراف، به سهولت انجام می گیرد: دو تاکسی تلفنی به طور روزانه و دو اتوبوس به صورت یک روز در میان، حمل و نقل مسافران را به ترتیب در داخل شهر و... و شهر شیراز انجام می دهند.

با این وجود این شهر، فقط دارای یک خیابان است که آن هم در مسیر رفت و آمد، وسایل نقلیه می باشد. در بعضی از نواحی جاده ارتباطی (بین علامرودشت و خنج) گردنه های صعب العبوری مشاهده می شود.

4- مسکن و تسهیلات زندگی

اشاره

در این منطقه، مسکن، مساحت زیادی را به خود اختصاص داده است. به طوری که هر خانه به طور متوسط 500 تا 700 متر مربع، مساحت دارد. طرز ساختن خانه ها، بدین صورت است که حیاط در وسط قرار گرفته و اتاق ها، به صورت دایره ای در کنار هم، ساخته شده اند. هر اتاقی به طور معمول، دو تا چهار پنجره دارد که در قسمت پایین آنها، نصب شده، دوتای آن در داخل خانه و دوتای آن به طرف کوچه باز می شود. دلیل این امر، خنک نگه داشتن اتاق ها می باشد.

دورنمایی از مسکن قدیمی

هر خانه ای به طور متوسط، دارای هفت اتاق است که شامل پذیرایی، آشپزخانه و... می باشد و محلی هم برای نگه داری مرغ، گاو، گوسفند و... در نظر

گرفته شده است که آذوقه آنها در جایی به نام انبار، گذاشته می شود. تنور، یکی دیگر از نقاط مشخص خانه ها می باشد که برای پخت نان می باشد. چاهی نیز برای استفاده از آب مصرفی، حفر شده که قبلاً توضیح داده شد.

مصالح ساختمانی به کار گرفته شده، شامل چوب، سنگ، خشت و گل می باشد که با توجه به موقعیت آب و هوایی، آن از قدیم الایام، مورد استفاده قرار گرفته است.

خصوصیات گفته شده، مربوط به خانه های قدیمی بوده و هنوز از بین نرفته و شکل خاص... در این شهر به وضوح، نشان می دهد. در عین حال، خانه هایی به سبک جدید هم، ساخته شده که معمولاً در ساختن خانه، سعی می کنند از نوع جدید بهره بگیرند.

برق، تلفن و... از امکاناتی است که برای این روستا، فراهم شده و به برکت انقلاب مردم این دیار، از آب لوله کشی و گازکشی بهره مند شده اند منتهی معضل شوری آب همچنان باقی است و مردم این شهر و روستاهای بخش آب شیرین را با قیمت های گزاف می خردند. هرچند که در سالهای اخیر، قول مساعدت برای انجام آب شرب، به مردم داده شده است. باشد که اجرا شود و مردم این شهر و روستاهای اطراف، هم از آب شیرین، گوارا و بهداشتی بهره مند شوند.

جمعیت شناسی

تعریف جمعیت شناسی

اشاره

واژه دموگرافی (جمعیت شناسی) که از ریشه ی دموس (مردم) و گرافوس (نوشتار یا... ..) ترکیب شده، برای نخستین بار، به سال 1855 در کتاب آشیل گیارد فرانسوی، تحت عنوان..... آمار انسانی یا جمعیت شناسی تطبیقی، به کار رفته و از آن پس، مصطلح شده است.

ص: 190

برای جمعیت‌شناسی، تعاریف چندی در آثار جمعیت‌شناختی، آمده است که در جمع‌بندی می‌توان به تعریف زیر رسید:

«جمعیت‌شناسی عبارت است از: مطالعه علمی و توصیف و تحلیل آماری ساخت و حرکات... های انسانی، بررسی سیاست‌های جمعیتی و روابط متقابلی که میان پدیده‌های جمعیتی و... اقتصادی-اجتماعی و زیستی وجود دارد. مطالعات جمعیتی، می‌تواند در یک زمان مشخص یا در طول دوره معینی از زمان، انجام شود.»⁽¹⁾

الف- ساخت جمعیت

1- تعداد جمعیت: جمعیت از سال 1370 تا 1379 در حال تغییر و تحول بوده است. با توجه به آمار به دست آمده، مشاهده می‌شود که جمعیت به طور نسبی در حال کاهش بوده است.

(از سال 1370-79) جمعیت خیرگو (سال 1379)، در حدود 1136 نفر بوده است. برای مقایسه تعداد جمعیت در سال‌های مختلف و اطلاعات بیشتر در این زمینه، به جدول تعداد جمعیت، مراجعه شود.

عکس

□

ص: 191

1- . نعمت الله، مبانی جمعیت‌شناسی، 1374، ص 25.

فوق، نشان دهنده سیر نزولی جمعیت از سال 1371 تا 1379 می باشد. این امر نتیجه تأثیر برنامه تنظیم خانواده است که به خوبی اجرا شده است. کمترین میزان تعداد جمعیت در سال 1376، 1378 می باشد. این در حالی است که بیشترین میزان تعداد جمعیت، سال 1371 می باشد. در ضمن تعداد جمعیت در سال 1377 و 1379 نسبت به سال یا سال های قبل از آن تا حدی، افزایش پیدا کرده است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1371)

عکس

□

ص: 192

1- . آمار ذکر شده جداول این فصل، از خانه ی بهداشت خیرگو اقتباس گردیده است.

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی جمعیت را در سال 1371 به تفکیک نشان می دهد. به طور کلی، تعداد جنس زن نسبت به جنس مرد بیشتر است. گروه سنی 5 تا 9 سال بیشترین تعداد جمعیت را نشان می دهد که 108 مرد و 132 زن را شامل می شود. گروه سنی 55 تا 59 کمترین تعداد جمعیت را، که 7 مرد و 9 زن را شامل می شود.

عکس

□

ص: 193

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی جمعیت را، در سال 1372 به تفکیک نشان می دهد. در این جدول نیز، تعداد کل زنان نسبت به کل مردان بیشتر است. گروه سنی 5 تا 9 سال، بیشترین تعداد جمعیت را، که شامل 94 مرد و 131 زن می شود را داراست. گروه سنی 50 تا 54 کمترین تعداد جمعیت، که 8 مرد و 5 زن را شامل می شود.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1373)

عکس

□

ص: 194

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1373 به تفکیک نشان می دهد. در این سال نیز تعداد جمعیت زنان از مردان بیشتر است. بیشترین میزان جمعیت در گروه های سنی 5 تا 9 سال قرار دارد که 88 مرد و 119 زن را شامل می شود. کمترین میزان جمعیت مربوط به گروه های سنی 60 تا 64 می باشد که شامل 5 مرد و 6 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1374)

عکس

□

ص: 195

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1374 به تفکیک نشان می دهد. تعداد جمعیت زنان نسبت به مردان بیشتر می باشد. گروه سنی 5 تا 9 سال بیشترین تعداد جمعیت که شامل 89 مرد و 102 زن است. گروه سنی 50 تا 54 سال نیز کمترین تعداد جمعیت، که 9 مرد و 5 زن را شامل است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1375)

عکس

□

ص: 196

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1375 به تفکیک نشان می دهد. این در حالی است که تعداد کل جمعیت زنان نسبت به تعداد کل جمعیت مردان بیشتر است. گروه سنی کمتر از یکسال کمترین میزان جمعیت، که 7 مرد و 5 زن را شامل می شود. بیشترین تعداد جمعیت در گروه سنی 10 تا 14 سال قرار می گیرد که شامل 85 مرد و 103 زن می باشد.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1376)

عکس

□

ص: 197

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1376 به تفکیک نشان می دهد. در اینجا تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان بیشتر است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 60 تا 64 سال می باشد که شامل 7 مرد و 8 زن است و بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد که شامل 95 مرد و 113 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1377)

عکس

□

ص: 198

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1377 به تفکیک نشان می دهد. تعداد جمعیت زنان نسبت به جمعیت مردان بیشتر می باشد. این در حالی است که بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال است که 88 مرد و 125 زن را شامل می شود. کمترین میزان جمعیت مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که 8 مرد و 6 زن را شامل می شود.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1378)

عکس

□

ص: 199

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1378 به تفکیک نشان می دهد. در اینجا، نیز تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان بیشتر است. بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد، که شامل 83 مرد و 116 زن است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که شامل 10 مرد و 4 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1379)

عکس

□

ص: 200

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1379 به تفکیک نشان می دهد. تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان نیز بیشتر است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که شامل 8 مرد و 3 زن را شامل می شود. بیشترین میزان جمعیت نیز مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد، که شامل 93 مرد و 101 زن را شامل می شود.

جدول تعداد خانوار (79-1370)

عکس

جدول فوق، تعداد خانوارها را از سال 1370 تا 1379 نشان می دهد. تعداد خانوارها به نسبه، وضعیت یکسانی نداشته و در حال تغییر بوده است. به طوری که، کمترین تعداد خانوار در سال 1370 می باشد و بیشترین تعداد خانواده ها، در سال 1379.

علت تغییر خانوارها، بیشتر به مهاجرت خانوارها بر می گردد. سالهایی که مهاجرت بیشتر بوده است تعداد خانوارها کمتر نشان داده شده است و به طور کلی تعداد خانوارها افزایش یافته است.

ص: 201

1. جدول فوق، بُعد خانوارها(1)

را از سال 1370 تا 1379 نشان می دهد. به طور کلی میزان خانوارها از 8/6 در سال 71 به 5/5 در سال 1379 رسیده است. که روندی کاهشی را نشان می دهد، یعنی میزان موالید کم شده است.

2. جمعیت فعال و غیر فعال: «جمعیت فعال، بنا به تعریف کنفرانس بین المللی آمار کارشناسان، مرکب از افرادی است متشکل از زنان و مردان که نیروی آماده ای را، برای تولید کالاها و خدمات تشکیل می دهند. بنا به تعریف، جمعیت فعال افرادی را در بر می گیرد که از لحاظ اقتصادی، دارای فعالیت سودمند هستند و به تولید ثروت و خدمات اقتصادی می پردازند.»(2)

«از آنجا که در مطالعات جمعیتی، تشخیص و بررسی جمعیت فعال بالفعل، دشوار است از این رو، در تعریف آن، با اندک اغماضی گفته می شود افرادی از

ص: 202

1- . اندازه گیری بُعد خانوار از شاخص میانگین یا متوسط حجم خانوار استفاده شده است.

2- . تقوی، نعمت الله، مبانی جمعیت شناسی. 1374، ص 68.

جمعیت یک کشور که در سن قانونی کار، یعنی میان 15 و 64 سال قرار دارند، جمعیت فعال یا جمعیت بالقوه فعال نامیده می شود.»⁽¹⁾

با توجه به توضیحات گفته شده، جمعیت فعال این روستا، 659 نفر می باشد که 310 نفر مرد و 349 نفر زن را شامل می شود و جمعیت غیر فعال 477 نفر که 232 مرد و 245 زن را در بر می گیرد و لازم به ذکر است که آمار داده شده مربوط به سال 1379 می باشد.

ب- حرکت جمعیت

1. ازدواج: ازدواج یکی دیگر از مسائل به جمعیت شناسی است که، مسائل مربوط به آن در روستای خیرگو، مورد بررسی قرار می گیرد. از قدیم الایام، مراسم ناف بری و مشخص ساختن زوج مناسب، برای ازدواج در آینده دور، وجود داشته است. اما امروزه از میزان آن کاسته شده است.

«پیشرسی ازدواج»⁽²⁾

از جمله مسائلی بوده که این جامعه روستایی، با آن مواجه بوده است و دختران و پسران نوجوان، در سن غیر قانونی ازدواج، درس و تحصیل را رها کرده و تشکیل خانواده می داده اند.

در این شهر «سرعت»⁽³⁾ و عمومیت ازدواج⁽⁴⁾

نیز رواج داشته و تعداد افراد مجرد، محدود بوده است. البته از موارد گفته شده تا حدودی کاسته شده اما هنوز رواج دارد.

آن طور که از شواهد بر می آید هر سال به طور متوسط 5-7 نفر تشکیل

ص: 203

1- . همان منبع، ص 69.

2- . پیشرسی ازدواج: ازدواج زن و مرد را پیش از سن معین که به وسیله قانون و یا شرع یا عرف برای زناشویی تعیین گردیده است.

3- . سرعت ازدواج: سرعت روند همسرگزینی برای زن و مرد در جوامع مختلف اندازه گیری می کند.

4- عمومیت ازدواج: درجه شیوع و رواج ازدواج را در جامعه نشان می دهد.

خانواده می دهند. تعدد زوجات نیز مشاهده می شود (دوهمسری) و این بیشتر زمانی اتفاق می افتد، که فردی از لحاظ اقتصادی در وضعیت مرفه‌ی قرار دارد. تعداد افرادی که دارای دو همسر هستند، حدود 5 نفر می باشد. لازم به ذکر است که بیشتر ازدواج‌ها از نوع درون همسری Endogamy می باشد اما ازدواج برون همسری Exogamy نیز رواج دارد.

ناگفته نماند که قدرت انتخاب همسر، در دست پدر و مادر می باشد و دختر در این مورد قدرت تصمیم‌گیری نداشته و تابع والدینش می باشد.

2. طلاق: این شهر نیز، از مسئله طلاق، مبرا نیست و روز به روز به تعداد آن اضافه می شود. بیشتر طلاق‌ها، در فاصله عقد تا عروسی اتفاق می افتد که علت آن بیشتر ازدواج اجباری، ازدواج پیش‌رس، نداشتن شناخت درست و کافی طرفین و... می باشد.

«طبق آمار موجود، سال 76 یک، سال 77 شش، سال 78 سه و سالهای قبل از آن 2-1 مورد طلاق مشاهده شده است»

3- مهاجرت: مهاجرت، در سالهای اخیر به صورت مسئله ای حاد، خود را نشان می دهد به طوری که می توان گفت این روستا در زمره، روستاهای مهاجر فرست، به شمار می آید.

«تعداد خانوارهایی که از سال 70 تا 78 مهاجرت نموده اند 35 خانوار می باشد» که به سوی شهرهایی که از لحاظ آب و هوایی، شغلی، تحصیلی و.. وضعیت مناسبی دارند بوده است. (شیراز، قیر و کارزین)

افراد، علت مهاجرت خود را فقدان آب و هوای مناسب و آب آشامیدنی سالم، عدم وجود امکانات تحصیلی و شغلی می دانند.

جدول فوق، میزان زاد و ولد را از سال 70 تا 79، نشان می دهد. آن طوری که استنباط می شود. بیشترین میزان مولید مربوط به سال 1370 می باشد که در حدود 48 نفر است که 24 زن و 24 مرد را شامل می شود. کمترین میزان مولید، مربوط به سال 79 می باشد که تا کنون در حدود 1 زن می باشد. به طور کلی میزان مولید، از سال 70 تا 74 روندی کاهشی و در سال 75 روندی افزایشی و بعد از آن، کاهش یافته است و آن، نتیجه خوب برنامه های تنظیم خانواده، بوده است.

جدول فوق، میزان مرگ و میر را از سال 70 تا 79 نشان می دهد. بیشترین میزان مرگ و میر، مربوط به سال 1370 بوده که در حدود 12 نفر می باشد که 5 زن و 8 مرد را شامل می شود. کمترین میزان مرگ و میر نیز در سال 1371 و 1375 بوده که در حدود 1 مرد در این دو سال می باشد. به طور کلی روندی کاهشی، در میزان مرگ و میر، از سال 70 تا 79 مشاهده می شود. هر چند که میزان آن ها در هر سال متفاوت می باشد. علت چنین وضعیتی، پیشرفتهای بهداشتی، پزشکی، تزریق، سرم ها و واکسن ها و... می باشد.

این جامعه شهری نیز به مانند دیگر جوامع، دارای ترکیب مختلفی می باشد. زنان، مردان، کودکان، نوجوانان و جوانان افراد تشکیل دهنده این جامعه می باشد. با توجه به آمار موجود تعداد جمعیت زنان، بیشتر از جمعیت مردان است. نوجوانان و جوانان، در صد بیشتری از جمعیت را، تشکیل می دهد که بسان کل کشور، در حدود 50 تا 60 درصد جمعیت را، شامل می شود. کودکان در صد کمتری از جمعیت را، تشکیل می دهند و با توجه به برنامه های تنظیم خانواده، از رشد جمعیت در این گروه سنی، کاسته شده است و این در حالی است که جمعیت مسن روستا، به طور متوسط در حدود 20 درصد می باشد.

با توجه به موارد گفته شده، مطالعات جمعیتی نشان می دهد که تعداد زن و مرد در سنین مختلف برابر نیست.

1- توزیع شغلی

با توجه به اینکه اکثر مردم این منطقه، در آمد خود را از طریق کار و فعالیت، در کشورهای حوزه خلیج فارس، به دست می آورند و شغل های آنها در رابطه با فعالیتهای در کشورهای خارجی مشخص می شود، شغل به معنای واقعی آن، در این سامان وجود ندارد.

«طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1375، تعداد جمعیت شاغل در این روستا 100 نفر بوده که این هم شامل مردان بوده و جمعیت شاغل زنان، صفر گزارش شده است»⁽¹⁾

«همانطور که مشخص است میزان سواد، یکی از عواملی است که می تواند در شغل ها، نقش سازنده و تعیین کننده داشته باشد که طبق سرشماری سال

ص: 207

1- . سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شناسنامه آبادی های کشور (شهرستان لامرد) 1375، ص6

بیشتر جمعیت باسواد، هم تحصیلات ابتدایی و مقدماتی دارند و درصد ناچیزی دارای مدرک دیپلم و بالاتر می باشند.

با این وجود، شغل های موجود، عبارتند از: کشاورزی، دامداری، آهنگری، معماری، مغازه داری، صافکاری، جوشکاری، دبیری (مردان) به صورت محدود (حتی یک زن دبیر، هم وجود ندارد) و... همین شغل های انگشت شماری هم، که وجود دارد به طور متناسب بین افراد، توزیع نشده است و فاصله طبقاتی نیز به چشم می خورد. افرادی بیکار وجود دارند که نمی توانند درآمد خود را تأمین نمایند و به دلیل نبود امکانات و زمینه شغلی در وضعیت اقتصادی اسف باری به سر می برند. در مقابل، افرادی دارای میلیاردها تومان پول بوده و از اتومبیل های آخرین سیستم برخوردار و مرفه می باشند. به عنوان مثال: یک گروهی به نام کُرش ها، که از روستاهای اطراف به این روستا آمده اند، در وضعیت اقتصادی نامناسبی، به سر می برند.

با فقدان امکانات و زمینه ایجاد شغل و... افراد وقتی به سن فعالیت و کار می رسند، چاره ای جز رها کردن تحصیلات و رفتن به کشورهای خارجی برای به دست آوردن درآمد ندارند. دختران نیز، به دلیل غفلت نمودن و بی اهمیت تلقی کردن درس خواندن، توسط والدین و... درس را تا تحصیلات راهنمایی ادامه داده و سپس ترک تحصیل می نمایند. نتیجه ای که به بار می آورد این است که نیروی مورد نیاز روستا تأمین نمی شود و تمام نیروهای مورد نیاز باید از شهرستان تأمین شود. به طوری که حتی یک دبیر بومی زن، نداشته باشند. اما با تلاش های صورت گرفته و افتتاح دبیرستان برای دختران و پسران انتظار می رود که این مشکل برطرف شود.

ص: 208

پیش از آنکه در مورد رابطه میان قشرهای مختلف این جامعه شهری، مطلبی گفته شود که این امری واضح می باشد که تمامی افراد روستا همدیگر را می شناسند و بعضاً با هم روابط خویشاوندی، قوم و قبیله ای دارند. با این وجود، می توان، روابط بین قشرهای مختلف را حدس زد.

این مطلب را نباید فراموش کرد که هر گروه سنی ایجاب می کند که با گروه سنی و شغلی خود ارتباط بیشتری داشته باشد. اما در کنار آن رابطه ای نیز بین گروه های مختلف حکمفرما می باشد.

کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان برای یکدیگر اهمیت و احترام خاصی قائلند و به یکدیگر احترام می گزارند. در مواقع مختلف و در صورت نیاز به یاری هم می شتابند. روابط بین قشرها، در حدی است افراد، همدیگر را به نام هایی که صمیمیت آن ها را نشان می دهد، صدا می زنند.

گذشته از روابط عمومی، که بین قشرهای مختلف شهر وجود دارد روابطی خصوصی در بین قشرهای مختلف وجود دارد. مردان در اوقات فراغت خود، در زمینه های گوناگون شغلی، سیاسی و ورزشی و... به بحث و گفتگو می پردازند. زنان و دختران در خانه همسایگان خود، جمع شده و در مورد امور مختلف به صحبت می نشینند. کودکان و نوجوانان هم در کوچه ها و منازل به توپ بازی و بازی های محلی مشغول می شوند. جوانان هم با دیگر، هم سن و سال های خود در امور مختلف جوانی و مسائل روزمره، در کنار خیابان روستا و در خانه همدیگر به بحث و تبادل نظر می پردازند.

آنچه در این جا گفتش ضروری به نظر می رسد، این است که تعصب بیش از حد بعضی از خانواده ها، در مورد رفت و آمد فرزندانشان (اردوهای مدرسه، خانه دوستان و...) به خصوص دختران نوجوان و جوان، روابط درونی بین این

قشر را محدود نموده است.

لازم به ذکر است که در تمام روابط اجتماعی، تمام قشرها رعایت اصول شرعی و اسلامی را نموده و بسیار به آن پای بند می باشند.

3- روابط سالخوردهگان و جوانان

سالخوردهگان در این منطقه، از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند. جوانان، برای سالخوردهگان احترام و اهمیت فوق العاده ای قائلند. به طوری که بیشتر جوانان، سنگ صبور خود را سالخوردهگان می دانند و در امور مهم زندگی، بدون اجازه آنها تا حد امکان کاری انجام نمی دهند.

در این منطقه که بیشتر مردان، برای کسب درآمد در خارج به سر می برند. سالخوردهگان (پدر بزرگ و مادر بزرگ) در فقدان آنها، ایفای نقش می نمایند تا جای که تصمیم گیری در امور مهم به عهده ی آنها، می باشد. برای برپایی مراسم های مختلف زندگی، جوانان با سالخوردهگان مشورت می نمایند. سالخوردهگان نیز، متقابلاً به جوانان احترام می گذارند و سعی می کنند تا آنجا که بتوانند، کوله باری از تجربیات چندین ساله خود را، به آنها، انتقال دهند. جوانان نیز، قسمتی از وقت خود را به دیدار از سالخوردهگان و نشستن پای صحبت آنها، سپری می کنند.

در یک کلام می توان گفت که، همان که، پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها در کنار فرزندان خود زندگی می کنند، نهایت عاطفه و صمیمیت را در بین جوانان و آنها می رساند.

4- روابط با روستاهای اطراف

روستاهایی که در این محدوده جغرافیایی قرار دارند (بخش خیرگو) از لحاظ مسافت، نسبتاً به هم، نزدیک می باشند. به طوری که پس از پیمودن مسافتی کوتاه، این روستاها به ترتیب دیده می شود. اهالی این روستا، افراد روستاهای مجاور را، تا اندازه ای می شناسند.

ص: 210

درست است که روستاهای مختلف، هر کدام، روستای خود را برتر از روستای دیگری می دانند اما این باعث تفرقه بین آنها نشده است. همچنین افراد این روستا با روستاهای مجاور در مورد انتخاب نماینده مجلس، ریاست جمهوری و... اختلاف نظر دارند که امری طبیعی به نظر می رسد، اما از داشتن روابط مطلوب جلوگیری نکرده است.

پیوند زناشویی، شرکت در مراسم عروسی، مرگ و سوگواری، استفاده از آب انبارهای یکدیگر، استفاده از تأسیسات و خدمات شهر (خیرگو) نمونه هایی از روابط این روستا، با روستاهای اطراف را نشان می دهد.

آداب و رسوم و اعتقادات

اشاره

باورها و عقاید هر دیاری، گوشه ای از واقعیت های نهفته آن را نشان می دهد. در این قسمت پاره ای از باورهای مردم شهر خیرگو را بیان می داریم.

الف - اعتقادات

1- اعتقادات خرافی

اعتقاد، به موجودات فوق طبیعی به جز خداوند که به صورت دیو، پری و غول متجلی می شود. افراد مسن و سالخورده، راجع به غول، افسانه های زیادی، نقل می کنند. معمولاً بیشتر این داستان ها، برای ترساندن بچه هاست، ولی ریشه در اعتقادات خرافی دارد. آنها غول را هیولایی بسیار قوی و بزرگ جثه می دانند و موقعی که بچه ای اذیت می کند، فرد می گوید: فلانی بگو غول بیاید این بچه را ببرد. بچه نیز از ترس ساکت می شد. اکنون در اینجا به یکی از افسانه های مربوط به جن و پری می پردازیم:

در زمان های قدیم، مردی برای شکار به کوه رفت و یک کیسه آهن نیز با خود برد «آنها معتقد بودند که جن و پری در کوه زندگی می کنند و اگر هنگام

ص: 211

رفتن به کوه، یک کیسه ای از آهن با خود حمل کنند جن و پری به آنها، نزدیک نمی شود». مرد در راه رفتن به کوه، متوجه یک عروسی شد.

سپس به آن عروسی رفته و فهمید که عروسی جن و پری است. بنابراین با کیسه آهن، شروع به رقصیدن کرد. جن و پری به او گفتند که کیسه آهن را بیانداز. ولی مرد حاضر به این کار نشد و جن و پری هم که از آهن وحشت داشتند، عروسی خود را رها کرده و کوه پراکنده شدند، تا آسیبی به آنها نرسد.

در این زمان، مرد به نزد عروسی که پری بود، رفت و از او خواست که به همراهش به ده برود. ولی عروس در جوابش گفت: من به شرطی با تو می آیم که در هنگام نشستن در خانه، در پنجره بنشینم و تو در زندگی، هیچ وقت به من نگویی، پری خَر. مرد این شرط را قبول کرده و پری همراه مرد، به روستا می رود و با هم زندگی می کنند. بعد از چند سال، صاحب دو فرزند می شوند تا اینکه در یکی از روزها بین آنها، دعوایی روی می دهد و مرد روستایی برخلاف شرطی که با پری بسته بود، به پری می گوید: پری خَر. در این لحظه، پری از حرف مرد ناراحت شده و تصمیم به ترک او و بازگشتن به کوه را می گیرد. یکی از بچه ها را با خود برداشته و دیگری را برای مرد می گذارد. با توجه به این داستان مردم قدیمی، معتقدند که اگر بخواهیم از اذیت جن و پری در امان بمانیم در هنگام رفتن به زیر درخت، باید «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوییم.

از دیگر اعتقادات خرافی این است که وقتی بچه ای کمتر از دو سال داشته باشد و از چیزی یا کسی ترسیده باشد، تابه ای را گرم کرده و در آن تکه ای زاغ می گذارند. در دو طرف تابه دو شخص می ایستند و بچه را دست به دست می کنند. «بعضی قدیمی ها معتقدند که کودک را پیش یک خانواده ای که از یک مادر و دختر باشند می برند و این دو شخص در اطراف تابه کودک را دست به دست می کنند.» در حین دست به دست کردن کودک، جملاتی گفته می شود:

مانند این که یک شخص می گوید حتماً سگی او را اذیت کرده، شخص دیگری می گوید: حتماً از زن یا مردی ترسیده است و... همین طور آن دو نفر با هم بحث می کنند تا به یک نتیجه برسند و در این زمان تصویر کسی که بچه از او ترسیده، در زاغ آب شده، پدیدار می گردد.

دیگر این که وقتی کسی در خواب، کابوس می بیند و گریه می کند و در عین حال از خواب پریده و می ترسد، پیراهن او را پیش یکی از زن های سیده، که در این کار مهارت دارد می برند و وی پیراهن را فوت کرده و دعا می خواند و می گوید نظر کسی در آن است و با خواندن دعا نظر آن شخص از بین می رود. یا این که پیش دعا نویس رفته و چند دعا گرفته و یکی از آنها را در داخل گلاب انداخته و صورت شخص مورد نظر را، با آن شسته و دیگری را در پارچه ای سبز گذاشته و در جایی از پیراهن می دوزند یا اینکه به بازویشان می بندند. یک دعای دیگر هم، که به منظور از بین رفتن نظر بد، می باشد در نزدیکی های غروب، در اسفند، دود می کنند و در جاده می ریزند تا شخص کم کم سلامتی خود را به دست آورد.

2- اعتقادات پراکنده

1- عطسه کردن نشانه و علامت صبر کردن و مکث کردن است.

2- هنگامی که بچه در گهواره نباشد گهواره او را تکان نمی دهند، زیرا بر این باورند که دل بچه درد می آید.

3- غروب هنگام و همچنین صبحگاهان، هیچ گونه پولی را از خانه به در نمی کنند زیرا بر این باورند که رزق و روزی از خانه دور می شود.

4- اگر کسی هنگام راه رفتن، پایش به سنگ بخورد، گویند که جمعی غیبت او را می کنند. اگر پای راستش به سنگ بخورد، خوبی او، و اگر پای چپش باشد، بدی او را می گویند.

ص: 213

- 5- با دیدن پشه خسته، گویند مهمانی در راه است.
- 6- اگر پشت چشم کسی به اصطلاح بزند، روی آن کاه می گذارند (و می گویند اگر خوشک است بزَن، اگر کتک است، زن)
- 7- وقتی گاوی دو قلو بزاید باید یکی از آنها را سر برید زیرا در غیراین صورت باعث ضرر و زیان می شود.
- 8- اگر کفش یا دمپایی به پشت بیفتد دعوا می شود. اگر یک لنگه آن گم شود آن شخص صاحب کفش می میرد، اگر کفش ها، روی یکدیگر قرار بگیرند به معنای رفتن به مسافرت می باشد.
- 9- در این مواقع، مهمان به خانه شخص می آید: خوابیدن مرغ روی یکی از دو بالش، خوابیدن مرغ در آفتاب، جارو کردن دختر بچه، در اول مغرب، جهیدن خمیر.
- 10- اگر ستاره ای در آسمان سوخت به معنی مردن یک فرد است.
- 11- اگر پروانه، دور یک فرد، بگردد خبر خوشی برایش آورده است.
- 12- وقتی مهمان در جایی، زیاد می نشیند می گویند نمک بریزید در کفش او، تا زود برود.
- 13- اگر هنگامی که به مسافرت می رویم، هنگام خارج شدن از خانه، به زنی بر خورد کنیم باید یک تکه از لباسش را به ما بدهد اگر نداد، در راه سفر، برای ما حوادث ناگواری پیش خواهد آمد.
- 14- اگر زنی بچه کوچکش مرده باشد، اول مغرب نباید آب بخورد زیرا معتقد است که آبه به بچه کوچکش نمی رسد.
- 15- وقتی کسی سرش درد می کند چه زن و چه مرد آب صورت یکی از دوقلو ها را به صورت خود بزند، سرش خوب می شود.
- 16- اگر می خواهند، بچه ای که تازه متولد شده چشم نخورد آب دهانش

(فرد چشم زنده) به صورت بچه می کشند.

17- هر کس سرش درد می کند، می رود پشت در خانه مردی که دوزن دارد و دو سنگ به هم می زند تا صدایش به مرد برسد، سرش خوب می شود.

18- اگر مرغی در اول غروب قد قد کند، برای اهل خانه خبر ناگوار دارد.

19- اگر موطاق شود، فرد دارای دو بخت می شود.

20- اگر مو طاق شود بوسش می کنند و به روی موهای دیگر انداخته و می گویند خبر خوشی آورده است.

3- اعتقادات پزشکی

1- گوش درد: هنگامی که فردی گوش درد دارد، برای درمان آن، چند قطره شیر را در داخل گوش می ریزند یا دود سیگار را به گوش وارد می کنند یا اینکه پیازی را خیلی گرم کرده در سوراخ گوش قرار می دهند.

2- چشم درد: کودکی که چشمش درد می کند، ابتدا با آب کله پاچه چشمش را شستشو می دهند اگر بهتر نشد جوهر قرمز یا سرمه در چشم کودک می کنند یا اینکه از داروی گیاهی به نام سرّوتی استفاده می کنند. بدین ترتیب که وقتی جسمی وارد چشم شود چند دانه گیاه را در داخل چشم می اندازند بدین طریق جسم از چشم خارج می شود.

3- سینه درد: برای درمان این بیماری، از آب گرم و نبات استفاده می شود یا از داروهای گیاهی، همچون گشنیز، بارهنگ، گل گاوزبان، چهار تخم، بابونه، خاکشیر استفاده می کنند. شیر برنج نیز برای درمان این بیماری، مورد استفاده قرار می گیرد.

4- سرماخوردگی: برای درمان سرماخوردگی، از جوشانده برگ بید، به صورت بخور استفاده می شود یا اینکه ریشه مَحْكُ را، با شکر در آب جوشانده و مصرف می کنند.

5- اسهال: کسی که اسهال و استفراغ دارد، بوسیله داروی گیاهی آویشن، که جوشانده است درمان می شود.

6- دندان درد: برای درمان این بیماری، مقداری سنگ را در داخل آتش ریخته تا سرخ شود و بعد ظرفی را پر از ماست کرده، سپس چادری را بر سر بیمار انداخته و سنگ ها را در داخل ظرف ماست ریخته تا بخور آن به دندانها بخورد. این طریق درمان را به اصطلاح محلی «دیز ماست» می گویند.

7- دست و پا درد و کمر درد: از بخار شیره گز یا بخار آب گرم، برای درمان این بیماری استفاده می نمایند. همچنین زردچوبه را با روغن حیوانی، مخلوط نموده و بر روی محلی که درد دارد، می گذارند.

8- معده درد و شکم درد: از داروی گیاهی به نام آویشن و مُوزْتَلُ برای درمان این بیماری استفاده می شود.

9- سوختگی: ابتدا جورا در روی آتش گذاشته تا خوب سوخته شود و سپس آن را آرد کرده و بر روی محل سوختگی می گذارند. پس از چند روز محل سوخته شده به حالت عادی بر می گردد.

10- گرفتگی بینی کودک: وقتی که بینی کودک گرفته باشد به صورتی که نتواند به راحتی نفس بکشد، مادر شیر خود را می دوشد و در سوراخ های بینی کودک می ریزد یا این که بخور آب به کودک داده می شود. در این جاست که کودک، به راحتی نفس می کشد.

11- گریه کردن کودک: وقتی که کودک در ماه های اولیه تولد، زیاد گریه می کند اطرافیان می گویند که دلش درد می کند و برای درمان آن از خیارچنبر، مورخوش، گل زرد و مخلوطی از چند داروی گیاهی استفاده می نمایند. در صورتی که گریه کودک خیلی زیاد باشد و به قول معروف چاره ای نداشته باشند، یک جای بدن او را تیغ می زنند تا خون از آن بیرون بیاید وقتی که این

عمل انجام شد، گریه کودک تمام می شود.

12- رفع سرفه: برای درمان این بیماری، از گیاهی به نام بوریز استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی خشک شد آن را خرد کرده تا دانه ها از ساقه جدا شود و الک کرده آن را در آب جوش ریخته و با شکر مخلوط نموده و مصرف می شود. ناگفته نماند که برای تهویه بوی اتاق و جلوگیری از ورود پشه و زنبور از گیاه سبز بوریز، استفاده می شود.

13- سکسکه کردن: هنگامی که بچه ای زیاد سکسکه می کند، به اندازه خیلی کمی مورخوش به او می خوراند.

4- اعتقادات مذهبی

یکی از اعتقادات مذهبی که مردم این خطه دارند این است که در روز تاسوعا و عاشورا یک عروسک چوبی بزرگ، که عَلم نام دارد و مربوط به حضرت عباس می باشد، درست می کنند و هر کس بنا به نیاز و حاجتش یا اینکه حاجتش برآورده شده، در زیر علم می خوابد و در اطرافش نان گذاشته می شود که به «نون پوش» معروف است. «با این عمل از حضرت عباس (علیه السلام) و شهدای کربلا طلب حاجت و شفا می نمایند» نان هایی که در اطراف می باشد را بین مردم تقسیم می کنند و نذر می کنند که سال آینده نیز در صورت برآورده شدن حاجاتشان، این کار را انجام دهند.

از دیگر اعتقادات مذهبی این می باشد که عَلمی را به یاد حضرت عباس (علیه السلام) درست کرده و از شب هفتم محرم به بعد، آن را در حیاط مسجد یا حسینیه گذاشته و افرادی که حاجتمند هستند یا حاجاتشان برآورده شده، آن را به حالت ایستاده نگه می دارند به طوری که، حتی اگر تشنه یا گرسنه شوند، افراد دیگر نیاز آنها را تأمین می کنند و خود اقدام به این کار نمی کنند. البته این مراسم در شب عاشورا، جلوه خاصی را دارد و بیشتر نمایان است.

- 1- نه مال خود، غمش مخور: به معنی اینکه چیزی که مالکیت آن را نداری و مربوط به تو نیست، هر آسیب و ضرری به آن برسد، غم و غصه آن را نخور.
- 2- اسمش از او، جسمش از فلانی: در مواردی به کار می رود که چیزی مربوط به یک نفر دیگر می باشد و به ابتکار و خلاقیت او بوده و با تلاش وی صورت گرفته اما فردی دیگر، با ارائه یک کار کوچک، صاحب نام و شهرت می شود.
- 3- هم شیخ وهم شیطان: در مواردی به کار برده می شود که فردی شخصیت دوگانه ای دارد. در جلو فردی، از او تعریف می نماید و در پشت سر، بدش را می گوید.
- 4- دعای سگ، بارون نمی زند: تا پرودگار اراده نکند، نفرین یک فرد، در حق فرد دیگر مستجاب نمی شود.
- 5- روغن ریخته، نذر شاه چراغ است: چیزی که در نظر یک شخص، بی ارزش است، به دیگران بخشیدن.
- 6- بد خود بشنو، همانجا که بد مردم می گفتند: فردی که بدی دیگران را در نزد تو می گوید، مطمئن باش که همین شخص، بد تو را، در نزد دیگران خواهد گفت.
- 7- شتر دزدی، دولا دولا نمی شود: پنهان نماندن امور مهم زندگی و وقایع آن در نزد افراد جامعه
- 8- از کیسه خلیفه بخشیدن: از مال کسی به دیگران بخشش کردن.
- 9- هیچ کس نمی گوید، دوغ من ترش است: هیچ فردی، عیب و ایراد و بدی های خود را نمی گوید.
- 10- نه آب توی شیر بکن، نه نماز شوگیر بخوان: امور شرعی و واجب

انجام دادن خیلی بهتر از، مستحبات را، به جای آوردن است. به عبارتی دیگر وظیفه و کاری که بر عهده تو است را با نهایت دلسوزی و احساس مسئولیت انجام بده، لزومی ندارد که اموری که چندان فایده ای ندارد را انجام بدهی.

11- گربه دستش به گوشت نمی رسد می گویند بو کرده: فردی توانایی رسیدن به مقام و رتبه ای را ندارد، ولی آن مقام را بیهودی و بی ارزش تلقی می کند.

12- مرغ من، یک پا دارد: فردی که تلاش می نماید حرف خود را به کرسی بنشانند و در این مورد لجاجت می ورزد.

13- ریشی که در جوانی، نروید در پیری هم نمی روید: فردی که در جوانی از عهده انجام کاری بر نمی آید، محال است که بتواند در پیری، آن را انجام دهد به عبارتی دیگر فردی که در جوانی دارای هنر و ابتکار و... نشود در پیری هم غیر ممکن است.

14- پنبه از دو برگیش پیدا است: چیزی که آشکار و هویداست، نیاز به تعبیر و تفسیر ندارد.

15- هر توره ای که از باغ قهر کرد، سالی صد بار نفع صاحبش است: فردی که بنا به مصلحت از امکانات و... دیگران استفاده می کند اگر غرور و تکبرش، به او اجازه استفاده از آنها را ندهد به نفع صاحب امکانات می باشد.

16- سوار اسب مردم شدن، یک ساعت است: استفاده و کمک گرفتن از دیگران همیشگی نمی باشد یا به عبارتی دیگر استفاده از وسایل و امکانات دیگران برای مدت محدودی می باشد.

17- با حرف خوش، می شود کوهی از موهی کشید: با نرمی و آرامش می توان، مسائل و اختلافات بین افراد را، حل نمود. به عبارتی دیگر، بسیاری از مسائل و مشکلات حل نشدنی، با نرمی و آرامش حل شدنی است.

- 18- آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک: یک کار جزئی و مختصر را نباید بین چند نفر تقسیم کرد، چون نظرهای مختلف می تواند مشکل آفرین باشد.
- 19- هم خدا می خواهد هم خرما: دو چیز را، در یک موقعیت زمانی، خواستن.
- 20- خیری که در خانه رواست، بر مسجد حرام است: اموری که می توان برای نزدیکان و خویشان خود، انجام داد صحیح نیست، که به افراد دیگر، ارجاع داده شود.
- 21- اگر بابا بود، همراه قافله بود: اشاره به فردی است که اراده و توانایی به عهده گرفتن مسئولیت و وظیفه ای را ندارد و نحوه عمل او، نشانگر این مورد است.
- 22- درخت بی هنر، گز بلند است: کارایی و بهره وری یک چیز، به ظاهرش نیست، مانند درختی است که محصول نمی دهد و ارتفاعش به اندازه درخت گز که بی محصول می باشد است.
- 23- کاجی، به از هیچی است: در شرایطی که، به یک مورد، نیاز اساسی و مبرم وجود دارد، آن مورد هر چند هم، اشکالاتی داشته باشد، یا بی ارزش بیهوده تلقی شود، اما در آن مقطع زمانی، حل کننده مشکل است.
- 24- کف دست که موندارد، چطور مو در می آورد: فردی که اراده و پشتکار و توانایی انجام کاری، را ندارد محال است که در آن کار، موفقیتی کسب کند.
- 25- اگر گدا یکی بود، جلوش، گاو سر می بریدن: اشاره به نیازهای فراوان یک فرد است، که افراد دیگر، قادر به تأمین همه آن نیازها، نمی باشند. به عبارتی دیگر وجود بسیار افراد نیازمند است، که نمی توان آن طوری که باید، به آنها

یاری رساند. در صورت کم بودن تعدادشان، می توان کمک های قابل توجهی را، به آنان نمود.

26- یک دست، صدا ندارد: انسان نمی تواند، کار بزرگی را، بدون همیاری دیگران، انجام دهد.

27- میش از پای خودش داره، بز هم از پای خودش داره: هر کس مسئولیت کار و عمل خویش می باشد.

28- پشه روز نیست، شب تو غذا می افتد: در زمانی که شرایط، برای انجام کاری مهیاست، فرد حضور ندارد. به عبارتی دیگر زمانی که به کمک یک فرد، نیاز می باشد خود را از نظر ها دور می دارد، وقتی که نیازها بر طرف شد، حاضر می شود.

29- ماما که دوتا شد، سر بچه خراب می شود: اشاره به همان ضرب المثل، آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک.

30- همه شاخه ها، یک باغ است: همه افراد یکی هستند و فرقی هم نمی کنند. به عبارتی دیگر، همه را به صورت یکسان، مورد احترام قرار دادن، می باشد.

31- اسب می گوید: نهلم کن، مورچه هم می گوید: نهلم کن: دو فرد، که شخصیت دوگانه ای دارند از دیگران توقعات و انتظارات یک سان، دارند.

32- تابه به طشتک می گوید: روی تو سیاه: کسی که خود عیب هایی دارد، عیب خود را نادیده گرفته و عیب دیگران را می گوید.

33- دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد: برای پنهان ماندن راز و مطلع نشدن دیگران از آن، باید جانب احتیاط را کرد. بدین معنی که سخن را باید، آهسته گفت تا اگر دیگران، استراق سمع، کردند، راز فاش نشود و مسایلی را در پی نداشته باشد.

34- بُزک نمیر، بهار میاد، خریزه با خیار میاد: به کسی وعده دادن در آینده، که نمی توان پیش بینی صحیح، از آن کرد.

35- هر سالی، که بهاری نیست: یعنی همیشه از یک موقعیت، نتایج و محصول یکسان، به دست نمی آید و همیشه، کارها با موفقیت همراه نیست.

36- این همه خازک دارای یک لگاره است: کثرت و زیادی یک چیز، اهمیت آن را نمی رساند. چه بسا ممکن است، کثرت آن، فقط بیان کننده یک مطلب باشد.

37- شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی هف هف خورد گه دانه دانه: کاری که در بیداری انجام آن ممکن نیست و در عالم خیال و خواب ممکن می باشد.

38- موش همسایه، دمش دراز تر است: وضعیت همسایه را از هر لحاظ بهتر از خود دانستن، ارزش ندادن به چیزهایی که خود فرد دارد و ارزش بخشیدن به چیزهای دیگران.

39- کاه که مال خودت نیست، کاه دون، که مال خودت است: پرهیز از پر خوری و زیاده روی در خوردن مخصوصاً در هنگام میهمانی.

40- مُلا هنی خر نخریده، جر جولش داره: هنوز مقدمات انجام کاری فراهم نشده، سخن از عاقبت آن کار گفتن و برای آینده، تصمیم گرفتن، می باشد.

41- من می گویم: نر است، او می گوید: بدوش که شیر داره: زمانی که دو شخص بر سر یک موضوع، منظور یکدیگر را نمی فهمند و جملات متضاد هم می گویند.

42- رفتیم جای خیار، کُلمو بید: حکایت از نرسیدن به خواسته ها و آرزوهای فرد می باشد یا به دیگر چیزی که فرد خیال می کند به آن رسیده است، اما در واقع به آن دست نیافته است.

خداوند در قرآن کریم در مورد ازدواج می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از آیات خدا این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید، تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد که در این، برای گروهی که اندیشه کنند آیت هاست.»

نکاح، یک امر فطری و سنت اجتماعی است که از دیر باز وجود داشته و همه جوامع و قوانین آن را ترغیب و تشویق کرده اند. بقاء نوع انسان، به نحوی که شایسته او باشد، فقط در پرتو ازدواج و روابط صحیح زن و مرد میسر است. ازدواج در توسعه اقتصادی یک ملت نیز مؤثر است. چه آنکه ازدواج می کنند و خانواده تشکیل می دهند، فعالیت اقتصادی بیشتری از خود نشان می دهند، بیشتر و بهتر کار می کنند، بیشتر پس انداز می کنند و زندگی خود و خانواده شان را به نحو بهتری، اداره می نمایند.

اهالی این شهر نیز، با توجه به موارد گفته شده، ازدواج را امری لازم و مطلوب برای هر فرد، می دانند. بنابراین در این جا به چگونگی برگزاری مراسم هایی که برای انجام این امر مهم صورت می گیرد می پردازیم:

1- خواستگاری: ابتدا خانواده ای که در نظر دارد برای پسرش همسری، اختیار کند دختری را در نظر می گیرد. البته این امر، از طرف خود پسر هم، صورت می گیرد. اگر دختر از اقوام و خویشاوندان باشد، پسر و خانواده اش، بیشتر به خانه دختر، رفت و آمد می کنند. سپس موضوع ازدواج را با پدر و مادر دختر، مطرح کرده و پس از موافقت طرفین، زمانی را برای انجام امور خواستگاری در نظر می گیرند. بعد از این که طرفین موافقت نمودند، پدر و مادر دختر با بزرگترهای فامیل، مشورت نموده و سپس نتیجه را برای برگزاری مراسم

های بعدی، اعلام می نمایند. حال اگر پسر از خانواده ای غریب باشد (از روستاهای مجاور) در یک روز نامشخص، به همراه خانواده اش، به بهانه گم کردن چیزی (خانه، بز و...) به خانه دختر می آیند یا اینکه قاصدی این کار را انجام می دهد.

بعد از آنکه پسر و خانواده اش دختر را پسندیدند و از بزرگتر های فامیل، کسب اجازه شد و تحقیقی هم از خانواده پسر و دختر صورت گرفته، زمانی را برای برنامه های بعدی و مراسم مربوط به آن مشخص می نمایند. (لازم به ذکر است که دختر، زیاد حق انتخاب را دارد و حرف اول را پدر و مادر وی، می زنند)

بعضی از خانواده ها که مراسم عقد را به زمان بعد موكول می کنند، یک تکه طلا و یا یک دست لباس و... را به عنوان نشانه برای دختر می آورند تا سر فرصت، مراسم عقد را برگزار نمایند. بعضی دیگر نیز صبح شب خواستگاری، به خانه دختر آمده و برای خرید وسایل عقد، راهی بازار می شوند و بعد از خرید، آزمایش خون می روند. (در چند سال پیش، آزمایش خون انجام گرفت) بالآخره، خانواده عروس و داماد بعد از برگشتن از خرید، قرار عقد را گذاشته و سپس هم عقد را برپا می کنند.

2- عقد: عقد، که به زبان محلی به آن «کاغذ گرفتن» می گویند، بدین صورت است که روحانی که معمولاً به آن شیخ یا سید می گویند، دعوت کرده و صیغه عقد را در خانه عروس به جا می آورند یا عروس و داماد به محضر رفته و در آنجا، مراسم برگزار می شود.

حال اگر این مراسم، در خانه عروس برگزار شود با مراسمی خاص، همراه می باشد. ابتدا پرچم هایی که به ساخته خودشان است «از تکه پارچه های رنگارنگ و به صورتی کوچک تهیه می شود» در خانه عروس نصب کرده و به حیاط خانه، شکل زیبایی می بخشند. از اقوام و خویشان هم که از دوسه روز

قبل، دعوت شده اند، خواسته می شود که به خانه عروس آمده و در مراسم شرکت نمایند. عروس را به آرایشگاه برده و سفره عقد را به شکل زیبایی، تزئین می شود. بعد از فراهم شدن تمام شرایط و امکانات، صیغه عقد جاری می شود و عروس وقتی فهمید که تمام اقوام و خویشان نزدیک در جشن حضور دارند، بله را می دهد. لازم به ذکر است که مهریه، در سر سفره عقد تعیین می شود و میزان آن با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده ها فرق می کند. در حال حاضر مهریه به صورت پول، سکه، ابریشم، شاخه نبات، کلام الله مجید و... می باشد و میزان آن 4 میلیون تومان می باشد.

3- لک برون: بعد از مراسم عقد، مراسم لک برون صورت می گیرد. بدین ترتیب که پرچم در خانه عروس و داماد نصب شده و از اقوام و خویشان طرفین، دعوت به عمل می آید. اقوام و خویشان در عصر روز مشخص، به صرف شیرینی به خانه عروس و داماد می روند. خویشان داماد با دو یا سه چمدان که به شکل زیبایی، آن را تزئین کرده و محتوی پارچه، لباس، طلا و... می باشد راهی خانه عروس می شوند. خانواده عروس با آمدن خانواده داماد، هل هله می کنند و کل می زنند.

سپس افرادی از خانواده داماد، که معمولاً مادر یا خواهر داماد می باشد، چمدان ها و شیرینی ها را بر سر گذاشته و به دست افشانی و پايكوبي، می پردازند. از طرف دیگر، نوازندگان می نوازند و مردها چوب بازی می کنند و به علامت شادی تیرهایی هم، انداخته می شود. بعد از چند ساعت، سر چمدان ها به وسیله فامیل داماد باز می شود و وسایل آن به حاضرین، نشان داده می شود. این کار بیشتر توسط کسانی که در زندگی خوشبخت هستند، صورت می پذیرد. در این لحظه، مادر داماد، عروس خود را بوسیده و یک قطعه طلا به عروسش هدیه می دهد. در پایان نیز از مدعوین به وسیله شیرینی، پذیرایی می شود.

4- فاصله عقد تا عروسی: فاصله عقد تا عروسی، به طور متوسط در حدود 2 سال است و این فاصله، بستگی به طرز تفکر و نگرش افراد و وضعیت اقتصادی و در یک جمله آمادگی طرفین دارد.

در این فرصت خانواده عروس، به فکر جهیزیه دختر افتاده و برای فراهم ساختن آن، نهایت تلاش خود را می کنند. البته تهیه جهیزیه بستگی به وضعیت اقتصادی طرفین دارد. اگر دختر از خانواده متمکنی باشد هزینه جهیزیه تماماً بر عهده خودشان، می باشد در غیر این صورت، مقداری پول از خانواده داماد گرفته می شود.

رابطه طرفین در زمان عقد (عروس و داماد) بنا به تعصب خانواده ها، متفاوت است. بعضی روابط نزدیک تری دارند و برخی روابطشان در حد معمولی می باشد. لازم به ذکر است که به مناسبت های گوناگون، مانند عید فطر و... هدایایی از طرف داماد، که شامل گوسفند، طلا و... می باشد به عروس داده می شود.

5- حنا بندان: مراسم حنا بندان، یک شب قبل از عروسی، برگزار می شود. بدین ترتیب که داماد، در جمع اقوام و خویشان خود و با یاری آنان، به دست و پاهایش حنا می گذارد. پسران مجرد نیز، در اطراف داماد حلقه زده و به دستهایشان حنا می گذارند.

فامیل داماد بعد از حنا گذاشتن دست و پاهای داماد، حنایی را که با پول و گل تزئین کرده اند را به خانه عروس می برند و با ابهت خاصی، دستان عروس را نیز حنا می گذارند. مراسمی که بدین صورت انجام می شود به نام «حنای دزد» معروف است. در عصر روز عروسی، نیز به دستان داماد، حنا زده و او را راهی حمام می کنند که به حنا بندان معروف می باشد. این مراسم با شور و حرارت زیادی همراه می باشد. به طوری که زنان با لباس محلی، به صورت دایره

وار دستمال بازی می کنند و مردان چوب بازی می کنند و... ..

6- سرتراشون: عصر روز عروسی، یک آرایشگر برای اصلاح سر و روی داماد به خانه داماد آورده شده و حنا به دست داماد زده شده و سپس راهی حمام می شود. سپس داماد با تعدادی از اقوام و خویشان خود، به محلی که دور از خانه اش باشد مثلاً کوه، خانه عمو و... برای پوشیدن لباس دامادی، می رود. ناگفته نماند که برای این که داماد بهتر شناخته شود، دستمالی ابریشمی که رنگارنگ می باشد به دور دست داماد می بندند. به مراسم برگزار شده «سرِ رو» هم گفته می شود.

بعد از مدتی داماد با همراهان، به خانه باز می گردد و از طرف اقوام و خویشان مورد استقبال قرار می گیرد و نقل و شیرینی بین مدعوین تقسیم شده و داماد دست و روی اقوام و خویشان را می بوسد.

7- مراسم آوردن عروس: یک هفته قبل از مراسم عروسی، خانواده داماد و عروس، خود را برای این روز به یاد ماندنی، آماده می کنند و سعی می کنند تمام شرایط و وسایل لازم را فراهم نمایند و به نحو احسن این مراسم را برگزار کنند. تکه پارچه هایی به رنگ های مختلف، به شکل پرچمی کوچک، که با ذوق و سلیقه خاصی از دو سه ماه قبل آماده شده، در حیات منزل داماد و عروس نصب می شود و پرچم هایی به رنگ شادی، در پشت بام خانه ها و ماشین ها به اهتزاز در می آید.

اقوام و نزدیکان داماد و عروس، نهایت همکاری را برای برگزاری جشن می کنند. قند و... می چینند، برنج پاک می کنند و دیگر وسایل لازم را، فراهم می سازند. دو سه روز قبل از عروسی، از دیگر اقوام، خویشان، آشنایان و همسایگان برای شرکت در جشن، دعوت به عمل می آید.

اقوام و آشنایان در موقع آمدن به خانه داماد (روز عروسی) هدایایی که

شامل اسفند، برنج و... می باشد را با خورد، می آورند. افرادی این موارد را به یاد داشته، تا در عروسی هایی که در آینده، برای مدعوین پیش می آید، هدایای داده شده را، جبران کنند.

تا اینکه بالاخره شب عروسی، فرا می رسد و مراسم شادی به حد نهایت خود می رسد. مراسم چوب بازی توسط مردان و دستمال بازی دایره ای توسط زنان، با لباسهای زیبای محلی، همراه با نوای محلی نوازندگان، جلوه ای خاص به مجلس می بخشد و این در حالی است که عروس، در بین زنان و داماد، در بین مردان به عنوان سمبل شادی، جشن عروسی را، شور و هوای خاصی بخشیده اند.

پذیرایی از مهمانان نیز، به نحو مطلوبی صورت می گیرد. به وسیله شیرینی، نقل و نبات، قلیان و چای (در بیشتر پذیرایی ها وجود دارد).

«لازم به ذکر است که مخارج جشن عقد و عروسی، توسط خانواده داماد و خانواده عروس به صورت جداگانه می باشد. اما در صورت شرایط نامناسب اقتصادی، قسمتی از هزینه عروسی، به خانواده عروس، توسط داماد پرداخت می شود.»

بالاخره عروس و داماد، همراه با جهیزیه و با همراهان سوار ماشین گلکاری شده، می شوند و با سایر ماشین ها بوق زنان در خیابان روستا، به حرکت در می آیند. در این لحظه، تیرهایی هم شلیک می شود. (ناگفته نماند که از همه مراسم انجام شده، فیلمبرداری و عکس برداری می شود و در دفتر خاطره ها، به یادگار می ماند) بالاخره عروس و داماد، به محل زندگی جدید خود وارد شده و زندگی مشترک خود را، آغاز می کنند.

صبح اول بعد از عروسی، نوازندگان، ساز و تنبک، می نوازند که به منزله پایان گرفتن عروسی و آغاز شدن زندگی مشترک می باشد. بنابراین، عروسی با تمام مراسم هایش در این جا به پایان می رسد.

8- جابشقای: در روزهای بعد از مراسم عروسی، اقوام و خویشان داماد و عروس، برای عرض تبریک به خانه زوج های جوان آمده و هدایایی را به منظور اعلام شادی، اهداء می نمایند که به آن «جابشقای» می گویند.

9- وات لَوون: چند روز بعد از مراسم عروسی، که معمولاً روز سوم عروسی است خانواده عروس از خانواده داماد، برای نهار یا شام دعوت می نمایند. عروس همراه با خانواده شوهرش، به خانه پدرش به مهمانی می رود که این مراسم به نام «وات لَوون» معروف است.

د- تولد نوزاد

تولد نوزاد نیز، از جمله مواردی است که می تواند گوشه ای از اعتقادات مردم این دیار را نشان دهد، که اینک به آن می پردازیم:

بعد از مراسم عروسی، اقوام و نزدیکان، منتظر تولد فرزند می شوند که اگر زیاد طول بکشد برای زن ناخوشایند می باشد.

زمانی که احساس شد، زن حامله است، نزدیکان و آشنایان، خوشحالی خود را ابراز نموده و تلاش می نمایند که مقدمات لازم را، برای به دنیا آوردن فرزندی سالم فراهم کنند. در این مورد از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزند. تا اینکه در پنج یا شش ماهگی، به تهیه وسایل مورد نیاز نوزاد مثل گهواره (مَخْتَكُ) لباس کودک و... می پردازند که این امر ممکن است از طرف خانواده زن یا خانواده شوهر، صورت گیرد. (اجباری نیست که مادر زن، این وسایل را تهیه کند)

در روزهای اول تولد، یکی از نزدیکان، در نزد زانو می ماند و در امر بچه داری، به او کمک می کند. در بعضی از موارد، دایه ای هم برای این کار، در نظر گرفته می شود.

اگر نوزاد متولد شده پسر بود، همان روز اول، برای ابراز نمودن شادی،

گوسفند قربانی می کنند. چون پسر برای پدر و مادر و همچنین مردم، از اهمیت و احترام ویژه ای برخوردار است و اعتقاد بر این است که پسر، در آینده فردی کارکن است و می تواند، روی پای خود بایستد.

اگر زائو، به طریق غیر طبیعی، نوزاد تولد کرده است، مقداری میخک را در یک پارچه پیچیده و به پیراهنش آویزان می کنند تا از بوئی مانند عطر یا کرم، که ممکن است باعث مریضی او شود جلوگیری نمایند. از افراد می خواهند که با موی خیس، به دیدن نوزاد نیایند، چون آن برای نوزاد و مادرش امری بد، به حساب می آورند. از مادر نوزاد، خواسته می شود که روسری خود را، دور صورتش قرار بدهد تا باد نکشد و هنگام حمام رفتن، تکه آهنی را با خود ببرد، تا اذیت نشود. (جن و ارواح) به مادر نوزاد غذای مقوی، داروی گیاهی مانند زنجبیلی و... می خوراند و خلاصه این که تمام مراقبت های لازم را، به عمل می آورند.

در زیر گهواره نوزاد، حنا همراه با تخم مرغ، می گذارند و تا سه روز به او، آب گرم می خوراند. بعد از سه روز، شیر مادر. البته این عمل، در حال حاضر، به ندرت مشاهده می شود. داروی گیاهی یا محلی به نام دواتهلی یا تلخی روزی سه وعده، به نوزاد داده می شود. گل زرد یا هلیله، خیار چنبر، ترنج کوبیده و نرم شده، برای رفع شکم درد نوزاد، به کار می برند. نوزاد را قنداق کرده، تا دست و پای او سفت شود و دور پیشانیش را، با پارچه ای، سخت می پیچند. برای اینکه پیشانیش برآمدگی زیاد نداشته باشد، نوزاد را پهلو به پهلو می خوابانند، زیرا معتقدند که ممکن است، پشت سر او، پهن شود. اگر نوزادی بیش از حد گریه کند، می گویند که هفته ای کرده، برای درمان آن، نوزاد را کاملاً شستشو داده و بر روی پیشانی او، تیغ می کشند یا دماغ او را، کمی سوراخ می کنند (البته این مورد بسیار محدود شده است) به لباس نوزاد نیز، نمک می آویزند تا از چشم، در

به جز پدر، مادر و نزدیکان، نوزاد تولد شده، باید تا چند روز از دیدگان افراد، محفوظ نگاه داشته شود. در زمان های پیش، این اعتقاد بر این بود که حتی به خانه ای که در آن نوزاد تولد شده، نباید رفت ولی امروز چنین نیست.

وقتی که نوزاد به چهل روزگی رسید، چهل روزگی او را، جشن می گیرند. بدین ترتیب که او را به حمام برده، تیر اندازی می کنند. در گوشش اذان می گویند، اقوام و خویشان به نوزاد هدیه تقدیم می کنند و در صورت پسر بودن، گوسفند قربانی می کنند.

ه- ختنه سوران

هنگامی که پدر و مادر کودک (در سن دو سالگی یا بیشتر) تصمیم به ختنه کردن فرزندشان گرفتند، مقدمات این کار را، فراهم می سازند. برای کودک کفش و لباس نو می خرند و آن را در یک چمدان گذاشته و چمدان را به نحو زیبایی، تزیین می کنند. مقداری شیرینی را هم برای پذیرایی از مدعوین، تهیه می نمایند. سپس یک لباس سفید که «دِشِدِشه» نام دارد برای کودک می دوزند و از دلاک برای انجام این کار، دعوت می کنند.

بعد از ختنه کودک، مادر از او بسیار مواظبت می کند و دشدشه را بر تش می کند. میخک را به صورت گردنبندی، در آورده و به گردن کودک می اندازند تا از بوی عطر و کرم که ممکن است باعث بوزدگی او و در نتیجه بیماریش شود، جلوگیری نمایند.

هنگامی که کودک بهبود یافت، از اقوام و خویشان دعوت می شود که در مراسم جشن شرکت نمایند. در یک روز مشخص، مراسم با شکوهی برگزار می شود. بدین صورت که نوازندگان می نوازند، زنان روستایی با لباس های محلی که به آن لباس گُشاد می گویند، به پایکوبی می پردازند، مردان چوب بازی می

کنند و... بعد از گذشت زمانی دست و پای کودک را، حنا می گذارند و زنان و مردان به دور او جمع شده و شعرهای محلی می خوانند. در این زمان آرایشگری سر بچه را اصلاح می کند و چمدان هایی که تزئین شده بود، بر سر زنان گذاشته شده و با آن به شادی می پردازند. سپس چمدان را باز نموده و لباس ها را بر تن کودک می نمایند و شیرینی بر سرش می ریزند و او را می بوسند. کودک نیز به طرف مردهای اقوام رفته و با آنها رویوسی می کند.

از میهمانها پذیرایی شده و بالاخره پایان جشن، اعلام می شود. در ضمن باید گفت که از طرف اقوام و خویشان نیز، هدایایی به کودک، داده می شود.

و- مراسم حج و زیارت خانه خدا

در این روستا رسم بر این است که 2 الی 3 روز قبل از رفتن به زیارت خانه خدا، پرچم سفید یا سبز رنگی بر روی پشت بام خانه آن شخص و اقوام و خویشان نزدیک، نصب می شود و تا موقع برگشتن فرد از حج، این پرچم ها پا برجا می مانند و بعد از چند روز که گذشت، پرچم ها را باز می کنند.

روز آخری که فرد آماده رفتن به زیارت، می باشد یک میهمانی بزرگ ترتیب می دهد و تمام خویشان و آشنایان دعوت می شوند. این به منظور خداحافظی و حلالیت می باشد. خانواده نیز بعد از رفتن فرد، آتش پشت پا درست کرده و بین فقیران و خویشان، تقسیم می نمایند.

زمانی که حجاج از زیارت برمی گردند، اهالی روستا به پیشباز آنها می روند و استقبال گرمی به عمل می آورند. بعد از برگشت حاجی از زیارت، گوسفند قربانی نموده و میهمانی بزرگی ترتیب می دهند. حاجی در این روز هدایایی را تقدیم اقوام و نزدیکان می کند. از جمله خاک حج، جانماز، مهر، تسبیح و... ..

بعد از آنکه فردی به زیارت خانه خدا مشرف شد و لقب حاجی گرفت، باید کار اشتباهی انجام ندهد اگر انجام داد، در نزد مردم روستایی ارزش شده، مقام و

منزلتش متزلزل می شود.

ز - مراسم عید فطر

عید فطر در نزد مردم این سامان، به منزله عید نوروز، برای دیگر مردم کشورمان می باشد. چند روز قبل از آمدن عید فطر، اقشار مختلف مردم، خود را برای برگزاری مراسم این روز، آماده می سازند. خانه تکانی می کنند، کفش، لباس و... نو می خرند. گندم برشته و برنجک درست می کنند و وسایل مورد نیاز برای پذیرایی از میهمانان را فراهم می کنند.

تا اینکه عید فرا می رسد و خویشان و آشنایان به منزل یکدیگر رفته و عید سعید فطر را به هم تبریک می گویند. بیشتر، مردها وزن ها به صورت جداگانه، این کار را انجام می دهند. لازم به ذکر است که دیدار کوچکترها از بزرگترها، خانواده شهدا و کسانی که تازه عزیزشان را از دست داده اند، در اولویت قرار دارد.

البته مراسم عید نوروز هم، در چند سال اخیر به صورت محدودی مشاهده می شود و عید نوروز نیز، برای وارد شدن به دیگر مراسم های این دیار، جایی برای خود جستجو می کند.

ح - جشن پیروزی انقلاب اسلامی

روستا در این دهه (دهه فجر) شکل زیبایی را به تصویر می کشد. پرچم ها، پلاکاردها و... هر کدام بیانگر جشن های دهه فجر می باشد. جشن های پیروزی انقلاب اسلامی، که تداعی کننده خاطرات پرشور جوانان از خود گذشته و یادآور تلاش های آن قهرمان بزرگ تاریخ، حضرت امام خمینی (ره) می باشد، به شیوه باشکوهی برگزار می شود. بدین صورت که به این مناسبت، در حسینیه ها توسط کانون فرهنگی جوانان، برنامه هایی که شامل

نمایشنامه، تئاتر، سرود و... است اجرا می شود. مدارس نیز با داشتن برنامه های متنوع، از مدارس دیگر و همچنین از اهالی روستا دعوت به عمل آورده و آنان نیز به طرز باشکوهی در این مراسم شرکت می نمایند. در روز 22 بهمن اهالی روستا و دیگر ارگان ها و... به راهپیمایی پرداخته، در پایگاه مقاومت بسیج تجمع نموده و در آنجا به سخنرانی های روحانیون و... گوش فرا داده و در آخر قطع نامه ای صادر نموده و پایان برنامه اعلام می شود.

لازم به ذکر است که سایر جشن ها و اعیاد مختلف مذهبی، در حسینیه ها، به نحو باشکوهی، با شرکت اقشار مختلف مردم برگزار می شود.

ط - عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان

محرم در اینجا اوج دیدار با کربلا و تجدید خاطرات قیام کنندگان عاشورا است، آسمان و زمین گریان، مساجد و مکان های سیاه پوش شده و مردمان عزادار، در تاسوعا و عاشورای محرم هر سال، در اینجا باعث شده که تصویر شفاف تری، از رشادت های امام حسین (علیه السلام) و یارانش، دریافت شود. در این جا قطره ای زار دریای ارادت آنها، به خاندان عصمت و طهارت را بیان می داریم:

خواهران و برادران مذهبی، چند روز قبل از ماه محرم به حسینیه رفته و مقدمات برگزاری مراسم عزاداری را فراهم می نمایند: حسینیه را آب و جارو می کنند، ظرف ها را می شویند، پرچم می زنند، پلاکاردهای به همین مناسبت به دیوارها نصب می کنند و... .

از شب اول محرم، زنان و مردان عزادار، راهی حسینیه ها شده و مراتب عزاداری خود را اعلام می نمایند. زنان به صورت دایره ای به دور گهواره ای که به یاد علی اصغر امام حسین (علیه السلام) ساخته شده است، سینه زنی می کنند. مردان هم دایره وار، با ابهت خاصی به سینه زنی و زنجیر زنی می پردازند. این مراسم با

شب تاسوعا در حسینه انجام می شود و از شب عاشورا عزاداران حسینی، از حسینه ها به خیابان روستا، قبرستان، گلزار شهدا و دیگر حسینه ها و مساجد اطراف روستا رفته و به نوحه سرایی و عزاداری می پردازند. شب تا صبح عاشورا نشانگر ارادت خالصانه آنها به امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان می شوند. بدین صورت که از شب تا صبح بیدار می مانند و به نوحه سرایی، نماز و دعا مشغول می باشند. در همان شب توسط دختران و زنان روستا برای صبحانه و پذیرایی از عزاداران حلیم، تهیه می شود. از صبح تا ظهر عاشورا نیز مراسم ویژه ای برگزار می شود و حکایت ظهر عاشورا، در این جا چیز دیگری است و غم انگیزترین روز در روز شمار این شیعیان دلسوخته حسین بن علی (علیه السلام) می باشد. بالاخره شام غریبان تصویر دردناکی از بازماندگان عاشورا را، نشان می دهد. یکی از مراسم هایی که در این شب وجود دارد این است که عده ای از بچه های کوچک را به حالت اسیر به هم می بندند و فردی به عنوان شمر آنها را می زند. افرادی نیز شمع هایی روشن را به دست گرفته و در کوچه های روستا به راه می افتند.

در این شب ها اهالی، خیراتی را برای درگذشتگان خود به عنوان فاتحه و نذورات خود را برای امام حسین (علیه السلام) در حسینه ها، به صورت شیرینی، شربت، آب نبات و چای و قلیان و... می دهند.

همچنین در تمامی این شب ها روحانیون در حسینه ها به سخنرانی و روضه خوانی می پردازند.

در شبهای ماه مبارک رمضان، در حسینه ها مراسم سخنرانی توسط روحانیون، صورت می گیرد و مردم به صورت چشمگیری، در این مراسم شرکت می نمایند. مراسم نماز جماعت نیز در این روزها و شبها به صورت پرشوری برگزار می شود.

شبهای 19، 20، 21 نیز مراسم عزاداری توسط مداحان اهل بیت (علیه السلام) انجام

می شود و شیعیان خالص مولا امیر المؤمنین (علیه السلام) به نوحه سرایی و سینه زنی می پردازند. در روزهای 28 و 29 ماه صفر و 14 خرداد روز رحلت امام خمینی (ره) و دیگر شهادت ها و... مراسم باشکوهی انجام می شود.

ی- مرگ و مراسم آن

مرگ و مراسم آن نیز از جمله مواردی است که آداب و رسوم مخصوص به خود را دارد و ما در این جا به بررسی آن می پردازیم:

1- تشییع: هنگامی که یکی از افراد روستا، به سرای باقی می شتابد حسینیه ها و مساجد این موضوع را از طریق بلندگو به اطلاع عموم می رسانند و از اهالی برای شرکت در مراسم تشییع دعوت به عمل می آورند. مردم نیز برای شرکت در این مراسم اعلام آمادگی می نمایند.

مراسم غسل بیشتر در منزل شخص، صورت می گیرد اما گاهی هم در قبرستان انجام می شود، عده ای از افراد به منزل شخصی میت رفته و در تشییع جنازه، از منزل تا قبرستان، خانواده مصیبت دیده را همراهی می کنند. عده ای هم خود را به قبرستان رسانده و منتظر مراسم تدفین می شوند.

2- تدفین: اهالی به محض دریافت خبر فوت یکی از افراد روستا، خود را به قبرستان رسانده و برای مراسم تدفین آماده می شوند. چند نفر از اهالی روستا، قبری را حفر می کنند و اگر مراسم غسل انجام نشده، در قبرستان این عمل انجام می گیرد. سپس نماز میت به جا آورده می شود و مراسم خاکسپاری شروع می شود. آنچه در این جا قابل ذکر است این می باشد که اگر عزیز از دست رفته زن باشد مراسم خاکسپاری بیشتر توسط زنان انجام می شود البته با کمک تعدادی از محارم.

یکی از مراسمی که در این روز، در قبرستان انجام می شود مراسم

«تیگوشون» است. بدین صورت که برای خیرات شخص از دنیا رفته، بین افراد شرکت کننده در مراسم تدفین، شیرینی و شکلات تقسیم می کنند. بعد از این مراسم، افراد برای شرکت در مراسم ترحیم خود را آماده می سازند.

3- ترحیم: مراسم ترحیم که «فته خونی» نامیده می شود از فردای روز تدفین شروع می شود. بدین ترتیب که از صبح تا مغرب مراسم قرآن خوانی توسط چند نفر از اهالی روستا در حسینیه انجام می شود و این مراسم تا سه روز ادامه می یابد. مردان روستا و همچنین روستاهای اطراف، در مسجد یا حسینیه و زنان در منزل مرحوم حضور می یابند و همدردی خود را با اقوام و نزدیکان او اعلام می نمایند.

روز سوم اقوام، خویشان و آشنایان در قبرستان حضور یافته و بر سر قبر مرحوم می روند. در این جا یک روحانی به سخنرانی می پردازد و از افراد به وسیله چای و شیرینی پذیرایی می شود. اگر مرحوم شخص جوان بوده باشد، مراسم به شکل با شکوهتری برگزار می شود بدین ترتیب که قبر را تزئین نموده، حجله ای بسته و.. سپس افراد خداحافظی کرده و قبرستان را ترک می نمایند. خویشاوندان تا یک هفته صاحب عزرا، تنها نمی گذارند و روز هفتم به قبرستان رفته و پایان ختم اعلام می نمایند.

اقوام و خویشان نزدیک، تا 40 روز برای عزیز ازدست رفته سیاهپوش می شوند اما صاحب عزرا، تا هر وقت که بخواهند سیاه می پوشند. بعد از چهل روز، یکی از اقوام به نزد دیگران رفته و لباس سیاه را از تنشان بیرون می آورند.

بالاخره مراسم چهلمی فرا می رسد و مردم به قبرستان رفته و این مراسم را برگزار می نمایند (مراسم سالگرد هم اکنون بسیار محدود شده است) پس از آن هر پنج شنبه بر سر قبر اموات رفته و خیرات می کنند.

زبان و لهجه، گوشه ای از فرهنگ مردم هر خطّه را نشان می دهد به گونه ای که با دانستن زبان و لهجه یک قوم، می توان تشخیص داد که به کدام سرزمین تعلق دارند و از کدامین نژاد، برخاسته اند.

اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها)

اشاره

اوقات فراغت در هر جامعه ای، به طرق متفاوت سپری می شود. این روستا نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. طریقه گذراندن اوقات فراغت در نزد مردان، زنان، جوانان و کودکان متفاوت است که اینک به آن می پردازیم.

مردان با جمع شدن، در کنار مغازه های شهر یا رفتن به خانه یکدیگر و صحبت کردن پیرامون امور متفاوت زندگی اوقات فراغتش را می گذرانند. زنان هم اوقات فراغت خود را، با رفتن به منزل همسایگان، با چای و قلیان به صحبت کردن، در امور مختلف، سپری می نمایند. کودکان بیشتر وقتشان صرف بازی می شود و قسمتی از وقت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می دهند. جوانان نیز با شرکت در برنامه های مختلف کانون فرهنگی، ورزش، فوتبال، ایستادن در کنار خیابان روستا، اوقات فراغت خود را می گذرانند.

هم اکنون به شرح بازی های محلی رایج، بین کودکان و نوجوانان که قسمتی از اوقات فراغت آن ها را پر می کند می پردازیم:

1- آلم پُسکُ: تعداد افراد شرکت کننده در این بازی، به صورت دلخواه می باشد. این بازی به شکل انفرادی، انجام می گیرد. بدین ترتیب که گودالی کوچک حفر کرده و بر روی آن تونلی ایجاد می کنند. سپس یک سوراخ کوچک، در بالای تونل به وجود آورده، مقداری خاک نرم به داخل آن می ریزند و سپس پارچه ای را روی سوراخ گذاشته، با دست، محکم روی خاک ها فشار می دهند.

اگر پارچه بالا آمد، بازیکن برنده شده و در غیر این صورت، نفر بعدی بازی می کند.

2- بنفشه گل بنفشه: برای شروع بازی، باید افراد از دو گروه زوج، به اندازه ی دلخواه انتخاب شوند. سپس گروه ها به اندازه ی 10 متر یا بیشتر از هم فاصله بگیرند. گروه اول می گوید: بنفشه گل بنفشه، گروه دوم در جواب می گوید: از بین ما کی باشه. گروه اول، نام یکی از افراد گروه مقابل را می گوید آن فرد انتخاب شده، می دود و در دست دو نفر گروه اول، زندانی می شود. اگر توانست دست آنها را از هم باز کند، برنده شده و به سر جای خود، باز می گردد و اگر نتوانست، آن فرد بازنده شده است و باید از بازی بیرون برود. در اینجا نوبت به گروه دوم می رسد و همان مواردی که گفته شد تکرار می گردد و به همین طریق بازی ادامه می یابد. اگر تمام افراد گروه اول، بازنده شده و از میدان خارج شدند بازی به سود گروه دوم به پایان می رسد و بالعکس.

3- چش کامو: چش کامو که با قایم موشک، معروف می باشد بدین صورت انجام می شود. افراد به تعداد دلخواه، به دو گروه مساوی، تقسیم شده و قرعه کشی می کنند. قرعه به نام هر گروهی افتاد باید خود را پنهان نماید و گروه مقابل بایستی چشم های خود را ببندد. با چند شماره چشمهای خود را باز نموده و گروه پنهان شده را پیدا می کنند. گروه پیدا شده باید خود را سریعاً به جایی که قبلاً تعیین شده (دگه) برسانند و دست خود را، به آن بزنند. اگر گروه یابنده، یکی از افراد گروه مقابل را کچل کرد (دست روی سر آن گذاشت) آن فرد همراه با گروهش بازنده شده و همگی از بازی اخراج می شوند. در صورت برنده شدن، دوباره بازی روال قبلی را دنبال می کند. در غیر این صورت، گروه مقابل باید خود را پنهان نماید.

ص: 239

4- خرموچ: ابتدا دو نفر، به عنوان سرگروه، اعضای گروه خود را، انتخاب می کنند. تعداد افراد گروه کلاً باید زوج باشد. سپس دایره ای کشیده و به نصف تعداد افراد هر گروه، گودال های کوچکی حفر می کنند. خرموچ ها (تکه پارچه هایی که به صورتی سخت به هم پیچیده شده اند) را در گودال ها گذاشته و قرعه کشی انجام می شود. گروهی که قرعه به نامش افتاد باید از گودال ها محافظت نماید، تا گروه مقابل به آنها دست نیابد. اگر گروه مقابل به گروه محافظ، پشت پازد یا اینکه به گودال ها رسید، باید افراد محافظ آن گودال ها، میدان را ترک گفته و جای خود را، به آن افراد بدهند. آن افراد، اگر موفق شدند که خرموچ ها و گودال های دیگر را، تصرف کنند خرموچ ها را برداشته و به دیگر افراد گروه محافظ کتک می زنند تا زمانی که پا به پشت پای آنها زده شود و تمامی آنها از میدان خارج شوند و جای خود را به گروه مقابل بدهند. در این حال گروه مقابل، نیز همان بازی را در مقابل گروه محافظ، به شیوه ی قبل تکرار خواهد کرد.

5- سنگ تو سایه: افراد، به صف ایستاده و یک نفر مسئول سنگ پرتاب کردن می شود. سنگ در سایه هر فردی افتاد، باید به دنبال بچه های دیگر بدود و وقتی توانست یک نفر را بگیرد، بازی تمام می شود و سپس نفرات بعدی، بازی را به همین ترتیب دنبال می کنند.

6- کربلو: افراد به دو گروه مساوی تقسیم شده و سرگروه هایی هم انتخاب می شود. سپس هر سرگروه، برای تک تک اعضای گروه خود، نامی انتخاب می کند و سنگی مخفیانه به یکی از افراد گروه خود می دهد. سپس از گروه دیگر، خواسته می شود که نام فردی که سنگ در نزد اوست، گفته شود. اگر جواب صحیح بود، سنگ را به گروه خود، اختصاص داده اند و در غیر این

صورت سنگ در نزد همان گروه اول، باقی می ماند. آن فردی که سنگ در نزد اوست، به اندازه توان خود، به جلو پرش می کند. اگر گروه اول، برنده شود و خود را به خط پایان که قبلاً کشیده شده است، برساند گروه دوم باید، اعضای گروه اول را به پشت گذاشته و به سر جای اول خود بازگردانند. بازی برای گروه دوم نیز، به صورت گروه اول تکرار می شود.

7- لُؤِپَر: ابتدا یک گودال کوچکی به عمق 5 سانتی متر حفر نموده و افرادی برای انجام این بازی به صورت دلخواه، تعیین می شوند. هر کدام از این افراد، گلوله ای کوچک را به نوبت به طرف گودال پرتاب می کنند. گلوله ای که در گودال جای گرفته یا نزدیک گودال بوده، مشخص کننده ترتیب نفرات می باشد. بنابراین نفر اول بازی را شروع کرده و دیگر نفرات، گلوله های خود را، به نفر اول می دهند. او نیز باید گلوله ها را، به طرف گودال پرتاب کند. اگر یکی از آن گلوله ها وارد گودال شود، کارش راحت تر می باشد. اما گلوله هایی که در نزدیک گودال باقی مانده اند، باید به وسیله سنگ از فاصله سه متری، توسط نفر اول زده شود. اگر زده شد، برنده شده و بازی به نفع خودش ادامه می یابد. در غیر این صورت نوبت به نفر بعدی می رسد. برنده بازی فردی است که بتواند بیشترین گلوله را به گودال فرستاده و آنها را به خود، اختصاص دهد. بعد از اتمام مرحله اول، مرحله دوم، با نفر انتخابی دوم شروع شده و همین طور بازی ادامه می یابد. تا مرحله سوم و نفر انتخابی سوم و....

8- مَلا برس: برای آغاز این بازی، دو دایره درهم، که یکی بزرگتر از دیگری است کشیده می شود. دو گروه 4 نفری تشکیل می شود و یک نفر به عنوان میانجی هر دو گروه، انتخاب شده و قرعه کشی صورت می گیرد. قرعه به نام هر گروه افتاد باید خود را پنهان سازد و 4 نفر گروه بعدی، در روی خط دایره می ایستند. آن فرد میانجی، چشم یکی از افراد گروهی که در دایره هستند

را می بندد. وقتی که گروه مقابل پنهان شدند، چشمش را باز می کند و آن فرد به دنبال افراد پنهان شده برای پیدا کردن می شتابد. آن فرد می گوید: شیر کجان؟ گروه مقابل جواب می دهد: اورتر، مدتی می گذرد و افرادی که خود را پنهان ساخته بودند، مشاهده می کنند که فرد چشم بسته ای وجود ندارد و از آنجا دور شده است. آنها از موقعیت استفاده کرده و بیرون می آیند و به آن سه نفری که در دایره نشسته اند کتک می زنند. آن افراد سر و صدا کرده و می گویند: ملا برس، ملا برس. وقتی که آن فرد، صدای آنها را می شنود خود را به دیگر افراد گروه رسانده و به میدان می رود. در این زمان در مقابل کتک گروه مقابل، به گروه خودش، پا روی پشت پای آنها می گذارد و فردی که پا پشت پایش خورده، از بازی اخراج می شود. تا اینکه بالاخره این عمل در مورد سه نفر بعدی هم تکرار می شود. بعد از آن، نوبت به گروه بعدی می رسد و موارد گفته شده تکرار می شود.

9- مُخَک چه مُخ: افراد به دو گروه مساوی تقسیم شده و یک نفر به عنوان سرگروه انتخاب می شود. این دو سرگروه با هم مشورت کرده و یک مخ (نخل) را از بین مخ های دیگر به عنوان رمز مسابقه اعلام می نمایند. به طوری که گروه ها از آن بویی نبرند. سپس به طرف گروهها آمده و گویند مخک چه مخ؟ اگر گروهی نام آن مخ را تشخیص دهد، برنده است و گروه مقابل باید، گروه برنده را به پشت گذاشته و تا مسافتی که از قبل تعیین شده حمل کند.

10- مُرَبُخونَه شیطون: ابتدا شش خانه مربعی را به یک اندازه می کشند و سپس یک خانه کوچک به نام خانه شیطان، رسم می کنند. این بازی با شرکت 2 نفر یا 4 نفر امکان پذیر می باشد (در صورت 4 نفر بودن دو به دو بازی می کنند) سپس قرعه کشی کرده و قرعه به نام هر که افتاد آغاز گر بازی می باشد. نفر اول سنگ را به ترتیب در خانه ها انداخته و از خانه 1 تا 6 بازی می کند به

طوری که سنگ، بر روی خط نیفتد. در صورت موفقیت در این قسمت، باید یک چشم خود را بسته نگه دارد و از اعضای دیگر گروه سؤال کند که به صورت سواره یا پیاده در خانه 1 تا 6 حرکت کنم؟ (منظور از سواره یک پا را بالا و یک پا را پایین نگه داشتن است) هر جوابی شنید، باید مطابق آن رفتار کند. بالاخره سنگی را که از قبل، در خانه شیطان انداخته شده است توسط او بیرون آورده می شود. اگر این عمل به صورت پیاده انجام شود، باید پاهای فرد روی خط قرار نگیرد. در صورت موفقیت در این مرحله، این بار هر دو چشمش بسته است و موارد گفته شده تکرار می شود. تا این که مرحله سوم فرا می رسد و آن اینکه از اعضای گروه سؤال می کند که یک سنگ را بر روی دست، پا، سر، سواره، پیاده کدامیک؟ بگذارم. مثلاً به او گفته می شود روی سر، فرد سنگ را روی سر گذاشته و از خانه 1 تا 6 حرکت می کند. قبل از آن، به او گفته شده که سنگ بیفتد یا نیفتد. اگر به او گفته شده که سنگ بیفتد، باید در حال خارج شدن از خانه آخر، سنگ را بیاندازد در غیر این صورت، باید پس از خارج شدن از خانه ها چند لحظه ای درنگ نماید. بعد از موفق شدن در این مرحله باید به شش خانه، پشت کند و سنگ را به داخل شش خانه بیاندازد. در هر خانه ای که افتاد آن خانه، مال خودش می شود «خونه بندون» و افراد دیگر نمی توانند در این خانه بازی کنند. در عین حال آن خانه در زمان بازی برای خود فرد، خانه استراحتی نامیده می شود. تا اینکه تمام خانه ها به جز آن خانه ای که برای استراحت عمومی در نظر گرفته شده است گرفته می شود و بُرد از آن کسی است که خانه بیشتری را به خود اختصاص داده است. تخلف از هر کدام از موارد گفته شده در بازی، به منزله اخراج از بازی می شود.

11- موله (قطور بازی): برای این بازی تعدادی به صورت دلخواه که به طور متوسط معمولاً از 5 نفر بیشتر نمی باشد انتخاب می شوند.

افراد مقداری

ص: 243

سنگ را روی دستش می اندازد. هر کدام که تعداد سنگ کمتری از دستش بیفتد یا اصلاً نیفتد به عنوان شروع کننده بازی، در نظر گرفته می شود. اگر دو نفر چنین وضعیتی داشته باشند، باید آنقدر رقابت کنند تا این که بالاخره یکی از آنها پیروز شوند. بنابراین تمام افراد گروه، سنگ ها را به روی دست نفر اول می ریزند و او آغاز گر بازی می باشد. و بازی به همین نحو تکرار می شود تا این که به آن تعداد سنگی که برای برنده شدن لازم است برسند.

12- هفت سنگ: ابتدا دو گروه، به تعداد دلخواه انتخاب می شوند و هفت سنگ متوسط و یک توپ را آماده می سازند. سپس قرعه کشی کرده و قرعه به نام هر گروهی افتاد، باید شروع کننده بازی باشد. سنگ ها را بر روی هم چیده و نفر اول از گروه انتخاب شده، باید با توپ از فاصله یک یا دو متری به هفت سنگ بزند، تا سنگ ها بریزد. (نفر اول می تواند چهار بار این کار را انجام دهد ولی بقیه نفرات هر کدام سه بار) اگر اینچنین نشد نفرات بعدی این کار را تکرار می نمایند. این در حالی است که گروه مقابل، توپ را فوراً به دست گرفته و به افراد دیگر گروه پرتاب می کند. توپ به هر فردی برخورد کند، از بازی اخراج شده و بقیه افراد باید بازی را ادامه دهند. در فرصتی که افراد گروه مقابل، به دنبال توپ می دوند گروه مهاجم می تواند سنگ ها را بچیند. اگر موفق شوند می گویند: هفت سنگ و به عنوان برنده اعلام می شوند. (این مرحله بعد از ریختن سنگ ها صورت می گیرد) اگر تمامی افراد گروه مهاجم، با توپ برخورد کنند بازنده شده اند و باید جای خود را، به گروه مقابل بدهند.

13- هِلِ هِلِه گرگ چَمَبَرِي: تعدادی از افراد به صورت دلخواه در نظر گرفته می شوند. از میان آنها چند نفر به نام های گرگ، بره، مادر بره ایفای نقش می کنند. در این زمان بره ها (افراد) به چرا مشغول می شوند تا این که سرو کله گرگی پیدا می شود. در این زمان یکی از بره ها می گوید: مادر من گرسنه ام،

مادر می گوید: هیچی نگو، گرگ اومده، گرگ به گله می زنه، چوپان داره نی می زنه. مادر بره ها به گرگ می گوید: هل هله گرگ چمبری، زهره نداری ببری. گرگ می گوید: اگر بردم چه می کنی؟ مادر بره می گوید: شلاق به کلت می زنم. گرگ می گوید: کارد من تیز تر است. مادر بره می گوید: بره من عزیز تر است و سرانجام این بازی به پایان می رسد.

14- اسپینگ چه رنگ: گروهی به تعداد دلخواه، برای انجام این بازی، تشکیل می شود. یک نفر به عنوان سرگروه یک چیزی را، در نظر می گیرد که باید دیگر اعضای گروه، به آن پاسخ گویند. افراد گروه به سر گروه می گویند: اسپینگ چه رنگ؟ او می گوید: رنگارنگ. پس هر کسی موردی را که مد نظر می باشد، جواب گوید باید با پارچه ای که به شکل سختی درهم پیچیده شده است دیگر افراد گروه را کتک بزند.

15- چوپیسرو (چوب پشت سر): ابتدا گروهی تشکیل می شود به تعداد دلخواه، سپس قرعه کشی شده و قرعه به نام هر کسی افتاد، باید چوب به دست بگیرد و به دنبال دیگر افراد گروه، بدود، تا زمانی که چوب به یکی از افراد بخورد، فرد چوب خورده، از بازی اخراج می شود و فرد چوب زن، تا آخرین نفرات گروه را، باید از بازی اخراج نماید. در این جا بازی به پایان می رسد و برای بازی دوباره، مراحل گفته شده تکرار می شود.

لازم به ذکر است که بازیهایی که در بالا به آنها اشاره شد، بین دختران و پسران مشترک می باشد.

سازمان ها و تأسیسات روستا

1- بخشداری: در آبان ماه 1399 (پنج شنبه 22 آبان ماه)، عباس رحمانی به عنوان نخستین بخشدار بخش جدید خیرگو معرفی شد.

و به همت مردم منزل عباس زائری جهت این مکان بازسازی و در نظر گرفته شد.

2- شهرداری خیرگو: در اسفندماه 1399 (بیست اسفندماه) ابلاغیه شهرداری خیرگو به استاندار فارس ابلاغ شد.

15 اردیبهشت ماه 1400 دکترصادق زمانی به عنوان اولین شهردار خیرگو معارفه شد.

مکان شهرداری هم اکنون در محل شورای شهر پاسخگوی مردم می باشد.

3- حوزه مقاومت بسیج: ساختمان حوزه مقاومت بسیج امام رضا علیه السلام توسط خیرین بازسازی و در مورخه پانزده اسفند ماه 1395 به همت بسیجیان افتتاح و سروان یونس عرفانپور فرمانده حوزه این بسیج شدند.

4- بانک: در این شهر فقط یک بانک صادرات وجود دارد که در زمینی به مساحت 60 متر مربع در سال 1368 تأسیس شده است.

لازم به ذکر است که این بانک به سیستم های کامپیوتری مجهز می باشد و استقبال مردم خیرگو و روستاهای مجاور از خدمات بانکی در حد مطلوبی است.

5- پایگاه مقاومت بسیج: پایگاه مقاومت بسیج خیرگو در تاریخ 1/2/1361 به نام پایگاه صاحب الزمان در زمینی به مساحت 1200 متر مربع فعالیت خود را آغاز نموده است. در حال حاضر دارای 250 نفر نیروی بسیجی می باشد که البته این حوزه مقاومت روستاهای مجاور را، تحت پوشش قرار می دهد.

در ایام جنگ تحمیلی خدمات قابل توجهی داشته است از قبیل کمک های نقدی و جنسی و اعزام نیرو به جبهه و تقدیم 8 تن شهید و تعدادی مجروح. اما در حال حاضر دارای فعالیت های مذهبی، نظامی، فرهنگی، بهداشتی و امنیتی می

باشد. در زمینه بهداشتی: همکاری با شبکه بهداشت در رابطه با تزریق واکسن اطفال در طول سال. در زمینه مذهبی: تشکیل کلاسهای قرآن، احکام، عقیدتی در طول سال مخصوصاً در ایام تعطیلات مدارس، انجام طرح میثاق جهت خواهران نوجوان و برادران دانش آموز و راه اندازی اردوی تابستانی جهت خواهران و برادران، تشکیل نماز جماعت. در زمینه نظامی: برگزاری کلاس های آموزش اسلحه و آموزش مقدماتی جهت برادران بسیجی و از جهت تأمین امنیت: بازرسی در جاده اصلی و گشت گروهی، از شب تا صبح.

لازم به ذکر است که پایگاه مقاومت بسیج خیرگو جهت بهبود وضعیت آموزش و پرورش و ایجاد فضای آموزشی و کارهای عمرانی و تشکیل کانون فرهنگی و فعالیت های سیاسی و امنیتی و همکاری با مسئولین بخش و شهرستان در تمام اموری که مردم به آن نیاز دارند، بسیج همکاری داشته است.

6- پاسگاه نیروی انتظامی: پاسگاه انتظامی خیرگو، در سال 1334 آغاز به کار کرده است و فعالیت های زیر را در این منطقه انجام می دهد: ضابط قوه قضاییه مخصوصاً در این منطقه، رسیدگی به شکایات، اختلافات، سرقت، قتل، تصادف، تشخیص هویت.

لازم به ذکر است که بیشتر جرایم در این منطقه، چک بلا محل و اختلافات خانوادگی می باشد.

7- خانه بهداشت: خانه بهداشت سید احمد حسینی خیرگو، در سال 1370 در زمینی به مساحت 400 متر مربع با دو نفر بهورز، یک زن و یک مرد آغاز به کار کرده است.

فعالیت هایی که خانه بهداشت خیرگو انجام می دهد بدین ترتیب می باشد: واکسیاسیون کودک و مادر، مراقبت های بهداشتی کودکان زیر 6 سال، مراقبت زنان باردار، تنظیم خانواده و مشاوره، وسایل پیشگیری از بارداری مانند (قرص

ال دی، قرص تری فازیک، قرص مینی پیل، قرص اچ دی، کاندوم، آمپول ضد بارداری) بهداشت محیط، تزریقات، پانسمان، کلرزنی آبهای آب انبارها، آموزش خانواده ها برای کلرزنی آب مصرفی، بازدید از مغازه ها از نظر بهداشت مواد غذایی و... ..

قابل توجه است که سایر خدماتی که خانه بهداشت از انجام آن ناتوان است افراد به شهرستان لامرد و بخش بیرم لارستان، ارجاع داده می شوند.

8- دکان ها: در این روستا، در حدود 40 باب مغازه مشاهده می شود، که در حد امکان وسایل مورد نیاز روستا را تأمین می کنند. این مغازه ها شامل خواربار فروشی، نجاری، شیشه بری، خیاطی و... می باشد.

مردم این شهر، بعضی از وسایل مورد نیاز خود را که تهیه آن در شهر، برایشان ممکن نیست و نوع مرغوب آن وجود ندارد، به مرکز شهرستان لامرد و به بیرم لارستان می روند و خریدهای خود را انجام می دهند.

9- شرکت تعاونی مرزنشینان: این شرکت تعاونی در سال 1366 در زمینی به مساحت 500 متر مربع احداث گردیده است. حدود 150 نفر عضو دارد که اعضا با پرداخت مبلغی به میزان 100000 ریال به عنوان عضو شرکت تعاونی، پذیرفته شده و از خدمات آن استفاده می کنند.

تعداد اعضای هیئت مدیره آن 5 نفر می باشد که فعالیت آنها به صورت صادرات کالاهایی مانند داروهای گیاهی و... که بعضی از آنها از خود روستا و بعضی دیگر از شهر تهیه می شود و واردات آن کالاهای خارجی مانند چای، فلاکس چای، برنج، پنکه و... می باشد که با ارائه دفترچه عضویت، به اعضا داده می شود.

10- شورای اسلامی شهر: شورای اسلامی خیرگو، در سال 1378 شروع

به کار کرده است و با شهر شدن شهر خیرگو، به شورای شهر تغییر یافت.

اعضای اصلی آن پنج نفر می باشد.

11- مراکز درمانی: مرکز درمانی شهید احمد آگاهی، از طریق وزارت بهداشت و درمان در زمینی به مساحت 1000 متر مربع در سال 1364، تأسیس شده است که 3 نفر به صورت رسمی و غیر رسمی مشغول به کار هستند.

این مرکز درمانی دارای داروخانه، اتاق بستری، مطب پزشک و اتاق تزریقات می باشد و یک پزشک عمومی در این درمانگاه به طبابت بیماران می پردازد.

این درمانگاه فاقد آزمایشگاه، پزشک متخصص و... می باشد. بنابراین بیماری هایی که به تخصص بیشتر نیاز دارد بیشتر به بیرم، لامرد، لار و شیراز ارجاع داده می شود.

12- مخابرات: دفتر مخابراتی خیرگو در سال 1365 در زمینی به مساحت 600 متر مربع از طرف اهالی خیرگو و کمک جزئی از طرف دولت احداث گردیده است.

این دفتر مخابراتی ابتدا به صورت نیمه خودکار و در حال حاضر با سیستم 512 شماره ای کار می کند و 426 خط تلفن را به متقاضیان واگذار کرده است که از این تعداد 164 خط تلفن در خود خیرگو و بقیه در روستاهای تابع می باشد.

کارکنان این مرکز مخابراتی 2 نفر می باشند که 1 نفر به عنوان پیمانکار و 1 نفر کمکی می باشد. این مخابرات در نظر دارد با توجه به بودن متقاضی تلفن، از 512 شماره ای به مرکز 1000 شماره ای تغییر کند و چون استان جهت کلیه مراکز در نظر دارد به سیستم دیجیتال تغییر سیستم دهد، این امکان نیز برای خیرگو وجود دارد..

13- مدرسه: در این شهر دو مدرسه راهنمایی و دو مدرسه ابتدایی وجود دارد که بدین شرح می باشد:

1) مدرسه راهنمایی دخترانه شهید پژوهش با 2055 متر مربع مساحت، در سال 1369، با وجود یاری مردم تأسیس شده است و در حال حاضر 8 دبیر غیر بومی دارد. تعداد دانش آموزان آن در پایه اول 59 نفر، پایه دوم 39 نفر و در پایه سوم 36 نفر که جمعاً 134 نفر می باشد.

2) مدرسه راهنمایی پسرانه شهید اشرفی اصفهانی با 3500 متر مربع مساحت، در سال 1363، با همیاری مردم تأسیس شده است و در حال حاضر 5 دبیر بومی و 6 دبیر غیر بومی دارد. و تعداد دانش آموزان در پایه اول 74 نفر، در پایه دوم 49 نفر و در پایه سوم 39 نفر که جمعاً 162 نفر می باشند.

به دلیل فقدان دبیرستان دخترانه و پسرانه در این روستا، با کمک شورای روستا، در مهرماه 1378 یک کلاس اول دبیرستان، در مدرسه راهنمایی شهید پژوهش، به نام فدک الزهرا (علیها السلام) با 19 نفر دانش آموز و در مدرسه راهنمایی شهید اشرفی اصفهانی، به نام مطهری، با تعداد 27 دانش آموز آغاز به کار کرده است. لازم به ذکر است که مدارس به صورت دو نوبته، می باشد.

3) دبستان دخترانه آزادی با 2520 متر مربع مساحت در سال 1365 با هزینه دولتی ساخته شده است و در حال حاضر 6 معلم غیر بومی دارد و تعداد دانش آموزان در پایه اول 15، پایه دوم 21، پایه سوم 19، پایه چهارم 19 و پایه پنجم 19 نفر که جمعاً 90 نفر دانش آموز دارد.

4) دبستان پسرانه شهید علی پور که در شیفت مخالف دبستان آزادی، فعالیت می کند از سال 1377 به دلیل خرابی ساختمان قبلی آن، بدین صورت اداره می شود. دارای 2 معلم بومی و 4 معلم غیر بومی می باشد که تعداد دانش آموزان در پایه اول 21، پایه دوم 16، پایه سوم 13، پایه چهارم 22 و پایه پنجم

24 نفر که جمعاً 96 نفر دانش آموز می باشند.

لازم به ذکر است که اولین دبستان یا مدرسه در این منطقه دبستان شهید علی پور بوده است.

باید گفت که دانش آموزانی که در مقطع راهنمایی یا دبیرستان مشغول به تحصیل هستند، از روستاهای اطراف به این روستا که مرکز دهستان است می آیند و باید از وسایل ایاب و ذهاب که هزینه آن را خود متقبل می شوند استفاده کنند یا با وسیله شخصی مانند دو چرخه و... در مدرسه حاضر شوند.

قابل ذکر است که بیشتر دبیران و آموزگاران این منطقه از شهرستان های جهرم، فیروز آباد و دیگر نقاط استان می باشند.

باید اعتراف کرد که خانواده ها در این روستا آن طور که باید به تحصیل فرزندانشان مخصوصاً دختران اهمیتی نمی دهند و بیشتر دانش آموزان تا مقطع سوم راهنمایی درس می خوانند اما خود دختران علاقه به ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان را دارند. دانش آموزان علاقه مند به تحصیل بعد از مهاجرت از روستا، در شهر مورد نظر خود ادامه تحصیل می دهند.

باید توجه داشت که چون زمینه شغلی در این منطقه وجود ندارد و همچنین امکانات محدود می باشد پسران در سن جوانی به کشورهای منطقه خلیج فارس برای کار و فعالیت می روند.

14- مسجد: در خیرگو 3 مسجد و 2 حسینیه وجود دارد که توسط افراد خیر این روستا ساخته شده است.

1- مسجد شهدای خیرگو، تأسیس 1255ه- ش.

2- مسجد ابوالفضل العباس تأسیس 1355ه- ش

3- مسجد امام حسین (علیه السلام) تأسیس 1375 ه- ش.

4- حسینیه علی اکبر 1355 ه- ش.

ص: 251

برنامه های مختلفی در حسینیه ها و مساجد در ایام مختلف سال و مراسم های گوناگون اجرا می شود. سخنرانی ها و روضه خوانی در ماه های محرم و رمضان، نماز جماعت، کلاس های قرآن در تابستان، برنامه های فرهنگی - هنری از قبیل تئاتر و جشن های پیروزی انقلاب و امتحانات مدارس.

15- کتابخانه و خانه فرهنگ خیرگو: خانه فرهنگ خیرگو در بهمن ماه 1389 افتتاح شد.

این مکان با زیربنای 488 متر مربع انجام شد.

خانه فرهنگ خیرگو فعالیت های خود را در بخشهای مختلف از جمله کتابخانه، فضای آموزشی و نگارخانه متمرکز کرده است.

البته کتابخانه دایر در این مکان از چند سال قبل جلوتر (سال 1374) به فرهنگ کتاب و کتابخوانی این دیار کمک کرده بود.

16. کانون فرهنگی امام صادق علیه السلام از سال 1372 در مسجد ابوالفضل العباس علیه السلام و در حسینیه علی اکبر علیه السلام دایر شد.

این کانون در حال حاضر دارای نشان و تابلو و ردیف حقوقی جهت فعالیت ها می باشد.

17. هیات مذهبی ثارالله خیرگو از سال 1377 در مسجد امام حسین علیه السلام فعالیت های مذهبی خود را شروع کرد و در حال حاضر حسینیه های فعال صاحب هیات مذهبی جدا می باشد.

18- غسلخانه: با اینکه در این شهر دو قبرستان وجود دارد و هر کدام از آنها دارای غسلخانه می باشد اما به دلیل کمبود امکانات روستا مانند آب و... مردم ترجیح می دهند که مرده های خود را در منزل شستشو دهند. البته یکی از

غسالخانه‌ها از سال 1377 دارای امکاناتی شده است و رسماً کار خود را آغاز کرده است که تقریباً 4 نفر از مردگان را در آنجا شستشو داده اند.

تعاون، همکاری و نوع معیشت

1. تعاون و همکاری: پر واضح است که محیط شهرهای کوچک به صورتی است که همه خانواده‌ها از همدیگر اطلاعات کافی دارند و به محض اینکه مشکل یا مسئله‌ای شاد و تأسف بار برای هر فرد و خانواده‌ای رخ دهد در عرض چند دقیقه مطلع می‌شوند و در هر صورت، از هر کمکی که می‌توانند دریغ نمی‌ورزند.

مردم این خطه از کشورمان نیز با اصل قرار دادن آیه «تعاونوا علی البرّ و التقوی» در تمامی کارهایی که نیاز به تعاون و همکاری است مشارکت می‌نمایند.

در مراسم عروسی، همگام و همراه با خانواده‌های عروس و داماد در شادی‌هایشان شرکت می‌نمایند و از هر کمکی که از دستشان بر می‌آید غفلت نمی‌ورزند. در مراسم مرگ و سوگواری اهالی روستا نهایت همکاری را نموده و با خانواده‌ی مصیبت زده، غمخواری می‌نمایند. اگر مشکلی برای اهالی روستا پیش بیاید به عنوان مثال: دزدی شود، تمام افراد ناراحتی خود را ابراز نموده و برای پیدا کردن دزد و اموال به سرقت رفته، نهایت کوشش را می‌نمایند. در مراسم جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی و دیگر جشن‌ها و مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی، با حضور در مساجد و حسینیه‌ها و شرکت در آن برنامه‌ها، همکاری خود را به وضوح نشان می‌دهند. سهیم شدن در امور خیریه همچون مدرسه‌سازی، ساختن مسجد، آب‌انبار، کمک به تهیدستان، پناه دادن به دبیران و آموزگاران غیر بومی در منازل خود و... نمونه‌هایی از دیگر همکاری‌های مردم این منطقه است.

ص: 253

2. معاملات: هر خانوار در این روستا، نیازهای اولیه خود را، از طرق مغازه های موجود در روستا و تعاونی مرزنشینان تأمین می نمایند. ماشین های دوره گرد نیز روزانه نیازهای اهالی این روستا به پاره ای از محصولات و... را برطرف می نمایند. اما با این وجود، برای کالاهایی که در روستا یافت نمی شود و نوع مرغوبش وجود ندارد به شهرستان لامرد یا به بخش بیرم و دهستان چاهورز از شهرستان لار مراجعه نموده و به صورت نقد و نسیه، مایحتاج خود را رفع می نمایند یا اینکه به افرادی که به شهرستان های اطراف، مسافرت می کنند سفارش کالاهای مورد نیاز خود را می نمایند. ناگفته نماند که مبادله کالاهای کهنه و فرسوده مانند پلاستیک و... با پول و سایر کالاها نیز صورت می گیرد.

3. صنایع دستی: صنایع دستی در این دیار، جایگاه بسیار محدودی دارد. در زمانهای گذشته حاشیه های تزئینی برای لباس های محلی، تهیه می شده است که بسیار زیبا بوده و به زبان محلی به آن «تلی» می گفتند. همچنین دوک هایی وجود داشته است که پشم گوسفندان را می رسیدند و برای بافت گلیم، مورد استفاده قرار می دادند که این موارد بسیار کم شده است.

هم اکنون با همت کانون فرهنگی جوانان و شورای روستا بافت قالی، پستی بافی و دیگر صنایع دستی به روستاییان آموزش داده می شود، اما هنوز چندان مورد استقبال قرار نگرفته و همیاری بیشتری را از طرف مسئولان امر، می طلبد.

«این نکته را نباید فراموش کرد که صنعت به هر شکلی که باشد اعم از سنگین، سبک، صنایع کوچک و صنایع دستی می تواند در توسعه هر کشوری دخالت نماید و این تأثیر زمانی زیاد می شود، که صنعت مراحل تعالی را پیموده، به شکوفایی برسد. صنایع دستی که می تواند هم حالت کارگاهی و هم حالت خانگی داشته باشد بدون نیاز به فن آوری پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مورد مصرف آن، از داخل کشور

قابل تهیه می باشد. افزون بر این، صنایع دستی دارای ویژگی های هنری و مصرفی به طور توأم بوده، علاوه بر داشتن جنبه های مصرفی قوی، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده، نیز است. بنابراین توجه بیشتری را از سوی مسئولان امر می طلبد. (1)

نوع معیشت

با توجه به موقعیت و محیط جغرافیایی این منطقه شهری، کمبود امکانات، محروم ماندن در زمینه های گوناگون از زمان های گذشته و فقدان زمینه ایجاد شغل و... 90-80 درصد مردان روستا، راهی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی خود کرده است. در صد باقی مانده نیز، از طریق فعالیت هایی خدماتی و تولیدی مانند مغازه داری، کار در مؤسسات، کشاورزی، دامداری و... امرار معاش می کنند. این در حالی است که جمعیت شاغل موجود در روستا 100 نفر مرد و 1 نفر زن را شامل می شود.

1. کشاورزی «در ابتدا باید گفت که زمین های کشاورزی، در صد محدودی به میزان 20 درصد را، به خود اختصاص داده است و این مزارع در کنار خانه های روستایی قرار دارد. محصولات تولید شده شامل گندم، جو، تنباکو و صیفی جات می باشد که هر کدام زمین هایی را به وسعت 30 هکتار تحت پوشش خود قرار داده است. (2)».

محصولات تولید شده، نیازهای خود مردم روستا و روستاهای اطراف را تا اندازه ای، تأمین می نماید.

تهیه کود، بذر و سم پاشی، از جمله کارهایی بوده است که جهاد کشاورزی در این مورد انجام داده است که البته باید خدمات بیشتری از سوی این مؤسسه، به روستاییان، ارائه شود.

ص: 255

1- . مهدوی ، مسعود ، مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، 1377، ص 197 و 194

2- . این مطلب از بخشداری علامرودشت گرفته شده است.

2- دامداری: «بخش دامداری نیز، همانند کشاورزی در صد کمی به میزان 20 درصد را شامل می شود. به طور کلی تعداد دامهای موجود در روستا، در حدود 3000 رأس می باشد»⁽¹⁾

که این دام ها در منازل نگهداری شده و مواد لبنی و گوشتی خانوارهای روستایی را تأمین می نماید. متأسفانه خدمات جهاد سازندگی، در این مورد مشهود نمی باشد. لازم به ذکر است که چرا دادن دامها، بدین صورت می باشد که هر کس تعدادی دام را یک گله شرکت می دهد، (یک سال یا بیشتر) و به ازای هر رأس، مبلغ مشخصی بابت چرا دادن دام، به چوپان پرداخت می شود. البته این عمل بیشتر از صبح تا مغرب انجام می شود و شبها دامها در منزل هستند.

3- جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و دامداری: توجه به موارد ذکر شده، پر واضح است که کشاورزی و دامداری در این منطقه، در صد ناچیزی را شامل می شود و به تبع، تعداد جمعیت شاغل در این دو بخش نیز محدود می باشد. یکی از عوامل به وجود آورنده این وضعیت، ضعیف عمل کردن برنامه های اقتصادی و... می باشد. روستا که باید محل کشت و زرع و پرورش دام باشد، فراتر از یک نام، چیزی از آن باقی نمانده است.

ناگفته نماند که مالکیت زمین های کشاورزی، به صورت ملکی و خصوصی می باشد، به صورتی که این زمین ها، از قدیم الایام به صورت ارث، دست به دست گشته، تا به افراد امروزی (نوادگان) رسیده است. از این زمین ها به شیوه تلمبه کاری، بهره برداری می شود که جزء نظام بهره برداری سنتی می باشد. بدین طریق که از آبهای زیرزمینی و استحصال آب، به وسیله حفر چاههای عمیق

ص: 256

1- . این مطلب از بخش داری علامرودشت گرفته شده است.

و یا نیمه عمیق (که البته آب آنها هم شور می باشد) برای کشاورزی استفاده می شود.

نتیجه گیری

با بررسی و کاوش هایی که در منطقه انجام شد و با مراجعه منابع موجود و در دسترس، اولین تحقیق جامعی که توسط سرکار معصومه سحابی فرد از معلمین سال 1379 این محل بوده انجام گرفته است.

سپس اینجانب با حذف و اضافاتی در خصوص منطقه که زادگاهم هست، از زوایای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار دادیم و توانستیم این شهر را به میزان توانایی خود، با استفاده از روش میدانی و کتابخانه ای برای دوستداران فرهنگ شهری معرفی نماییم.

با انجام این مونوگرافی به نقاط ضعف و مثبت این روستا پی برده شد و مطالب زیر استنباط گردید:

نقاط ضعف: محدود بودن فعالیت های کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی، فقدان زمینه اشتغال و کمبود امکانات مانند بی بهره ماندن از آب لوله کشی سالم و بهداشتی، مهاجرت، نامساعد بودن وضعیت اقلیمی، بها ندادن خانواده ها به تحصیل و دانش اندوزی نوجوانان و جوانان مخصوصاً دختران، محدودیت های اجتماعی دختران، اختلاف طبقاتی، افزایش نسبی میزان طلاق، پایین بودن سطح سواد، آسفالت نبودن کوچه های روستا و مشکلات مربوط به آن، فقدان امکانات تفریحی و ورزشی، غیر بومی بودن آموزگاران و دبیران، آزادی بسیار محدود دختران در انتخاب همسر و... ..

نقاط مثبت: وجود تعاون، همکاری و صمیمیت بین افراد، برخوردار بودن از امکاناتی از جمله برق، تلفن، گاز و آب و مدرسه، خانه بهداشت، مرکز درمانی،

پایبندی به آداب و رسوم و سنت ها، مشارکت در امور خیریه، فعال بودن کانون فرهنگی جوانان، فعال بودن مساجد و حسینیه ها در مراسم ها و مناسبت های مختلف، پای بندی به اصول و ارزش های انقلاب اسلامی و

باشد که نقاط ضعف برطرف شده و به نقاط مثبت افزوده شود و میزان توجه برنامه ریزان اقتصادی و اجتماعی به این منطقه بیشتر شود.

پیشنهادات

1- شهر نوپای خیرگو، می بایست در برنامه های کلان اقتصادی، مورد توجه قرار گیرد.

2- مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی، مونوگرافی جامعی از تمامی روستاهای ایران به عمل آورده و در برنامه های آموزشی - علمی خود مورد توجه قرار دهند.

3- برنامه ریزان اقتصادی، مونوگرافی روستاهای مختلف ایران را مورد مطالعه قرار داده و در برنامه های عمرانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار دهند.

4- تهیه آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، از جمله ضروریاتی است که باید در برنامه های عمرانی روستا، مورد توجه واقع شود.

5- با ایجاد مراکز آموزش صنایع کوچک دستی، افراد را به سمت این فعالیت ها سوق داده و از بیکاری آنها، تا اندازه ای جلوگیری نمود.

6- با ایجاد امکانات تفریحی، ورزشی و ایجاد زمینه شغلی، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کرد.

7- فراهم ساختن آموزش های فنی و حرفه ای در محیط روستا و جذب نمودن تعداد زیادی از جوانان

8- مسائل بهداشتی روستا و روستاییان از جمله مسائلی است که باید مورد

توجه مسئولان ذی ربط قرار گیرد.

9- تشویق نوجوانان و جوانان به کسب علم و دانش (مخصوصاً دختران) و ایجاد امکانات مختلف در این زمینه باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

10- بالا بردن سطح آگاهی های روستاییان در زمینه های گوناگون علمی، بهداشتی و... .

11- مراکز آموزش عالی می بایست در صد بیشتری از پذیرش خود را به روستاها و مناطق محروم اختصاص دهند.

12- در برنامه های تأمین نیروی انسانی برای مناطق مختلف کشور، حداقل امکان سعی شود از نیروهای بومی هر منطقه استفاده شود.

13- تشویق سرمایه داران روستایی، برای سرمایه گذاری در امور تولیدی و زیر بنایی

14- بازدید از مناطق روستایی و بررسی مسایل و مشکلات آنها توسط مقامات مسئول

15- توجه بیشتر جهاد سازندگی و سایر دست اندر کاران به مسایل کشاورزی و دامداری روستاییان و تشویق افراد به فعالیت در این زمینه ها.

محدودیت های تحقیق

1- کمبود منابع و مآخذ یکی از مسایلی بوده که در انجام این تحقیق وجود داشته است.

2- محدودیت های زمانی و نداشتن وقت کافی از جمله مسایلی بوده که برای انجام هر چه بهتر و مفید تر این تحقیق وجود داشته است.

3- فاصله ی زیاد مکانی بین محل تحصیل و محل تحقیق از دیگر مشکلات موجود بوده است.

ص: 259

1. (1348-1347) مونیگرافی دهکده آهار (پایان نامه) مؤسسه تحقیقات و... .. تهران
2. (1349) مونیگرافی ده چمگردان (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی، تهران
3.، فاطمه (1348-1349) مونیگرافی ده خسیبجان شهرستان اراک (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران.
4. تقوی، نعمت الله (1374) مبانی جمعیت شناسی، انتشارات نیما، تهران.
5. حسینی فسایی، حاج میرزا، (1367) فارسنامه ناصری، ج 2، انتشارات امیر کبیر، تهران.
6. حسینی نژاد، سیده مجتبی، خیرگو ای زادگاه خوب من، انتشارات اثر قلم، چاپ اول، قم، 1398
7. سخاء غلامعلی، (1346-1347) مونیگرافی شهر سبزوار (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران.
8. سخاوت، جعفر (1348-1349) مونیگرافی دهکده کهرود اراک (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، تهران.
9. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1375) سیمای فارس، (شهرستان لامرد)
10. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1376) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375. (شهرستان لامرد) انتشارات مرکز آمار ایران.

11. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1370) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1365. (در چارچوب تقسیمات کشوری 1369) شماره 70-145، انتشارات معاونت آمار و اطلاعات
12. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1376) شناسنامه آبادی های کشور، (شهرستان لامرد) انتشارات مرکز آمار ایران.
13. سحابی فرد، معصومه، پایان نامه مونوگرافی روستای خیرگو، 1379
14. شکری، عبدالله (1347) مونوگرافی بخش کهک (از بخش شهرستان قم) (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران
15. طالب، مهدی (1372) روش تحقیق در علوم اجتماعی (دوره کاردانی تربیت معلم) انتشارات تربیت معلم، تهران.
16. عسکری، حسین (1376) مونوگرافی خشت (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس
17. غلامی، محمد (1378) مونوگرافی روستای سلامت آباد کربال (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
18. قوهستانی، داوود (1378) مونوگرافی روستای جهان آباد شهرستان خرامه (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
19. گروه آموزشی جغرافیای استان فارس (1378) جغرافیای استان فارس، (سال دوم دبیرستان) شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران.
20. محمدی فرد، داریوش (1375) مونوگرافی روستای کفدهک (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان فارس.
21.، لطف الله (1309) فرهنگ آبادی های ایران (شامل نام ها و موقعیت جغرافیایی و دهات کشور)
22. زاده، صلاح (1376) مونوگرافی بندرخمیر (پایان نامه) مرکز آموزش

23.، مسعود (1352) مونوگرافی روستای سولان (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی
24.، مسعود (1377) مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، ج 1، انتشارات سمت، تهران.
25. نجفی، کرمعلی (1376) مونوگرافی روستای بند امیر (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
26. وثوقی، منصور (1348) مونوگرافی ده فردیس (پایان نامه) مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
27. هوشیار حاجی حسنی، جهانگیر (بی تا) مونوگرافی شهر صومعه سرا (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی، تهران.

1. عنوان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز

توضیح: این کتاب در شش فصل کلیات و مفاهیم، نماز در قرآن و روایات و وظائف والدین در تربیت دینی فرزندان و عوامل تاثیرگذار در گرایش و عدم گرایش فرزندان به نماز و روش های موثر در تشویق فرزندان به نماز توسط والدین می باشد.

عکس

□

ص: 263

2. عنوان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

موضوع: این کتاب در نه فصل تعلیم فرزندان در قرآن و روایات، قرآن از نگاه بزرگان دیگر ادیان، تعلیم قرآن، نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن، تعلیم قرآن و نقش پدر و مادر و طریقه علاقه مند کردن دانش آموزان با قرآن و راهکارها و نکته های علاقه مندی دانش آموزان با قرآن و در پایان راهکارها و نکته های علاقه مندی دانش آموزان به قرآن پرداخته است.

عکس

□

ص: 264

3. عنوان: نقش پدر در غیرت دینی پسران

موضوع: این کتاب در شش فصل به موضوعاتی چون مفهوم شناسی، ضرورت غیرت از منظر آیات و روایات، انواع و عوامل ایجاد و تقویت کننده غیرت، آثار غیرت و عوامل بی غیرتی، نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت و در پایان نکته های ظرفیت تربیتی و غیرت دینی در سیره و وصیت شهدا می پردازد.

عکس

□

ص: 265

4. عنوان: داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان

موضوع: این کتاب جمع آوری داستان ها و حکایت پندآموز کتابهای چاپ شده حجت الاسلام حسینی نژاد می باشد که 67 داستان و احادیث تربیت فرزند با توجه به حدیث من حفظ علی امتی اربعین حدیثا در راستای تربیت دینی فرزندان آورده شده است.

عکس

□

ص: 266

5. عنوان: خیرگو ای زادگاه خوب من

موضوع: این کتاب در سه بخش مونوگرافی خیرگو، مطالب جمع آوری شده سایت و تلگرام خیرگو است در 580 صفحه آورده شده و در پایان شرح نموداری فرزندان ذکور طوائف خیرگو بیان شده است.

عکس

□

ص: 267

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

